

شناسنامه کتاب

نام کتاب: استفتاءات جدید - جلد سوم

مؤلف: حضرت آیت الله العظمی محقق کابلی (مد ظله العالی)

ناشر: دفتر معظم له

تهیه و تنظیم: سردار حسین نظری

تایپ و صفحه آرایی: محمد جواد محقق (بهسودی) و نظری

لیتوگرافی:

چاپ:

نوبت چاپ: اول - بهار ۱۳۹۲ هجری شمسی

شابک:

قیمت:

نشانی:

الف) افغانستان - چوک شهید مزاری (ره) - مدرسه جامعه الاسلام؛

تلفن: +۹۳ ۷۰۰۲۰۶۸۰۰ و +۹۳ ۷۹۹۳۲۶۰۰۱

ب) ایران - قم، بلوار آیت الله حائری یزدی، کوچه ۶، فرعی ۱ پلاک ۱

تلفن: +۹۸ ۲۵ ۳۷۷۴۳۷۹۳ و +۹۸ ۲۵ ۳۷۷۳۶۳۵۸

نشانی اینترنتی:

www.mohaqq.org E_mail: info@mohaqq.org

حق چاپ محفوظ است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست مطالب

۵	مقدمه
۱۳	مسائل تقلید
۱۵	احکام تقلید
۱۵	معنی تقلید و مرجع
۱۶	راه‌های شناخت اعلم
۱۷	راه‌های دستیابی به فتوی
۱۷	عمل بدون تقلید
۱۹	تقلید از چند مرجع
۲۰	بقا بر تقلید میت
۲۲	تغییر مرجع تقلید
۲۳	مسائل بلوغ و سن تکلیف
۲۵	سن تکلیف دختران
۲۹	سن تکلیف پسران
۳۱	مسائل عبادی
۳۳	احکام طهارت

۳۳	طهارت کودک مسلمان:
۳۴	روش تطهیر متنجس
۳۵	تطهیر لباس با ماشین لباسشویی
۳۵	معاشرت با غیر مسلمان
۴۰	تولیدات گوشتی غیر مسلمان
۴۰	استنجا و طهارت
۴۲	نظافت و بهداشت
۴۴	چیز پاک چگونه نجس می شود
۴۵	نجاسات
۴۵	خون
۴۶	شراب و مست کننده ها
۴۷	احکام نجاسات
۴۷	استفاده غیر حرام از نجس
۴۸	واسطه ها در متنجس
۴۸	حکم وسایل دسته دوم غیر مسلمان
۵۰	احکام وضو
۵۱	وقت و دفعات وضو
۵۱	شستن پا در وضو
۵۲	موانع صحت وضو
۵۳	مسح موی مصنوعی سر
۵۴	وضوی شخص معلول

فهرست مطالب ----- ز

احکام جنابت.....	۵۵
اسباب جنابت	۵۵
احکام حائض.....	۶۰
عادت زنانیکه دارو مصرف می کنند.....	۶۰
زنانی که شرایط عادت را ندارند	۶۱
اعمال عبادی زنان حائض.....	۶۲
غسل میت.....	۶۴
غسل مس میت.....	۶۵
احکام غسلها	۶۷
نیش قبر.....	۶۹
احکام نماز.....	۷۰
اوقات شرعی.....	۷۲
اوقات شرعی جاهای که شب و روز ندارند	۷۵
نماز جمعه و احکام آن.....	۸۲
نیت نماز جمعه	۸۴
شرایط شرکت در نماز جمعه	۸۴
نماز ظهر در روز جمعه	۸۴
شرکت در نماز جمعه‌ی مخالفین.....	۸۵
احکام قبله.....	۸۶
شرائط لباس نمازگزار.....	۸۷
شرایط مکان نمازگزار.....	۹۰

۹۲.....	احکام مسجد.....
۹۴.....	اختیارات واقف مسجد.....
۹۶.....	اذان و اقامه.....
۹۷.....	احکام نماز.....
۹۷.....	فلسفه عربی خواندن نماز.....
۹۸.....	علت بلند و آهسته خواندن نماز.....
۹۹.....	سجده و آنچه که سجده برآن صحیح است.....
۱۰۰.....	افزودن چیزی بر اذکار نماز.....
۱۰۱.....	اذکار و ادعیه.....
۱۰۴.....	نماز مسافر.....
۱۰۷.....	قضای نماز شکسته.....
۱۰۷.....	نماز قضاء.....
۱۱۰.....	شرایط قضای نماز والدین.....
۱۱۱.....	احکام نماز جماعت.....
۱۱۲.....	اهمیت شرکت در نماز جماعت.....
۱۱۳.....	شرکت در نماز جماعت عامه.....
۱۱۴.....	شرایط نمازی که به جماعت خوانده می شود.....
۱۱۵.....	شرایط امام جماعت.....
۱۱۹.....	شرایط اجیر شدن برای نماز.....
۱۲۱.....	احکام روزه.....
۱۲۱.....	فلسفه روزه.....

۱۲۱	نیّت روزه
۱۲۴	خوردن و آشامیدن در روزه
۱۲۶	محتلم شدن در حال روزه
۱۲۸	بقاء بر جنابت در روز ماه رمضان
۱۳۰	استعمال دارو در حال روزه
۱۳۳	مسواک زدن در حال روزه
۱۳۴	خون دادن و حجامت در حال روزه
۱۳۴	روزه با لثه‌ی خونی
۱۳۵	استعمال سیگار در حال روزه
۱۳۵	فرو بردن سر در آب در حال روزه
۱۳۶	اماله کردن
۱۳۶	استعمال مواد آرایشی در حال روزه
۱۳۷	کسانی که واجب نیست روزه بگیرند
۱۳۸	زنان باردار و شیرده
۱۳۸	بیمارانی که بیماریش زیاد می‌شود
۱۴۲	کسانی که قدرت بر روزه گرفتن ندارند
۱۴۳	قضا و كفاره روزه
۱۴۴	زمان و شرایط قضای روزه
۱۴۶	كفاره بطلان عمدی روزه
۱۴۸	ادای كفّاره روزه
۱۵۰	زمان قضای روزه میت
۱۵۲	روزه و سفر

حد ترخص	۱۵۳
دائم السفر	۱۵۵
وطن دوم	۱۶۰
مسافر و روزه مستحبی	۱۶۳
روزه مسافر در کلان شهرها	۱۶۳
رؤیت هلال	۱۶۶
وحدت یا اختلاف افق	۱۶۸
اثبات عید با حکم حاکم شرع	۱۷۲
عید به خاطر تقیه یا وحدت مسلمین	۱۷۳
روزه در روز عید	۱۷۳
احکام خمس	۱۷۵
خمس در اسلام	۱۷۵
خمس وام قرض الحسنه	۱۷۶
خمس مال نذر امام حسین (ع)	۱۷۶
خمس اموال کودک و هدیه	۱۷۷
خمس مال الارث	۱۷۷
خمس مال مراجع	۱۷۸
خمس پول رهن منزل	۱۷۸
کسر وام و بدهی از سرمایه	۱۷۹
شرایط مال متعلق خمس	۱۸۰
روش محاسبه خمس مغازه	۱۸۴
وظیفه و کلا نسبت به وجوهات	۱۸۴

۱۸۵	تصرف در مال غیر مخمس
۱۸۵	نفقه از پول غیر مخمس
۱۸۵	حج با پول غیر مخمس
۱۸۶	شرایط ادای خمس
۱۸۷	مستحقین خمس
۱۸۷	همکاری با کسی که اهل خمس نیست
۱۸۸	احکام زکات
۱۸۸	نصاب زکاة گندم و ...
۱۸۸	شرایط مستحقین زکاة
۱۹۰	احکام زکات فطره
۱۹۴	شرایط پرداخت زکات فطره
۱۹۵	شرایط پولی که فطریه پرداخت می شود
۱۹۶	شرایط مستحقین زکاة فطره
۱۹۹	احکام حج
۱۹۹	احکام مکه و حرم
۲۰۰	شرایط استطاعت برای حج
۲۰۵	شرطیت ختنه در حج
۲۰۵	انصراف از حج و خروج از استطاعت
۲۰۷	شرطیت اذن شوهر در حج
۲۰۷	کسانی که در حج باید نائب بگیرد
۲۰۷	استطاعت بذلی
۲۰۸	نیابت در حج

ل ----- استفتائات جدید / ج ۳

۲۰۹.....	واجبات و محرمات احرام
۲۱۰.....	انصراف و خروج از احرام
۲۱۱.....	احکام منی و قربانی
۲۱۱.....	اشتباه در نوع حج
۲۱۲.....	امر به معروف و نهی از منکر
۲۱۴.....	دفاع، جنگ و جهاد
۲۱۷.....	مسائل تجارتي
۲۱۹.....	احکام معاملات
۲۱۹.....	شرایط عقد در معاملات
۲۲۰.....	شرایط فروش جنس و عوض آن
۲۲۴.....	فروش مستثنیات دین
۲۲۵.....	عقود جایز و احکام آن
۲۲۶.....	معاملات مشروط
۲۳۰.....	معاملات مستحدثه
۲۳۱.....	معامله فضولی
۲۳۴.....	معاملات فاسد و حرام
۲۳۹.....	معامله با سرمایه دیگری
۲۳۹.....	خیار و اعمال آن در معاملات
۲۴۳.....	ربا یا سود در معاملات
۲۴۵.....	احکام شرکت
۲۴۸.....	تقسیم اموال مشترک

۲۵۱	احکام اجاره.....
۲۵۱	شرایط ملک مورد اجاره.....
۲۵۱	اجاره عین مستاجر.....
۲۵۲	اجاره ملک مشترک.....
۲۵۳	تلف عین مستاجر.....
۲۵۴	زمان پرداخت اجاره بها.....
۲۵۴	ضمان در اجاره.....
۲۵۷	احکام رهن.....
۲۵۷	ربا در رهن و اجاره.....
۲۶۰	احکام اجیر شدن.....
۲۶۲	احکام ضمان، دیون و امانات.....
۲۶۶	ضمان رهنه (گله) مشترک.....
۲۶۷	ضمانت شخص عاجز.....
۲۶۸	احکام جعاله.....
۲۷۰	مضاربه.....
۲۷۱	احکام هبه (بخشش).....
۲۷۹	احکام قرض الحسنه (وام).....
۲۸۰	احکام نذر.....
۲۸۱	پس انداز نذورات.....
۲۸۲	تأخیر در ادای نذر.....
۲۸۴	احکام قسم.....

۲۸۶	احکام وقف
۲۹۱	شرایط مال موقوفه
۲۹۲	لزوم حفظ و نگهداری موقوفه
۲۹۳	تغییر کاربری موقوفه
۲۹۵	احکام وصیت
۲۹۶	تفاوت وصی و وکیل
۲۹۷	اختیارات وصی
۲۹۹	احکام ارث
۲۹۹	سهم الارث
۲۹۹	تقسیم سهم الارث
۳۰۴	زمان تملک سهم الارث
۳۰۵	کسانی که از میت ارث می‌برند
۳۰۸	ارث مخلوط به حرام
۳۰۹	احکام ضامن شدن
۳۱۰	مسائل بانکی
۳۱۵	مشاغل و کسب‌ها
۳۲۱	احکام شطرنج، قمار و
۳۲۲	شرط بندی
۳۲۵	مسائل خانواده
۳۲۷	ذوی الارحام کیانند؟
۳۲۸	حقوق والدین

فهرست مطالب ----- س

۳۳۲	حقوق اولاد.....
۳۳۴	ختنه
۳۳۶	جلوگیری از انعقاد نطفه
۳۴۱	احکام شیر دادن.....
۳۴۳	احکام نگاه و حجاب
۳۴۸	محارم سببی و نسبی
۳۴۹	استفاده از عکس زنان در تبلیغات
۳۵۰	کاندیداتوری زنان
۳۵۱	آرایش و زیبایی
۳۵۳	در منظر قرار دادن لباس مخصوص زنان
۳۵۳	ارتباط زن و مرد نا محرم
۳۶۰	ارتباط زن و مرد در فضای مجازی
۳۶۱	ارتباط با زن شوهر دار
۳۶۳	احکام نکاح.....
۳۶۳	ضرورت تحقیق قبل از ازدواج
۳۶۴	مهریه و شیربها
۳۶۸	خرج و مخارج عروسی
۳۷۱	شرایط خواندن عقد
۳۷۴	اجرای عقد توسط عاقد عامّه
۳۷۴	شرایط صحّت عقد
۳۷۵	شرطیت رضایت در صحّت عقد

۳۷۷ جواز شرط در ضمن عقد نکاح
۳۷۹ تخلف از شرایط ضمن عقد
۳۸۱ شرایط جواز عقد موقت
۳۸۴ عقد موقت با زمان طولانی
۳۸۵ ازدواج مسلمان با غیر مسلمان
۳۸۹ ازدواج شیعه با فرق دیگر
۳۹۲ ازدواج سادات با غیر سادات
۳۹۳ زنانی که ازدواج با آنها جایز نیست
۳۹۴ فساد عقد به سبب بیماریهای خاص
۳۹۷ فسخ عقد بدون لفظ طلاق
۳۹۸ وظایف زوج نسبت به همسرش
۴۰۲ وظایف زوجه نسبت به شوهر
۴۰۹ ازدواج دختران باکره
۴۱۱ ازدواج دختری که فرار کرده
۴۱۳ شرطیت اذن پدر در عقد
۴۱۹ حکم ترمیم بکارت
۴۲۰ احکام طلاق
۴۲۰ شرایط اجرای صیغه طلاق
۴۲۲ موارد بطلان صیغه طلاق
۴۲۵ طلاق هایی که اختیار آن باحاکم شرع است
۴۲۵ طلاق هایی که باید زن رضایت مرد را جلب کند

فهرست مطالب ----- ف

۴۲۷	حقوق زن مطلقه
۴۲۷	عیب هایی که سبب طلاق می شود
۴۲۹	مواردی که زن می تواند طلاق بگیرد
۴۳۱	عده و احکام آن
۴۳۳	مسائل غذایی
۴۳۵	شرایط ذبح حیوانات
۴۳۷	حکم ذبیحه عامه
۴۳۷	حکم ذبیحه کتابی
۴۳۹	حکم گوشت های منجمد
۴۴۰	حکم جنین ذبیحه
۴۴۱	حکم خوردن گوشت کوسه ماهی
۴۴۱	شکار برای تفریح
۴۴۳	مسائل قضایی
۴۴۵	داوری و قضاء
۴۴۸	احکام حدود
۴۵۱	موارد جواز تأخیر در اجرای حکم
۴۵۳	عوامل سقوط حد
۴۵۴	حد سرقت
۴۵۵	تبدیل مجازات ها به یکدیگر
۴۵۹	احکام تعزیر
۴۶۱	احکام قصاص

۴۶۳	شرایط حکم به قصاص
۴۷۰	موارد سقوط قصاص
۴۷۳	جواز تأخیر در قصاص
۴۷۴	احکام دیه
۴۷۹	شرایط اثبات قصاص و دیه
۴۸۴	تفاوت دیه زن و مرد
۴۸۵	دیه جنین
۴۸۶	روش محاسبه دیه
۴۹۰	دیه و ماههای حرام
۴۹۳	عوامل تخفیف دیه
۴۹۳	شرایط پرداخت دیه
۴۹۶	شرایط و احکام شهادت
۴۹۷	مدارک مثبت جرم
۴۹۷	علم قاضی و بینة
۵۰۰	احکام مصلوب و محدود
۵۰۴	احکام تبعید
۵۰۶	ولایت و سرپرستی
۵۱۰	رشوه
۵۱۲	احکام غضب
۵۱۵	مسائل اعتقادی
۵۲۲	احکام عزاداری

فهرست مطالب ----- ق

۵۲۸	سحر، جادو و هیپنوتیزم.....
۵۳۱	مسائل اخلاقی
۵۳۹	درمان وسواس
۵۳۹	راه‌های کنترل غریزه جنسی
۵۴۰	گناه کبیره‌ی استمناء.....
۵۴۱	موسیقی و احکام آن.....
۵۴۳	مسائل حقوقی
۵۴۶	حق تألیف و تکثیر.....
۵۴۹	جبران خطای قاضی و مأموران
۵۵۱	جبران خسارت در مال مشترک
۵۵۲	جبران خسارات غیر عمدی
۵۵۵	جبران خسارات عمدی.....
۵۵۹	مسائل سیاسی - اجتماعی
۵۶۲	اختیارات حاکم اسلامی
۵۶۴	انتخابات و مسائل پیرامون آن
۵۶۸	احکام کفار و اهل کتاب
۵۶۹	معاشرت با اهل ضلالت
۵۷۳	حریم و محیط پیرامون آن
۵۷۷	مسائل پزشکی
۵۸۴	احکام تشریح
۵۸۵	احکام تلقیح

ر ----- استفتائات جدید / ج ۳

۵۸۹..... احکام پیوند عضو

۵۹۲..... شبیه سازی انسان و حیوانات

۵۹۳..... تغییر جنسیت

۵۹۳..... استفاده از خون غیر مسلمان

۵۹۴..... آزمایش دارو بر روی انسان

۵۹۵..... جبران خطای پزشکی

۵۹۷..... مال مواد مخدر

۵۹۹..... مسائل متفرقه

۶۰۱..... رسانه ها

۶۰۵..... آداب و رسومات

۶۱۲..... اسامی متبرکه

۶۱۴..... اعتبار ارقام و علائم

۶۱۶..... اصطلاحات و تعابیر

۶۱۸..... ورزشی و تفریح

مقدمه

«فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (نحل/۴۳)؛

قرآن کریم و روایات فراوان راه رسیدن به علم و دانش را سؤال و پرسش از دانایان می‌دانند که استفتاء در امور دینی از بارزترین نمونه‌های آن به حساب می‌آید، قرآن کریم می‌فرماید: «فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (نحل/۴۳)؛ «پس از اهل ذکر [از متخصصین دینی عصرتان] پرسید اگر نمی‌دانید»، اطلاق کلمه «ذکر» شامل هر نوع آگاهی و یاد آوری و اطلاع بوده و «اهل ذکر» نیز به آگاهان جامعه در همه زمینه‌ها صادق است، که خداوند به مسلمانان امر می‌کند آن چه را نمی‌دانند از اهل اطلاع پرسند و خودسرانه در مسائلی که به آن اطلاعی ندارند اقدام نکنند، چنان که در آیه کریمه‌ی دیگر می‌فرماید: «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا» (اسراء/۳۶) «آن چه را که بدان علم نداری پیروی نکن، چه گوش و چشم و دل مسئول‌اند».

در آیات و روایات فراوان بر این امر تأکید شده، از جمله مرحوم کلینی در کتاب شریف کافی، بخش دانش، بایی را به فضیلت و لزوم پرسش نمودن اختصاص داده است، که این نشانه‌ی اهمیت امر سؤال کردن است، اینک نمونه‌هایی از آن روایات شریف:

یکی از اصحاب امام صادق(ع) می گوید: «سَأَلْتُهُ عَنْ مَجْدُورٍ أَصَابَتْهُ جَنَابَةٌ فَعَسَلُوهُ فَمَاتَ قَالَ قَتَلُوهُ أَلَا سَأَلُوا فَإِنَّ دَوَاءَ الْعِيِّ السُّؤَالُ؛ از حضرت پرسیدم، مردی مبتلا به آبله بود، او را غسل دادند و بر اثر آن مُرده است، حضرت فرمود: او را کشتند! چرا مسئله را نپرسیدند؟ هرآینه داروی نفهمی و ندانی پرسیدن است.»^۱

در سخن دیگر فرمود: «إِنَّمَا يَهْلِكُ النَّاسُ لِأَنَّهُمْ لَا يَسْأَلُونَ؛ چون (عده‌ای) از مردم از پرسیدن خود داری می‌کنند به هلاکت می‌افتند»^۲
درباره اهمیت سؤال و دین شناسی فرمود: «لَا يَسْعُ النَّاسَ حَتَّى يَسْأَلُوا وَيَتَفَقَّهُوا وَيَعْرِفُوا إِمَامَهُمْ وَيَسْعَهُمْ أَنْ يَأْخُذُوا بِمَا يَقُولُ وَإِنْ كَانَ تَقِيَّةً؛ مردم در فراخی و گشایش نیستند تا این که بپرسند و بفهمند و امام خویش را بشناسند و مطابق گفته‌ی او عمل کنند و...»^۳

و در سخن دیگر: امام صادق(ع) از پیغمبر اکرم(ص) نقل کرده که فرمود: «أَفَّ لِرَجُلٍ لَا يَفْرَعُ نَفْسَهُ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ لِأَمْرٍ دِينِهِ فَيَتَعَاهَدُ وَيَسْأَلُ عَنْ دِينِهِ؛ اف بر کسی که خود را هر روز جمعه برای دینش آماده نکند تا با آن تجدید پیمان نموده و از [مسائل] دینش سؤال کند».

با نگاهی به سیره‌ی پیشوایان اسلام در می‌بایم که یکی از برنامه‌های آن

۱. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی (ط - الإسلامية)، جلد ۱، ص ۴۰، دار الکتب الإسلامية - تهران، چاپ: چهارم، ۱۴۰۷ ق.

۲. همان.

۳. همان.

بزرگواران پاسخ گویی به پرسش های مهم جویندگان حقیقت و جستجوگران علم بوده، حتی گاهی ائمه معصومین(ع) خود شان را جهت ترغیب مردم به پرسش از عالم و غنیمت شمردن فرصت ها در معرض پرسش ها و سؤالات مردم قرار می دادند، چنان که اَصْبَغ بن نباته نقل می کند: علی(ع) روزی روی منبر فرمود: «سلونی قبل أن تفقدونی؛ پیش از آن که از میان شما بروم [مسائل خود را] از من پرسید» یعنی ای مردم تا زمانی که به ما دسترسی دارید و ما در میان شما هستیم و می توانید از اقیانوس بی کران علم ما بهره مند شوید، بیاید معضلات و مشکلات علمی و اعتقادی خویش را از ما پرسید؛ که ماجرای مفصل آن در منابع مختلف مذکور است.

اسلام به سؤال از آگاهان بسیار اهمیت داده است؛ زیرا غریزه پرسش یکی از غرایز اولیه بشری است و نشانه رشد و اعتلای فکر و اندیشه انسان است؛ خداوند انسان را فطرت و نهاد پاک عطا کرد، تا همواره در جستجوی حق باشد و آغازین جرقه آن را با کنجکاوی و پرسش های کودکانه ی او به صدا درآورد و هیچ گاه او را از توفیق هدایت محروم نساخت و بعضی از بندگان را مُرشد و راهنمای سایرین قرار داد، که بهترین رهبر و مُرشد محمد امین(ص) را به عنوان بزرگترین معلم اخلاق و خاتم رسولان معرفی کرد، او با به یادگار گذاشتن دو امانت بزرگ (قرآن و عترت) تا ابد پرتوی هدایت را در فرا روی بشریت به فروغ واداشت و سعادت انسان را در پیروی و اطاعت آندو دانست؛ تا اینکه از آغاز لحظات غیبت مهدی

فاطمه (ع) دوازدهمین اختر تابناک آسمان امامت و ولایت، با اشاره حضرتش هدایت بشر بر عهده فقهاء گذاشته شد، همان فقهای وارسته‌ای که عمر خویش را وقف راه خدا ساختند و تا پای جان در این راه جانفشانی کرده و سوختند تا دیگران از نور وجودشان بهره مند شده و در کوره راه زندگی سر درگم نشوند.

بر اساس این اشاره یکی از رسالتهای علما و رهبران دینی در تمام اعصار و امصار تبیین دین و پاسخ گویی به پرسشها و شبهات بوده و هست، که مرجعیت شیعه و علمای پیشین در عصر خود به این وظیفه سنگین به خوبی عمل کرده و در برابر شبهات پاسخهای قوی و قویم از خود به یادگار گذاشته‌اند و همواره چون نور افکن‌های قوی، روشنگر راه هدایت بشر بوده‌اند.

در عصر حاضر نیز بحمدالله دانشمندان عالقدر و فقهای بزرگ عهده دار این رسالت عظیم هستند، که در سایه عنایات امام عصر (عج)، با تکیه بر دانش و درایت شان، فارغ از محدودیت‌های زمانی و مکانی، آزادانه آموزه‌های دین و مذهب را از منابع معتبر آن (قرآن کریم، سنت، عقل و اجماع) استخراج و استنباط کرده و در اختیار مسلمانان، متدینین و تمام کسانی که در جستجوی حق و حقیقت هستند قرار می‌دهند و با نشان پویایی و ماندگاری فقه غنی شیعه، تمام مطالبات و سؤالات شرعی و دینی مردم مسلمان را پاسخ گفته و دستورات دینی را طبق مقتضیات زمان در جامعه اسلامی

نشر و گسترش می‌دهند، که از آن جمله است وجود با برکت مرجع عظیم الشأن جهان تشیع حضرت آیت الله العظمی الحاج شیخ قربان علی محقق کابلی (مد ظله العالی)، که ایشان بعد از سالها احراز شرایط مرجعیت و اعلیت، با جهاد رشادت و خدمت به دین و مذهب؛ در پی تقاضای جدی شیعیان به ویژه شیعیان افغانستان، روحانیت، مدرسین و طلاب احساس تکلیف و وظیفه‌ی شرعی نموده و در تاریخ ۱۳۷۳/۶/۲۳ هجری شمسی، رسالت سنگین مرجعیت را رسماً پذیرفتند، واقعا مرجعیت معظم له تحول بزرگی را در جامعه‌ی تشیع خاصاً شیعیان افغانستان به وجود آورد، به عبارتی با پذیرش مرجعیت از سوی ایشان برای علماء روح امید و برای جوانان شور و نشاط و برای ملت آگاهی به مسائل شرعی به ارمغان آمد.

بعد از مرجعیت ایشان هزاران استفتاء از نقاط مختلف جهان به ویژه افغانستان، ایران، پاکستان، کشورهای عربی، اروپا و... صورت گرفت، که توسط واحد پاسخ به سؤالات دفتر ایشان با نظارت مستقیم معظم له پاسخ داده شد، که از این طریق بسیاری از ابهامات و مسائل شرعی حل گردیده و مؤمنین به وظایف شرعیه شان آگاه شدند.

حسب تقاضای مؤمنین مبنی بر جمع آوری و دسته بندی استفتاءات و چاپ آن به صورت کتاب استفتاءات، در تاریخ ۱۳۸۱/۱۰/۵ برای اولین بار «جلد اول استفتاءات» ایشان به زیور

چاپ آراسته گردید، که تا کنون ده ها بار با تیراژ های بالا تجدید چاپ گردیده است.

علاوه بر نشر و چاپ استفتاءات جلد اول و نشر استفتاءات به صورت متفرقه در رسانه های چاپی و برقی توسط مؤلفین، مؤمنین و مقلدین، بناء به ضرورت که احساس می شد «جلد دوم استفتاءات» ایشان نیز در تاریخ ۱۳۸۷/۸/۱۲ به چاپ رسید، که این بار نیز با استقبال گسترده ی مؤمنین روبرو شد.

و اینک در پی درخواست مکرر علما، طلاب و مقلدین معزز، کتاب «استفتاءات جلد سوم»، حاوی ۱۱۴۳ پرسش و پاسخ فقهی منتخب [از میان هزاران پرسش رسیده به بخش استفتاءات] منتشر می گردد؛ قابل ذکر است این مجموعه عموماً به مسائل فقهی و احکام عملی که در واحد سایت اینترنتی دفتر مرکزی (قم)، دریافت، جمع بندی، ویرایش و تدوین گردیده اند، اختصاص یافته است.

امید که مورد قبول الهی واقع گردیده و تشنگان معارف الهی و جویندگان زلال فقه جعفری (ع) را در سراسر جهان سیراب سازد.

در اینجا لازم می دانم از تمام عزیزانی که در تهیه این مجموعه یار و مددکار بنده بوده اند، به ویژه مسئولین محترم بخش استفتاءات حضرات آقایان محمد باقر فاضلی و حسین علی افتخاری (دام عزهما)، که اولاً منابع را در اختیار حقیر قرار دادند و ثانیاً بازبینی و

تصحیح پاسخ ها را از نظر مبنایی و حکمی متقبل گردیدند، صمیمانه
تشکر و قدردانی می‌نمایم.

در پایان از خداوند استدعا دارم که این عمل ناچیز را به کرمش
قبول فرموده و ثوابی از آن برای تمام کسانی که در گردن‌مان حقی
دارند نصیب فرماید و دعای خیر شما خوانندگان عزیز، ذخیره‌ی
باشد برای عالم قبر و قیامت حقیر؛ ان‌شاء الله.

سردار حسین نظری

مبعث خاتم پیامبران(ص) ۲۷ رجب المرجب ۱۴۳۴ هـ ق

برابر با جمعه ۱۳۹۲/۳/۱۷ هـ . ش

مسائل تعلیم

سبحان الله
 عمل به این استغاثات مجزی
 و مبری الزمه است
 ان الله تعالی
 قرآنی محمدی
 احکام تقلید ۲۷ رجب ۱۴۳۴
 راسل
 ..

معنی تقلید و مرجع

◆ **سوال:** [۱] مرجع تقلید به چه کسی می‌گویند؟

◆ **جواب:** مرجع تقلید به مجتهد جامع شرایطی گفته می‌شود که احکام الهی را از ادله چهارگانه فقهی (کتاب، سنت، عقل و اجماع) استنباط کند.

◆ **سوال:** [۲] «اجتهاد» و «تقلید» به چه معنا است؟

◆ **جواب:** «اجتهاد» در اصطلاح فقهی: تلاش مجتهد برای بدست آوردن و استنباط احکام شرعی فرعی از منابع آن (کتاب، سنت، عقل و اجماع) است؛ «تقلید» عبارت است از عمل کردن و پیروی نمودن از فتوای مجتهد جامع شرایط در احکام شرعی.

◆ **سوال:** [۳] بنده تا هنوز از هیچ کسی تقلید نداشته‌ام، بناء سوال

من این است که آیا می‌توانم از خود جناب عالی تقلید داشته باشم؟ اگر بلی، چطور می‌توانم انجام دهم.

◇ **جواب:** بله می‌توانید از این جانب تقلید نمائید، رساله این جانب را بگیرید و بر طبق آن عمل کنید، ان شاءالله در تقلید کفایت می‌کند.

علاوه بر آن، در مواردی که حکمش در رساله نیامده یا تطبیق آن دشوار است، با یکی از دفاتر اینجانب تماس حاصل فرمایید تا مورد به مورد مسائل بررسی و پاسخ داده شود.

راه‌های شناخت اعلم

◇ **سوال:** [۴] آیا می‌توان به غیر از شش مرجعی که نامشان را جامعه مدرسین حوزه علمیه قم آورده‌اند؛ از مجتهدی دیگر تقلید نمود؟

◇ **جواب:** تشخیص مجتهد اعلم به عهده خود مقلد است، که مکلف با استفاده از راه‌های ذکر شده در رساله عملیه، باید مجتهد اعلم را پیدا کرده و از او تقلید کند؛ چه نهاد یا سازمانی آن مجتهد را نام برده باشد یا نام نبرده باشد، در فرض سؤال تقلید از اعلم واجب است.

راه‌های دستیابی به فتوی

◆ **سوال:** [۵] آیا شنیدن فتوا از طریق وسایل ارتباط جمعی (مانند تلفن، اینترنت، رادیو و...) برای مکلفین حجّت دارد؟

◆ **جواب:** اگر از طریق فرد یا رسانه‌ی موثّق فتوای مجتهد را بشنود، این نقل فتوا حجّت است.

عمل بدون تقلید

◆ **سوال:** [۶] من بیست ساله هستم، هنوز از کسی تقلید نکرده‌ام، اکنون باید چه کار کنم و تکالیف گذشته‌ام چطور می‌شود؟

◆ **جواب:** اکنون شما باید از مجتهد جامع الشّرایط تقلید کنید؛ امّا نسبت به اعمال گذشته‌ی تان، اگر مطابق با فتوای مجتهدی که وظیفه شما تقلید از او بوده، انجام شده باشد، صحیح و مجزی است؛ چنانچه بر خلاف رأی مجتهد (که وظیفه‌ی شما تقلید از او بوده) عمل کرده باشید، اعمال گذشته را باید مطابق دستور مجتهد جامع الشّرایط قضا کنید.^۱

۱. (مسأله ۱۷): عبادت جاهل مقصّر ملتفت، اگر چه مطابق باشد با واقع یا فتوای مجتهدی که تقلید وی از او صحیح بوده، به جهت عدم تحقق قصد قربت باطل است. ولی اگر عبادت

◆ **سوال:** [۷] آیا مسلمان دوازده امامی می‌تواند بدون مرجع تقلید زندگی کند؟ اگر کسی از مجتهدی تقلید نکند آیا مرتکب گناه و معصیت شده است؟

بهترین مرجع تقلید زنده کیست؟ و از مرده‌ها کدام‌ها بوده‌اند؟

◆ **جواب:** عمل عوام اگر تقلید نکند و مخالف فتوای مجتهد اعلم (که وظیفه‌اش تقلید از او بوده) باشد، باطل است.

مرجع تقلید را هم باید خود مردم (مکلفین) تحقیق کنند و با ملاک‌های که در رساله عملیه^۱ بیان شده است، تعیین نمایند.

را به رجاء امر انجام داده باشد و بعد کشف شود که امر موجود بوده، عمل محکوم به صحت است.

(مسئله ۱۸): عبادت جاهل قاصر، یا مقصری که هنگام عمل غافل است، و قصد قربت از او حاصل شده باشد، و بعد از عمل کشف شود، که مطابق با واقع، یا فتوای مجتهدی که از او تقلید می‌کند، باشد. صحیح است.

۱. (مسئله ۲۲): اجتهاد مجتهد، به چند طریق شناخته می‌شود: اول: علم وجدانی؛ دوم: شهادت عدلین از اهل خبره و اگر عدلین از اهل خبر نباشند و احتمال برود که از اهل خبره شنیده‌اند، به شهادت آنان نیز اجتهاد ثابت می‌شود.

اگر دو نفر عادل از اهل خبره شهادت به اجتهاد کسی بدهند و دو نفر عادل دیگر غیر از اهل خبره، نفی اجتهاد او را نمایند، شهادت عدلین از اهل خبره مقدم است، ولی اگر بی‌تین، اهل خبره باشند، اجتهاد ثابت نمی‌شود.

سوم: شیاعی که مفید علم، یا اطمینان، به اجتهاد کسی باشد.

مراجع عظام تقلید گذشته که خداوند رحمت شان کند، بسیار بوده‌اند، شناختن تک تک آنها برای عموم ضرورتی ندارد.

◆ **سوال:** [۸] وظیفه کسی که تاکنون مرجع تقلید نداشته چیست؟ و اعمال گذشته‌اش چگونه می‌شوند؟ چنانچه اعمال گذشته‌اش با نظر مجتهدی که وظیفه‌اش تقلید از او بوده مخالفت کند، وظیفه‌اش چیست؟

◆ **جواب:** چنانچه اعمال گذشته او موافق احتیاط و یا مطابق با نظر مجتهد که وظیفه‌اش تقلید از او بوده باشد صحیح است، در غیر این صورت باید اعمال گذشته‌اش را اعاده و قضا کند.

تقلید از چند مرجع

◆ **سوال:** [۹] آیا می‌توان در بابی از ابواب فقه، از مرجعی و در باب دیگر، از مرجع دیگری تقلید کرد؟

(مسأله ۲۳): اعلمیت مجتهد به بینة ای که معارض نداشته باشد و به شیاعی که مفید اطمینان باشد، ثابت می‌شود.

(مسأله ۲۴): هر گاه دو نفر مجتهد باشند، علم و یا بینة قائم به اعلمیت یکی از آنها نشود، اگر علم به اختلاف فتوی بین آنها نباشد، مکلف در تقلید یکی از آنها مخیر است و ظن به اعلمیت یکی، اثر ندارد، ولی اگر علم به اختلاف فتوی باشد، باید به احوط القولین عمل نمود و ظن به اعلمیت یکی مؤثر نیست، چه رسد به احتمال اعلمیت، اما اگر احتیاط ممکن نباشد، باید از محتمل الاعلمیه تقلید کرد.

◇ **جواب:** اگر هر دو یا چند مجتهد در علم و سایر شرایط اجتهاد، مساوی باشند تقلید از دو یا چند مرجع در ابواب مختلف فقه اشکال ندارد.

اگر یکی اعلم از دیگری باشد تقلید از غیر اعلم جواز ندارد، مگر در مواردی که در رساله عملیه بیان شده است.

◇ **سوال:** [۱۰] آیا انسان می‌تواند در بعضی موارد از مجتهد دیگر کسب تکلیف کند، بدون آنکه قصد تقلید دایمی از وی، یا قصد تغییر مجتهد خود را داشته باشد؟

◇ **جواب:** کسب تکلیف در ارشاد و هدایت و نیز راهنمایی کردن در مسائل شرعی اشکال ندارد؛ فقط در مسائل که مجتهد خودش نظر و استنباط مخصوص به خود و اختلاف در فتوا با سایرین دارد، مقلد باید مطابق رأی مجتهد و مرجع خودش عمل کند.

بقا بر تقلید میت

◇ **سوال:** [۱۱] مقلد یکی از مراجع بودم و پس از وفات او، بدون رجوع به مجتهد زنده، به تقلید از او باقی مانده‌ام؛ اکنون چه وظیفه‌ای دارم؟

◇ **جواب:** اگر مجتهد میت اعلم از مجتهدین زنده بوده با اجازه مجتهد زنده می‌توانید به تقلید از میت باقی بمانید؛ چنانچه از

مجتهدین حی کسی که اعلم از مجتهد میت است باشد، باید به او رجوع کند.

در فرض سؤال در این مدت اگر اعمال شما مطابق فتوی مجتهدی که وظیفه شما تقلید از او بوده باشد، صحیح است و الاً باید قضا شود.

◆ **سوال:** [۱۲] آیا طبق فتوای حضرتعالی، بقاء بر تقلید مجتهد اعلم که وفات نموده است، جایز است؟

◆ **جواب:** اقوی جواز بقاء بر تقلید از میت است، چنانچه مجتهد میت اعلم از احیاء باشد، بقاء بر تقلید از میت واجب است.

◆ **سوال:** [۱۳] هل تجیزون لمقلدی المرحوم المرجع السید محمد حسین فضل الله (قدس الله نفسه الزکیة) البقاء علی تقلیده فی المسائل الشرعیة التي عملوا بها أو حتی التي لم يعملوا بها، أو أن یرجعوا إلی سماحتکم (دام ظلکم الکریم) فی المسائل الشرعیة المستحدثة ماذا رأيکم؟

◆ **جواب:** فی مفروض السؤال علیکم بالرجوع إلی المجتهد الحیّ الأعلّم، و الرجوع إلیّ فی المسائل المستحدثة و فی کلّ المسائل الشرعیة لأبأس به إن شاء الله.

تغییر مرجع تقلید

◆ **سوال:** [۱۴] اگر بعد از فوت مرجع، مرجع تقلید زنده‌ای را انتخاب کنند و بعد از سالها متوجه شوند مرجع اعلم‌تری نسبت به مرجع انتخاب شده وجود داشته، آیا می‌توانند مرجع تقلید شان را عوض کنند؟

◆ **جواب:** چنانچه مرجع دوّم اعلم باشد، مؤمنین هرگاه که علم به اعلمیت پیدا کردند، باید به اعلم عدول کنند.

مسائل بلوغ و سن تکلیف

سن تکلیف دختران

◆ سوال: [۱۵] سن تکلیف برای دختر چند سالگی است؟

◆ جواب: طبق نظر مشهور فقهاء تمام کردن نه سال قمری است، ولی به نظر اینجانب اگر دختر در ماه رمضان قدرت بر روزه گرفتن نداشته باشد و یا برایش حرجی باشد و هنوز عادت ماهانه هم نشده باشد، تا سیزده سال قمری به تکلیف نمی‌رسد.

◆ سوال: [۱۶] به نظر حضرت عالی دختران در چه سنی به بلوغ می‌رسند؟ و آیا نه سال تمام موضوعیت دارد یا مثل مرحوم صاحب جواهر (در جلد ۲۶، صفحه ۴) آن را اماره برای بلوغ طبیعی می‌دانید، چنانچه از نظر مرحوم شیخ طوسی و قاضی ابن برّاح، محقق حلّی، علامه حلّی، شهید اول نیز این مسأله استفاده می‌شود.

خلاصه این که آیا بلوغ یک مسأله تعبّدی و فقهی است، یا این که یک موضوع خارجی، آیا علائم و امارات بیان شده از طرف شارع مقدس از قبیل سن، احتلام، حیض و... موضوعیت ندارند؟

◇ **جواب:** اگر دختران بعد از گذشت نُه سال عادت ماهانه نشوند، به نظر اینجانب طبق روایات صحیحه در سن سیزده سالگی به تکلیف می‌رسند و اگر قدرت بر نماز و روزه داشته باشند احتیاطاً بعد از نُه سالگی تکالیف‌شان را انجام دهند.

در فرض سؤال سن، احتلام و حیض علایم بلوغ شرعی‌اند.

◇ **سوال:** [۱۷] تعیین سن برای انجام فرایض دینی، با احکام امضائی و معاملاتی فرق دارند؟ آیا بین سن انجام فرائض دینی از قبیل نماز و روزه، با احکام امضائی و معاملاتی فرقی قائل هستید یا هر دو را در نُه سالگی می‌دانید؟

◇ **جواب:** در فرایض بلوغ شرعی کافی است، ولی در معاملات و ... بلوغ عقلی نیز لازم است.

◇ **سوال:** [۱۸] آیا بین بلوغ عقلی، بلوغ دینی و بلوغ جنسی فرق قائل هستید؟ یا نه. یا به تعبیر دیگر به نظر جناب عالی برای همه تکالیف سن واحدی (نُه سالگی در دختران) جعل و تشریح شده، یا این که هر تکلیفی سنی خاصی را اقتضا می‌کند؟

◇ **جواب:** بله فرق است، در بلوغ شرعی سن و سایر علائم کافیت، ولی در بلوغ عقلی تشخیص منفعت و ضرر لازم است.

◇ **سوال:** [۱۹] روزه در چه سنی واجب می‌شود، آیا این امر در کلیه کشورها یکی است؟ چون کشورهای مثل پاکستان، افغانستان

و ... با عربستان و مانند آن فرق دارد، که دخترها تا سن نه و ده سالگی بسیار ضعیف‌اند و توانایی روزه گرفتن را ندارند تکلیف آن‌ها چگونه است؟ اگر لطف کنید و در رابطه با این مسئله توضیحات ارائه نمایید، هدایت بخش خواهد بود.

◇ **جواب:** پسرها بعد از تمام کردن پانزده سال قمری و دخترها در سن سیزده سالگی (در صورتی که قبل از سیزده سالگی عادت ماهانه نشوند) به تکلیف می‌رسند، که اگر قدرت دارند بعد از نه سالگی نماز بخوانند و روزه بگیرند، بنابر احتیاط نمازش را بخوانند و روزه هم بگیرند و الا در صورتی که هنوز عادت نمی‌شوند و توان روزه گرفتن ندارند سن تکلیف دختران تا سیزده سالگی تأخیر پیدا می‌کند.

◇ **سوال:** [۲۰] نظر مبارک راجع به سن بلوغ دختران چیست؟ لطفا بفرمایید آیا دختران با تمام شدن نه سال قمری بالغ می‌شوند یا داشتن قدرت بر انجام واجب شرط است؟ اگر در ماه رمضان نتواند روزه بگیرد و تا رمضان بعدی نتواند قضای آن را انجام دهد تکلیفش چیست؟ در فرض که نه ساله مکلف نشوند، تصرفات مالی و ازدواج دختران چه صورت خواهد داشت؟

◇ **جواب:** در فرض سؤال اگر دختری بعد از اكمال نه سال قدرت بر روزه گرفتن نداشته باشد، قضا بر او واجب نیست؛ اما در رابطه با تصرفات مالی هم باید تا سن سیزده سالگی یا دیدن حیض، احتیاط شود.

◆ سوال: [۲۱] درباره سن بلوغ دختران، بفرمایید:

الف) سن بلوغ دختر از نظر شرعی چند سالگی است؟

ب) آیا برای دختر از حیث بلوغ می‌توان بین عبادات، عقود و ایقاعات تفاوتی قائل شد؟ یا خیر.

ج) برای اجرای حدود و قصاص چطور؟

◆ جواب:

الف) اگر دختری قبل از سیزده سالگی عادت ماهانه نشود، در سن سیزده سالگی در حد تکلیف شرعی می‌رسد، اگرچه احوط انجام دادن نماز و روزه بعد از نه سالگی است.

ب) در بلوغ دخترها تفاوت وجود دارد، ممکن است بعضی‌ها به رشد فکری نرسند که بتواند نفع و ضرر خود را در اوایل سن بلوغ تشخیص دهند؛ لذا بعضی عقود و ایقاعات را نمی‌توانند انجام دهند.

ج) در اجرای حدود و قصاص هم بلوغ شرعی و رشد عقلی معتبر است.

سن تکلیف پسران

◆ **سوال:** [۲۲] شرایط واجب شدن روزه برای پسران در چه سنی است آیا همان بلوغ شرعی است؟

◆ **جواب:** بله، تمام کردن پانزده سال قمری ملاک است، ولی چنانچه قبل از آن سایر علایم بلوغ را داشته باشند، مکلف و بالغ محسوب می شوند.

◆ **سوال:** [۲۳] نشانه‌های بالغ شدن در پسران چیست؟ لطفاً بیان فرمایید.

◆ **جواب:**

۱- تمام کردن پانزده سال قمری؛ ۲- جنابت؛ ۳- رویدن موهای خشن بالای عورت.

◆ **سوال:** [۲۴] آیا پسری که علائم سبیل و ریش در صورتش پیدا است، می تواند از نشانه‌های بالغ شدن او باشد؟

◆ **جواب:** موارد یاد شده از علائم بلوغ محسوب نمی شوند.

◆ **سوال:** [۲۵] حکم پسری که علائم بلوغ را در خودش کاملاً می‌بیند، اما در انجام تکالیف خود شک دارد و فکر می‌کند که هنوز احکام شرعی برایش واجب نشده است چیست؟

◆ **جواب:** اگر یکی از علائم بلوغ در آن موجود باشد، باید به احکام شرعی خود عمل کند.

◆ **سوال:** [۲۶] پسری هست که به حد بلوغ رسیده، اما پدر و مادرش نمی‌گذارند که روزه بگیرد، می‌گویند ضعیف می‌شود، تکلیف روزه و نماز این پسر چگونه است؟

◆ **جواب:** در ترک واجبات و انجام محرمات اطاعت از والدین جایز نیست، باید به تکالیفش عمل کند.

◆ **سوال:** [۲۷] کسی که نمی‌دانسته به حد بلوغ رسیده و نماز و روزه برایش واجب شده است، بعداً می‌فهمد که چندین سال نماز نخوانده و روزه نگرفته است، وظیفه‌اش چیست؟

◆ **جواب:** در فرض سؤال اگر قضایی نماز و روزه‌های گذشته رابحاً آورد کافست، کفاره ندارند.

مسائل عبادی

احکام طهارت

سیزده چیز نجاست را پاک می‌کند، که آنها را مطهّرات گویند :

- ۱- آب؛ ۲- زمین؛ ۳- آفتاب؛ ۴- استحاله؛ ۵- انقلاب؛ ۶- انتقال؛
- ۷- اسلام؛ ۸- تبعیت؛ ۹- برطرف شدن عین نجاست؛ ۱۰- استبراء
- حیوان نجاستخوار؛ ۱۱- غائب شدن مسلمان؛ ۱۲- خارج شدن
- خون متعارف از ذبیحه؛ ۱۳- سنگ و کهنه استنجا.

طهارت کودک مسلمان:

◆ **سوال:** [۲۸] اگر شخصی با فرزند یک و نیم ساله (۱۸ ماهه) خود غذا بخورد، یعنی با قاشقی که به او غذا می‌دهد خودش نیز غذا بخورد، چون آن طفل پاکی و نجسی خود را نمی‌فهمد این کار از نگاه شرعی چه حکمی دارد؟

◆ **جواب:** چون دهان بچه‌ی مسلمان پاک است غذا خوردن با این بچه در یک ظرف و حتی با یک قاشق اشکال ندارد.

روش تطهیر متنجس

◆ **سوال:** [۲۹] برای پاک کردن جایی که نجس است و آب کشیده نمی‌شود، آیا سه بار کشیدن دستمال خیس پاک که هر دفعه آن را آب کشیده‌ایم کافیست؟

◆ **جواب:** تنها دستمال خیس کشیدن کفایت نمی‌کند، ولی چنانچه آب جاری مانند: آب شیر را یکبار در محل نجس جاری کند طوری که عین نجاست زایل شود و بعد محل را با پارچه پاک خشک کند، آن محل پاک می‌شود.

◆ **سوال:** [۳۰] آیا موکت چسپیده به زمین به وسیله آب لوله کشی پاک می‌شود؟ اگر پاک می‌شود آیا فشار دادن و جمع کردن غساله آن با دستمال و مانند آن لازم است؟

◆ **جواب:** اگر آب جاری مانند آب شیر به محل نجس جریان و استیلا بر عین نجس پیدا کند و آن را از بین برد، محل نجس پاک می‌شود و نیاز به فشار دادن نیست.

◆ **سوال:** [۳۱] چوب نجس چگونه پاک می‌شود؟

◆ **جواب:** اگر چوب نجس را بین آب کر بگذارند یا طوری زیر باران بگذارند که آب در آن نفوذ کند، پاک می‌شود.

تطهیر لباس با ماشین لباسشویی

◆ **سوال:** [۳۲] شستن لباس نجس در لباسشویی‌های تمام اتوماتیک که عمل شستن، آب کشیدن و خشک کردن را انجام می‌دهند چه حکمی دارد؟ آیا لباس نجس با این روش پاک می‌شود؟

◆ **جواب:** چنانچه بعد از بر طرف شدن عین نجاست و بعد از ریختن آب روی لباس، آن را طوری فشار دهد که آب اول (غساله) از لباس خارج شود، چون آب موجود در لباسشویی حکم آب قلیل را دارد، اگر این عمل را بنا بر احتیاط سه بار تکرار کند، لباس نجس پاک می‌شود و الا طهارت لباس‌ها محل اشکال است.

معاشرت با غیر مسلمان

◆ **سوال:** [۳۳] حکم معاشرت با غیر مسلمان چیست؟ آیا کسانی که در کشورهای غیر اسلامی زندگی می‌کنند می‌توانند از غذاهای غیر گوشتی آن‌ها استفاده کنند یا با آن‌ها داد و ستد داشته باشند؟

◆ **جواب:** اگر آن غذا و ظرف‌ها با رطوبت بدن آنها تماس نگرفته باشند، پاک است و الا باید اجتناب گردد؛ روغن حیوانی در حکم گوشت حیوان است، اگر ذبح شرعی آن احراز نشود نجس است، همچنین غذاهای غیر گوشتی، اگر ملوث با چربی نجس یا ظرف نجس باشند حرام‌اند. ولی داد و ستد با غیر مسلمانان در صورتی که مفسده‌ی نداشته باشد اشکال ندارد.

♦ **سوال:** [۳۴] من در یک کشوری هستم که پر از کافر هست؟ نشست و برخاست و حرف زدن و زندگی با آنها چه حکمی دارد؟

♦ **جواب:** اگر تحت تأثیر آنها قرار نگیرید زندگی و رفت و آمد با آنها اشکال ندارد؛ ولی آنها نجس هستند، دست دادن با رطوبت بدن با آنها اشکال دارد؛ همچنین خوردن غذا در ظرف‌های آنان جایز نیست.

♦ **سوال:** [۳۵] من مدت دو سال است که در یک رستوران کار می‌کنم و همکار هندی با آئین هندوئیست دارم، ایشان وظیفه آشپزی دارد، حتی در ماه رمضان المبارک که عده‌ای از خیرین از رستوران ما افطار صائم تهیه می‌کنند؛ ایشان (آشپز هندو) غذای ما را آماده می‌کند حکم شرعی در این باره چیست؟

♦ **جواب:** کسانی که مسلمان نباشند محکوم به نجاست‌اند؛ اگر غذا با رطوبت به بدنهای آنها ملاقات کند نجس می‌شود و خوردن نجس حرام است.

♦ **سوال:** [۳۶] بوسیدن دست یک استاد هندو (غیر مسلمان) چه حکمی دارد؟ حکم غذا خوردن با یک غیر مسلمان در یک ظرف چیست؟

♦ **جواب:** بوسیدن دست غیر مسلمان مشروعیت ندارد؛ همچنین غذا خوردن با آنها در یک ظرف جایز نیست.

◆ **سوال:** [۳۷] من در کشوری زندگی می‌کنم که تمام کافرند و من تمام روز با آنها ارتباط دارم و استادان ما نیز کافرند و حتی بعضی اوقات در هتل‌های غیر مسلمان غذای غیر گوشتی خوردم تکلیف شرعی من چیست؟

◆ **جواب:** کفار و ظرف‌های آنان محکوم به نجاستند و گوشت ذبیحه آنها نیز حرام است؛ ولی اصل معاشرت با آنها اشکال ندارد.

◆ **سوال:** [۳۸] آیا آئین هندوها و سیک‌ها و همین طور آئین بودایی شرک است یا بت پرستی؟

وظیفه مسلمانان افغانستان که در کشورشان یک اقلیت سیک است که مراسم شان آزادانه اجرا می‌شود چیست؟

◆ **جواب:** هندوها و بودائی‌ها مشرکند و بت پرستی همان شرک است؛ در فرض سؤال اگر آنها مقررات حکومت اسلامی را رعایت کنند در امانند؛ ولی محکوم به نجاست هستند.

◆ **سوال:** [۳۹] بنده همراه خارجی‌ها کار می‌کنم، مشکل من اینست که در آشپزخانه تمام کارمندان خارجی می‌باشند، در آشپزخانه آنها گوشت خوک طبخ می‌شود و در کنارش دیگر طعام‌ها نیز هست، ممکن است روغنش مخلوط باشد یا از یک دیگ استفاده کنند، ناگفته نماند که آشپزها از دستکش استفاده می‌کنند، آیا می‌توانیم از سایر گوشت‌ها یا موادی که در روغن پخته می‌شود، استفاده کنیم؟

لباس هایمان را نیز خارجی ها همراه لباس خودشان می شویند؛ آیا با این لباس ها می شود نماز خواند؟

◇ جواب:

ج ۱. طعام خوردن از چنین آشپزخانه های جائز نیست، ولو دست کفار به آن طعامها نخورد، خود گوشت و روغن خوک نجس است.

ج ۲. آن لباس ها، لباس های شما را هم نجس می کند، مگر اینکه لباس هایتان را دوباره تطهیر شرعی کنید، یا اینکه لباس ها با آب جاری شستشو شود و با دست کفار ملاقات نکند که در این صورت نیز لباس ها پاک می شود.

◇ سوال: [۴۰] من جهت تحصیل به هند آمده ام، در مورد استفاده از نان و سایر مواد خوراکی آن سوال دارم، مواد غذایی که توسط هندوها تهیه می گردد، چه حکمی دارد؟

◇ جواب: غذاهای که با دست هندوهای غیر مسلمان، با رطوبت تماس بگیرد نجس است و خوردن آن جواز ندارد.

◇ سوال: [۴۱] آیا کار کردن با خارجی ها و کسب معاش از کار کردن با آنها جواز شرعی دارد؟ یا خیر.

◇ جواب: کار کردن با آنان اشکال ندارد؛ مگر اینکه مفسده ای داشته باشد که موجب انحراف شود، یا سبب شود که شما از غذایی

آلوده‌ی بخورید که با دست کفار با رطوبت برخورد کرده و نجس شده است و مانند آن، که در این صورت‌ها از معاشرت با آنان باید خودداری کنید.

◆ **سوال:** [۴۲] آیا انسان‌های مسیحی نجس هستند؟ غذا خوردن با آنها چه حکمی دارد؟

◆ **جواب:** در فرض سؤال شخص مسیحی نجس است و خوردن غذای که با رطوبت با بدن آنان ملاقات کرده‌اند، جایز نیست؛ چون تماس بدن آنها با رطوبت به غذا، غذا را نجس می‌کند.

◆ **سوال:** [۴۳] مسلمانی که حداقل به زبان می‌گوید من مسیحی هستم و عملاً به کلیسا می‌رود و تارک الصلاة و صوم است، آیا معاشرت با او جایز است؟ یا خیر؛ در یک ظرف نان خوردن با او و در خانه او چای خوردن و... چه حکمی دارد؟

◆ **جواب:** مسلمانی که می‌گوید من مسیحی هستم و کلیسا هم می‌رود و اهل نماز روزه هم نیست، این شخص مرتد حساب می‌شود و نجس است، همچنین سایر احکام مرتد بر او مترتب است؛ لذا تماس بدن و لباس و هر چیزی دیگری که مرطوب باشد با بدن و لباس مرتد نجس می‌شود و حکم معاشرت با او مانند معاشرت با سایر کفار است.

توليدات گوشتی غير مسلمان

◆ سوال: [۴۴] حکم استفاده از چرمهای خارجی که در کشورهای اسلامی فروخته می‌شوند چیست؟

◆ جواب: چرمهای خارجی که حیوان آن مشکوک التذکيه باشند، محکوم به نجاست‌اند؛ چنانچه به دلایلی یقین کنند که چرمی از پوست حیواناتی تهیه شده‌است که تذکيه شرعی گردیده‌اند، پاک است.

استنجاء و طهارت

◆ سوال: [۴۵] اگر کسی ادرار کند می‌تواند مخرج بول را با دستمال توالت تطهیر کند، چون در جایی که من کار می‌کنم امکان تطهیر با آب وجود ندارد و فقط دستمال توالت موجود است؛ در ضمن اگر بخوایم نماز ظهر را بعد از بازگشت از کار بخوانم، نمازم قضا خواهد شد.

◆ جواب: بول فقط با آب قابل تطهیر است، با چیز دیگر تطهیر نمی‌شود، چنانچه بدون تطهیر با آب، نماز بخواند نمازش باطل است؛ مگر اینکه امکان تطهیر با آب به هیچ وجه نباشد، که در آن صورت با همان بدن نجس نمازش را بخواند؛ ولی سعی کند که با بدن و لباس پاک نماز بخواند.

◆ **سوال:** [۴۶] در برخی از کشورهای خارجی که در توالیت آنها آب نیست، اگر با کاغذ طهارت کرده و با آن حالت نماز بخوانیم اشکال شرعی وجود دارد؟ یا خیر.

◆ **جواب:** با کاغذ طهارت حاصل نمی‌شود و نماز خواندن با آن جایز نیست.

◆ **سوال:** [۴۷] من بعد از اینکه تشناب (توالیت) می‌روم بعد از ادرار، آبی مانند منی، ولی سفید مثل آب و غلیظ با شدت زیاد بیرون می‌آید؛ هر بیست و چهار ساعت یکبار این حالت پیش می‌آید، آیا غسل دارد؟ یا نه.

◆ **جواب:** اگر علائم و نشانه‌های منی را داشته باشد، یعنی با التذاذ خارج و بعد از خارج شدن بدن سست شود، آن مایع منی است و غسل جنابت واجب می‌شود، ولی چنانچه علایم منی را نداشته باشد برای آن غسل واجب نیست، که اگر این آب بعد از استبرا خارج شده باشد، پاک است و الا نجس هست.^۱

۱. (مسأله ۳۹۰): اگر رطوبتی از انسان خارج شود و نداند منی است یا بول، یا غیر اینها، چنانچه با شهوت و جستن، بیرون آمده و بعد از بیرون آمدن آن، بدن سست شود، آن رطوبت حکم منی را دارد و اگر هیچ یک از این سه نشانه یا بعضی از اینها را نداشته باشد، حکم منی را ندارد، ولی در مریض لازم نیست آن رطوبت، با جستن بیرون آمده باشد، بلکه اگر با شهوت بیرون آید، و در موقع بیرون آمدن، بدن سست شود، در حکم منی است.

◆ **سوال:** [۴۸] شخصی بر اثر تصادف پایش آسیب دیده، از ران تا بند پا را گچ گرفته است، این شخص در استنجا مشکل دارد و فعلاً با تیمم نماز می‌خواند، آیا نمازش صحیح است؟ «قابل یادآوری است که وضو گرفتن از نظر صحی برایش ضرری ندارد»

◆ **جواب:** در فرض سؤال این شخص باید وضو بگیرد و اگر در استنجا مشکل دارد و نمی‌تواند از الهی نجاست کند با همان وضع باید نماز بخواند، بعداً هر چند روزی که با تیمم نماز خوانده، آن نمازها را قضاء کند.

◆ **سوال:** [۴۹] ما در کشور هند برای تحصیل آمده‌ایم و در جایی که ما زندگی می‌کنیم، دستشویی (توالت) روبه قبله می‌باشد، آیا از نظر شرعی (البته در حالت مجبوری) تکلیفی داریم؟

◆ **جواب:** موقع تخلی باید طرف جلوی بدن یعنی شکم و سینه رو به قبله و پشت به قبله نباشد.

در فرض سوال اگر اصلاً امکان نداشته باشد که رو به قبله و پشت به قبله بول نکنید، پشت به قبله بول کردن اشکال ندارد.

نظافت و بهداشت

◆ **سوال:** [۵۰] آیا موی‌های اضافی که زیر بغل و سایر بدن (شرمگا) می‌روید، از نگاه دین اسلام باید تراشیده شود؟ یا خیر.

برخی از روحانیون گفتند که در صورت امکان مستحب است که ازاله شود، اگر بخواهیم ازاله کنیم، آیا حتما باید بتراشیم یا با استعمال مو برهای امروزی و... نیز می‌توانیم موها را زایل کنیم؟

◇ **جواب:** ازاله موهای که در مواضع بدن می‌رویند از جمله‌ی نظافت است و نظافت هم طبق حدیث نبوی جزء ایمان است؛ سزاوار است که موهای زاید برطرف گردد، در هر صورت فرقی بین ازاله‌ی آن با تراشیدن یا با استعمال پودرهای بهداشتی و مانند آن نیست.

◇ **سوال:** [۵۱] استفاده از موی‌برهای دائمی برای از بین بردن

موهای زاید بدن، چه حکمی دارد؟

◇ **جواب:** اگر موجب ضرر نباشد اشکال ندارد.

◇ **سوال:** [۵۲] آیا اصلاح موهایی که در سنین بلوغ در زیر بغل و

میان پاهای انسان می‌روید واجب است؟

اگر اصلاح آن واجب است چگونه باید آن را اصلاح نمود؟ یعنی

صرفا کوتاه کردن آن در هفته‌ای یک یا دو بار کفایت می‌کند یا

باید حتما با تیغ اصلاح شود؟

اگر کسی نمی‌دانسته است نماز و روزه‌های گرفته شده او چه

حکمی دارد؟ آیا باید قضا و اعاده کند؟

◇ **جواب:** اصلاح آن واجب نیست، بلکه مستحب است و به هر نحو

اصلاح شود کفایت می‌کند و نماز و روزه بدون اصلاح موهای

مذکور صحیح است، قضا و اعاده ندارد.

چیز پاک چگونه نجس می شود

◆ **سوال:** [۵۳] شبهه‌ای به این صورت است که اگر سگی از ظرف آبی، که دقیقاً برابر با میزان آب کر می‌باشد، آب بخورد، حجم آب ظرف از حجم آب کر کمتر می‌شود و بدیهی است که آب با ملاقات سگ کاملاً نجس می‌شود؛ ولی اگر آن سگ به جای نوشیدن آب در ظرف ادرار نماید (نه به میزانی که رنگ و بوی آب را تغییر دهد) با این که می‌دانیم آب حاوی ادرار سگ هست، حکم این آب که به اندازه‌ی ادرار سگ از حجم آب کر نیز بیشتر است، چیست؟

◆ **جواب:** در صورت ملاقات سگ با آبی که در حین ملاقات کمتر از کر باشد آن آب نجس می‌شود؛ ولی اگر در آبی که هنگام ملاقات نجس به اندازه کر بوده است و سگ در آن ادرار کند و اوصاف سه گانه آب (رنگ، بو و مزه) تغییر نکند آن آب پاک است.

◆ **سوال:** [۵۴] ما در افغانستان زندگی می‌کنیم، اینجا آب تشناب که نجس است داخل کوچه می‌آید، وقتی که باران می‌آید و همه جا گل می‌شود، سؤال اینست که در صورت گلی شدن لباس‌ها، آیا با لباس گلی می‌شود نماز خواند؟

◆ **جواب:** اگر یقین به نجاست آن گل‌ها پیدا کند نجس‌اند و نماز خواندن با آن جایز نیست؛ اگر کسی یقین به نجاست آنها ندارد، لباس‌های گلی پاک‌اند و نماز خواندن با آن بلامانع است.

نجاسات

(مسأله): نجاسات (۱۱) چیز است:

اول «بول»، دوم «غائط»، سوم «منی»، چهارم «مردار»، پنجم «خون»، ششم و هفتم «سگ و خوک»، هشتم «کافر»، نهم «شراب»، دهم «فقا»، یازدهم «عرق شتر نجاستخوار».

خون

◆ **سوال:** [۵۵] بعد از تزریق آمپول مقداری خون خارج می‌شود که معمولاً با پنبه الکلی آن را پاک می‌کنند؛ حال می‌شود با این وضعیت (که با پنبه پاک کرده‌اند) نماز خواند یا باید آن محل را آب کشید؟ در صورت عدم خروج خون آیا آن آمپول وارد شده در بدن نجس است؟

◆ **جواب:** اگر الکل با خون مخلوط شود باعث نجس شدن بدن می‌شود، که در این صورت با الکل نجس نماز خواندن جواز ندارد، ولی چنانچه خون تنها باشد و از سر انگشت کمتر، در نماز اشکال ندارد؛ هر چند خود خون نجس است و باید تطهیر گردد.

شراب و مست کننده ها

◆ **سوال:** [۵۶] شرابی که از دیگر میوه‌ها ساخته می‌شود مانند توت و سیب چه حکمی دارد؟

◆ **جواب:** اگر مست کننده باشند خوردن آن جواز ندارد.

◆ **سوال:** [۵۷] حکم آبغوره‌ای که جوشانده شده است چیست؟

◆ **جواب:** غوره‌ی که انگور شده است، اگر جوش بیاید تا زمان که دو سوم آن بر اثر جوشیدن از بین برود نجس است؛ ولی غوره‌ی که انگور نشده باشد، با جوش آمدن نجس نمی‌شود.

◆ **سوال:** [۵۸] نظر به اینکه اغلب ماءالشعیرهای وارداتی در کارخانجاتی تولید می‌شوند که در همان خط تولید انواع نوشیدنی‌های الکلی و مسکر نیز تولید می‌شوند، آیا مصرف این نوع از ماءالشعیرها از لحاظ شرع اشکال دارد؟

◆ **جواب:** اگر ماءالشعیر با مسکرات و نجس ملاقات کند نجس می‌شود؛ چنانچه شک داشته باشد که با نجس ملاقات کرده یا نه؟ در صورتیکه ظرف آن محکوم به نجاست نباشد، آن ماءالشعیر پاک است و الا نجس می‌باشد.

◆ **سوال:** [۵۹] آیا استفاده از الکل در داروها مجاز است؟

◆ **جواب:** اگر مسکر نباشد اشکال ندارد.

احکام نجاسات

استفاده غیر حرام از نجس

◆ سوال: [۶۰] در طبیعت خوک به عنوان پاکساز طبیعت (همه چیز خوار) شناخته شده است، در کشور مسلمان مالزی و خیلی از کشورهای دیگر از این خصیصه‌ی خوک برای کاهش مقدار زباله‌ی (پسماند مواد غذایی) خانگی، هتلها، رستورانها، پادگانها و... استفاده می‌شود، هر هفتاد و پنج رأس خوک پرورشی در بیست و چهار ساعت یک تن (۱۰۰۰ کیلو) زباله را مصرف می‌نماید، خوک پرورشی در مکان‌های محصور و زیر نظر دامپزشکان پرورش می‌یابد.

فواید گوشت و پوست و چربی آن نیز بسیار فراوان است.

دخالت مسلمان در پرورش و تولید محصولات جانبی خوک جهت صادرات و مصرف اقلیت‌های دینی و ارز آوری و کاهش مقدار زباله جهت حفظ محیط زیست چه حکمی دارد؟

◇ **جواب:** استفاده از گوشت و زباله آن در غیر اکل و لبس (خوراک و پوشاک)، مانند تقویت زراعت و کشاورزی اشکال ندارد.

◇ **سوال:** [۶۱] خرید و فروش سگ تزئینی چه حکمی دارد؟

◇ **جواب:** سگ حیوان نجس است و نمی‌تواند اسباب زینت باشد؛ تنها خرید و فروش سگ گلّه یا سگ نگهبان خانه و باغ و زراعت اشکال ندارد؛ خرید و فروش بقیه سگ‌ها جائز نیست.

واسطه‌ها در متنجس

◇ **سوال:** [۶۲] اگر چیز نجس به چیز پاک برخورد کند شیء پاک نجس می‌شود، این نجاست تا چند واسطه قابل سرایت هست؟ یعنی اگر دست نجس به دست دیگر برخورد کند آن نجس می‌شود آیا برخورد دست دوم و سوم به دست دیگر نیز باعث نجاست آنها می‌شوند؟

◇ **جواب:** از سه واسطه بیشتر اجتناب لازم نیست، در فرض سوال از دست چهارم اجتناب لازم نیست.

حکم وسایل دسته دوم غیر مسلمان

◇ **سوال:** [۶۳] می‌خواستم بدانم که اجناس دست دوم، مثل گوشی و لپ‌تاپ که از کشورهای کفر وارد می‌شوند، آیا پاک‌اند؟ یا نجس.

◇ **جواب:** اگر علم به نجاست آنها نداشته باشند، محکوم به طهارت اند.

◇ **سوال:** [۶۴] قطعات الکترونیکی از قبیل فلش دیسک و کامپیوتر و... که در بین افراد خارجی دست به دست می‌شوند از نظر طهارت چه حکمی دارند؟ زیرا این قبیل اجناس قابل تطهیر با آب نیستند؛ در ضمن آن افراد همگی اهل کتاب و غیر مسلمان هستند؟

◇ **جواب:** در فرض سؤال اگر انسان علم به نجاست این وسائل نداشته باشد پاک‌اند؛ ولی اگر یقین به نجاست داشته باشد، ولو از هر راهی یقین به نجاست آن پیدا کرده باشد، آن وسایل محکوم به نجاست‌اند.

احکام وضو

◆ **سوال:** [۶۵] آیا می‌توان مسح سر را از جلوی سر به سمت بالای سر کشید؟

◆ **جواب:** در فرض سوال احتیاط این است که مسح سر از بالا به پائین باشد.

◆ **سوال:** [۶۶] آب مسجدی برای نماز گزاران همان مسجد وقف شده اگر بعد از نماز و خروج از مسجد یقین حاصل کند، نمازی را که با آن وضو در مسجد خوانده به دلیل اخلال در رکن باطل بوده است و هنوز حدثی از او سر نزنده آیا برای اعاده نماز خارج از مسجد باید مجدداً وضو بگیرد یا با همان وضو می‌تواند نماز را خارج از مسجد اعاده کند؟

◆ **جواب:** در فرض سؤال اگر از اول نمی‌دانسته است که این آب وقف خاص این مسجد است، بعد از وضو و نماز متوجه شود نمازش صحیح است؛ ولی برای اعاده نماز احتیاط این است که وضو را نیز تجدید کند.

◆ **سوال:** [۶۷] آیا با غسل‌های مستحبی که در ماه مبارک رمضان

وارد شده است، می‌توان نماز واجب خواند؟

◇ **جواب:** بله با غسل مستحبی می‌تواند نماز بخواند و نیاز به وضو ندارد.

وقت و دفعات وضو

◇ **سوال:** [۶۸] آیا وضو گرفتن مخصوص برای نماز واجب یک ساعت قبل از وقت نماز صحیح است؟

◇ **جواب:** اگر قصد وجوب کرده باشد وضو صحیح نیست، اما اگر با طهارت بودن را قصد کند اشکال ندارد.

◇ **سوال:** [۶۹] آیا انسان می‌تواند با وضویی که برای نماز واجبش گرفته است قضای نمازهای یومیّه‌ای را که قبلاً نخوانده است بجا آورد؟ آیا می‌شود با وضویی به نیت طهارت و پاکی، نمازهای واجب و نمازهای واجب قضا را خواند؟

◇ **جواب:** در هر دو فرض سؤال می‌تواند نماز بخواند.

شستن پا در وضو

◇ **سوال:** [۷۰] از کودکی عادت کرده‌ام که در طهارت کردن همیشه پاهایم را بشویم، آیا نماز و طهارت من درست است؟

◇ **جواب:** در فرض سؤال اگر عوض مسح، پاها را شسته باشید وضوی شما باطل بوده است، باید نمازهای که با این وضو خوانده شده را قضا کنید؛ ولی چنانچه قبل از مسح و یا بعد از مسح پاها را شسته باشید، اشکال ندارد.

موانع صحت وضو

◆ **سوال:** [۷۱] آیا رنگ و جوهر خودکار معمولی مانع از رسیدن

آب به اعضای وضو و غسل می شود؟

◆ **جواب:** در فرض سؤال رنگ خودکار معمولاً مانع رسیدن آب به

پوست نیست، اگر مانع از رسیدن آب در پوست نشود پاک است

و مانع از صحت وضو و غسل نمی باشد.

◆ **سوال:** [۷۲] نظر حضرتعالی را در خصوص خال کوبی بر روی

بدن می خواستم بدانم، با این توضیح که خال کوبی را هم با آب و

هم با رنگ انجام می دهند آیا خال کوبی مشکل شرعی دارد؟ یا

خیر.

◆ **جواب:** اگر خال کوبی مانع از رسیدن آب به بدن نشود اشکال

ندارد (از آنجایی که معمولاً خال کوبی زیر پوست انجام می شود

لذا مانع از رسیدن آب نمی شود) در فرض سوال اشکال ندارد.

◆ **سوال:** [۷۳] آیا خالکوبی برای وضو اشکال دارد؟

◆ **جواب:** اگر خال مانع از رسیدن آب به پوست بدن نباشد اشکال

ندارد.

◆ **سوال:** [۷۴] وظیفه کسی که از کرم های جرم دار (ریمیل و ...)

و معمولی قبل از وضو و غسل استفاده کرده چیست؟ آیا در صورتی که مانع از رسیدن آب باشد یا نباشد فرق می‌کند؟ یا خیر.

◇ **جواب:** اگر مانع از رسیدن آب در موقع وضو و غسل شود، وضو و غسل باطل است و نمی‌تواند با آن وضو و غسل نماز بخواند، در غیر موقع وضو و غسل اشکال ندارد.

مسح موی مصنوعی سر

◇ **سوال:** [۷۵] حکم شرعی مسح و غسل موهای مصنوعی چیست؟

◇ **جواب:** اگر جزء بدن قرار گیرد مسح روی آن اشکال ندارد و در غسل هم مانع حساب نمی‌شود.

◇ **سوال:** [۷۶] آیا مسح سر به اندازه یک انگشت به کنار سر جایز می‌باشد؟ (بالای سر موی مصنوعی دارم)

◇ **جواب:** یک قسمت از چهار قسمت سر که مقابل پیشانی است، جای مسح می‌باشد و هر جای این قسمت را به هر اندازه مسح کند کافیهست؛ اگر تمام پیشانی شما مصنوعی است در صورتیکه جزء بدن حساب می‌شود و از سر جدا نمی‌گردد مسح روی آن اشکال ندارد؛ ولی اگر جدا می‌شود، موقع مسح زیر آن باید مسح شود و مس روی آن و قسمت‌های دیگر سر کفایت نمی‌کند.

وضوی شخص معلول

◆ سوال: [۷۷] سلام من دست چپم از مچ قطع شده چگونه وضو بگیرم؟

◆ جواب: در موقع وضو از آرنج بشوید و پای چپتان را با مچ دست مسح کنید.

احکام جنابت

اسباب جنابت

◆ سوال: [۷۸] چه زمانی بر زنان غسل جنابت واجب می‌شود؟
اگر دخول صورت نگیرد ولی زن احساس شهوت نموده و آبی از
رحمش خارج شود، تکلیف چیست؟

◆ جواب: انسان به واسطه دو چیز جنب می‌شود و غسل جنابت بر
او واجب می‌گردد:

۱- جماع؛

۲- بیرون آمدن منی، در خواب باشد یا بیداری، کم باشد یا زیاد،
با شهوت باشد یا بی شهوت، با اختیار باشد یا بی اختیار؛

در فرض سؤال چنانچه زنان به اوج لذت جنسی برسند و همزمان
رطوبتی از آنها خارج گردد (که غالباً همراه با سستی بدن خواهد
بود) رطوبت مذکور حکم منی را دارد و باید غسل جنابت نمایند؛
ولی در صورت شک وظیفه‌ی (غسل) ندارد.

◆ **سوال:** [۷۹] هرگاه زنان به اوج لذت جنسی برسند و همزمان رطوبتی از آنها خارج گردد و شک کند که رطوبت مذکور منی بوده یا نه تکلیف چیست؟

◆ **جواب:** اگر یقین به منی بودن دارد غسل جنابت واجب است و اگر شک داشته باشد غسل واجب نیست.

◆ **سوال:** [۸۰] آیا کسانی که دچار قطع نخاع هستند، با توجه به این که خارج شدن منی در آنها مشهود نیست، آیا پس از جماع باید غسل کند؟

◆ **جواب:** اگرچه منی خارج نشود، بعد از جماع غسل واجب است.

◆ **سوال:** [۸۱] از شخصی به علت بیماری دائماً منی خارج می شود و نمی تواند خود را کنترل کند، آیا این فرد همیشه جنب است؟

◆ **جواب:** اگر منی خارج شود آن شخص جنب است و اگر غسل کردن برایش ضرر دارد، عوض غسل تیمم کند.

◆ **سوال:** [۸۲] اگر در خواب آبی بدون بو از انسان خارج شود، بدون اینکه آدم بفهمد، آیا جنب شده و غسل بر او واجب می شود؟ یا خیر؛ در ضمن احکام لباس هایی که در بدنش بوده چیست؟

◇ **جواب:** علامت‌های خروج منی در رساله‌های عملیه ذکر شده است^۱ اگر آن علایم و نشانه‌ها نباشد جنابت صدق نمی‌کند و غسل واجب نمی‌شود.

اگر در لباس خود منی ببیند و بداند که از خود او است، که برای آن غسل نکرده، باید غسل کند و نمازهایی را که یقین دارد بعد از بیرون آمدن منی خوانده قضا کند؛ ولی نمازهایی را که احتمال می‌دهد، پیش از بیرون آمدن منی خوانده لازم نیست قضا نماید.

◇ **سوال:** [۸۳] با توجه به اینکه وطی از دبر بعضاً منشأ بیماری‌های گوناگونی می‌شود آیا این کار با رضایت یا بدون رضایت زوجه جواز دارد؟ یا خیر. کسی که این عمل را مرتکب شده و به اوج لذت جنسی هم نرسیده آیا غسل او از وضو کفایت می‌کند؟ یا خیر.

◇ **جواب:** وطی از دبر با رضایت زوجه کراهت شدید دارد، ولی اگر دخول واقع شده باشد غسل جنابت از آن، کفایت از وضو می‌کند.

۱- (مسأله ۳۹۰): اگر رطوبتی از انسان خارج شود و نداند منی است یا بول، یا غیر اینها، چنانچه با شهوت و جستن، بیرون آمده و بعد از بیرون آمدن آن، بدن سست شده آن رطوبت حکم منی را دارد و اگر هیچ یک از این سه نشانه یا بعضی از اینها را نداشته باشد، حکم منی را ندارد ولی در مریض، لازم نیست آن رطوبت، با جستن بیرون آمده باشد، بلکه اگر با شهوت بیرون آید، و در موقع بیرون آمدن، بدن سست شود، در حکم منی است.

◆ **سوال:** [۸۴] اگر کسی به واسطه استمناء (جلق) جنب شود و فرصتی برای غسل نداشته باشد، آیا او نماز بخواند یا هیچ نماز نخواند؟

◆ **جواب:** در فرض سؤال که مرتکب یکی از معصیت‌های کبیره شده است باید توبه کند؛ اما اگر فرصت برای غسل نداشته باشد باید تیمم کند و نماز بخواند.

◆ **سوال:** [۸۵] اگر کسی با دیدن فیلمی تحریک جنسی شود و از او مقدار بسیار کمی حدود یک قطره آب شفاف که اصلاً شباهت به منی ندارد بیرون شود، آیا حکم جنابت را دارد؟ یا خیر.

◆ **جواب:** اگر علائم منی [که در مسئله ۳۹۰ رساله عملیه بیان شده است] را نداشته باشد حکم منی را ندارد و اگر با شهوت خارج شود و یا بعد از بیرون آمدن آن بدن سست شود در این صورت آن مایع منی بوده و غسل جنابت واجب می‌شود.

◆ **سوال:** [۸۶] کسی چندین سال در حال جنابت، روزه گرفته و نماز خوانده؛ در حالی که نمی‌دانسته جنب باید غسل کند، تکلیفش چیست؟

◆ **جواب:** باید نمازش را قضا کند و بنا بر احتیاط واجب روزه اش را نیز قضا کند.

◆ **سوال:** [۸۷] چنانچه جنب بداند که عمداً یا غیر عمد تا آخر وقت نمی تواند غسل کند آیا می تواند با تیمم در اول وقت نماز بخواند؟

◆ **جواب:** در صورت علم به عدم امکان غسل می تواند در اول وقت نماز را با تیمم بخواند.

◆ **سوال:** [۸۸] کسی به دلیل نبود آب مجبور به تیمم بدل از غسل جنابت می شود و با آن تیمم نماز می خواند، سپس در ساعات بعد دسترسی به آب پیدا می کند، آیا اکنون باید غسل کند تا نمازهای بعدی را بخواند یا همان تیمم بدل از غسل قبلی کفایت می کند؟

◆ **جواب:** وقتی دسترسی به آب پیدا کرد، تیمم آن شخص باطل می شود باید غسل کند و نماز بخواند.

◆ **سوال:** [۸۹] اگر کسی جنب باشد و بنا بر مشکلی نتواند غسل جنابت را در مدت یک و یا دو روز انجام دهد، تکلیف نماز آن شخص چگونه می شود؟ آیا شخص نماز بخواند یا نه؟

◆ **جواب:** در فرض سؤال آدم جنب اگر غسل نتواند باید بدل از غسل تیمم کند و نماز بخواند.

احکام حائض

◆ **سوال:** [۹۰] آیا در عادت ماهیانه، برای انجام غسل باید تا پاک شدن کامل لکه‌ها که مدت هشت یا نه روزی طول می‌کشد صبر کند؟

◆ **جواب:** در فرض سؤال باید تا زمانیکه از حیض کاملاً پاک نشده لازم است غسل حیض را به تأخیر اندازد.

عادت زنانی که دارو مصرف می‌کنند

◆ **سوال:** [۹۱] به علت مصرف قرص‌های ضد بارداری در حالی که ۱۰ روز پیش از عادت ماهیانه پاک شدم دوباره خونریزی شبیه حیض دارم حکم شرعی آن چیست؟

◆ **جواب:** اگر خون ریزی دوّم در ایام عادت شما باشد و یا بین خونریزی دوم و قبلی ده روز فاصله شده باشد و علایم مخصوص خون حیض را داشته باشد آن خون، خون حیض است.

◆ **سوال:** [۹۲] کسی که قرص جلوگیری برای قطع عادت استفاده

می‌کند اگر لکه‌هایی ببیند آیا حکم حیض را دارد یا استحاضه است؟

◇ **جواب:** حکم استحاضه را دارد؛ مگر اینکه خون مصادف با ایام عادت باشد که در این صورت اگر کمتر از سه روز و زیاد تر از ده روز نباشد حکم حیض را دارد، باید به مقدار عادت سابقه را حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد.

زنانی که شرایط عادت را ندارند

◇ **سوال:** [۹۳] آیا زنان که رحم آنها را به طور کامل برداشته‌اند و در سن یائسگی نیستند؛ خونی که می‌بینند عادت محسوب می‌شود؟ یا خیر.

اگر این زنها از شوهران شان طلاق بگیرند یا شوهران شان فوت کنند، آیا عده دارند؟ یا خیر.

◇ **جواب:**

ج ۱) بنا بر احتیاط واجب اگر علائم خون حیض را داشته باشد؛ احکام حیض را جاری کنند.

ج ۲) بله اگر یائسه نباشند هم عده وفات دارند و هم عده طلاق.

◇ **سوال:** [۹۴] اگر زنی در سن یائسگی خونی ببیند که تمام شرایط حیض را داشته باشد، عادت ماهیانه محسوب می‌شود، یا

نه؟ اصولاً سن یائسگی چه سالی است و آثار آن چیست؟

◇ **جواب:** خون حیض حساب نمی‌شود و آثار یائسگی این است که اگر شوهرش طلاق دهد عده ندارد.
سن یائسگی در زنان غیر قریشی پنجاه سال و در زنان قریشی (سیده) شصت سال می‌باشد.

اعمال عبادی زنان حائض

◇ **سوال:** [۹۵]

- ۱- آیا حضور زنان حائض و جنب در حسینیه‌ها به هنگام عزاداری، رفتن به گلزار شهداء، قرائت فاتحه بر مزار گذشتگان و شرکت در جلسات قرآن جایز است؟
- ۲- با توجه به این که دعای شریف کمیل، مشتمل بر آیه ای از سوره سجده است (جمله «أَفْمَنْ كَانُ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانُ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ» سوره سجده آیه ۱۸)، آیا قرائت این دعا برای زنان حائض جایز است؟

◇ **جواب:**

ج ۱: اشکال ندارد.

ج ۲: با توجه به این که آیه مذکور آیه سجده نیست قرائت آن بر زنان حائض حرام نیست؛ ولی احتیاط در ترک آن است.

◆ **سوال:** [۹۶] کسی که عادت ماهیانه باشد و نذر صلوات داشته باشد، آیا در ایام عادت می‌تواند نذر را ادا کند؟

◆ **جواب:** فرستادن صلوات در ایام عادت اشکال ندارد؛ در فرض سؤال می‌تواند نذر صلواتش را در حال عادت اداء نماید.

◆ **سوال:** [۹۷] زنی اقبایش فوت کرده است، جلسه ختم در مسجد برگزار می‌شود؛ به طور اتفاقی این خانم در این موقع حائض می‌شود و نمی‌تواند به مسجد برود. اگر مسجد نرود آبرویش می‌رود، حال تکلیف شرعی چیست؟

◆ **جواب:** اطاعت از اوامر و نواهی الهی، هیچ گاه باعث آبروریزی کسی نمی‌شود و مجوز ارتکاب حرام نیست؛ لذا مکث در مسجد برای این زن به این عذر که آبرویش در خطر است جائز نیست.

◆ **سوال:** [۹۸] جلسه ختم و فاتحه در مسجدی گرفته می‌شود، خانمی که باید در ختم شرکت کند، در این موقع حائض می‌شود، شرکت نکردن او باعث ناراحتی صاحبان عزا می‌شود و احتمال دارد موجب بغض و عدوات گردد، وظیفه شرعی این زن چیست؟

◆ **جواب:** اگر ایشان عذرش را با صاحبان عزا بگویند، هیچ کسی ناراحت نمی‌شود چون عذری است که همه‌ی زن‌ها گرفتار آن می‌شوند؛ لذا ناراحتی معنا ندارد.

غسل میت

◆ **سوال:** [۹۹] یکی از بستگان ما در خارج از کشور فوت کرده است و یک شخص سنی او را غسل داده است می‌خواستم بدانم تفاوت غسل میت شیعه با غسل میت سنی چیست؟ آیا این غسل مجزی است؟ یا خیر.

◆ **جواب:** تفاوت غسل در این است که شیعه سه غسل را واجب می‌دانند:

یک غسل با آب خالص و یک غسل با آب سدر و یک غسل به آب کافور؛ ولی اهل سنت فقط یک غسل را واجب می‌دانند که آن غسل با آب خالص باشد و دوتا غسل دیگر را مستحب می‌دانند؛ در صورتیکه غسل دهنده شیعه پیدا نشود این غسل کفایت می‌کند.

◆ **سوال:** [۱۰۰] آیا جدا شدن عضو از بدن انسان مرده یا زنده در هنگام دفن، نیاز به غسل دارد؟

◆ **جواب:** اگر دارای استخوان هست و قبلاً غسل داده نشده باشد، غسل آن واجب و الا غسل آن واجب نمی‌باشد، باید در یک پارچه پیچند و دفن کنند.

غسل مس میت

◆ سوال: [۱۰۱] در برخی از شکستگی‌ها استخوان آشکار می‌شود در حالی که از بدن جدا نشده است، آیا مس آن نیاز به غسل دارد؟

◆ جواب: در فرض سوال غسل واجب نیست.

◆ سوال: [۱۰۲] داکتری روزانه با سه یا چهار طفل مرده تماس دارد تکلیف غسل مس میت او چیست؟

◆ جواب: اگر بدون دستکش، دست یا بدن انسان با بدن میت که سرد شده است، تماس بگیرد غسل مس میت واجب می‌شود؛ ولی اگر تماس با جسد از روی دستکش و مانند آن باشد موجب غسل مس میت نمی‌گردد.

◆ سوال: [۱۰۳] یک داکتر روزانه چندین میت را لمس می‌کند تکلیف چیست؟

◇ **جواب:** اگر دستکش نداشته باشد غسل‌های متعدد بر او واجب می‌شود، ولی یک غسل از همه غسل‌های واجب او کفایت می‌کند؛ اما اگر با دستکش مس کند غسل بر مس کننده واجب نمی‌شود.

◇ **سوال:** [۱۰۴] تماس با بافت‌های مرده‌ی مجاور عضو سالم برای مراقبت از موضع عمل و جلوگیری از عفونت چه حکمی دارد؟

◇ **جواب:** در صورتی که خود شخص زنده باشد، تماس با بافت‌های مرده مجاور عضو سالم اشکال ندارد و غسل واجب نیست.

احکام غسلها

- ◆ **سوال:** [۱۰۵] آیا تمام غسل‌های واجب و همچنین غسل‌های مستحبی که با دلیل معتبر ثابت شده (مثل غسل جمعه، غسل احرام، غسل شب‌های قدر و مانند آن) کفایت از وضو می‌کند؟ یا خیر.
- ◆ **جواب:** تمام غسل‌های واجب و غسل‌های که استحباب آنها توسط دلیل معتبر ثابت شده است کفایت از وضو می‌کنند؛ بلکه هر غسلی که با قصد قربت انجام شود، از وضو کفایت می‌کند.
- ◆ **سوال:** [۱۰۶] آیا در غسل، پس از شستن سر و گردن رعایت ترتیب شستن چپ و راست بدن واجب است؟
- ◆ **جواب:** رعایت ترتیب بین طرف راست و چپ احوط است.
- ◆ **سوال:** [۱۰۷] در غسل جنابت اگر لباس زیر (غیر از عرق‌گیر) بر تن داشته باشیم و زیر دوش قرار بگیریم آیا غسل صحیح است یا باید حتماً جریان آب به تمام بدن برسد؟
- ◆ **جواب:** باید آب در تمام بدن جریان پیدا کند و اگر لباس مانع از رسیدن آب شود غسل صحیح نیست.

◆ سوال: [۱۰۸]

۱- اگر در بین غسل حدثی (باد معده) از انسان سر بزند آیا غسل باطل می‌شود؟

۲- آیا با انجام این غسل می‌توان نماز یا کارهای دیگری که نیاز به وضو دارد را خواند و انجام داد؟

◆ جواب: بنا بر احتیاط غسل را ادامه دهد و دوباره غسل را اعاده کند و احتیاطاً برای کارهایی که نیاز به وضو دارد وضو نیز بگیرد.

◆ سوال: [۱۰۹] اگر زنی از عادت ماهیانه خلاص شود و هنوز غسل آن را انجام نداده و غسل دیگر مانند جنابت و... نیز بر او واجب شود، تکلیفش چیست؟

◆ جواب: هرگاه شخصی جنب باشد و غسل دیگری مانند حیض، نفاس، مس میت و... نیز بر ذمه‌اش باشد، یک غسل از تمام غسل‌های ما فی الذمه کفایت می‌کند.

نش قبر

◆ **سوال:** [۱۱۰] میتی را بدون حنوط دفن کرده‌اند، از نظر شرعی این مسئله چگونه می‌باشد؟ آیا نسبت به میت بعد از دفن وظیفه‌ای هست؟ یا خیر.

◆ **جواب:** اگر تازه دفن شده باشد و نش قبر توهین به حساب نیاید، باید نش قبر شود و میت را در قبر حنوط نمایند.

◆ **سوال:** [۱۱۱] اگر در بدن میت چیز گران‌بهایی باشد، آیا از نظر فقهی جایز است بدن را شکافته و آن چیز را در بیاوریم؟ آیا این کار هتک حرمت بدن مسلمان حساب نمی‌شود؟

◆ **جواب:** در صورتی که هتک حرمت میت حساب نشود در آوردن آن اشکال ندارد و الاً جایز نیست؛ ولی اگر آن چیز غصبی باشد در این صورت در آوردن آن جایز بلکه راجح است، اگرچه موجب هتک شود.

احکام نماز

◆ **سوال:** [۱۱۲] تکلیف نماز و روزه مسلمانان در قطبین چگونه

می‌شود؟ آیا بین افراد بومی و مهاجر در احکام فرق هست یا نه؟

◆ **جواب:** بین آنها فرق نیست، اگر قدرت نداشته باشند که احکام

و دستورات دینی شان را انجام دهند، از آنجا مهاجرت کنند.

◆ **سوال:** [۱۱۳] آیا بیدار کردن همسر، فرزند یا هر شخص دیگری

برای نماز صبح واجب است؟ یا خیر.

◆ **جواب:** در فرض سؤال بنا بر احتیاط واجب در موقع نماز همسر و

فرزندان را بیدار کند ولی بیدار کردن دیگران واجب نیست.

◆ **سوال:** [۱۱۴] دست کردن حلقه طلای سفید برای مرد حلال

است یا حرام؟ آیا طلای سفید همان پلاتین است؟

◆ **جواب:** طلا چه سفید باشد یا زرد برای مرد حرام است و اگر از

جنس طلا نباشد استعمالش برای مرد اشکال ندارد، در مورد

تعیین اینکه طلای سفید از جنس طلا است یا نه، بهتر است از

متخصصین در امور طلاجات و فروشندگان آن سؤال شود.

◆ **سوال:** [۱۱۵] هل يجب على المؤمن أن يوقظ أبناءه المكلفين لصلاة الصبح؟ خاصته إذا كان تركه لهم موجبا لعدم إتيانهم صلاة الصبح في وقتها أغلب أيام الشهر، مثلاً إذا تركهم لحالهم لا يقومون لأداء الصلاة إلا أياماً معدودة من الشهر الواحد فهل في هذه الحالة يجب عليه أن يوقظ أبناءه أم يتركهم لحالهم؟

◆ **جواب:** لا يجب عليكم أن يوقظهم لأنهم غير مكلفين في حال النوم ولكن الأحوط إيقاظهم.

◆ **سوال:** [۱۱۶] برخی از مراجع می گویند بستن چشمان در نماز مکروه است، به نظر حضرتعالی اگر راه حضور قلب منحصر به آن گردد تکلیف چیست؟

◆ **جواب:** اگر به قصد ورود نباشد اشکال ندارد.

اوقات شرعی

◆ **سوال:** [۱۱۷] وقت افطار روزه چه زمانی است؟ آیا برای افطار باید صبر نمود تا سرخی مشرق (یعنی حمره مشرقیه) برطرف شود؟ یا خیر.

◆ **جواب:** معیار در افطار و نماز خواندن غروب شرعی است، در صورت شک در غروب شمس، احتیاط کند تا اطمینان به غروب شرعی پیدا نماید.

◆ **سوال:** [۱۱۸] علمای اهل تسنن مردم را در تعجیل افطار دعوت می‌کنند، اما مردم شیعه تا ختم اذان مغرب افطار نمی‌کنند، ولی علمای اهل تسنن در این مورد می‌گویند که شیعیان خلاف سنت پیامبر (ص) عمل می‌کنند، به نظر حضرتعالی علت دیر افطار کردن شیعیان چیست؟ و ادعای آنان حقیقت دارد؟ یا خیر.

◆ **جواب:** در موقع غروب شرعی افطار جایز است و علت اینکه شیعه‌ها زود افطار نمی‌کنند از باب احتیاط است، تا یقین پیدا کنند به غروب شرعی؛ اگر کسی یقین پیدا کند که در موقع اذان

غروب شرعی تحقق پیدا کرده در این صورت لازم نیست افطار را به تأخیر اندازد.

◆ سوال: [۱۱۹]

۱- شب قدر را خداوند بزرگ یک شب گفته است، پس اگر شب قدر یک شب باشد، در آن شب نیم کره زمین روز است، پس آن‌ها از شب قدر بی بهره می ماند، اگر آن‌ها شب قدر داشته باشند ما بی بهره می مانیم، اگر هر دو داشته باشیم پس دو شب قدر شده، هیچ وقت نیست که هر دو کره جهان همزمان شب باشد در صورتی که شب قدر یک شب است.

۲- شب قدر از قدیم بوده یا همین که قرآن کریم بر پیامبر (ص) نازل شد شب قدر نام گذاری شد؟

◆ جواب:

ج ۱) در فرض سؤال شب قدر هر کس و هر منطقه اختصاص به همان منطقه و کشور دارد، پس شب قدر همان یک شب است، متهی شب قدر هر نقطه از کره زمین نسبت به همان نقطه است؛ مثل اینکه جمعه کشورهای آسیای غیر از جمعه قاره آمریکا است.

ج ۲) شب قدر قبل از اسلام و قبل از نزول قرآن بوده است.

◆ سوال: [۱۲۰] آیا شب قدر در تمام دنیا یکی است؟

◆ جواب: شب همان قرار گرفتن سایه‌ی قسمتی از کره‌ی زمین بر

روی قسمت دیگر است، بنابراین، اگر شب قدر مثلاً از مکه شروع شود تا زمانی که این سایه تمام کره‌ی زمین را فرا گیرد شب قدر ادامه دارد و در واقع شب قدر بیست و چهار ساعت طول می‌کشد و در تمام کره‌ی زمین یک شب است.

◆ **سوال:** [۱۲۱] من در سوئد زندگی می‌کنم و اوقات شرعی را از اینترنت گرفته‌ام، ولی در آن تا روز چهاردهم ماه مبارک وقت اذان صبح نوشته نشده است، ولی بعد از روز چهاردهم وقت اذان هست و هر روز گاهی پانزده دقیقه و یا ده دقیقه اختلاف دارد، ما باید چی کار کنیم یعنی چه زمانی از خوردن دست کشیده و نماز صبح را بخوانیم؟

◆ **جواب:** در چنین موارد احتیاط کنید، دیرتر افطار نمایید و در موقع سحر زودتر از سحری خوردن دست بردارید و یا از منابع معتبر و افراد کارشناس آنجا اوقات شرعی را سؤال کنید.

◆ **سوال:** [۱۲۲] آیا روزه ما در وقت سحر با اذان برادران عامّه باطل می‌شود؟

◆ **جواب:** اگر اذان برادران اهل سنت بعد از اذان برادران شیعه باشد، کفایت نمی‌کند؛ ملاک در طلوع صبح و دست کشیدن از مفطرات طلوع فجر صادق است.

◆ **سوال:** [۱۲۳] هوا تاریک شده باشد و نفهمد که شام شده است

یا نه، یعنی اذان گفته یا نه! و نماز مغرب را خوانده باشد و در رکعت سوم نماز عشاء باشد که اذان بگویید، آیا هر دو نمازش (مغرب و عشاء) صحیح است یا فقط عشاء؟

◇ **جواب:** در فرض سؤال نماز مغرب و عشاء را دو باره بخواند.

◇ اوقات شرعی جاهای که شب و روز ندارند

◇ **سوال:** [۱۲۴] من در کشوری فنلاند سکونت دارم، این کشور در قسمت شمالی کره زمین واقع شده است، اینجا در زمستان روزها بسیار کوتاه و در تابستان روزها بسیار بلند است، مثلاً در زمستان ساعت هفت و نیم (۷:۳۰) اذان صبح داده می‌شود و ساعت پانزده یعنی سه بعدازظهر اذان شام داده می‌شود؛ چون ما سر کار و یا مدرسه هستیم و در آنجاها امکان و موقعیت نماز خواندن را نداریم، بنابراین نمازمان قضا می‌شود و برعکس در تابستان ساعت ۳ — ۲:۳۰ صبح اذان صبح داده می‌شود و اذان شام ساعت ۲۴ — ۲۳ یا همان دوازده شب داده می‌شود که برای نماز خواندن مان خیلی مشکل ایجاد می‌شود و از همه مشکل تر روزه گرفتن در تابستان است که حدوداً ما باید ۱۹ — ۱۸ ساعت روزه بگیریم که قادر به این کار نیستیم، من باخبر شده‌ام بعضی از مراجع تقلید به مقلدان خود اجازه داده‌اند که در این مواقع از اوقات شرعی دیگر کشورها مثلاً عربستان یا ایران پیروی کنند.

نظر حضرتعالی در مورد این مسئله چیست؟ آیا ما می‌توانیم، فقط در این مورد از دیگر مراجع تقلید و پیروی کنیم؟
ثانیاً: شرایط تعویض مرجع تقلید چیست؟

◇ **جواب:** در فرض سوال وظیفه شما نماز خواندن و روزه گرفتن هست، البته بر طبق اوقات کشورهای همجوار نمی‌توانید وظایف دینی خود را انجام دهید؛ زیرا عمل طبق افق کشور دیگر در جاهای است که شب و روز نداشته باشد مثلاً معادل چند روز یا چند ماه شب یا روز باشد.

اگر قادر به روزه گرفتن نیستید و آنجا برای شما در حکم وطن باشد باید هر روز در ماه رمضان بیست و دو و نیم کیلومتر مسافرت کنید، بعد از گذشتن از حد ترخص می‌توانید افطار کرده و برگردید.

اگر قدرت مسافرت در هر روز را نداشته باشید و روزه گرفتن برای شما امکان نداشته باشد و یا مشقت شدید داشته باشد، در این صورت می‌توانید افطار کنید و کفاره عمد، که برای هر روز شصت مد طعام (۴۵ کیلوگرم گندم یا آرد) است، به ۶۰ فقیر کفاره بدهید و قضا آن را هم بعداً بگیرید؛ این مسئله فتوی است و حق رجوع ندارید.

◇ **سوال:** [۱۲۵] من در فنلاند زندگی می‌کنم اینجا خیلی دیر تاریک می‌شود الان که ماه رمضان است حدوداً ساعت ۲۲ شب

اذان مغرب می‌شود و این خیلی دیر است، می‌خواستم بپرسم که آیا من و خانواده‌ام می‌توانم به وقت ایران یا مکه افطار کنم؟

◇ **جواب:** در فرض سؤال که در ۲۴ ساعت شبانه روز مقداری از آن شب و مقداری روز است، در ماه رمضان روزه بگیرید و در شب اعمال شب را انجام دهید که نماز مغرب و عشاء باشد و اگر قدرت به روزه گرفتن ندارید و مدت سه سال و یا بیشتر در انجام زندگی کرده‌اید برای فرار از روزه، هر روز مقدار بیست و دو نیم کیلومتر از شهر محل سکونت خود خارج شوید و روزه‌ی خود را افطار کنید بعد به محل سکونت خود برگردید و در روزهای معتدل سال قضاء آن را بگیرید.

◇ **سوال:** [۱۲۶] یکی از دوستانم در شهر مسکو زندگی می‌کند و اوقات صبح و شام شهر مذکور از کابل خیلی فرق می‌کند، یعنی صبح در آن شهر تقریباً نصف شب است و آنجا مساجد هم وجود ندارد و شام آنان تقریباً ساعت سه بعد از ظهر است. به نظر حضرت‌عالی، افطار آنان چگونه باید صورت گیرد؟ فعلاً وی با دوستانش از جدول اوقاتی استفاده می‌کنند که از سفارت ایران مقیم آنجا دریافت کرده‌اند.

◇ **جواب:** اگر آن جدول قابل اعتماد باشد بر طبق آن اوقات شرعیه اعمال شرعی خود را تنظیم کنند و شرایط اوقات نماز را در رساله‌های عملیه مطالعه کنند و بر طبق آن عبادات خود را انجام دهند.

◆ **سوال:** [۱۲۷] بنده یک سال است که در شمال نروژ زندگی می‌کنم اینجا ساعت یازده (۲۳ شب) تاریک می‌شود و من ساعات نماز را از سایت مسلم دات نیوز (که یک سایت سنی است) می‌گیرم می‌خواستم بپرسم وقت نماز شیعه و اهل سنت فرق می‌کند؟ یا خیر؛ چون من نماز مغرب را ساعت ده شب می‌خوانم، ولی این در حالی است که هنوز هوا تاریک نشده آیا از نظر شرعی این مسئله مشکل دارد؟ یا خیر.

◆ **جواب:** شرایط اوقات نماز را در رساله عملیه مطالعه کنید و طبق آن اعمال شبانه روزی خود را انجام دهید؛ در فرض سؤال مهاجرت از چنین جاهای واجب است، باید در جاهای زندگی کنید که امور دینی و مذهبی را بتوانید به طور معمول و متعارف انجام دهید؛ نمی‌شود بخاطر امور دنیوی در جای زندگی کرد که واجبات دینی را نتواند در اوقات شرعی خودشان انجام داد.

◆ **سوال:** [۱۲۸] بنده ساکن کشور نروژ هستم، از آنجایی که کشور نروژ در شمالی ترین نقطه جغرافیایی قرار دارد طول شب و روز در طی فصول سال بسیار متغییر می‌باشد، با نزدیک شدن ماه مبارک رمضان و متقارن شدن با تابستان نروژ طول روزها بسیار طولانی و شبها بسیار کوتاه می‌باشد. ۱۷ الی ۲۳/۵ ساعت روز و باقی شب هست البته این بستگی به موقعیت شهرها دارد که در شمال باشد یا در جنوب؛ سوال ما در مورد اوقات شرعی

نروژ هست، تکلیف مسلمانانی که در این کشور زندگی می‌کنند چیست و چگونه برای انجام واجبات (نماز و روزه) زمان بندی کنند؟

◇ **جواب:** در فرض سؤال از چنین جاهای مهاجرت واجب است؛ اگر شب و روز دارد روزهی روزه‌های ماه مبارک رمضان واجب است ولو روزها طولانی باشد؛ مگر این که عسر و حرج باشد که در صورت عدم امکان مهاجرت، به اندازه رفع حرج می‌تواند آب بخورد و بعداً قضا کند.

◇ **سوال:** [۱۲۹] من در جای هستم که هیچ وقت هوا تاریک نمی‌شود به نظر شما من چگونه باید نماز بخوانم و روزه بگیرم؟

◇ **جواب:** به نظر اینجانب، مهاجرت از چنین جاهای واجب است و اقامت در جاهای که نتواند عبادات روزانه را به طور معمول انجام داد جایز نیست.

◇ **سوال:** [۱۳۰] من مجبور هستم در جایی زندگی کنم که چهار ماه در سال هوا روشن هست و من نمی‌توانم آنجا را ترک کنم حالا به نظر شما من چگونه نماز بخوانم و روزه بگیرم؟

◇ **جواب:** به نظر این جانب مهاجرت از چنین جاهای واجب است و باید مهاجرت کنید؛ چنانچه در عسر و حرج هستید و نمی‌توانید از آنجا هجرت کنید، بنا بر احتیاط واجب نماز و روزه خود را بر

اساس نزدیک‌ترین شهری که شب و روز معتدل دارد و با شما در خط جغرافیایی مشترک قرار دارد، انجام دهید؛ اگر کشورهای همجوار شب و روز شان متفاوت باشد آنکه مطابق احتیاط است را انتخاب کنید.

◆ **سوال:** [۱۳۱] اینجانب مقیم کشور دانمارک هستم، فهمیدن زمان نماز صبح و پایان سحری برای ما مشکل است، می‌خواستم بدانم آیا از نگاه شرعی بین طلوع آفتاب و نماز صبح کدام زمان مشخص است، مثلاً یک ساعت، دو ساعت یا کمتر یا بیشتر؟

◆ **جواب:** زمان مشخص نیست در چنین موارد احتیاط کنید و به مقدار دوساعت قبل از طلوع آفتاب از خوردن و آشامیدن در ماه رمضان خود داری کنید.

◆ **سوال:** [۱۳۲] اینجانب یکی از مقلدین شما هستم و در شمال کشور سوئد زندگی می‌کنم و در فصل تابستان روزهای اینجا خیلی طولانی هست، یعنی اینجا فقط سه ساعت شب دارد، یعنی فاصله بین مغرب و نماز صبح فقط سه ساعت هست، که در بعضی مناطق سوئد اصلاً نماز صبح معلوم نیست، چون هوا اصلاً تاریک نمی‌شود، خیلی از خانواده‌های شیعه در اینجا زندگی می‌کنند و مسافرت هم برای شان مقدور نیست، تکلیف ایشان در ماه رمضان چیست؟ می‌شود روزه را برطبق اوقات شرعی پایتخت

اینجا یعنی استکهلم گرفت؟ یا به افق کدام کشور نزدیکتر دیگر؟

◇ جواب: هر جایی که شب و روز دارد باید مطابق افق خودش احکام شرعی را انجام دهد، در فرض سوال روزه گرفتن براساس اوقات شرعی پایتخت یا شهر دیگر جایز نیست.

نماز جمعه و احکام آن

◆ سوال: [۱۳۳] آیا نماز جمعه کفایت از نماز ظهر می‌نماید؟

◆ جواب: بله کفایت از نماز ظهر می‌کند.

◆ سوال: [۱۳۴]

الف) آیا گوش دادن به خطبه‌های نماز جمعه واجب است؟ اگر کسی عمداً گوش ندهد یا در اثناء خطبه‌ها حرف بزند معصیت کرده است؟

ب: اگر کسی عمداً گوش ندهد یا در اثناء خطبه‌ها حرف بزند می‌تواند نماز جمعه بخواند؟

◆ جواب:

الف) در فرض سؤال، گوش دادن به دو خطبه نماز جمعه برای کسانی که معنای خطبه را می‌فهمند بنابر احتیاط، واجب است و اگر کسی عمداً گوش ندهد گناه کرده است.

ب) هر چند حرف زدن هنگام خطبه خواندن امام جایز نیست؛ ولی اگر کسی

در وقت خطبه حرف زده باشد، نماز جمعه‌اش صحیح است.

◆ سوال: [۱۳۵]

الف) آیا خواندن نماز جمعه در عصر غیبت واجب است؟ و آیا کفایت از نماز ظهر می‌کند؟

ب) آیا خواندن نماز ظهر و جمعه، هر دو در روز جمعه (جمعاً) رجحان دارد؟

ج) در نماز واجب یا مستحبی می‌شود به جای ذکرهای سجده، ذکر دیگری گفت مثلاً در رکوع به جای سه مرتبه سبحان الله، سه مرتبه الله اکبر گفت؟ و آیا می‌شود در کنار ذکر واجب هر فعلی از افعال نماز ذکرها و دعاها را دیگری هم خواند؟

◆ جواب:

الف) خواندن نماز جمعه در عصر غیبت اگر شرایط آن جمع باشد، واجب تخییری است.

ب) بلی نماز جمعه کفایت از نماز ظهر می‌کند و خواندن هر دو، یعنی هم نماز ظهر و هم نماز جمعه در یک روز جمعه رجحان ندارد.

به جای ذکر سجده که معروف و مستحب است گفتن سه مرتبه سبحان الله یا یک مرتبه «سبحان ربی الاعلی و بحمده»، گفتن هر

ذکری که به آن مقدار باشد کافی است، همچنین در کنار هر ذکر واجبی می‌تواند ذکر یا دعای دیگر را نیز رجاءاً گفت.

نیت نماز جمعه

◆ **سوال:** [۱۳۶] اگر نماز جمعه را یک شخص طلبه به دستور فقیه جامع الشرائط اقامه کند، آیا در هنگام نیت نماز جمعه، باید نیت کند که به دستور حاکم شرع نماز جمعه را اقامه می‌کنم یا چون قبلاً آن شخص را به عنوان امام جمعه معین کرده، همان تعیین فقیه به عنوان امام جمعه کافیه است و در حال اقامه نماز جمعه لازم نیست بگوید به دستور فقیه نماز را اقامه می‌کنم؟

◆ **جواب:** لازم نیست منتسب به فقیه کند.

شرایط شرکت در نماز جمعه

◆ **سوال:** [۱۳۷] آیا شرکت فرد کر و لال در نماز جمعه جایز است؟ مجزی از نماز ظهرش می‌باشد؟

◆ **جواب:** بله جایز است و نماز جمعه از نماز ظهر کفایت می‌کند.

نماز ظهر در روز جمعه

◆ **سوال:** [۱۳۸] برخی می‌گویند که در ظهر جمعه‌ها، تا پایان وقت نماز جمعه، اقامه نماز ظهر و عصر به صورت جماعت یا فرادی

نباید صورت گیرد، آیا این کار صحّت دارد؟

◇ **جواب:** بنا بر احتیاط مستحب از برگزاری نماز جماعت و فرادی خودداری شود، مگر برای کسانی که از شرکت در نماز جمعه معذورند؛ مثل پیر مرد و پیر زنها و کسانی که مریض هستند.

شرکت در نماز جمعه‌ی مخالفین

◇ **سوال:** [۱۳۹] من در شهری زندگی می‌کنم که تعداد شیعیان بسیار کم است و مسلمانان اهل سنت زیاد هستند، آیا من می‌توانم روزهای جمعه با آنها به اقامه نماز جمعه پردازم؟ یا خیر؛ اگر آری، با چه شرایطی؟

◇ **جواب:** شما می‌توانید در نماز جمعه آنها (عائمه) شرکت کنید؛ ولی حمد و سوره را خودتان آهسته قرائت نمایید.

◇ **سوال:** [۱۴۰] من در هلمند کار می‌کنم و تمام همکارانم سنی مذهب هستند و در روزهای جمعه از من می‌خواهند که در نماز جمعه شرکت کنم؛ رفتن به نماز جمعه ثواب زیاد دارد، ولی مسجد تشیع در این منطقه نیست؛ لذا از مقام محترم خواهشمندم که در این زمینه مرا راهنمایی کند، اگر در نماز جمعه آنها شرکت کنم چگونه وظایفم را انجام دهم؟

◇ **جواب:** در فرض سؤال شما می‌توانید در نماز جمعه آنها شرکت کنید، منتهی بعد از نماز جمعه نماز ظهر را هم بخوانید و نماز عصر را در صف جماعت آنها باشید، ولی نمازتان را خودتان بخوانید.

احکام قبله

خانه کعبه که در مکه معظمه می‌باشد قبله است، انسان باید رو به آن نماز بخواند، ولی کسی که دور است، اگر طوری بایستد که بگویند رو به قبله نماز می‌خواند کافیهست، همچنین است کارهای دیگر، مانند سر بردن حیوانات که باید رو به قبله انجام بگیرد.

کسی که نماز واجب را ایستاده می‌خواند، باید صورت و سینه و شکم او رو به قبله باشد و احتیاط مستحب آن است که انگشتان پای او هم رو بقبله باشد.

◆ **سوال:** [۱۴۱] در حال نماز، اگر سهواً صورت نماز گزار از قبله منحرف شود، به نماز او اشکال وارد می‌شود؟ یا خیر.

◆ **جواب:** اگر به طور کامل منحرف شود باید نماز را دوباره بجای آورد.

شرائط لباس نمازگزار

◆ **سوال:** [۱۴۲] آیا حرمت موی گربه در نماز مختص به گربه است یا گربه سانان مانند شیر، ببر و امثال آن را هم شامل می شود؟

◆ **جواب:** موی تمام حیوانات حرام گوشت اگر در لباس و بدن نماز گزار باشد، نماز را باطل می کند.

◆ **سوال:** [۱۴۳] درباره لباس های لیلای (دست دوم) که امروزه در بازار عرضه می شود از قبیل: کفش های چرمی، جمپهای (کاپشن) چرمی و لباس هایی که از تکه (پارچه) ساخته شده، اگر استفاده از آنها جایز نباشد، از چه نوع چرم هایی می توانیم استفاده کنیم؟

◆ **جواب:** کفش های چرمی که از کشورهای غیر اسلامی وارد می شوند یا لباس هایی که تکه های چرم در آنها بکار رفته و از کشورهای غیر اسلامی وارد می شوند نجس و نماز با آنها باطل است؛ اما لباس هایی که از پارچه ساخته شده است ولو از

کشورهای غیر اسلامی وارد شده باشند پاک‌اند و نماز با آنها جائز است. در فرض سوال می‌توانید از کفش‌های غیر چرمی خارجی استفاده کنید.

◆ **سوال:** [۱۴۴] پوشیدن بوت لیلامی (دست دوم) که از کشورهای کفر می‌آید از نظر شرعی جواز دارد؟ یا خیر؛ در صورت عدم جواز تکلیف نمازها و عبادات قبلی‌اش که از بوت لیلامی استفاده کرده چیست؟

◆ **جواب:** چرم‌های خارجی و کفش چرمی که از کشورهای غیر مسلمان می‌آورند نجس‌اند و مانع از صحت نماز می‌باشد؛ مگر اینکه احراز شود که ذبح شرعی شده‌اند و اگر به نجاست کفش جاهل باشد (جاهل قاصر) و با عرق کفش جوراب پایش عرقی شده باشد و نداند که عرق آن نجس است و نماز خوانده باشد نمازش صحیح است؛ ولی اگر در دانستن مسئله کوتاهی کرده نمازهای که با رطوبت کفش خوانده باید قضاء کند.

◆ **سوال:** [۱۴۵] آیا پوشیدن لباس سیاه در نماز مکروه است؟

◆ **جواب:** در فرض سوال لباس سیاه به جز عمامه و عبا در نماز مکروه است.

◆ **سوال:** [۱۴۶] آیا یک مرد می‌تواند با لباس زیر (شلوارک) که در حالت ایستاده تا قسمت بالای زانو قرار دارد، نماز بخواند؟

◆ **جواب:** در صورتی که زنان نامحرم وجود نداشته باشد نماز

خواندن با آن حال اشکال ندارد و الا احتیاط استحبابی ستر است.

◆ **سوال:** [۱۴۷] شخصی در مقعدش زخمی دارد که همیشه مقداری خون و چرک در لباس و بدنش می‌باشد؛ همچنین با خم و راست شدن این زخم و خون بیشتر می‌شود، تکلیف طهارت و نمازش چگونه است؟

◆ **جواب:** اگر قابل معالجه نیست، همین که در موقع نماز با پلاستیک و غیره از تعدی خون به بدن و لباس جلوگیری کند کافی است و می‌تواند نمازش را ایستاده بخواند.

◆ **سوال:** [۱۴۸] فردی که بی اختیاری ادرار دارد، نماز او چگونه است؟ فرد حتی بعد از تطهیر خود و عوض کردن لباس باز هم بی اختیاری ادرار دارد و در بین نماز احتمال خارج شدن چند قطره ادرار هست، می‌خواستم بدانم با این وضعیت چگونه عبادت خود را انجام دهد؟

◆ **جواب:** اگر در موقع نماز امکان تطهیر بدن و لباس نباشد با سوند و پوشک و غیره از نجس شدن بدن و لباس جلوگیری کند و با همان حالت نماز بخواند نمازش صحیح است.

شرایط مکان نمازگزار

◆ **سؤال:** [۱۴۹] در یکی از ولایات افغانستان در دوران حکومت

طالبان هتلی با استفاده از قدرت حاکمهی وقت؛ منزل (طبقه) دوش (مانند سقف، صحن و تمام دیوارهایش) از خاک محدوده قبرستانی که توسط اهالی قریه و روحانیون منطقه برای دفن اموات تعیین گردیده بود، اعمار گردیده و هنگام ساخت این هتل نیز اهالی متذکر و مانع استفاده از خاک قبرستان شده‌اند، ولی صاحب هتل اعتنایی نکرده و هتل را ساخته است.

آیا خواندن نمازهای یومیّه مسافرین، عابریّن و خصوصاً مردم ساحه در این هتل صحیح است؟ یا خیر.

ثانیاً حکم استفاده و کسب منفعت توسط صاحب هتل که هتلش را از خاک قبرستان عمومی، بدون رضایت مردم ساخته است چگونه است؟

◆ **جواب:** استفاده از خاک قبرستان موقوفه جواز ندارد؛ اگر کف

هتل از آن خاک نباشد نماز صحیح است اگرچه دیوار هتل از خاک غصبی باشد، کسب منفعت از ملک غصبی حرام است.

◆ **سوال:** [۱۵۰] کسی در مسجد جا نماز پهن کرده و یا روی فرش سنجاق بزند به این معنی که جای من است و کسی ننشیند، آیا این امر اعتبار دارد؟

◆ **جواب:** بله با پهن کردن جا نماز یا نصب سنجاق حق اولویت پیدا می کند.

احکام مسجد

◆ **سوال:** [۱۵۱] بالای مسجد، خانه‌ی مسکونی ساخته‌اند، آیا این کار مشکلی ندارد؟

◆ **جواب:** در فرض سؤال اگر واقف از اوّل چنین قصدی داشته که بالای مسجد خانه‌ی مسکونی ساخته شود، اشکال ندارد.

◆ **سوال:** [۱۵۲] در منزل دو طبقه، آیا می‌شود که فقط طبقه دوم آن را مسجد قرار دهیم و طبقه اول را برای کارهایی دیگری مانند واحدهای تجاری و ... استفاده نماییم؟

◆ **جواب:** بله؛ می‌تواند فقط طبقه‌ی دوم را مسجد قرار دهند؛

◆ **سوال:** [۱۵۳] با توجه به ضرورت ورزش، آیا ورزش کردن در مسجد و حسینیه برای همگان، مخصوصاً برای جوانان و نوجوانان، که جای دیگر برای ورزش ندارند جایز است؟

◆ **جواب:** ورزش مناسب شأن و منزلت مسجد نیست، احتیاطاً از چنین کاری پرهیز شود.

◆ **سوال:** [۱۵۴] آیا فروش اشیاء غیر قابل استفاده مسجد و صرف

در سایر احتیاجات آن مسجد یا مساجد دیگر جایز است؟

◆ **جواب:** فروش اسباب و لوازم مسجد جایز نیست، مگر اینکه بلا

استفاده بماند، که در این صورت فروش آن اشکال ندارد.

◆ **سوال:** [۱۵۵] ما حکم زخرفة المساجد؟ وما حکم الصلاة فی

مسجد فيه زخرفة، مع ملاحظة قول النبی (ص) أنها من فتن آخر

الزمان؟

◆ **جواب:** فی مفروض السؤال تذهیب المسجد حرام و أمّا الصلوة

فيه صحیحة.

◆ **سوال:** [۱۵۶] در حیاط بیشتر مساجد توالی قرار دارد که چاه

آنها داخل حیاط مسجد است (البته پوشیده است) و دیگر اینکه

برای ملای مسجد خانه در حیاط مسجد بنا می کنند، که شستن

لباس و ظروف در حیاط مسجد انجام می گیرد، یا اینکه آب آنها و

حمام از داخل حیاط مسجد عبور می کند و خارج می شوند و نیز

ملا یا خادم مساجد در حیاط مسجد برای خود سبزی کاری

می کند و برای سبزیجاتش کود حیوانات استفاده می کنند.

اول اینکه خوردن آن سبزی چون که مال مسجد گفته می شود چه

حکمی دارد؟ و دیگر اینکه استفاده از کود حیوانات اهانت به

مسجد است؟ یا خیر.

◇ **جواب:** اگر قبل از تحقق مسجد جای را برای خانه ی ملای مسجد و غیره استثناء کرده باشند، آن محل ها حکم مسجد را ندارند و نجس کردن آنها اشکال ندارد؛ ولی اگر عنوان مسجد تحقق پیدا کرده باشد نجس کردن آنها جواز ندارد و اگر نجس شوند تطهیر آنها واجب است و کاشتن سبزی در زمین مسجد جواز ندارد؛ مگر اینکه آن محل را وقف برای مسجد نکرده باشند.

◇ **سوال:** [۱۵۷] هل تجرى احكام المسجدین (الحرام - النبوی) على التوسعة الحاصلة بعد عهده من حیث عدم جواز اجتياز الجنب و نحوه و حصول الثواب فیهما؟

◇ **جواب:** نعم، تجرى على الأحوط وجوباً.

◇ **سوال:** [۱۵۸] در روستایی مسجد کوچکی است که در جای نامناسبی قرار گرفته است، آیا جائز است که زمین آن را فروخته و با پول فروش آن، زمین بزرگتر و مناسبتری گرفته و مسجد بزرگی بنا کنند؟

◇ **جواب:** خیر، فروش زمین مسجد به هیچ وجه جواز ندارد.

اختیارات واقف مسجد

◇ **سوال:** [۱۵۹] آیا شخص واقف در تعیین امام جماعت برای مسجد موقوفه ی خود حق عزل و نصب دارد؟ یا خیر؛ با مخالفت

واقف از امامت شخص معین، نماز خواندن به امامت آن شخص چه حکمی دارد؟ شخصی به عنوان امام جماعت، مسجدی را بدون رضایت واقف تصرف نموده و واقف آن شخص را شایسته و اهل امامت جماعت نمی‌داند و به آن عقیده خوبی ندارد، در این صورت وظیفه واقف و مردم محل چگونه است؟

◇ **جواب:** در فرض سؤال اگر واقف کسی را متولّی تعیین نکرده باشد، می‌تواند امام جماعت را نصب و عزل کند و در صورتی که واقف امام جماعت را شایسته‌ی امامت نداند، آن شخص نمی‌تواند در آن مسجد اقامه جماعت کند.

اذان و اقامه

◆ **سوال:** [۱۶۰] آیا جایز است «أشهد أن علياً ولي الله» را بعد از شهادتین در تشهد نماز گفت؟

◆ **جواب:** شهادت به امامت حضرت امیر المؤمنین علی(ع) [شهادت ثالثه] در تشهد نماز جائز نیست، اگر کسی قائل بر جواز باشد این قول درست نبوده و مردود است.

◆ **سوال:** [۱۶۱] آیا جایز است که از طریق بلندگوهای مساجد و تکایا مراسم دعاخوانی، روضه خوانی، سخنرانی، منقبت خوانی و امثال آن که در مراسم های مذهبی مرسوم است، پخش شود؟ در صورتیکه حتی باعث اذیت و آزار همسایه و اطرافیان مسجد و تکیه شود و یا کسی بخواهد به آن گوش ندهد و مشغول امور دیگر زندگی باشد، درحالیکه این بلندگوها باعث اخلال گردد، آیا پخش چنین مراسمی جایز است؟

◆ **جواب:** پخش اذان و دعا و سخنرانی برای اعلام مردم و همسایه های مسجد است و صدای بلندگو باید در حدی باشد که

موجب اذیت و آزار همسایه‌ها نگردد.

◆ **سوال:** [۱۶۲] پخش اذان به بیرون از مسجد هنگام نماز صبح، ظهر و مغرب و دیگر برنامه‌ها از بلندگوی مساجد که ممکن است باعث مزاحمت برای عده‌ای از همسایگان باشد چه حکمی دارد؟

◆ **جواب:** در فرض سوال اگر پخش اذان موجب اذیت و آزار مردم باشد و عذر همسایه‌ها عقلانی باشد مانند کسانی که مریض دارند، مریض‌های قلبی، اعصاب و... در این صورت پخش صدا بیرون از مسجد جایز نیست؛ اما اگر صرفاً بخاطر این باشد که کسی را از خواب بیدار نکند، این عذر معقول نیست، باید صدای اذان پخش شود.

فلسفه عربی خواندن نماز

◆ **سوال:** [۱۶۳] خواندن نماز به زبان عربی فقط رمز وحدت مسلمین است؛ یا دلیل دیگری دارد؟ چرا خواندن ترجمه نماز با آنکه یاد گرفتنش راحت است، کفایت نمی‌کند؟

◆ **جواب:** فلسفه احکام را جز از طریق تصریح معصوم نمی‌دانیم؛ شاید یکی از فلسفه‌های خواندن نماز به عربی وحدت بین مسلمین باشد. چون دلیل برجواز خواندن ترجمه نماز نداریم؛ لذا خواندن ترجمه نماز جایز نیست.

علت بلند و آهسته خواندن نماز

◆ سوال: [۱۶۴] در توضیح المسائل آمده که باید حمد و سوره را در نماز صبح، شام و خفتن بلند خواند لطفاً بفرمایید چرا باید بلند خوانده شود؟

◆ جواب: بلند خواندن حمد و سوره در نماز صبح، مغرب و عشا و آهسته خواندن حمد و سوره در نمازهای ظهر و عصر یک امر تعبّدی است، از معصوم (ع) چنین وارد شده است.

همچنان که در شریعت بسیاری از مسائل تعبّدی اند، تا خود شارع فلسفه و حکمت آن را بیان نکند، عقل انسان از درک آن قاصر است؛ لذا لازم نیست فلسفه احکام را بدانیم، آنچه وظیفه است عمل به دستورات شرع است.

اگر چه در بعضی روایات، مانند روایات کتاب علل الشرائع فلسفه آن چنین بیان شده است که:

خداوند به پیامبر اسلام (ص) امر فرمود تا نماز مغرب، عشاء و صبح را بلند بخواند این در موقعی بود که خداوند حضرت را به آسمانها سیر داد و فرشتگان به آن حضرت اقتدا کردند، تا فضل و برتری آن حضرت را بر ملائک و انسانها نشان دهد.

سجده و آنچه که سجده بر آن صحیح است

◆ **سوال:** [۱۶۵] نماز خواندن در مسجد بدون مهر چه حکمی دارد؟

◆ **جواب:** سجده باید بر خاک یا بر سنگ یا بر چوب یا سایر چیزهایی باشد که سجده بر آنها جایز است و در مسئله (۱۱۲۲-۱۱۲۹) رساله عملیه بیان شده است، در فرض سوال اگر کف مسجد بغیر از آن چیزهایی که سجده بر آنها صحیح است پوشیده باشد و انسان در غیر شرایط تقیه بر آن سجده کند نمازش باطل است.

◆ **سوال:** [۱۶۶] رجل فی حال السجود وضع ظهر قدمه الیمنی علی باطن الیسری، بعبارة أخرى رأس أصابع الیمنی لم تمس الأرض، هل صلاة هذا الشخص باطلة أم لا؟

◆ **جواب:** صلاة هذا الشخص باطلة.

◆ **سوال:** [۱۶۷] از کودکی عادت کرده‌ام که در نماز خواندن مهر نگذارم آیا نماز من درست است؟

◆ **جواب:** اگر بر چیزهای که سجده بر آنها جائز نیست سجده کرده باشید نمازهای خود را قضا کنید.

◆ **سوال:** [۱۶۸] چرا ما شیعیان در نماز مهر می‌گذاریم؟

◆ **جواب:** ادله شرعیّه دلالت دارد که سجده بر زمین و یا اجزای زمین باشد و خاک از اجزای زمین است و مخصوصاً سجده بر تربت امام حسین (ع) ثواب بیشتری دارد.

افزودن چیزی بر اذکار نماز

◆ **سوال:** [۱۶۹] حکم شهادت ثالثه و رابعه در نماز و یا اذان و اقامه چیست؟ آیا موجب بطلان نماز، اذان و اقامه می‌گردد؟ یا خیر.

◆ **جواب:** شهادت به ولایت امیر المومنین و سایر ائمه (ع) به قصد رجاء در اذان و اقامه اشکال ندارد؛ ولی از خواندن آن در تشهد نماز و ... خودداری کند.

◆ **سوال:** [۱۷۰] حکم اضافه کردن «و عجل فرجه» در صلوات نماز چیست؟ اگر همیشه گفته شود به طوری که تصور شود واجب است حکم فرق می‌کند؟ یا خیر.

◆ **جواب:** سزاوار است که از ذکر آن در حال نماز پرهیز شود.

◆ **سوال:** [۱۷۱] نظر حضرتعالی در مورد شهادت به عصمت حضرت زهرا (س) در اذان و اقامه به عنوان تبرک و تیمن، نه به قصد جزئیت و واجب، چیست؟

◆ **جواب:** از ذکر آن حضرت در اذان و اقامه خودداری شود.

◆ **سوال:** [۱۷۲] گفتن ذکر «الحمد لله وسبحان الله رب السموات و الارض وسبحان الله من جمیع الاوهام» در سجده و رکوع نماز واجب، جایز است؟ یا خیر.

◇ **جواب:** از گفتن ذکر فوق در رکوع و سجود خودداری شود و به ذکر وارده در رکوع و سجده اکتفاء گردد.

◇ **سوال:** [۱۷۳] آیا شهادت ثلثه (أشهد أن علياً ولي الله) به قصد رجاء در تشهد نماز جایز است؟

◇ **جواب:** شهادت ثلثه در تشهد نماز به قصد ورود جواز ندارد و احوط ترک شهادت ثلثه است.

◇ **سوال:** [۱۷۴] در تشهد نماز واجب و مستحب، گفتن ذکر (اشهد ان علياً ولي الله) یا (أشهد أن علياً وأولاده العصومين حجج الله) چه حکمی دارد؟ اگر کسی عمداً این کلمات را در تشهد بخواند حکم نمازش چیست؟

◇ **جواب:** گفتن جمله «أشهد أن علياً ولي الله» و امثال آن؛ در تشهد نماز حرام است، اگر عمداً به قصد جزئیت گفته باشد نمازش باطل شده؛ چون جملات نماز توقیفی است و باید تابع شارع باشیم.

اذکار و ادعیه

◇ **سؤال:** [۱۷۵] در یکی از شهرها، عده‌ای پس از ذکر صلوات، به صورت دسته جمعی و با صدای بلند «یا علی» می‌گویند، البته این کار به قصد استحباب یا ورود در شرع انجام نمی‌شود، بلکه به قصد ذکر است.

در چنین شرایطی که همه‌ی همّت دشمن بر این شده تا نام مبارک علی(ع) را از میان بردارند، گفتن ذکر «یا علی» پس از ذکر «اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم» چه حکمی دارد؟

◇ **جواب:** گفتن ذکر «یا علی(ع)» چنانچه به قصد رجاء و ثواب باشد و موجب سوء استفاده دشمنان و معاندین نگردد، در غیر از صلوات تشهد مانعی ندارد؛ اما در تشهد نماز جائز نیست.

◇ **سوال:** [۱۷۶] آیا ختم انعام - که با تلاوت سوره انعام و عمل به آن باعث حل مشکلات گردد - سندیت دارد؟ اگر هنگام تلاوت سوره چیزی به آن از دعا و روضه افزوده شود و توسلی انجام گردد چه حکمی پیدا می‌کند؟

◇ **جواب:** تمام سوره‌های قرآن دارای اثر است و اضافه کردن دعا و روضه مزید بر ثواب و توسل است، اما باید توجه داشت که از تفسیر به رأی و نسبت‌های غیر مستند به قرآن و آیات شریفه جداً پرهیز شود.

◇ **سوال:** [۱۷۷] هل حدیث الکساء معتبرٌ و صحیحٌ لدیکم سنداً و متناً؟

◇ **جواب:** نعم هو صحیحٌ و معتبرٌ.

◇ **سوال:** [۱۷۸] ما هو رأیکم فی الأحادیث التی تقول فی تحریف القرآن؟

◇ **جواب:** القول بتحریف القرآن غیر صحیح و أمّا القائل به لایحسب کافراً.

◆ سوال: [۱۷۹]

۱- گذاشتن نوار قرآن کریم در هنگام کار یا در اطاق خالی و یا در سفر اشکال دارد؟ یا خیر.

۲- خواندن قرآن کریم به زبان فارسی برای کسیکه عربی بلد نیست چه حکمی دارد؟

◆ جواب:

ج ۱) اشکال ندارد.

ج ۲) ترجمه قرآن کریم خواندنش ثواب دارد، اگرچه قرائت خود قرآن بهتر است.

نماز مسافر

◆ **سوال:** [۱۸۰] حکم وطن چیست؟ آیا کسی که قصد داشته باشد برای مدت طولانی (مثلاً یک سال یا بیشتر) در محلی سکونت داشته باشد، یا هفته ای حداقل سه روز در محلی باشد، آنجا برای او در حکم وطن محسوب می شود، که نیازی به قصد اقامت ده روز نداشته باشد؟ یا خیر.

◆ **جواب:** اگر کسی قصد کند که بیشتر از سه سال در یک شهر زندگی کند و یقین به سکونت در آن شهر در این مدت داشته باشد، بعد از این که مدتی در آنجا بماند که عرفاً به او مسافر نگویند، حکم وطن پیدا می کند، وقتی از سفر بر می گردد نیاز به قصد اقامت ده روز ندارد.

◆ **سوال:** [۱۸۱] ملاک در کثیر السفر بودن چیست؟ آیا حداقل هفته سه روز رفت و آمد در فاصله شرعی کفایت می کند یا داشتن شرایط دیگر نیز لازم است؟

◆ **جواب:** رفت و آمد سه روز در هفته اگر بیشتر از سه ماه طول

بکشد، کافست و شرایط دیگر ندارد.

◆ **سوال:** [۱۸۲] اعراض عملی چیست؟ اگر شخصی قصد بازگشت به وطن سابق را جهت سکونت مستمر داشته باشد، ولی عملاً مدت طولانی گذشته [مثلاً پنج سال یا بیشتر و کمتر] و هنوز باز نگشته، آیا اعراض عملی حاصل شده و در صورت برگشت به آنجا نماز و روزه اش شکسته می‌شود؟ یا خیر؛ آیا اگر به صورت پراکنده در این مدت (حدود سه چهار ماه) در آنجا سکونت داشته باشد حکم فرق می‌کند؟

◆ **جواب:** اعراض عملی کفایت نمی‌کند، اگر کسی قصد برگشت به وطن و محل زندگی اش را دوباره دارد؛ ولو چندین سال مسافرت کرده باشد، وقتی بر می‌گردد نیاز به قصد اقامت ده روز ندارد.

◆ **سوال:** [۱۸۳]

۱- حکم نماز و روزه در وطن سابق که از آنجا اعراض کرده باشد، چیست؟
۲- با وجود تسهیلات زیادی که در مسافرتها ایجاد شده، حتی در عصر و زمان ما که سفر برای غالب مردم مشکلات روحی و جسمی آنچنان ندارد، فلسفه قصر نماز و روزه واقعاً چیست؟

◆ **جواب:**

۱- اگر از وطن اعراض کرده باشد وقتی به آنجا بر می‌گردد نماز و روزه اش قصر است؛ مگر اینکه قصد ماندن ده روز کند.

۲- در سفر مطلقاً چه موجب زحمت و مشقت باشد چه به آسانی مسافرت کند، نماز و روزه قصر است و فلسفه احکام الهی را غیر از شارع مقدس کس دیگری نمی‌داند.

◆ **سوال:** [۱۸۴] نماز طلبه در حوزه شکسته است یا کامل؟ آیا حوزه وطن دوم او محسوب می‌شود؟

◆ **جواب:** اگر قصد ماندن در حوزه به مدت بیشتر از سه سال داشته باشد، حکم وطن را دارد؛ وقتی از سفر بر می‌گردد نیاز به قصد اقامت ده روز نیست، باید نماز را تمام بخواند و روزه بگیرد.

◆ **سوال:** [۱۸۵] من محصل هستم و در دانشگاه بامیان درس می‌خوانم و فامیلم در کابل است، زادگاهم در حدود سی و پنج کیلومتر از محل اقامتم فاصله دارد، من اگر از محل اقامتم در زادگاهم بروم و همانطور از زادگاهم به محل اقامت برگردم روزه‌ام قصر است؟ یا خیر.

◆ **جواب:** نماز و روزه در زادگاه صحیح است و تمام.

اگر این رفت و آمدتان بین زادگاه و محل اقامت سه ماه و یا بیشتر از آن طول بکشد و رفت و آمدتان در هفته سه بار یا بیشتر باشد و یا بیشتر در محل اقامت خود باشید در این صورت دائم السفر هستید نماز را تمام بخوانید و روزه بگیرید.

قضای نماز شکسته

◆ **سوال:** [۱۸۶] وقتی که انسان قبل از غروب آفتاب به وطن خود برسد، آیا لازم است که نماز ظهر و عصری که در جایی دیگر به طور شکسته خوانده دوباره کامل بخواند؟

◆ **جواب:** اگر آنچه وظیفه‌اش بوده را صحیح انجام داده باشد؛ لازم نیست دوباره بخواند.

نماز قضاء

◆ **سوال:** [۱۸۷] خاله و دختر خاله‌ام بر اثر حادثه رانندگی فوت کرده و شوهر خاله‌ام مجروح گردیده است؛ از آنجایی که بین خانواده‌های خاله‌ام و شوهرش کدورت‌هایی وجود داشت، ایشان در مراسم تشییع و دفن خاله‌ام هیچ‌گونه همراهی نداشتند؛ راننده‌ی مقصر مبلغی را به عنوان هبه و بخشش (این پول هیچ‌گونه ربطی به دیه ندارد) به دایی و بازماندگان خاله‌ام داد تا در مراسمات ختم و نیز اموری که ثوابش نصیب آن مرحومه شود؛ مصرف گردد.

سوال اینکه آیا ما می‌توانیم از باقیمانده این پول برای نماز و روزه قضایی آن مرحومه استفاده نماییم؟ چرا که شوهر آن مرحومه اعتقادی به این مسائل ندارد؛ هر چند که نماز و روزه قضایی زن بر شوهرش است.

و یا اینکه این پول فقط باید صرف امور مستحبی (مانند ختم قرآن و نذورات و ...) گردد؟

◇ **جواب:** در فرض سؤال اگر پول را برای امور مستحبی مرحومه داده است، باید در موارد ثوابی مصرف شود؛ ولی اگر پول را به شوهر این خانم داده است؛ بدون اجازه شوهر نمی‌شود جای قضای نماز و روزه‌ی ایشان بدهید.

ضمناً قضای نماز و روزه زن هم بر گردن شوهر واجب نیست.

◇ **سوال:** [۱۸۸] آیا قضای نماز شکسته را باید شکسته خواند؟ و همچنین قضای نمازهایی که حمد و سوره در آن بلند خوانده می‌شود را باید بلند خواند؟

◇ **جواب:** قضای نماز قصر، قصر و قضای نمازی که تمام است، تمام می‌باشد، در جهر و اخفات هم حکم اصل نماز را دارد.

◇ **سوال:** [۱۸۹] پیرزنی در سن هفتاد و پنج سالگی سگته مغزی می‌کند و دچار فراموشی می‌شود و در بستر بیماری می‌افتد به طوری که نزدیکان خویش را هم نمی‌شناسد، با همین وضع بعد از هشت سال می‌میرد تکلیف نماز و روزه او در این هشت سال چیست؟

◇ **جواب:** اگر در حال هوش و درک نبوده و نمی‌توانسته نماز را با اشاره بخواند، آن نمازها قضاء ندارند.

◆ **سوال:** [۱۹۰] من مردی هستم سی و سه ساله درگذشته نماز و روزه را بارها عمداً ترک نموده‌ام و حالا حساب از دستم رفته، حتی تقریبی هم نمی‌دانم که چه مقدار نماز و روزه را مدیونم، تکلیف من چیست؟ اگر مساله کفاره دادن باشد هم کسی هستم که فقط قرض دار نیستم اما یک افغانی هم ذخیره ندارم از گذشته‌ام خیلی پشیمانم چگونه می‌توانم دینم را ادا کنم؟ که مورد عفو و بخشش الهی قرار گیرم.

◆ **جواب:** هر مقدار یقین دارید به قضاء نماز و روزه، قضاء آن واجب است و بجا آوردن مشکوکات را از باب احتیاط خوب است و هر مقدار عمداً روزه را افطار کرده‌اید کفاره هر روز آن دو ماه روزه و یا شصت مسکین را اطعام کردن و یا شصت مد طعام (که چهل و پنج کیلوگرم گندم یا آرد و...) می‌شود به شصت نفر فقیر دادن است که علاوه بر این، قضاء آن را هم باید بگیرید.

◆ **سوال:** [۱۹۱] اگر شخصی یک ماه نماز قضایی داشته باشد و بخواهد قضای آن را ادا کند باید چگونه عمل نماید؟ (آیا این درست است که باید بعد از هر نماز یومیه قضای آن وعده از نماز قضا را بخواند)؟

◆ **جواب:** در بین نمازهایی که در آن ترتیب شرط است مانند ظهر و عصر، مغرب و عشا باید ترتیب رعایت شود، ولی در غیر آن

ترتیب لازم نیست، هر موقع قضا نماز را بخواند اشکال ندارد، یعنی لازم نیست قضا هر نماز را بعد از آن نماز بخواند.

◆ **سوال:** [۱۹۲] اگر شخصی را برای قضای نماز و روزه استیجاری اجیر نماید و این شخص از یک چشم نابینا و از پا معیوب باشد، اشکال دارد که اجیر شود؟ یا نه.

◆ **جواب:** در قضا نماز نمی‌تواند اجیر شود؛ ولی اجیر شدن در قضا روزه اشکالی ندارد.

شرایط قضای نماز والدین

◆ **سوال:** [۱۹۳] قضای نماز و روزه والدین که بر پسر بزرگتر واجب است، آیا فقط نمازها و روزه‌هایی را در بر می‌گیرد که بر اثر عذر شرعی ترک کرده و موفق بر قضای آن نشده‌اند، یا نسبت به غیر آنها نیز وظیفه دارند؟ اگر والدین نسبت به قضای عباداتی که عصیاناً ترک کرده‌اند، نیز وصیت کرده باشند عمل به آن لازم است؟ یا خیر.

◆ **جواب:** مطلقاً قضا آن بر پسر بزرگتر واجب است؛ چه بخاطر عذر باشد چه عصیاناً ترک کرده باشد؛ مگر اینکه والدین وجوبش را انکار کنند که در این صورت قضا واجب نیست.

احکام نماز جماعت

◆ **سوال:** [۱۹۴] اگر در نماز جماعت چند نفر در صف اول با

ویلچر نماز بخوانند، آیا به نماز سایرین اشکال وارد می‌شود؟

◆ **جواب:** اگر سایر شرایط صحّت جماعت و نماز موجود است،

اشکال ندارد.

◆ **سوال:** [۱۹۵] شخصی امام جماعت را در حال نماز می‌بیند،

ولی نمی‌داند که ایشان نماز واجب مانند نماز یومیّه می‌خواند یا

نماز مستحبی مانند نماز تحیّت مسجد و ... آیا این شخص

می‌تواند به امام مسجد اقتدا کند؟ یا خیر.

◆ **جواب:** در فرض سؤال اقتدا جایز نیست.

◆ **سوال:** [۱۹۶] در نماز جماعتی که مأموم یک رکعت یا بیشتر از

امام جماعت عقب است، وقتی نماز امام به اتمام می‌رسد آیا امام

می‌تواند با قبول داشتن آن فرد از جهت عدالت و غیره، در ادامه

نماز مأمومش سریع نماز واجب دیگری را به او اقتداء کند؟ یا

خیر؛ و همچنین آیا فرد دیگری به غیر از امام جماعت که از راه رسیده می‌تواند به نماز آن فرد اقتداء کند؟

◇ **جواب:** در فرض سؤال، اگر امام عقیده به عدالت و صحت قرائت مأموم دارد، در صورتی که مأموم در بقیه‌ی رکعات قصد فرادی کرده باشد، امام و غیر امام می‌توانند به او اقتداء کنند.

◇ **سوال:** [۱۹۷]

۱- هل يمكننا نحن الشيعة الإقتداء بأهل السنّة بدون التقيّة؟

۲- هل يمكننا أداء الصلاة متكتفين و السجود بدون وضع التربة؟

◇ **جواب:** يجوز الاقتداء في الظاهر و يقرأ الفاتحة و السورة اخفاناً و لا يجوز الصلاة متكتفين في غير التقيّة و لا يجوز السجدة دون ما يصح السجود عليه في غير حال التقيّة.

اهمیت شرکت در نماز جماعت

◇ **سوال:** [۱۹۸] خواندن نماز فرادی به هنگام اقامه نماز جماعت چه حکمی دارد؟ در صورتی که هتک به نماز جماعت یا توهین به امام جماعت محسوب شود یا محسوب نشود فرق می‌کند؟ یا خیر.

◇ **جواب:** اگر به فرادی خواندن نماز توهین به جماعت یا امام حساب شود این کار حرام است، که در این صورت، نمازش نیز خالی از اشکال نیست.

شرکت در نماز جماعت عامّه

◆ **سوال:** [۱۹۹] من جوانی شیعه هستم و در یک کشور غیر مسلمان به همراه فامیل خود زندگی می‌کنم، در شهری که ما به سر می‌بریم تعداد مسلمانان بسیار کم است که بیشتر آنها برادران اهل سنت هستند و آنها یک مکان را از دولت گرفته‌اند و به عنوان مسجد از آن استفاده می‌کنند، حال سؤال این است که آیا اشکال دارد نماز جماعت را در آن مکان و با برادران اهل سنت، ولی دست باز اقامه کنیم؟

◆ **جواب:** شما در ظاهر به آنها اقتدا کنید اما حمد و سوره را خودتان بخوانید، اگر چه در نمازهای جهریه آهسته بخوانید اشکال ندارد.

◆ **سوال:** [۲۰۰] من یکسال است که در عربستان سعودی زندگی می‌کنم می‌خواستم بدانم آیا من می‌توانم در نماز جماعت اهل سنت شرکت کنم چون سر کار می‌روم اگر بخواهم نماز ظهر و عصرم را برگردم و در منزل بخوانم دیر (قضا) می‌شود، ولی اگر در جماعت با دست باز نماز بخوانم ممکن است برایم مشکلاتی ایجاد شود؛ تکلیف بنده چیست؟

◆ **جواب:** در فرض سوال اگر مورد، مورد تقیه باشد و ترک تقیه برای شما دشوار و موجب عسر و حرج گردد، می‌توانید در جماعت آنها با دست بسته نماز بخوانید.

◆ **سوال:** [۲۰۱] می‌خواستم بپرسم که در رابطه با نماز تراویح، برای ما چگونه دستور العمل است؟

◆ **جواب:** برادران اهل سنتّ قائل به تراویح هستند که نمازهای مستحبی شب‌های ماه مبارک رمضان را در جماعت می‌خوانند؛ ولی از نظر فقهای شیعه خواندن نمازهای مستحبی شب‌های رمضان و غیر آن، به جماعت بدعت و حرام است؛ لذا باید نمازهای مستحبی فردی خوانده شود، که در جماعت و تراویح عامّه خواندن کفایت نمی‌کند.

شرایط نمازی که به جماعت خوانده می‌شود

◆ **سوال:** [۲۰۲]

- ۱- آیا نماز عید و نماز جمعه واجب است، یا سنتّ؟
- ۲- آیا نماز مستحب در جماعت خوانده می‌شود؟ یا خیر.

◆ **جواب:**

- ج ۱) نماز عید مستحب است و نماز جمعه واجب تخییری است.
- ج ۲) نماز مستحب به صورت جماعت جایز نیست، مگر در نماز عید فطر، قربان و نماز استسقاء (طلب باران) که دستور شرعی داریم.

◆ **سوال:** [۲۰۳] آیت الله لطف الله صافی گلپایگانی اظهار داشتند:

مباحث زیادی در مورد چگونگی برپایی عید غدیر مطرح است که بارزترین آن برپایی نماز عید غدیر خم است؛ که به نظر بنده مستحب است نماز عید غدیر خم را به جماعت خواند اما هر فرد می تواند آن را به فرادی نیز اداء نماید.

آیا مقلدین آیت الله العظمی محقق کابلی (مد ظلّه العالی) هم این اجازه را دارند؟ و طریقه آن چگونه است؟

◇ **جواب:** در فرض سوال استحباب این نماز با جماعت به نظر اینجانب ثابت نشده؛ لذا مؤمنین می توانند فرادی بخوانند.

اما کیفیت آن؛ دو رکعت است و بهتر است در رکعت اول بعد از حمد سوره قدر و در رکعت دوم بعد از حمد سوره توحید را بخوانند.

شرائط امام جماعت

◇ **سوال:** [۲۰۴] بعضی از ائمه جماعات «یوم الدین» را به ضم یاء (یوم) می خوانند و می گویند واو ما قبلش را مضموم می خواهد، آیا نماز صحیح است؟

اگر تکبیرات را در محل انجام ندهند چه حکمی دارد؟

◇ **جواب:** اگر قرائت امام جماعت صحیح نباشد، یا ارکان دیگر را رعایت نکند اقتداء به او جائز نیست، در فرض سوال ماقبل واو مضموم نیست و قرائت مذکور در سؤال غلط است.

◆ **سوال:** [۲۰۵] آیا در صورتی که دسترسی به روحانی واجد شرایط نباشد، امامت غیر روحانی واجد شرایط امامت جماعت، جایز است؟ اگر دسترسی به روحانی واجد شرایط باشد، اما غیر روحانی هم از نظر عدالت و تقوی با او برابر یا بهتر باشد در آن صورت تکلیف چیست؟

◆ **جواب:**

ج ۱) شرط امامت جماعت روحانی بودن نیست، اگر سایر شرایط موجود باشد، امامت غیر روحانی اشکال ندارد.

ج ۲) در فرض سوال اگر روحانی عادل و غیر روحانی عادل هر دو وجود داشته باشند، اولویت با روحانی است، مؤمنین باید به روحانی اقتدا کنند.

◆ **سوال:** [۲۰۶] اگر امام جماعت پیر و ناتوان باشد که به وسیله تکیه بر عصا بایستد آیا جایز است که به او اقتدا کرد؟ یا خیر؟

◆ **جواب:** اگر سایر شرایط را دارا باشد در فرض سؤال اقتداء کردن به او اشکال ندارد.

◆ **سوال:** [۲۰۷] گفته می‌شود که باید امام جماعت را بشناسی، شناخت ایشان باید در چه حدی باشد؟ مثلاً زمانی که ما به حرم معصومین (علیهم السلام) مشرف می‌شویم یا اینکه جایی سفر می‌کنیم و بخواهیم در مسجدی نماز بخوانیم از کجا باید آن امام جماعت را

بشناسیم؟ آیا بدون شناخت می‌توان اقتداء کرد؟

◇ **جواب:** در مواردی که انسان امام جماعت را نمی‌شناسد، اگر از اقتداء علماء و طلاب و مؤمنین اطمینان به عدالت امام پیدا کند، می‌تواند به امام جماعت اقتداء کند.

◇ **سوال:** [۲۰۸] اگر امام جماعتی آشکارا و مستمراً از اموال بیت المال بدون اذن شرعی و قانونی لازم، سوء استفاده شخصی کرده و این موضوع در نزد مأموم ثبوت یابد، در این فرض و با توجه به لزوم شرط عدالت در امام جماعت، اقتدا به او چه وضعیتی پیدا می‌کند؟

◇ **جواب:** اگر بدون مجوز شرعی از بیت المال استفاده کند، اقتداء به او در نماز جماعت جواز ندارد.

◇ **سوال:** [۲۰۹] امام جماعتی که چشمش ضعیف یا کلاً نابینا شده است، باز هم می‌تواند پیش نماز باشد؟ یا خیر.

◇ **جواب:** اگر امام جماعت عادل باشد و قرائتش صحیح باشد، نابینایی یا ضعف بینایی ضرری نمی‌رساند و اقتداء به ایشان جایز و بلا اشکال است.

◇ **سوال:** [۲۱۰] هل تجوز صلاة الجماعة خلف من يستلم راتب من الحكومة لانضمامه تحت كادر الائمة الذى أقرته الحكومة فى

البحرين إذا كان راجعاً إلى تشخيص نفسه بالجواز أو كان راجعاً إلى فتوى فقيه؟ و هل يجوز تفسيقه من قبل العلماء و دعوة الناس إلى عدم الصلاة خلفه؟

◇ **جواب:** الأحوط ترك الصلاة خلف هؤلاء الأئمة إن كانوا منصوبين من قبل الحكومة و لا يجوز تفسيقهم ايضاً إن لم يكونوا متجاهرين بالفسق.

◇ **سؤال:** [٢١١] ما حكم الصلاة خلف الامام الذي يستلم راتب من الحكومة لانضمامه تحت الكادر الذي أقرته الحكومة في البحرين بالتعاون مع ادارة الاوقاف الجعفرية إذا رجع إلى تشخيص نفسه او إلى فتوى فقيه كفتواكم التي أجزتم فيها قبض الراتب علماً بأنه ليس منصوباً من قبل الحكومة و إنما من قبل أهل المسجد من المؤمنين كما أنه عادل في نفسه كما أنه مستقل و لا يمكن أن يقبل أي تدخل من الحكومة في أموره الدينية أو في واجباته الشرعية (صرحت الحكومة في جريدة الايام البحرينية أنه لا سلطة لها على أئمة الجماعة و أنها ترسل الاموال الى الاوقاف و هي تقوم بتوزيعها على أئمة الجماعة صرحت ذلك في يوم الجمعة الماضي) هذا و دتمم ذخرا لنا و للمؤمنين.

◇ **جواب:** إذا كان الإمام واجداً لشرايط الجماعة و لا يكون عمله تقوية للظلمة فلا إشكال في الصلاة خلفه و في مفروض السؤال

مجرد أخذ الراتب من الاوقاف لا يكون مانعاً من الصلاة خلفه.

◆ **سوال:** [۲۱۲] قرائت امام جماعت مسجدمان اشکال دارد و این موضوع را برایشان تذکر هم داده‌ایم، ولی متأسفانه اصلاح نکردند، از طرفی تغییر دادن ایشان برای آن تعداد مأمومین که از مشکل قرائت شان با خبرند امکان پذیر نیست و مسجد دیگری هم در آن نزدیکی‌ها نیست تا اقامه نماز جماعت کنیم آیا جایز است هنگام جماعت، نماز را فرادی بجا آوریم و یا در جماعت با نیت فرادی حاضر شویم؟

◆ **جواب:** در فرض سوال اگر اهانت به امام جماعت نشود نماز را در آنجا فرادی بخوانید و اگر اهانت می‌شود در غیر آن مسجد نماز بخوانید و یا بعد از جماعت ایشان نمازتان را بخوانید.

◆ **سوال:** [۲۱۳] آیا زن می‌تواند امام جماعت شود؟

◆ **جواب:** اگر واجد شرایط امامت جماعت باشد، می‌تواند برای زن‌ها امامت کند؛ ولی امام جماعت شدن زن برای مردها جواز ندارد.

شرایط اجیر شدن برای نماز

◆ **سوال:** [۲۱۴] شخصی از ناحیه پا عاجز است ولی می‌تواند مثل دیگران رکوع و سجود نماز را بجا آورد، آیا این شخص می‌تواند

نماز استیجاری بگیرد؟ آیا نمازش صحیح است؟ یا خیر؛ ضمناً این شخص از یک چشم معیوب است، آیا باز هم می‌تواند اجیر شود؟ یا خیر.

◇ **جواب:** اگر قرائت نمازش صحیح باشد و مواضع سبعة در زمین برسد در فرض سوال استیجارش اشکال ندارد.

احکام روزه

فلسفه روزه

◆ **سوال:** [۲۱۵] من روزه می‌گیرم اما نمی‌دانم چرا؟! می‌شود معنا و فلسفه روزه را برایم توضیح دهید.

◆ **جواب:** وجوب روزه یکی از ضروریات دین اسلام و مذهب شیعه است، اگر کسی عالماً و عامداً انکار کند مرتد و کافر می‌شود و فلسفه روزه در روایات با تعبیرات مختلف بیان شده است مانند: روزه سپری است در برابر آتش جهنم؛ روزه را واجب کرده تا اغنیا متوجه فقر شوند، اراده را قوی می‌کند، روزه به معنای خودداری کردن از مفطرات نه گانه از اول طلوع فجر تا غروب شرعی به دستور خداوند تعالی است، شما برای کسب معلومات بیشتر به کتب اخلاقی در این رابطه مراجعه نمایید.

نیت روزه

◆ **سوال:** [۲۱۶] نیت روزه ماه مبارک رمضان چگونه است؟ آیا

واجب است هر روز نیت روزه کند یا اینکه در اول ماه نیت کامل ماه رمضان کند کفایت می‌کند؟

◇ **جواب:** اگر از اول ماه رمضان نیت یکماه روزه کند کفایت می‌کند.

◇ **سوال:** [۲۱۷] اگر کسی پیش از اذان صبح نیت روزه کند و بعد بیهوش شود و قبل از اذان ظهر به هوش بیاید تکلیف روزه اش چیست؟

◇ **جواب:** آن روز را باید نیت روزه کند و روزه اش صحیح است.

◇ **سوال:** [۲۱۸] اگر کسی پیش از اذان صبح نیت روزه کند و قبل از اذان صبح با استعمال چیزی مست شود و در بین روز به هوش آید حکم روزه اش چیست؟

◇ **جواب:** اگر چیز (مفطری) نخورده باشد روزه اش صحیح است.

◇ **سوال:** [۲۱۹] اگر کسی پیش از اذان صبح بخوابد، نیت روزه هم نکند به این امید که صبح بیدار می‌شود، اما یک ساعت بعد از اذان ظهر از خواب بیدار می‌شود تکلیف روزه اش چیست؟

◇ **جواب:** اگر اجمالاً نیت روزه کرده باشد، آن روزه صحیح است.

◇ **سوال:** [۲۲۰] شخصی یادش نیست که نیت روزه کرده یا نه و روزه اش را با شک و تردید در صحت و عدم صحت کامل کرده آیا روزه او صحیح است؟ یا خیر.

◇ **جواب:** اگر از اول ماه رمضان نیت روزه داشته و یا سحری بلند شده، همین مقدار در نیت کفایت می‌کند و اگر اصلاً نیت روزه نکرده باشد آن روز را قضا کند.

◇ **سوال:** [۲۲۱] اگر کسی در روز ماه مبارک رمضان از نیت خود بر گشت و بنا گذاشت که روزه نگیرد و بعد از آن قبل از اینکه مفطری را مرتکب شود و روزه خود را عملاً باطل کند، پشیمان شده و بنا را بر روزه گذاشته است، تکلیفش چیست؟

◇ **جواب:** آن روز را هم روزه بگیرد و هم قضا کند.

◇ **سوال:** [۲۲۲] اگر کسی یادش برود که نیت روزه کند، بدون نیت روزه گرفته باشد آیا مجزی است؟ یا خیر.

◇ **جواب:** اگر اصلاً نیت روزه نکرده باشد باید آن روز را قضا کند.

◇ **سوال:** [۲۲۳] اگر مکلف در ماه رمضان به جای نیت ادا اشتبهاً نیت قضا کرده باشد، تکلیف روزه او چگونه خواهد بود؟

◇ **جواب:** آن روزه صحیح است.

◇ **سوال:** [۲۲۴] کسی که شب به نیت اینکه فردا از روزه گرفتن فرار کند و به مسافرت برود بخوابد، ولی فردا این فرصت برایش پیش نیاید و تصمیم بگیرد که روزه باشد، حکم روزه‌اش چیست؟ با وجود اینکه شب نیت باطل داشته، می‌تواند روزه بگیرد؟ یا خیر.

◇ **جواب:** حکم روزه اش صحت است، در صورتی که نیت روزه کند و از مفطرات امساک کند.

خوردن و آشامیدن در روزه

◇ **سوال:** [۲۲۵] کسی که در ماه مبارک رمضان روزه دار است، اگر به علت فراموشی یا غفلت چیزی بخورد یا بیاشامد، آیا روزه اش باطل می‌شود؟ یا خیر.

◇ **جواب:** روزه اش باطل نمی‌شود، نیت روزه کند و روزه اش صحیح است.

◇ **سوال:** [۲۲۶] اگر کسی از تشنگی در حال ضعف قرار داشته باشد، آیا می‌تواند به اندازه نیاز آب بیاشامد؟ اگر بلی، در چه شرایطی قرار بگیرد که مجاز به شرب آب باشد؟

◇ **جواب:** در صورت تشنگی شدید که معمولاً قابل تحمل نباشد، به مقدار رفع تشنگی می‌تواند آب بنوشد ولی قضای آن را باید بگیرد.

◇ **سوال:** [۲۲۷] اگر انسان در ماه مبارک رمضان حمام برود در صورتی که هوا سرد باشد حمام پر از بخار می‌شود آیا این بخار روزه را باطل می‌کند؟

◇ **جواب:** بنا بر احتیاط واجب بخار غلیظ روزه را باطل می‌کند.

◆ **سوال:** [۲۲۸] کسی که هنگام سحری تریاک می‌کشد و روزه

هم می‌گیرد چه حکمی دارد؟

◆ **جواب:** روزه‌اش صحیح است.

◆ **سوال:** [۲۲۹] آیا دود سیگار و تنباکو و قلیان مبطل روزه

است؟

◆ **جواب:** بله مبطل روزه‌اند.

◆ **سوال:** [۲۳۰] آیا کشیدن نسوار در ماه رمضان روزه را باطل

می‌کند؟

◆ **جواب:** بنا بر احتیاط واجب از نسوار کشیدن خودداری کند.

◆ **سوال:** [۲۳۱] اگر ترک نسوار در روزه دار مشکل باشد، اما به

حد حرج نرسد چه حکمی دارد؟

◆ **جواب:** از کشیدن نسوار در این صورت خودداری کند.

◆ **سوال:** [۲۳۲] کسانی که به کشیدن نسوار عادت دارند، نسوار

را زیر زبان می‌گذارند به طوری که نسوار با آب دهان مخلوط یا

آب دهان با نسوار مخلوط می‌شود، اما به حلق نمی‌رسد و بعد از

چند دقیقه دور می‌اندازند با این وصف کشیدن نسوار بازهم مبطل

روزه است؟

◇ **جواب:** بنا بر احتیاط واجب از کشیدن نسوار خودداری شود.

◇ **سوال:** [۲۳۳] آیا در ماه مبارک رمضان می‌توان از اسپری‌های خوشبو کننده دهان استفاده کرد؟

◇ **جواب:** اگر هوا باشد مبطل روزه نیست.

◇ **سوال:** [۲۳۴] استفاده از عطر و ادکلن برای روزه دار چه حکمی دارد؟

◇ **جواب:** کراهت دارد.

◇ **سوال:** [۲۳۵] اگر انسان سرش را مانند غواصان پیوشاند و زیر آب برود، آیا روزه اش باطل می‌شود؟

◇ **جواب:** در ماه رمضان از این عمل خودداری کند.

محتمل شدن در حال روزه

◇ **سوال:** [۲۳۶] من شب گذشته سحری خوردم و بعد از نماز صبح خوابیدم، در هنگام خواب من جنب شدم و از من منی خارج شد، می‌خواستم بدانم که آیا روزه من باطل است؟ یا خیر؛ اگر باطل نیست غسل را به چه نحوی باید انجام بدهم که روزه‌ام به وسیله آن باطل نشود؟

◇ **جواب:** اگر کسی در شب ماه رمضان جنب شود باید قبل از اذان

صبح غسل کند، ولی اگر در روز و در حال روزه محتمل شود، بعد از بیدار شدن طوری غسل کند که تمام سرش را یکجا در آب فرو نبرد و چنانچه عمداً یا سهواً هم غسل نکنند، روزه‌اش صحیح است.

◆ **سوال:** [۲۳۷] اگر شخصی بعد از اذان صبح بخوابد و ناخود آگاه جنب شود و بعد از دو یا سه ساعت غسل نماید حکم روزه‌اش چیست؟ آیا کفاره و قضا دارد؟ یا خیر.

◆ **جواب:** در فرض سؤال روزه صحیح است نه قضا دارد و نه کفاره.

◆ **سوال:** [۲۳۸] خوابیدن در روز ماه مبارک رمضان چه حکمی دارد؟

◆ **جواب:** خوابیدن در روز ماه رمضان اشکال ندارد؛ اگر چه در حال روزه بخوابد و بی اختیار جنب شود، روزه‌اش باطل نمی‌شود.

◆ **سوال:** [۲۳۹] نگاه کردن به عکس‌ها و فیلم‌های مبتذل و چت کردن درباره موضوعات از این قبیل آیا روزه را باطل می‌کند؟

◆ **جواب:** اگر انزال منی نشود روزه را باطل نمی‌کند ولی نگاه کردن به آن عکس‌ها جایز نیست و روزه واقعی را باطل می‌کند روزه دار واقعی کسی است که چشم و گوش و ... روزه دار باشد.

بقاء بر جنابت در روز ماه رمضان

◆ **سوال:** [۲۴۰] اگر کسی قبل از اذان صبح ماه مبارک رمضان خودش را جنب کند و بعد از خوردن سحری و قبل از اذان در حالیکه وقت برای غسل تنگ بوده عمداً غسل نکند، تا اینکه بعد از اذان غسل کند، تکلیفش چیست؟

◆ **جواب:** در فرض سؤال روزه باطل است، هم قضاء دارد و هم کفاره.

◆ **سوال:** [۲۴۱] زن و شوهری در ماه مبارک رمضان امکان رفتن به حمام قبل از اذان صبح را در طول ماه مبارک ندارند، آیا می‌توانند با هم نزدیکی کنند و قبل از اذان ظهر غسل کنند، یعنی در جنابت باقی بمانند و قبل از اذان ظهر غسل کنند؟

◆ **جواب:** باید قبل از اذان صبح غسل کنند و اگر غسل امکان نداشته باشد، قبل از اذان صبح باید عوض غسل تیمم کنند و الاً روزه‌شان باطل می‌شود و کفاره نیز دارد.

◆ **سوال:** [۲۴۲] اگر شخصی در ماه مبارک رمضان جنب شود و وقت برای غسل نداشته باشد، اگر تیمم کند آیا روزه‌اش صحیح است؟ در مورد نمازچه! در هر نماز باید تیمم بدل از وضو کند یا همان تیمم بدل از غسل از سایر نیز کفایت می‌کند؟

◇ **جواب:** در فرض سؤال بدل از غسل تیمم کند، روزه اش صحیح است و این تیمم از وضو نیز کفایت می کند.

◇ **سوال:** [۲۴۳] شخصی با زنش از روی شوخی به اندازه ختنگاه دخول می کند، البته بنا ندارند کاری کنند که روزه را باطل می کند، آیا روزه او باطل می شود؟ اگر بر اثر ندانستن مسأله باشد چه؟

◇ **جواب:** در فرض سؤال روزه باطل می شود و کفاره هم دارد، مگر اینکه جاهل قاصر باشد در این صورت کفاره ندارد.

◇ **سوال:** [۲۴۴] اگر انسان هنگام غسل جنابت صدای اذان را نشنود ولی بعد بداند که قسمتی از غسل یا تمام آن بعد از اذان واقع شده، حکم روزه های او چگونه است؟ همچنین اگر هنگام غسل، صدای اذان را بشنود، چه حکمی دارد؟

◇ **جواب:** اگر غسل را عمداً به تأخیر انداخته و تیمم هم نکرده باشد، هم قضا واجب است و هم کفاره دارد.

◇ **سوال:** [۲۴۵] شخص که جنب شده، اگر به خاطر دور بودن حمام یا باز نبودن آن، یا به دلیل نداشتن حمام و ترس داشتن از آب سرد، قبل اذان تیمم کند و بعداً غسل کند، آیا روزه اش صحیح است؟

◇ **جواب:** در فرض سؤال روزه اش صحیح است.

◆ **سوال:** [۲۴۶] اگر مهمانی محتلم شود به خاطر نبودن حمام یا سردی هوا یا خجالت از میزبان، یا اگر حمام برود شاید در ذهن میزبان برداشت بد شود، چه بسا مشکل خانوادگی در آن خانه به وجود بیاید؛ لذا چاره‌ی جز تیمم نمی‌بیند، چند روز با تیمم روزه می‌گیرد و نماز می‌خواند، آیا باید برای هر نماز و هر روز روزه تیمم کند؟ اصولاً نماز و روزه او صحیح است؟ یا خیر.

◆ **جواب:** اگر آب نباشد و یا ضرر داشته باشد، می‌تواند عوض غسل تیمم کند؛ ولی خجالت کشیدن و امثال آن عذر محسوب نمی‌شود.

استعمال دارو در حال روزه

◆ **سوال:** [۲۴۷] من پسری بیست و پنج ساله هستم و تکلیف معده دارم و قبل از هر وعده غذایی باید قرص بخورم، البته حداقل نیم ساعت قبل از غذا، در هنگام سحری آسانتر است اما مشکل من هنگام افطاری است آیا نیم ساعت و یا یک ساعت قبل از افطاری می‌توانم قرص خویش را بخورم، اگر می‌توانم آیا با کمی آب یا به تنهایی؟ لطفاً واضح فرمایید.

◆ **جواب:** قبل از موقع غروب شرعی خوردن و آشامیدن در حال روزه جواز ندارد، در فرض سوال، شما می‌توانید قرص‌تان را هنگام افطار بخورید و مدتی بعد از اول افطار، طعام بخورید.

◆ **سوال:** [۲۴۸] اگر پزشک تشخیص دهد که برای علاج درد بیمار باید وسائل پزشکی را از راه دهان وارد شکم بیمار کند آیا روزه‌ی او باطل می‌شود؟

◆ **جواب:** بنا بر احتیاط از این کار خودداری کند و در صورت ضرورت اگر آن کار را انجام داد، آن روز را امسا کند و روزه‌اش صحیح است.

◆ **سوال:** [۲۴۹] آیا مصرف شیاف‌های رکتال و کرم‌های واژینال که بعضی از مریض‌ها از راه مقعد استفاده می‌کنند موجب بطلان روزه می‌شود؟

◆ **جواب:** شیاف‌ها که برای معالجه است اشکال ندارد اماله با چیز روان مبطل است.

◆ **سوال:** [۲۵۰] آیا تزریق آمپول‌های آمپسیلین و سرم‌های تقویتی، مضر به روزه است؟ سرم‌های خوراکی چطور؟

◆ **جواب:** آمپول و سرم مبطل روزه نیست، ولی از سرم تقویتی احتیاطاً خودداری کند و در شب استفاده شود.

◆ **سوال:** [۲۵۱] آیا ریختن داروهای مانند قطره در چشم و گوش هنگام روزه بودن موجب بطلان است؟ یا خیر.

◆ **جواب:** ریختن قطره در چشم در ماه رمضان کراهت دارد، ولی مبطل روزه نیست.

◆ **سوال:** [۲۵۲] آیا استفاده بیماران تنفسی و ربوی از اسپری‌ها، مضر به روزه است؟ یا خیر.

◆ **جواب:** اگر جسم ندارد و هو است استعمال آن در روزه اشکال ندارد.

◆ **سوال:** [۲۵۳] بیماران قلبی معمولاً قرص‌های را برای درمان زیر زبان استفاده می‌کنند و از حلق عبور نمی‌دهند و دارو توسط رگ‌ها خاصی که در زیر زبان است جذب می‌شود آیا این داروها مبطل روزه‌اند؟

◆ **جواب:** اگر آب و ذرات آن در حلق فرو نرود روزه را باطل نمی‌کند.

◆ **سوال:** [۲۵۴] حضرتعالی در جریان هستید که مبتلایان به مرض قند مجبورند در هر روز یک یا دو بار آمپول انسولین تزریق کنند و نباید در وعده‌های دارویی و غدایی آن‌ها تأخیر و فاصله بیفتد، زیرا باعث پائین آمدن میزان قندخون و در نتیجه نوعی تشنج و بیهوشی می‌شود؛ لذا گاهی پزشکان به آن‌ها توصیه می‌کنند که در روز چهار نوبت غذا بخورند، خواهشمندیم نظر شریف خود را درباره آن بیان فرمائید.

◆ **جواب:** اگر روزه گرفتن برای آن‌ها ضرر داشته باشد، می‌توانند افطار کنند اگر تا سال بعد قادر به گرفتن قضا نشدند بیست و دو

ونیم (۲۲,۵) کیلو طعام کفاره (فدیه) بدهند.

◆ **سوال:** [۲۵۵] حکم استفاده از اسپری برای شخص روزه دار چیست؟ گاهی بیمار مجبور است در یک روز چندین بار از آن استفاده کند، آیا باز هم روزه گرفتن بر او واجب است؟

جواب: قبلا ذکر شد که اگر هوا باشد اشکال ندارد.

◆ **سوال:** [۲۵۶] آیا استفاده از قرص‌های جلوگیری برای قطع عادت ماهیانه در ماه رمضان و غیره، برای دختران و زنان جواز دارد؟

◆ **جواب:** اگر ضرر معتنا به نداشته باشد اشکال ندارد.

مسواک زدن در حال روزه

◆ **سوال:** [۲۵۷] مسواک زدن با خمیر دندان‌های امروزی چه حکمی دارد؟ آیا روزه را باطل می‌کند؟

◆ **جواب:** اگر به حلق فرو نرود روزه را باطل نمی‌کند.

◆ **سوال:** [۲۵۸] سؤال من درباره مسواک زدن در ماه مبارک رمضان است، آیا مجاز هستیم که در طول روز یا در اول صبح به هنگام رفتن سر کار مسواک بزنیم؟

◆ **جواب:** مسواک زدن در ماه مبارک رمضان روزه را باطل نمی‌کند، ولی آب مسواک را چند بار بیرون دهد تا چیزی از آن وارد حلق نشود.

خون دادن و حجامت در حال روزه

◆ **سوال:** [۲۵۹] خون دادن در ماه رمضان و در حال روزه چه حکمی دارد؟

◆ **جواب:** خون دادن در ماه رمضان اگر سبب ضعف و مانع روزه گرفتن نشود، اشکال ندارد.

◆ **سوال:** [۲۶۰] آیا آدم روزه دار می‌تواند خون بدهد؟ خونی که برای تست یا زیادتر از آن نیاز است؟

◆ **جواب:** اگر خون دادن موجب ضعف مفرط نشود، تا حدی که روزه‌دار از روزه گرفتن باز نماند، خون دادن اشکال ندارد؛ چنانچه باعث ضعف مفرط شود خون دادن جایز نیست.

روزه با لتهی خونی

◆ **سوال:** [۲۶۱] در صورتیکه لته‌ها در ماه رمضان بدون اختیار خونی شود و با آب دهان خورده شود روزه باطل است؟ یا خیر؛ شخصی که همیشه این تکلیف را دارد روزه‌اش چگونه است؟

◆ **جواب:** اگر خون به قدری کم باشد که با آب دهان مستهلک شود، قورت دادن و فرو بردن آن اشکال ندارد، اگر مستهلک نشود و عمداً قورت دهد روزه باطل می‌شود، هم قضا دارد و هم

کفاره جمع، که دو ماه روزه متوالی و سیر کردن شصت مسکین و یا چهل و پنج کیلو گندم یا آرد (طعام) برای شصت فقیر بدهد.

استعمال سیگار در حال روزه

◆ **سوال:** [۲۶۲] می‌خواستم بدانم که سیگار کشیدن روزه را باطل می‌کند؟ یا نه.

◆ **جواب:** بنا بر احتیاط واجب سیگار کشیدن روزه را باطل می‌کند.

فرو بردن سر در آب در حال روزه

◆ **سوال:** [۲۶۳] می‌خواستم بدانم آیا رفتن در استخر آب و شنا کردن در آب، در ماه رمضان روزه را باطل می‌کند؟

◆ **جواب:** فرو بردن تمام سر در زیر آب مبطل روزه است، اگر سر را زیر آب فرو نبرد اشکال ندارد.

◆ **سوال:** [۲۶۴] در روزه حکم آبیازی چیست؟ در صورتیکه سر زیر آب می‌شود، آیا روزه را باطل می‌کند؟

◆ **جواب:** فرو بردن تمام سر در زیر آب موجب بطلان روزه می‌شود، اگر آب بازی مثل شنا، باعث فرو رفتن سر در آب شود، در حال روزه جایز نیست.

اماله کردن

◆ سوال: [۲۶۵] شخصی قطع نخاعی به طوری طبیعی قادر به دفع مدفوع نیست، بنابراین از شیاف یا با تزریق آب به وسیله سوند برای دفع مدفوع اقدام می‌کند در ماه رمضان روزه این شخص چه حکمی دارد؟

◆ جواب: در فرض سؤال در صورت استفاده از شیاف روزه صحیح است و در صورت تزریق آب و اماله روزه اش باطل می‌باشد.

استعمال مواد آرایشی در حال روزه

◆ سوال: [۲۶۶]

- ۱- می‌خواستم بدانم وقتی که آدم روزه دارد می‌تواند از کرم‌های مرطوب کننده دست و صورت استفاده کند؟ حکم کلی استفاده از لوازم آرایشی هنگام روزه داری چیست؟
- ۲- آیا آدم روزه‌دار می‌تواند از کرم‌هایی که طبق دستور پزشک برای پوست داده شده استفاده کند؟

◆ جواب:

ج ۱: استفاده از لوازم آرایشی در ماه رمضان اگر برای غیر شوهر و نامحرمان نباشد و مانع از رسیدن آب در بدن موقع وضو و غسل نگردد، اشکال ندارد.

ج ۲: اگر مانع از رسیدن آب در موقع وضو و غسل نشود، اشکال ندارد.

کسانی که واجب نیست روزه بگیرند

◆ **سوال:** [۲۶۷] فردی ناراحتی معده و ورم روده دارد و دلش می‌خواهد روزه بگیرد، ولی در اثر ضعف و عدم قدرت و توانایی نمی‌توان روزه بگیرد، تکلیف او چیست؟

◆ **جواب:** اگر قادر به روزه گرفتن نیست در طول سال عوض هر روز یک مد طعام کفاره بدهد.

◆ **سوال:** [۲۶۸] شخصی مبتلا به مرضی است که قطرات منی همراه بول از او خارج می‌شود حکم روزه ایشان چیست؟

◆ **جواب:** اگر حفظ بول در طول روز برایش ضرر دارد، می‌تواند افطار کند و کفاره ندارد.

◆ **سوال:** [۲۶۹] آیا روزه برای شخص که کم خونی دارد باعث سرگیجه او شود واجب است؟

◆ **جواب:** اگر خوف ضرر می‌کشد روزه بر او واجب نیست.

◆ **سوال:** [۲۷۰] بعضی از کارگرانی که در کارخانه‌های، بلوک زنی، موزائیک سازی و سنگ بری کار می‌کنند، کارشان خیلی سنگین و سخت است و بعضاً روزه هم نمی‌گیرند و وقتی به آنها می‌گوییم چرا روزه نمی‌گیرید، می‌گویند نان پیدا کردن زن و بچه

هم از واجبات است، روزه را خدا می‌بخشد، تکلیف روزه اینگونه افراد چیست؟

◇ **جواب:** روزه بر آنها واجب است و آنها می‌توانند هر روز مسافرت کنند و افطار کنند، کسانی که بیش از سه سال در یکجا زندگی کرده‌اند و کسانی که کمتر از آن زندگی کرده‌اند هر نه روز مسافرت کنند و در محل کار قصد اقامه نکنند.

زنان باردار و شیرده

◇ **سوال:** [۲۷۱] خانمی است که بچه دو ماهه دارد و از چند وقت پیش شکم بچه‌اش خوب کار نمی‌کرده وقتی به دکتر رفته‌اند، گفته شده که بخاطر کم شیری و ضعف مادر است، که باید مادر بهتر تغذیه شود؛ حال سؤال این است که با توجه به احتمال ضعف و کمی شیر مادر روزه گرفتن برای این خانم چه صورت دارد؟ اگر روزه نگیرد وظیفه‌اش چیست؟

◇ **جواب:** اگر روزه برای مادر یا برای بچه ضرر دارد نباید روزه بگیرد؛ بعد از ماه رمضان قضای روزه‌ها را بگیرد و برای هر روز هفت صد و پنجاه گرم طعام به عنوان کفاره به فقیر بدهد.

بیمارانی که بیماریش زیاد می‌شود

◇ **سوال:** [۲۷۲] بنده مدت سه سال است که دچار قطع نخاع شدم، بنا به دستور دکتر باید آب زیاد مصرف کنم اگر نه کلیه و

مثانهام عفونتش زیاد می‌شود، آیا بنده می‌توانم روزه بگیرم؟ اگر روزه بگیرم و ضرر داشته باشد حکم روزه گرفتنم چیست؟

◇ **جواب:** اگر علم به ضرر روزه داشته باشید یا احتمال ضرر بدهید نباید روزه بگیرید؛ در صورت که بیماری تا رمضان بعدی ادامه پیدا کند و یا شما تا آخر عمر قادر به گرفتن روزه نشوید روزه‌های شما قضا ندارد فقط بابت هر روز هفت صد و پنجاه گرم آرد یا گندم به عنوان کفاره به فقیر بدهید.

◇ **سوال:** [۲۷۳] فردی دو سال است که تکلیف معده دارد و از طرف دکتر هم تشخیص داده شده است، از نظر جسمی بسیار لاغر و ضعیف است در غیر از ماه مبارک رمضان هم چیزی نمی‌تواند بخورد و مدام استفراغ می‌کند به گفته خودش تا بحال روزه گرفته هر چند در روز چندین بار استفراغ کرده، ولی چیزی بیرون نیامده است، حال تکلیف روزه او چیست؟ و اگر روزه نگیرد قضای آن چه می‌شود؟

◇ **جواب:** اگر بداند که روزه برایش ضرر دارد و یا دکتر متخصص مورد اعتماد بگوید روزه برایش ضرر دارد، در این دو صورت می‌تواند روزه نگیرد؛ روزهایی را که روزه بوده و استفراغ کرده است، اگر استفراغ به فضای دهن بیاید روزه را باطل می‌کند و الا اگر فقط حالت تهوع بوده روزه‌هایش صحیح است.

◆ **سوال:** [۲۷۴] کسی که بیمار است اگر روزه بگیرد حالت

ضعف پیدا می‌کند تکلیف او چیست؟

◆ **جواب:** اگر روزه برایش ضرر دارد یا بیماریش دیر خوب می‌شود

در این صورت روزه بر او واجب نیست.

◆ **سوال:** [۲۷۵] کسی که به علت بیماری زخم معده طبق سفارش دکتر

اگر روزه بگیرد احتمال دارد از بین برود تکلیف ایشان چیست؟

◆ **جواب:** اگر خودش خوف ضرر بدهد و یا دکتر متخصص مورد

اعتماد بگوید روزه برایت ضرر دارد در این صورت می‌تواند

روزه نگیرد.

◆ **سوال:** [۲۷۶] کسی که مریض باشد و شدیداً تب و درد داشته

باشد و احتمال می‌دهد که روزه برایش ضرر داشته باشد آیا مجاز

به افطار است؟

◆ **جواب:** اگر خوف ضرر داشته باشد می‌تواند افطار کند.

◆ **سوال:** [۲۷۷] بعضی از پزشکان بیماران را از روزه گرفتن به

دلیلی منع می‌کند آیا گفته این پزشکان حجت است؟

◆ **جواب:** اگر دکتر متخصص، متدین و مورد اعتماد باشد حرفش

حجت است.

◆ **سوال:** [۲۷۸] مادر من هفتاد سال دارد و سال گذشته ماه رجب

کیسه صفرای ایشان عمل شد و در ماه رمضان به دلیل ناتوانی روزه نگرفته‌اند آیا کفاره بر ایشان واجب است؟ یا فقط روزه را بگیرند کافیت؟ و اگر کفاره واجب است تاکنون روزه‌های سال گذشته را نگرفته‌اند آیا برایشان دو کفاره واجب است یا یکی؟

◇ **جواب:** اگر روزه برایش ضرر داشته و این عذر تا سال دیگر ادامه داشته باشد در این صورت قضاء واجب نیست، ولی بیست و دو و نیم (۲۲/۵) کیلوگرم گندم یا آرد کفاره دارد.

◇ **سوال:** [۲۷۹] من در سال گذشته بر اثر بیماری برای مدت پانزده روز قادر به خوردن و نوشیدن چیزی نبودم، چون معده‌ام عفونت کرده است، در ماه رمضان فقط هفده روز را روزه گرفتم، دوباره این مشکل بازگشت کرد و جگرم نیز مسموم شده است، لذا بنده تاکنون (که رمضان جدید سر می‌رسد) قادر به گرفتن روزه‌های قضا، نشده‌ام، تکلیف من نسبت به روزه‌های فوت شده چیست؟

◇ **جواب:** اگر روزه گرفتن برای شما ضرر داشته (در فرض سؤال) و این عذر تا ماه رمضان بعد ادامه پیدا کرده است، قضای روزه برای شما واجب نیست، ولی برای هر روز باید یک مد طعام (۷۵۰ گرم گندم یا آرد) کفاره بپردازید.

کسانی که قدرت بر روزه گرفتن ندارند

◆ **سوال:** [۲۸۰] ما در کشور سوئد زندگی می‌کنیم که مدتی از سال شب‌ها هم هوا روشن است و الان هم همین طور است مسجدی در شهر استکهلم وجود دارد که ما اوقات شرعی را از آنان می‌گیریم، آن‌ها زمان مشخصی را برای اذان صبح نوشته و اذان مغرب را ساعت یازده و نیم شب نوشته‌اند برای مثال اول ماه رجب را می‌خواستیم روزه بگیریم نوشته که وقت امساک ساعت دوازده و نیم شب و وقت افطار ساعت یازده و نیم شب با توجه به این که ماه مبارک نزدیک است می‌خواستیم بدانیم که وقت امساک و افطار در ماه مبارک چگونه است.

قابل ذکر است که روزه گرفتن از ساعت یک صبح تا یازده شب خیلی سخت و طاقت فرسا می‌باشد.

◆ **جواب:** اگر قدرت به روزه گرفتن نداشته باشید در صورت امکان هر روز قبل از ظهر به مقدار بیست و دو و نیم (۲۲/۵) کیلومتر از شهر خارج شوید و روزه را افطار کنید.

◆ **سوال:** [۲۸۱] فردی که معده درد دارد آیا روزه بر او واجب است؟

◆ **جواب:** در فرض سؤال اگر می‌داند که روزه گرفتن برایش ضرر دارد، یا دکتر متخصص مورد اعتماد بگوید که اگر روزه بگیرد

مریضی اش زیاد یا دیر خوب می شود، می تواند افطار کند ولی بابت هر روز مقدار هفت صد و پنجاه گرم آرد یا گندم به فقراء به عنوان کفاره بدهد.

◆ **سوال:** [۲۸۲] بعضی از جوانان برای اینکه در مقابل رفقایشان کم نیاورند، با رفقایشان روزه را می خورند یا برای اینکه کار می کنند، روزه نمی گیرند، تکلیف آنها چیست؟

◆ **جواب:** آنها کار حرام انجام داده اند، هم قضا دارد و هم کفاره عمد بر آنها واجب است.

◆ **سوال:** [۲۸۳] خانم این جانب دوتا فرزند دو قلو هشت ماهه دارد به نظر شما روزه باید بگیرد یا نه؟

◆ **جواب:** اگر خود خانم مطمئن است که روزه برایش ضرر دارد و یا دکتر متخصص مورد اعتماد بگوید روزه برای خانم و یا برای بچه ها ضرر دارد در این صورت می تواند افطار کند و برای هر روز هفتصد و پنجاه گرم طعام به فقرا کفاره بدهد و بعداً قضای روزه هایش را بگیرد.

قضا و کفاره روزه

◆ **سوال:** [۲۸۴] شخصی در ماه رمضان فقط نسوار کشیده و باقی مبطلات روزه را انجام نداده و نیت روزه داشته، آیا روزه اش

صحیح است یا نه؟ اگر روزه‌اش باطل است آیا کفاره دارد یا فقط قضا دارد؟

◇ **جواب:** اگر احتمال می‌داده که نسوار روزه را باطل می‌کند و اعتناء نکرده و نسوار کشیده؛ در این صورت بنا بر احتیاط واجب هم قضا کند و هم کفاره عمد را پرداخت کند.

◇ **سوال:** [۲۸۵] آیا وقتی که انسان روزه‌ی قضایی می‌گیرد و سهواً چیزی می‌خورد و بعد به یاد می‌آورد، روزه قضایی باطل می‌شود؟

◇ **جواب:** باطل نمی‌شود دوباره نیت روزه کند و آن روزه صحیح است. قضا و کفاره هم ندارد.

◇ **سوال:** [۲۸۶] کسی که به علت اعتیاد چند سال روزه نگرفته آیا قضا دارد؟ کفاره چگونه؟

◇ **جواب:** اگر قدرت روزه گرفتن داشته و روزه نگرفته هم قضاء دارد و هم کفاره و اگر قدرت نداشته فقط کفاره دارد، که بیست و دو نیم کیلو گندم در یک ماه می‌شود، ولی قضاء ندارد.

زمان و شرایط قضای روزه

◇ **سوال:** [۲۸۷] اگر قضای روزه‌ی رمضان را تا رمضان آینده نگیرد، آیا معصیت کرده است؟

◇ **جواب:** قضای روزه ماه رمضان را واجب است تا رمضان دیگر بگیرد، اگر عمداً از روی سهل انگاری نگیرد معصیت کرده، لذا باید کفاره بدهند.

◇ **سوال:** [۲۸۸] کسی که بر اثر عذر شرعی نتواند روزه بگیرد و همان عذر یا عذر شرعی دیگر بلافاصله پس از آن عذر حاصل شود و تا ماه رمضان سال بعد ادامه پیدا کند، آیا روزه‌هایش قضا و کفاره دارد؟ یا خیر؛ اگر بعد از برطرف شدن عذرش قضای روزه‌هایش را نگرفته باشد چه؟

◇ **جواب:** در فرض سؤال اگر عذر دیگری که بعد از عذر قبلی عارض بشود، عذر اختیاری نباشد مانند مسافرت، در این صورت قضا و کفاره ندارد، ولی احتیاطاً برای هر روز هفت صد و پنجاه گرم طعام مانند گندم یا نان یا خرما به فقیر بدهد؛ البته این احتیاط وجوبی است، اما عذر اگر اختیاری باشد مانند مسافرت قضا نیز بر او واجب است.

◇ **سوال:** [۲۸۹] شخصی مریض است و بیماری وی از رمضان امسال تا رمضان سال آینده طول می‌کشد تکلیف روزه او چیست؟

◇ **جواب:** در فرض سؤال کفاره دارد، که یک مد طعام (هفت صد و پنجاه گرم گندم یا آورد و...) باشد ولی قضا ندارد.

◆ **سوال:** [۲۹۰] کسی که در حال گرفتن روزه قضائی اش می باشد و بعد از ظهر همان روز مهمان می آید و با مهمان خود غذا یا چای می خورد، بدون اینکه روزه اش را دوباره بگیرد چه حکمی دارد؟ آیا کفاره دارد یا خیر.

◆ **جواب:** اگر قضای ماه مبارک رمضان باشد، افطار در بعد از ظهر جایز نیست؛ در صورت افطار، برای ده نفر فقیر که برای هر کدام مقدار هفت صد و پنجاه گرم نان یا گندم یا آرد باشد، باید به عنوان کفاره بدهد.

◆ **سوال:** [۲۹۱] کسی که به مدت سه سال فلج باشد روزه نگرفته و نماز هم نخوانده باشد و بعداً فوت کند روزه و نماز او چطور می شود؟

◆ **جواب:** در فرض سوال اگر قدرت بر روزه نداشته است، قضای روزه واجب نیست، فقط برای هر روز مقدار هفت صد و پنجاه گرم گندم یا نان به فقیر بدهند، ولی قضای نمازهای آن را باید انجام بدهند.

کفاره بطلان عمدی روزه

◆ **سوال:** [۲۹۲] جوانی هستم چندین ماه رمضان است که روزه ام را خورده ام، ولی الان توبه کردم می خواهم روزه بگیرم، تکلیف روزه هایی را که نگرفته ام چیست؟

◇ **جواب:** قضای روزه‌های گذشته را انجام دهید و برای هر روز چهل و پنج کیلو گندم یا آرد برای شصت فقیر کفاره بدهید کفایت می‌کند.

◇ **سوال:** [۲۹۳] من یک جوانم که تازه ازدواج کرده‌ام و در روز بیست و پنج ماه رمضان بعد از اذان صبح با همسرم نزدیکی کردم، آیا غیر از قضاء کفاره هم باید بدهم؟ یا نه؛ کدام یک از کفاره‌های عادی یا کفاره جمع که شصت روز است، به من تعلق می‌گیرد؟

◇ **جواب:** در فرض سوال هم قضا دارد و هم کفاره عمد، که شصت مسکین را اطعام کنید، یعنی به هر کدام از آنها یک مد طعام بدهید و یا شصت روز، روزه بگیرید.

◇ **سوال:** [۲۹۴] دختری عقد کرده هستم و به زودی (چند روز مانده به ماه رمضان) به خانه شوهر می‌روم؛ با توجه به وضعیت ویژه‌مان در ماه رمضان (عطش جنسی، ضعف بدنی و گرمای تابستان) احتمال قوی می‌دهم که روزه گرفتن برای اینجانب همراه با سختی فراوان باشد؛ آیا می‌توانم روزه نگیرم و بعداً قضای آنها را بگیرم؟ در ضمن بنده در تعیین تاریخ نامناسب عروسی هیچ گونه نقشی نداشتم و بزرگترها تصمیم گرفتند.

◇ **جواب:** در فرض سؤال به هیچ وجه به سبب عروسی نمی‌توانید روزه را افطار کنید یا روزه نگیرید.

◆ **سوال:** [۲۹۵] شنیده شده که حضرت عالی گفته‌اید برای شخص کارگری که نمی‌خواهد روزه بگیرد باید برای فرار از روزه از حد ترخص بگذرد، افطار نماید و بعد برگردد، اشکال ندارد آیا صحت دارد؟

◆ **جواب:** بله صحت دارد، در صورتی که بیست و دو نیم کیلومتر مسافت کند؛ فرار از روزه کراهت دارد ولی حرام نیست.

◆ **سوال:** [۲۹۶] کسی که شب تصمیم دارد فردا برای فرار از روزه مسافت شرعی را طی کند، تا عذری برای افطار کردن خود داشته باشد، آیا می‌تواند چنین کاری را انجام دهد؟ اگر این کار را انجام دهد آیا جواز افطار او می‌شود؟

◆ **جواب:** بله جایز است، نهایتاً سفر برای فرار از روزه کراهت دارد، ولی حرام نیست.

ادای کفاره روزه

◆ **سوال:** [۲۹۷] دو ماه کفاره روزه دارم و فقییری را هم نمی‌شناسم آیا جایز است که آن را به دفتر جنابعالی تحویل بدهم تا به نیابت از من آن را به فقراء بدهند.

◆ **جواب:** اگر کسی به نیابت شما برای فقیر طعام بدهد کافی است، همچنین برای ادای آن اگر هر کسی از طرف شما وکالت کند

اشکال ندارد.

◆ **سوال:** [۲۹۸] بنده روزه‌ام را عمداً قضا نمودم می‌خواهم کفاره‌اش را بدهم، پیدا کردن شصت فقیر برایم مشکل است، آیا می‌توانم کفاره روزه‌ام را برای قحطی زدگان سومالی ارسال نمایم، آیا می‌توانم به یک خانواده فقیر بدهم؟

◆ **جواب:** کفاره به فقراء شیعه داده شود و به یک خانواده نمی‌شود کفاره عمد را داد؛ اگر شصت (۶۰) فقیر پیدا نمی‌توانید به دفتر بیاورید تا از طرف شما بین شصت فقیر تقسیم شود.

◆ **سوال:** [۲۹۹]

۱- در رساله آمده است که برای کفاره یک روز افطار عمدی در ماه رمضان می‌توان شصت فقیر را به میزان یک مد یا ده سیر اطعام نمود، اما اگر امکان دارد دقیق‌تر بفرمایید که یک مد یا ده سیر با مقیاس‌های اندازه‌گیری مرسوم امروزه چند کیلوگرم خواهد بود؟

۲- آیا غذای مورد نظر حتماً باید گندم یا برنج باشد؟ یا می‌توان پولی به همان ارزش را به نیت خرج برای اطعام‌شان به آنها داد؟

◆ **جواب:**

ج ۱) افطار روزه در ماه رمضان عمداً بدون عذر شرعی کفاره دارد، که باید شصت مسکین را اطعام کند، یا به شصت مسکین، شصت

مد طعام بدهد که یک مد هفت صد و پنجاه (۷۵۰) گرم گندم یا آرد می‌شود و کفاره یک روز چهل و پنج (۴۵) کیلو هست و باید به شصت فقیر داده شود و یا شصت روز پی در پی روزه بگیرد.

ج ۲) برای ادای کفاره غذا، یا گندم یا آرد و یا برنج بدهد کافی است، ولی دادن پول به فقرا از کفاره کفایت نمی‌کند مگر اینکه فقیر را وکیل بگیرد که با آن پول فقط نان، برنج و... بخرد و مصرف کند.

◆ **سوال:** [۳۰۰] من در حدود سی روز از ماه مبارک رمضان را بدون داشتن عذر شرعی کاری کردم که روزه‌ام باطل شود، حال کفاره روزه خود را چگونه باید پرداخت کنم؟ کفاره کل سی روز را باید پرداخت کنم یا نه؟

آیا کفاره روزه را می‌توانم به یک شخص فقیر بدهم یا بجای گندم پول آن را به فقرا بدهم؟

◆ **جواب:** در فرض سوال که افطار عمدی بوده باید کفاره هر روز را به شصت نفر فقیر طعام بدهید؛ یعنی شصت نفر فقیر را سیر کنید و دادن پول از کفاره کفایت نمی‌کند.

زمان قضای روزه میت

◆ **سوال:** [۳۰۱] اگر کسی فوت کرده باشد و پسران و دختران او

هر کدام بخواهند یک مدت از روزهی قضای پدر را بگیرند تا چه وقت اجازه دارند روزه‌ای را که به گردن گرفته‌اند، به تأخیر بیندازند؛ مثلاً اگر دختر او حامله باشد و چند روز از روزهی قضای پدر را بخواهد بگیرد، می‌تواند بعد از اینکه وضع حمل کرد و طفلش کمی کلان شد، روزهی قضای پدر را بگیرد؟ یعنی در مجموع از نگاه وقت محدود است؟ یا خیر.

◇ جواب: کوشش شود هرچه زود دین میت ادا شود، بدون عذر نباید در انجام قضا تأخیر شود.

روزه و سفر

◆ **سوال:** [۳۰۲] آیا مسافرت غیر ضروری در ماه مبارک رمضان اشکال دارد؟

◆ **جواب:** اگر برای فرار از روزه باشد کراهت دارد.

◆ **سوال:** [۳۰۳] آیا می‌شود برای فرار از روزه ماه رمضان مسافرت کرد؟

◆ **جواب:** بله مسافرت جایز است ولی کراهت دارد.

◆ **سوال:** [۳۰۴] اگر کسی صبح نیت مسافرت کند با این که به حکم مسافر بودن است، می‌تواند قبل از رفتن روزه را افطار نماید؟ اگر کسی شب نیت مسافرت نداشته باشد صبح اتفاقاً سفر برایش پیش آید حکم روزه اش چیست؟ آیا می‌تواند افطار کند؟

◆ **جواب:** اگر در شب نیت مسافرت نداشته باشد نمی‌تواند روزه خود را افطار کند، آن روز را هم روزه بگیرد و هم قضاء کند، اگر در شب قصد سفر داشته باشد تا از حد ترخص رد نشده نمی‌تواند افطار کند.

◆ **سوال:** [۳۰۵] بنده قبل از ظهر مسافرت کردم چیزی نخوردم و نیشامیدم و مفطری انجام ندادم و قبل از ظهر همان روز به محل زندگی‌ام برگشتم و دوباره نیت کردم آیا روزه من صحیح است؟

◆ **جواب:** بله، روزه آن روز صحیح است.

◆ **سوال:** [۳۰۶] اگر روزه دار پیش از ظهر قصد مسافرت کرده و بعد از حدّ ترخص روزه‌اش را باطل کند، سپس مانعی از ادامه‌ی سفر برایش پیش آید و به وطن باز گردد آیا تا شب باید امساک کند یا می‌تواند بخورد؟

◆ **جواب:** امساک واجب نیست.

حد ترخص

◆ **سوال:** [۳۰۷] اگر مسافری به طرف وطن یا محلّ اقامت خود بیاید و اذان ظهر را در حدّ ترخص بشنود و مفطر را به جا نیاورده باشد، اگر نیت روزه کند صحیح است؟ یا این که شرط است قبل از ظهر به وطن یا محلّ اقامت خود برسد؟

◆ **جواب:** در فرض سؤال شرط است که قبل از ظهر به وطن یا محلّ اقامت خود برسد و حدّ ترخص برای مسافری که وارد می‌شود کافی نیست، بلکه اعتبار حدّ ترخص برای مسافری است که از وطن یا محلّ اقامت خود خارج می‌شود.

◆ **سوال:** [۳۰۸] شخص که مسافرت می‌رود آیا جواز افطار او هشت فرسخ فقط طی مسافت رفت است؟ یا نه این که رفت و برگشت هر دو هشت فرسخ باشد؟

◆ **جواب:** اگر رفت و برگشت هشت فرسخ چهل و پنج (۴۵) کیلومتر شود مسافر می‌تواند افطار کند.

◆ **سوال:** [۳۰۹] کسی که می‌خواهد بعد از ظهر مسافرت کند تا روزه‌اش درست باشد آیا باید هنگام اذان ظهر خانه یا محلی دیگری را که در نظر گرفته است برسد روزه‌اش صحیح است یا در مسیر مقصدی باشد که پیش از ظهر می‌رسد، یعنی هنوز به مقصد نرسیده ولی دیوار شهر را می‌بیند روشن تر جواب دهید.

◆ **جواب:** بعد از ظهر هر موقع مسافرت کند روزه‌اش صحیح است؛ اگر منظور شما از رسیدن به مقصد، روزه روز بعد است، که باید قبل از ظهر در وطن یا در جایی که ده روز قصد اقامت در آنجا دارد رسیده باشد و رسیدن در حد ترخیص آنجا قبل از ظهر، برای بازگشت به وطن و محل قصد اقامت کفایت نمی‌کند.

◆ **سوال:** [۳۱۰] بنده در مسیر می‌روم که چهار فرسخ رفت و چهار فرسخ برگشت من تا منزل یا دیوار شهر است، به هر صورت هشت فرسخ طی شده تکلیف روزه من چیست؟

◆ **جواب:** اگر بین دو محل یعنی از آخر محلی تا ابتدا محل دیگری

رفت و برگشت هشت فرسخ باشد روزه افطار می‌شود.

◆ **سوال:** [۳۱۱] کسی که از سفر برمی‌گردد و به شهر خودش می‌رسد، اما خانه او در یکی از روستاهای اطراف شهر است که یک ساعت از شهر فاصله دارد، آیا می‌تواند نیت روزه کند؟ یا ملاک خود منطقه‌ی آن ده یا روستا است؟

◆ **جواب:** تا به روستای خود نرسیده است نمی‌تواند نیت روزه کند.

◆ **سوال:** [۳۱۲] معیار درست بودن روزه برای مسافری که قبل از ظهر به وطنش می‌رسد، رسیدن به محل زندگی و داخل شدن در شهر و قریه است؟ یا رسیدن به دروازه شهر و جایی که صدای اذان را می‌شنود؟

منظور از اذان چه اذانی است، آیا اذان با بلندگو یا صدای اذان شخصی بدون بلندگو؟ لطفاً واضح فرمایید.

◆ **جواب:** در فرض سؤال معیار رسیدن به حد ترخیص است، که دیوار شهر و یا صدای اذان شنیده شود و مراد از اذان، اذان بدون بلندگو است که همان اذان عادی و معمولی با صدای شخص باشد.

دائم السفر

◆ **سوال:** [۳۱۳] عده‌ای برای کار می‌خواهند به مدت سه ماه به

محللی عزیمت کنند که بیش از چهار فرسخ می باشد البته می خواهند هرروز صبح بروند و قبل از اذان مغرب باز گردند، حکم روزه برای این گونه افراد چیست؟

◇ **جواب:** در فرض سؤال دائم السفر هستند باید روزه بگیرند و نماز را هم تمام بخوانند.

◇ **سوال:** [۳۱۴] در هفته پنج روز مکتب می روم که در حدود سی کیلومتر از خانه من فاصله دارد و همچنان آخرهای هفته خانه برادرانم می روم که شصت (۶۰) کیلومتر از خانه من فاصله دارد، مسئله روزه و نماز من چیست یعنی آیا قصر می شود یا نه؟

یادآور می شوم که تقریباً هر آخر هفته خانه برادرانم می روم، حتی کلید خانه ی یکی از برادرانم را نیز دارم.

◇ **جواب:** اگر این رفت و آمد بین خانه و مکتب سه ماه، یا بیشتر ادامه پیدا می کند دائم السفر هستید نمازتان در خانه و مکتب تمام است و در ماه رمضان باید روزه بگیرید اما در خانه برادران نماز شما قصر است.

◇ **سوال:** [۳۱۵] بنده متولد و بزرگ شده ی دزفول می باشم و در شهر ماهشهر (دو صد و پنجاه (۲۵۰) کیلومتر با دزفول فاصله دارد) کار می کنم و در حال حاضر نیز زن و بچه ام در شهر اهواز یکصد و پنجاه (۱۵۰) کیلومتر با دزفول فاصله دارد زندگی

می‌کنند؛ لذا مجبورم که چند روز در هفته در اهواز یا دزفول بمانم. وضعیت نمازم به چه صورت می‌باشد، لازم به ذکر است که در آینده نیز ممکن است بطور دائم در یکی از شهرها بصورت دائم زندگی کنم.

◇ **جواب:** اگر در هفته سه بار یا بیشتر بین دزفول و ماهشهر به مدت سه ماه یا بیشتر رفت و آمد کنید در هر سه جا نماز را تمام بخوانید بعد از این که در یکی از شهرها به صورت دائم زندگی گردید، آنجا وطن حساب می‌شود، نماز را تمام بخوانید.

◇ **سوال:** [۳۱۶] حکم نماز و روزهی کارگران مهاجرین افغانی که از لحاظ کاری بیشتر از مسافت شرعی را برای کار طی می‌کند و هر روز رفت و آمد دارد چیست؟

جواب: اگر سه ماه یا بیشتر ترددشان ادامه پیدا کند دائم السفر هستند.

◇ **سوال:** [۳۱۷] کسی که خانه‌اش در شهر است و در روستای اطراف شهر کار می‌کند یا کارگر است یا پیمانکار، معمولاً بیشتر از ده روز طول می‌کشد، تکلیف نماز و روزه‌ش چیست؟

◇ **جواب:** اگر کمتر از یکماه رفت و آمد می‌کند نمازش در سفر قصر است و نمی‌تواند روزه بگیرد.

◇ **سوال:** [۳۱۸] حکم کارگری که صبح برای کار سر فلکه می‌رود، صاحب کاری پیدا می‌شود که این شخص را سر کار

ببرد، اما مسیری که طی می‌شود بیشتر از چهار فرسخ می‌باشد، حکم روزه ایشان چیست؟

◇ **جواب:** اگر در شب قصد سفر را نداشته آن روز را هم روزه بگیرد و هم قضاء کند.

◇ **سوال:** [۳۱۹] چندین سال است که پیمانکارم و فاصله بین منزل و محل کارم بیشتر از حد شرعی است و من هم به ناچار باید هر روز این مسیر را طی کنم، آیا نماز و روزه‌ام قصر است؟

◇ **جواب:** اگر سه ماه یا بیشتر رفت و آمد می‌کنید دائم السفر هستید و اگر دو ماه طول می‌کشد احتیاط کنید بین قصر و تمام، روزه و قضاء، ولی نماز در خانه تمام است.

◇ **سوال:** [۳۲۰] حکم روزه و نماز دانش‌آموزان، دانشجویان، معلمان و کارمندانی که جهت تحصیل و شغل کاری خود هفته‌ای یک روز، یا دو روز یا بیشتر به مسافت شرعی چهل و پنج کیلومتر سفر می‌کنند چیست؟

◇ **جواب:** اگر در هفته سه روز یا بیشتر بروند و سه ماه یا بیشتر ادامه پیدا کند، دائم السفرند و نمازش تمام است و باید روزه بگیرند و اگر در هفته یکبار مسافرت کنند، مسافرنند. و اگر در هفته دو بار مسافرت کنند، احتیاط کنند که هم نماز را در سفرهاشان تمام بخواند و هم قصر.

◆ **سوال:** [۳۲۱] اینجانب دانشجو یا کاسب یا کارمندی هستم که محل زندگی در بلخاب است و هفته‌ای دو روز و پنج روز در استان سر پل و یک هفته در مزار شریف زندگی می‌کنم، بعد از آن به محل زندگی خودم بر می‌گردم، آیا بنده حکم دائم السفر را دارم؟ آیا دائم السفر می‌تواند نماز و روزه‌اش را کامل انجام دهد؟

◆ **جواب:** اگر برای تحصیل، کار و... بمدت سه ماه یا بیشتر در هفته سه بار یا بیشتر رفت و آمد کند و یا بیش از سه روز در هفته در سفر باشد، نمازش تمام است و روزه بگیرد.

◆ **سوال:** [۳۲۲] اینجانب خلبان طیاره‌ای چرخ‌سی نظامی هستم، شغلم ایجاب می‌کند که دائم در مأموریت پرواز باشم به طوریکه شاید در هر ماه مسافر باشم یا در هفته دو یا سه روز یا بیشتر، با این توصیف چون من نظامی هستم و تمام افغانستان وطن من می‌باشد، آیا می‌توانم حکم دائم السفر را داشته باشم تا بتوانم نماز و روزه‌ام را کامل بجا آورم، شاید این سوال خیلی از همکاران من باشد، نظرات حضرت عالی را در این زمینه خواستاریم، لطفاً توضیح فرمایید؟

◆ **جواب:** اگر در هفته حداقل سه بار قصد مأموریت پیدا کنید، در فرض سوال دائم السفر هستید باید روزه بگیرید، اگر دو بار انجام دهید احتیاط کنید، بین روزه و قضاء، اگر یک بار در هفته مأموریت را انجام دهید در حکم مسافر هستید.

◆ **سوال:** [۳۲۳] کسی که جزء پرسنل نیروی امنیتی شهرش هست، بعضاً مأموریتی برایش پیش می‌آید که باید روزی دو یا سه بار به مسافرت برود که بیش از حد ترخص است، یا شاید در هفته مأموریتی پیش نیامد یا شاید یک هفته یا دو هفته مأموریت برود، حکم نماز و روزه‌اش چیست؟

◆ **جواب:** اگر در حد ترخص تردد کند نماز قصر نمی‌شود و اگر در حد مسافت شرعی که هشت فرسخ است، رفت و آمدش طول بکشد و در هفته سه بار تردد کند، دائم السفر است.

وطن دوم

◆ **سوال:** [۳۲۴] بنده دانشجویی هستم اهل افغانستان که در شهری در کشور آلمان تحصیل می‌کنم. برای چند ماه در این شهر خواهم بود و سپس برای چند ماه نزد خانواده‌ام بر می‌گردم و پس از چند ماه بودن نزد خانواده‌ام دوباره باید برای دو سال برگردم این شهر.

سوال اول: آیا این شهر در آلمان وطنم محسوب می‌شود؟

سوال دوم: روزه ماه رمضان در اینجا بسیار طولانی است حدود نوزده ساعت از سحر تا افطار طول می‌کشد و من روزی پنج ساعت درس دارم و شما چه راه حلی را در این موارد پیشنهاد می‌کنید؟

در صورتی که این شهر و طنم محسوب نشود آیا من می‌توانم هر هفته برای یک روز مسافرت بروم تا در برگشت نماز و روزهام شکسته شود؟

◇ جواب:

۱- در دو سال اول حکم وطن پیدا نمی‌کند.

۲- روزه را باید بگیرید، خیلی از نقاط جهان نوزده ساعت روزه می‌گیرند و اگر بخواهید روزه نگیرید در هر نُه روز از آن شهر تا بیست و سه کیلومتر بروید و افطار کنید بعد می‌توانید آب و غذا بخورید و قضای روزه‌هایتان را بعداً بگیرید.

◇ سوال: [۳۲۵] دانشجویی هستم که در دانشگاه مزار شریف درس می‌خوانم و در کابل کارمندم و در حال حاضر ساکن شهر شبرغان هستم، برای درس به دانشگاه مزار می‌روم و از آنجا سرکارم کابل می‌روم، همان شب یا فردای آن روز بر می‌گردم در جایی که ساکن هستم، حکم نماز و روزه‌ام چیست؟

◇ جواب: اگر قصد زندگی چهار سال یا بیشتر در شبرغان را داشته باشید حکم وطن را دارد، اگر در طول هفته سه روز یا بیشتر در سفر باشید، دائم السفر هستید، نماز را تمام بخوانید و در سفر روزه بگیرید.

◇ سوال: [۳۲۶] در ماه مبارک رمضان شخصی که تنها کارگر

خانواده است اگر کار کند روزه را مخصوصاً در این هوای گرم نمی‌تواند بگیرد و اگر روزه بگیرد کار نمی‌تواند بکند و برایش مقدور هم نیست که هر روز از حد ترخیص خارج شود و برگردد لطفاً حکم مسئله را بیان فرمایید.

◇ **جواب:** اگر کمتر از سه سال در محل کارش زندگی می‌کند و بناء ندارد بیش از چهار سال در آنجا بماند، می‌تواند قبل از رمضان مسافرت کند به مقدار بیست و دو نیم کیلومتر و برگردد و قصد اقامه ده روز نکند و تا نه روز افطار کند و روز نهم هم مسافرت کند و برگردد و قصد اقامه نکند و همین طور تا آخر ماه رمضان، در این صورت این فرار از روزه است، هر چند کراهت دارد ولی حرام نیست و کفاره ندارد، فقط قضاء دارد، ولی اگر چهار سال و یا بیشتر در محل کارش زندگی کرده در این صورت هر روز چهار فرسخ مسافرت کند و بعد از حد ترخیص قبل از ظهر افطار کرده و برگردد در این صورت نیز تا شب افطارش اشکال ندارد.

اگر بدون مسافرت روزه نگیرد باید روزه هایش را قضا کند و کفاره بدهد، که باید عوض هر روز دو ماه روزه بگیرد، یا شصت مسکین را طعام بدهد و یا برای شصت مسکین شصت مد طعام بدهد که هرروز آن چهل و پنج کیلو گندم یا آرد است.

مسافر و روزه مستحبی

◆ سوال: [۳۲۷] حکم روزهی مستحبی برای مسافر چه می‌باشد؟

◆ جواب: گرفتن روزه در حال سفر جواز ندارد، چه واجب باشد چه مستحبی.

روزه مسافر در کلان شهرها

◆ سوال: [۳۲۸] ما در شارجه زندگی می‌کنیم و بعضی اوقات برای کاری تا بندرگاه جبل علا واقع در شهر دبی که تقریباً در هفتاد کیلومتری می‌باشد سفر می‌کنیم، اگرچه بخاطر شهرک سازی و ساخت و ساز ساختمان‌ها تقریباً تمام این مناطق مثل یک شهر معلوم می‌شوند، ولی کد شهر فرق می‌کند، حالا تکلیف روزهی ما در سه صورت ذیل چگونه خواهد بود؟

قبل از ظهر سفر کنیم و قبل از ظهر به شارجه برگردیم؟

قبل از ظهر سفر کنیم و بعد از ظهر به شارجه برگردیم؟

بعد از ظهر سفر کنیم و بعد از ظهر قبل از افطار به شارجه برگردیم؟

ناگفته نماند که ما به روال عادی و به فکر اینکه همه‌ای اینها جز یک شهر و منطقه هستند روزه گرفته‌ایم.

◇ **جواب:** اگر همه آن‌ها عرفاً یک شهر حساب می‌شود و شهرک‌ها با هم اتصال دارند نماز تمام و روزه صحیح است و اگر بین دو شهرک ۲۲/۵ کیلومتر فاصله دارد و در طول ماه گاه گاهی مسافرت می‌کنید اگر بعد از ظهر مسافرت کنید روزه صحیح است، همچنین اگر قبل از ظهر مسافرت کنید و قبل از ظهر برگردید و مفطر تناول نکرده باشید در محل سکونت نیت روزه کنید روزه صحیح است، ولی چنانچه قبل از ظهر مسافرت کند و بعد از ظهر برگردد و مفطر انجام نداده باشد، آن روز را هم امساک کند و هم قضا آن را بگیرد.

◇ **سوال:** [۳۲۹] در بلاد کبیره‌ای مثل تهران حضرت عالی مبدأ مسافت را آخر محلات می‌دانید یا آخر شهر؟ اگر آخر محلات بدانید، محلات معمولاً به همدیگر وصل است، تکلیف نماز و روزه‌ام چه می‌شود؟

◇ **جواب:** مبدأ مسافت آخر شهر تهران است.

◇ **سوال:** [۳۳۰] کارگری هستم که صاحب کارم من را از این محله به محله دیگری می‌برد، بسیاری از محلات بلاد کبیره به هم وصل است و برای رفتن از این محله تا محله دیگر بیشتر از مسافت شرعی طی می‌شود، آیا در این نوع رفت و آمدها روزه‌ی من صحیح است؟

مسائل عبادی / روزه و سفر ----- ۱۶۵

◇ جواب: در داخل کلان شهرها هر مقدار سفر کنید نماز قصر نمی شود.

رؤیت هلال

◆ **سوال:** [۳۳۱] به نظر حضرت عالی اول ماه مبارک رمضان به چند چیز و چگونه ثابت می شود؟

◆ **جواب:** اول ماه به پنج چیز ثابت می شود:

۱- خود انسان ماه را ببیند؛ ۲- از قول عده‌ای یقین یا اطمینان پیدا کند؛ ۳- دو مرد عادل شهادت بدهند؛ ۴- سی روز از اول ماه شعبان بگذرد؛ ۵- حکم حاکم شرع.

◆ **سوال:** [۳۳۲] آیا در ماه مبارک رمضان دیدن اول ماه برای گرفتن روزه و در آخر ماه دیدن هلال برای کسی که می خواهد افطار کند واجب است؟

◆ **جواب:** دیدن واجب نیست ولی مستحب است که مؤمنین استهلال کنند.

◆ **سوال:** [۳۳۳] آیا دیدن ماه با وسائل و امکانات پیشرفته امروزی مانند تلسکوپ و دوربین‌های چشمی و امثال آن ثابت می شود؟

◇ **جواب:** اگر یقین و اطمینان حاصل شود اول ماه ثابت می‌شود.

◇ **سوال:** [۳۳۴] آیا رؤیت تصویر هلال ماه، با استفاده از دوربین و انعکاس نور و بازخوانی اطلاعات ضبط شده، توسط رایانه‌ها برای اثبات اول ماه کفایت می‌کند؟

◇ **جواب:** اگر به طور مستقیم با چشم عادی و مسلح دیده نشود، اول ماه ثابت نمی‌شود.

◇ **سوال:** [۳۳۵] اگر در بین علما و مراجع اختلاف، در ثبوت رؤیت هلال و عدم آن به وجود آید، یکی تابع قانون دولتی است و دیگری تابع قانون شرعی، عدالت آن‌ها هم بر مکلف ثابت بوده و آن‌ها هم هر کدام در استدلال خود مطمئن باشند، وظیفه مقلدین و مکلفین چیست؟

◇ **جواب:** مسئله رؤیت هلال تقلیدی نیست معیار همان پنج چیزی است که در رساله عملیه آمده است؛^۱ ممکن است رؤیت هلال نزد مقلد ثابت شود ولی در نزد مرجع ثابت نشود.

◇ **سوال:** [۳۳۶] عده‌ی از مردم مسلمان افغانستان در عید فطر همراه با مردم عربستان عید می‌کنند، عده‌ی دیگر نیز گوش به

۱. اول ماه به پنج چیز ثابت می‌شود:

۱- خود انسان ماه را ببیند؛ ۲- از قول عده‌ای یقین یا اطمینان پیدا کند؛ ۳- دو مرد عادل شهادت بدهند؛ ۴- سی روز از اول ماه شعبان بگذرد؛ ۵- حکم حاکم شرع.

فرمان مراجع ایران هستند، در تبعیت کدام دو اولیت هست؛
حضرت عالی چه نظر برای اتحاد و انسجام آن مردم دارید؟

◇ **جواب:** چنانچه مکرراً ذکر کردم که مسئله رؤیت هلال تقلیدی نیست معیار همان پنج چیز است؛ و طبیعی است که نظر مراجع تقلید از هر کجای باشد مورد اعتماد و حجت‌اند.

وحدت یا اختلاف افق

◇ **سوال:** [۳۳۷] ماه شوّال در مشهد رؤیت شود، که با افغانستان نیم الی یک ساعت تفاوت افق دارد، آیا اوّل ماه در افغانستان هم ثابت می‌شود؟

در کشور پاکستان دو نفر از علمای شیعه و دو تن از اهل سنّت و چهار نفر از اهل حدیث (وهابی‌ها) را برای رؤیت هلال انتخاب نموده‌اند، این کمیته از طرف دولت وقت انتخاب شده است، نه از طرف مجتهد جامع الشّرایط؛ در اواخر هر ماه، کمیته مذکور در شهر لاهور پاکستان تشکیل می‌شود و رؤیت هلال از زبان رییس کمیته (که از اهل تسنّن است) به وسیله رادیو و تلویزیون، به اطلاع مردم می‌رسد، آیا به مجردّ اطلاع و اعلام رییس این کمیته، روزه را می‌توان افطار کرد؟

◇ **جواب:** به نظر اینجانب در هر جایی از کره زمین ماه رؤیت شود برای تمام نقاط دیگر که حداقل در مقداری از شب با محل

رؤیت شریک باشند ثابت می‌شود چه در مشرق باشد چه در مغرب فرق ندارد. ملاک حصول اطمینان بر رؤیت است، ولو از حرف کمیته مذکور باشد یا راه‌های دیگر.

◆ سوال: [۳۳۸]

۱- منظور از «هم افق بودن» در مسئله‌ی رؤیت هلال چیست؟ دو منطقه با چه شرایطی هم افق نامیده می‌شوند؟

۲- اول ماه و آخر ماه رمضان را در کشور هلند چگونه تشخیص دهیم؟ (با توجه به اینکه اینجا غالباً هوا ابری بوده و رویت ماه ممکن نمی‌باشد)

۳- اگر حلول شوال و عید فطر بر مرجع تقلید محرز شده باشد تکلیف مقلدین آن مرجع چیست؟

◆ جواب:

ج ۱) در فرض سوال هم افق بودن آن است که موقع طلوع و غروب آفتاب در دو منطقه یا دو کشور و بیشتر در یک زمان باشد اما اینجانب اتحاد افق را در ثبوت رویت هلال شرط نمی‌دانم.

ج ۲) در هر جای دنیا که اول ماه ثابت بشود برای کشوری مثل هلند ثابت می‌شود بشرطی که آن جایی که ماه دیده شده حداقل در مقداری از شب با کشور هلند شریک باشد.

ج ۳) اگر آن مرجع تقلید حکم کند که فردا عید است برای مقلدین و غیر مقلدین حجت است و باید عید کنند، اگر حکم نکرده و از عید کردن ایشان برای غیر آن مرجع تقلید اطمینان یا علم به رؤیت هلال پیدا شود باز حجت است، ولی اگر اطمینان پیدا نشود نمی‌توانند عید کنند.

◆ **سوال:** [۳۳۹] امروز (جمعه ۱۳۸۹/۶/۱۹) که در ایران عید اعلان شده است آیا در شهر کویته پاکستان نیز عید سعید فطر است؟ یا شرایط دیگری باید محرز گردد؟

◆ **جواب:** در صورتی که در کویته یا در پاکستان ماه دیده نشده باشد و از رادیو ایران علم یا اطمینان به دیده شدن ماه پیدا نکنند در آن جا هم باید عید کنند، چون کشورهایمانند ایران، افغانستان، پاکستان و ... که در شب یا بخش از شب با هم مشترکند، به نظر اینجانب اثبات رؤیت هلال در یکی از آنها برای دیگران کفایت می‌کند.

◆ **سوال:** [۳۴۰] بنده در سوئد به همراهی خانواده خود زندگی می‌کنم، امروز جمعه است و بیشتر مردم در اینجا عید گرفته‌اند، هنوز هلال ماه توسط بزرگان شیعه که در پایتخت سوئد هستند، اعلام نشده است.

آیا ما هم می‌توانیم عید بگیریم یا تا فردا صبر کنیم؟ و اگر امروز

را روزه بگیریم و فردا معلوم شود که امروز یعنی روز جمعه عید بوده است، تکلیف ما چیست؟

◇ **جواب:** اگر در کشوری عید اعلام شود و از اعلام آن شما اطمینان به رؤیت ماه پیدا کنید و محل اقامت شما در مقداری از شب با کشوری که ماه در آن دیده شده مشترک باشد می‌توانید عید کنید و اگر اطمینان پیدا نکنید و روزه بگیرید بعد معلوم شود که عید بوده ضرری ندارد.

◇ **سوال:** [۳۴۱] می‌خواستم بدانم که نظر حضرتعالی در مورد کشورهای شمال اروپا مثل سوئد، فنلاند و نروژ که در آن ماه رؤیت نشده و در ایران و بعضی کشورهای اسلامی دیگر ماه رؤیت گردیده چیست؟ آیا اینکه در ایران ماه رؤیت گردیده ما هم می‌توانیم مطابق با ایران عید بگیریم یا نه، باید در اینجا هم ماه رؤیت شود؟

◇ **جواب:** در فرض سوال در همه جاهایی که در مقداری از شب با کشوری که در آن ماه دیده شده اشتراک داشته باشند در آن جاها نیز عید است، شما باید با کشورهای که در مقداری از شب مشترک است، تماس بگیرید اگر در یکی از آن کشورها رؤیت هلال ثابت شده باشد و برای شما اطمینان حاصل شود، می‌توانید عید کنید و الا تا حصول اطمینان باید روزه گرفت.

◆ **سوال:** [۳۴۲] اگر در روز بیست و نهم ماه رمضان در ایران عید شود آیا ما در افغانستان می‌توانیم افطار کنیم؟ اگر بلی، تکلیف کمبودی روزه ماه رمضان چه می‌شود؟

◆ **جواب:** در فرض سؤال در صورتیکه اول ماه رمضان شرعاً در ایران ثابت شده باشد، می‌توانند عید کنند و یک روز از ماه رمضان را قضاء کند.

اثبات عید با حکم حاکم شرع

◆ **سوال:** [۳۴۳] آیا برای عید گرفتن ما باید از حاکم شهر پیروی کنیم یا حاکم شرع؟

◆ **جواب:** اگر حاکم شرع حکم کند که فلان روز عید است، باید عید کنند؛ ولی اگر حکم نکند و فقط بگوید فردا عید است، برای دیگران اعتبار ندارد، مگر اینکه اطمینان پیدا کنند به رؤیت هلال، که در این صورت به علم و اطمینان خودشان باید عمل کنند.

◆ **سوال:** [۳۴۴] در صورت رؤیت هلال در ایران و حکم حاکم شرعی به ثبوت رؤیت هلال در سراسر ایران، آیا ما می‌توانیم طبق همین حکم حاکم شرع در افغانستان، حکم به ثبوت رؤیت هلال نماییم؟ با وجود که در افق و غروب فرق دارد؟

◆ **جواب:** حکم حاکم شرع مطلقاً نافذ است در صورتی که کشف خلاف نشود.

عید به خاطر تقیه یا وحدت مسلمین

◆ **سوال:** [۳۴۵] آیا بخاطر وحدت مسلمین با اعلان عید از جانب دولت اسلامی افغانستان می‌توانیم روزه را افطار نماییم؟ یا خیر.

◆ **جواب:** در صورتی که رویت هلال ثابت نشود، صرفاً به بهانه وحدت مسلمین نمی‌توانید عید نمایید، عید با اثبات شدن و یقین به رویت هلال است، با اعلام رسمی یا قرار داد و امثال آن عید نمی‌شود.

روزه در روز عید

◆ **سوال:** [۳۴۶] کسانی بوده‌اند که در روز عید فطر، روزه را افطار نکرده‌اند، روزه در چنین روزی چه حکمی دارد؟

◆ **جواب:** اگر اول ماه در نزد او ثابت شده و افطار نکرده روزه‌اش در آن روز حرام و باطل است.

◆ **سوال:** [۳۴۷] ما در یکی از ولسوالی‌های مناطق مرکزی زندگی می‌کنیم در اول عید فطر روز جمعه دو نفر روزه خویش را افطار نکردند و روزه دار باقی ماندند دلیل آنها مقلد بودن ایشان از امام خمینی (ره) بود، با وجود اینکه خیلی از مردم مقلد ایشان هستند، ما نمی‌دانیم حکم در این باره چیست؟ و حکم درباره کسانی که افطار کرده‌اند چه خواهد بود؟

◇ جواب: اگر چه امام خمینی (ره) وحدت افق را شرط می‌داند ولی اگر در آنجایی که مقلدین شان زندگی می‌کنند و یا در مناطقی که با بلد مقلدین وحدت افق داشته باشد، ماه رویت شود باید افطار کنند، ولی اینجانب وحدت افق را شرط نمی‌دانم در هر جایی که با ایران در شب اشتراک داشته باشند اگر در ایران و یا در آنجا رؤیت شود باید کشورهای دیگری که در شب با کشوری که ماه در آن دیده شده مشترکند عید کنند.

احکام خمس

خمس در اسلام

◆ **سوال:** [۳۴۸] لطفاً حکم شخصی را بیان فرمایید که در مجله و کتاب می نویسد:

«خمس نه از ضروریات دین است و نه ضروریات مذهب و منکر آن نه از اسلام خارج می شود و نه از مذهب شیعه، چون این مسئله از اوایل اسلام اختلافی بوده است و در مذهب شیعه اختلاف بعدی است که پانزده تا قول وجود دارد»

◆ **جواب:** اصل وجوب خمس از ضروریات مذهب بلکه از ضروریات دین است، آیات و روایات بلکه اجماع مسلمین بر اصل وجوب خمس دلالت دارند، از جمله آیه ۴۱ از سوره انفال و روایات متواتره دلالت کننده بر وجوب خمس هستند؛ گرچه در متعلق خمس اختلاف است. برای مطالعه ادله و تفصیل مطلب می توانید به کتاب «مباحث فقهیه» ما، که یک جلد آن به مباحث خمس اختصاص یافته مراجعه نمایید.

خمس وام قرض الحسنه

◆ **سوال:** [۳۴۹] اگر کسی مقداری پول وام بگیرد و بعد از گذشت یک سال هنوز چیزی از آن را خرج نکرده آیا باید خمس آن را بدهد؟

◆ **جواب:** اگر آن وام را ادا کرده باشد، هر مقداری از وام که ادا کرده است و آن پول وام هنوز مصرف نشده است، خمس بر آن مقدار واجب است؛ اگر بخشی از وام یا تمام آن را ادا نکرده خمس ندارد.

خمس مال نذر امام حسین(ع)

◆ **سوال:** [۳۵۰] مالی نذر مخصوص امام حسین(ع) است که در محرم مصرف شود آیا خمس دارد؟ یا خیر.

◆ **جواب:** اگر نیت کرده باشد که این گوسفند را نذر می‌کنم برای خدا ثوابش از امام حسین(ع)؛ چون با نیت نذر شرعی محقق نمی‌شود بر این گوسفند خمس تعلق می‌گیرد؛ ولی چنانچه نذر شرعی بوده، که اسم خداوند در نذر برده شده باشد و نیتش را در زبان جاری کرده باشد، به این صورت که «از خدا بر من است که این گوسفند را در راه خدا ذبح کنم و ثوابش را به امام حسین(ع) هدیه کنم»، این گوسفند در این فرض خمس ندارد، البته بشرطی که اگر گوسفند را در خانه بزرگ کرده باشد، قبل از نذر خمس آن را داده باشد.

خمس اموال کودک و هدیه

◆ **سوال:** [۳۵۱] آیا بر وجوهی مانند عیدی و هدیه که شخص از بدو تولد تا زمان تکلیف جمع می کند خمس تعلق می گیرد؟

◆ **جواب:** عیدی و هدیه در زمان بلوغ اگر یک سال باقی بماند خمس به آن تعلق می گیرد، هدیه و عیدی قبل از بلوغ خمس ندارد.

◆ **سوال:** [۳۵۲] من در لندن زندگی می کنم، که سه طفل دارم دولت ماهیانه مقداری پول را به تمام اطفال بدون در نظر داشت شرایط مالی والدین شان می دهند؛ اگر این پول به مصرف نرسد و پس انداز شود، آیا خمس دارد یا نه؟ بازهم یاد آور می شوم که این پول را برای اطفال خود پس انداز می کنم.

◆ **جواب:** به پول اطفال خمس تعلق نمی گیرد.

خمس مال الارث

◆ **سوال:** [۳۵۳] شخصی بعد از مرگش مبلغی برای خانواده اش ارث گذاشته که بالای شخصی قرض بوده است. آیا این پول خمس دارد؟

◆ **جواب:** اگر آن مرحوم در زندگی سر سال خمسی داشته پرداخت

خمس آن لازم نیست و اگر سرسال خمس نداشته ورثه کبیر با حاکم شرع مصالحه کنند.

خمس مال مراجع

◆ **سوال:** [۳۵۴] آیا خود مراجع تقلید مانند دیگر مردم، خمس می‌دهند؟

◆ **جواب:** بله خود مراجع مانند سایر مردم مکلف به پرداخت خمس هستند.

خمس پول رهن منزل

◆ **سوال:** [۳۵۵] نظر مبارک در مورد خمس پول رهن منزل چیست؟ آیا تا زمانی که در رهن است خمس ندارد؟ یا اینکه اگر بعد از رهن تا پایان سال خمسی هزینه نشود خمس به آن تعلق می‌گیرد؟ اصولاً آیا به پول رهن منزل خمس تعلق نمی‌گیرد یا فقط پرداختش واجب نیست؟

◆ **جواب:** پول رهن خانه در صورتی که اگر آن را بدهد مجبور می‌شود برای رهن خانه پول قرض کند دادن خمسش واجب نیست و این گونه افراد تا زمانی که نیاز به خانه رهنی داشته باشد با شرطی که ذکر شد، پرداخت خمس آن پول واجب نیست.

کسر وام و بدهی از سرمایه

◆ **سوال:** [۳۵۶] کسی که بدهکار وام است آیا هنگام محاسبه خمس باید مقداری که بدهکار وام است را از اموال و دارایی‌اش کسر نماید؟

◆ **جواب:** اگر برای مؤنه و مصارف زن و بچه وام گرفته باشد می‌تواند آن وام را استثناء کند.

◆ **سوال:** [۳۵۷] اگر شخصی بعضی اموالش نظیر گندم و امثال آن، از سر سال اضافه بیاید، منتهی بدهکار باشد، آیا این اضافه را از مقدار بدهکاری خود کسر کند یا بدون در نظر گرفتن بدهکاری خمس را پرداخت کند؟

◆ **جواب:** اگر قرضش در مؤنه همان سال بوده، می‌تواند کسر کند.

◆ **سوال:** [۳۵۸] فردی است که ده هزار افغانی قرض دار است و منفعت امسال او نیز ده هزار افغانی می‌باشد، آیا به این مبلغ ده هزار افغانی خمس تعلق می‌گیرد؟ یا خیر.

◆ **جواب:** اگر قرض برای مؤنه همان سال بوده، پرداخت خمس آن مبلغ لازم نیست.

شرایط مال متعلق خمس

◆ **سوال:** [۳۵۹] شخصی کالایی (مثلاً فرش) خریده و سال خمسی اش فرا رسیده و هنوز هیچ استفاده‌ای از آن نکرده اما هنوز پول آن کالا (فرش) را نداده است، حال آیا این کالا متعلق خمس است؟ یا خیر.

◆ **جواب:** اگر تا سر سال قیمت آن را نداده باشد آن فرش خمس ندارد؛ ولو استفاده نکرده باشد، اما اگر قیمت آن را داده و استفاده نکرده است، جز منافع سال حساب می‌شود باید خمس آن را بدهد.

◆ **سوال:** [۳۶۰] من یک سال و چند ماه می‌شود که یک موتور (ماشین) خریده‌ام همه پولی که برای خرید موتور داده‌ام کمی خودم داشتم و مقدار دیگرش را قرض گرفته بودم، طی چهار ماه تأدیه کردم و حالا این موتور در نزد من هست، آیا من باید خمس بپردازم؟ یا خیر.

◆ **جواب:** در فرض سؤال اگر موتور را برای کار و در آمد پولی خریده باشید خمس آن موتور واجب است، اگر برای ضرورت خودت و زن و بچه‌ات گرفته باشید و پولش از بین سال بوده است خمس ندارد.

◆ **سوال:** [۳۶۱] بنده در اواخر سال ۲۰۰۴ شروع به کار کردم در آن زمان هفده سال داشتم و خرج و خوراکم را برای ازدواج پس انداز می‌کردم و تا سال ۲۰۰۷ که ازدواج کردم پس انداز کردم و خمس آن را ندادم، می‌شود به بنده بگویید تکلیف چیست؟

◆ **جواب:** هر مقدار که یکسال از پس انداز آن سپری می‌شود پرداخت خمس آن واجب است و ازدواج مانع از تعلق خمس نمی‌شود؛ مگر اینکه اگر ازدواج نکند در حرام مبتلا می‌شود.

◆ **سوال:** [۳۶۲] آیا در طلاقات زنان خمس تعلق می‌گیرد یا نه؟ معیار آن چیست؟

◆ **جواب:** اگر سر سال خمسی داشته باشد و از در آمد بین سال به مقدار شأنش طلا خریده باشد آن طلاها خمس ندارد و اگر سر سال خمسی ندارد با حاکم شرع مصالحه کند.

◆ **سوال:** [۳۶۳] در مواردی که تهیه جهیزیه مورد نیاز است (مثلاً دختر در آستانه ازدواج است، یا تهیه آن جز به صورت تدریجی ممکن نیست) آیا خمس دارد؟

◆ **جواب:** در فرض سؤال اگر دختر در طول سال‌هایی که جهیزیه را تهیه می‌کند از آن جهیزیه استفاده کند ولو برای دو سه بار مانند عروسی‌ها و جشن‌ها و مهمانی‌ها و امثال آن در این صورت خمس به آنها تعلق نمی‌گیرد.

◆ **سوال:** [۳۶۴] شخصی یک قطعه زمین را در میان سال خریداری نموده و حال که سر سال خمسی وی رسیده است، آیا به این زمین خمس تعلق می‌گیرد یا نه در صورتی که وی خانه شخصی ندارد و می‌خواهد در آینده آن را آباد کند؟

◆ **جواب:** در فرض سؤال خمس تعلق می‌گیرد.

◆ **سوال:** [۳۶۵] شخصی مقدار زمینی از پول چند سال کارگری خود خریده است، در واقع این منزل در افغانستان می‌باشد، آیا به این زمین یا قیمت آن خمس تعلق می‌گیرد یا نه؟

◆ **جواب:** اگر برای نیاز شخصی خریده، قیمت خرید آن را تخمیس کند و اگر برای فروش خریده، خمس قیمت فعلی زمین را باید بدهد.

◆ **سوال:** [۳۶۶] یک تخته قالی ابریشم را پیش از سال خمسی تمام کردم، ولی کرایه‌ی آن را نه ماه بعد از سال خمسی دریافت نمودم و پول آن را قبل از سال خمسی آینده مصرف کردم، آیا به این پول خمس تعلق می‌گیرد؟

◆ **جواب:** در فرض سؤال پرداخت خمس آن در این سال واجب نیست.

◆ **سوال:** [۳۶۷] شخصی در منزل خودش چندتا چرخ خیاطی

دارد، لباس می‌دوزد و خرج خانواده‌اش را تأمین می‌کند، آیا به این چرخ‌ها وجوهات شرعی تعلق می‌گیرد یا نه؟ یادآور می‌شوم که این چرخ‌ها از درآمد روزمره خریداری شده است، این فرد یک ماشین سواری هم دارد که این‌ها را طی مدت سه سال به دست آورده است، این شخص تاکنون سه سال هم نداشته، حالا می‌خواهد خانه‌اش را حساب کند، لطفاً تکلیف را بیان کنید.

◇ **جواب:** اگر روی چرخ‌های خیاطی کار می‌کند و وسیله درآمد است، خمس آنها را باید پرداخت کند در مورد ماشین سواری، اگر مورد نیاز شخصی است و شأنش اقتضا می‌کند و از درآمد بین سال خرید و یا از پول مخمس خریده، خمس ندارد و اگر وسیله درآمد باشد یا از پول غیر مخمس خریداری شده باشد باید خمس آن را پرداخت کند.

◇ **سوال:** [۳۶۸] اینجانب زمینی را در غزنی خریده‌ام و یک سال از آن موقع گذشته است، فعلاً در خانه‌ای اجاره‌ای زندگی می‌کنم. پول هم ندارم که بسازم، حال حساب سه سال آن چگونه است؟

◇ **جواب:** در فرض سؤال، پرداخت خمس آن واجب است.

◇ **سوال:** [۳۶۹] جوانی که برای ازدواج پول جمع می‌کند آیا شامل خمس می‌شود؟

◇ **جواب:** اگر یکسال از آن بگذرد، پرداخت خمس آن واجب است.

روش محاسبه خمس مغازه

◆ **سوال:** [۳۷۰] آیا کسی که مغازه دارد باید هر ساله سر سال خمسی، خمس همه اجناس مغازه‌اش را پرداخت نماید؟ (با توجه به اینکه اجناسی که الان داخل مغازه است جدید است، یعنی تقریباً هر ماه یک بار همه اجناسش به فروش می‌رسد و دوباره جنس برای فروش می‌آورد).

◆ **جواب:** باید در سر سال خمسی خمس اجناس مغازه را بدهد مگر اینکه آن اجناس از پولی خریده شده باشد که خمس آن پول را داده است، که در این صورت فقط ترقی آن اجناس خمس دارد و خود اجناس خمسی نیست.

وظیفه وکلا نسبت به وجوهات

◆ **سوال:** [۳۷۱] وکلای حضرتعالی در خصوص جمع آوری وجوهات شرعیه؛ پس از اخذ وجوهات از طرف مؤمنین و مقلدین حضرتعالی، آیا عین وجوهات مأخوذه را باید به دفتر یا به حساب بانکی که در سایت حضرتعالی مندرج شده است منتقل نمایند؟ یا پرداخت مقدار معادل آن کفایت می‌کند؟

◆ **جواب:** لازم نیست عین وجوهات را بدهد. بلکه مبلغ معادل را بدهند کافیست.

تصرف در مال غیر مخمس

◆ **سوال:** [۳۷۲] کسی که سر سال خمسی ندارد، نذورات و ختم قرآن با پول غیر مخمس چه حکمی دارد؟

◆ **جواب:** تصرفات در مالی که خمس آن داده نشده جایز نیست، چه نذر باشد یا ختم قرآن و امثال آن.

نفقه از پول غیر مخمس

◆ **سوال:** [۳۷۳] خانمی هرچه شوهرش را نصیحت می‌کند که خمس اموالت را پرداز مرد به نصیحت‌های همسرش اعتنایی نمی‌کند و خمس نمی‌دهد حال وظیفه خانمش نسبت به نفقه‌ای (پول یا جنسی) که شوهر به خانمش می‌دهد چیست؟ آیا می‌تواند از آن استفاده کند؟

◆ **جواب:** می‌تواند مصرف کند، ولی باید مکرراً شوهر را ترغیب به دادن خمس کند.

حج با پول غیر مخمس

◆ **سوال:** [۳۷۴] تمام مخارج حج را شوهرم بر عهده گرفته است، ولی می‌دانم که اهل خمس نیست و من از خود مالی ندارم، تکلیف من در ارتباط با هزینه رفت و برگشت، ارز، لباس احرامی و قربانی چیست؟ خمس این‌ها بر عهده کیست؟

◇ **جواب:** اگر بدانید که آن پول‌ها متعلق خمس است تصرف در آن پول‌ها بدون پرداخت خمس جواز ندارد و اگر سر سال خمسی ندارد، شما می‌توانید مصرف حج را با حاکم شرع مصالحه کنید.

◇ **سوال:** [۳۷۵] بعضی از اشخاص که از اول عمرشان حساب و کتابی نسبت به خمس ندارند و با همین وضع به حج تمتع و عمره مفرده می‌روند حج اینها چه حکمی دارد؟

◇ **جواب:** صحّت حج ایشان محل اشکال است، مگر اینکه با حاکم شرع نسبت به خمس اموالش مصالحه کند.

شرایط ادای خمس

◇ **سوال:** [۳۷۶] در برخی از مناطق افغانستان «دادن دختر به عوض خمس»، رایج است، فتوای حضرتعالی راجع به این مسئله چیست؟

◇ **جواب:** کسی که خمس مال خود را می‌دهد باید از مال بدهد و دختر مال نیست، چون انسان حر و آزاد قابل معاوضه و داد و ستد نیست، لذا این کار مجوز ندارد و شرعاً حرام است.

◇ **سوال:** [۳۷۷] لطفاً بفرمایید که اینجانب چه مقدار از خمس مالم را می‌توانم مستقیماً به سادات مستحق بدهم؟ (اگر می‌توانم آیا می‌شود طلب قبلی‌ام را از سید بگیرم و عوض خمس حساب کنم)

◇ **جواب:** در فرض سؤال، دادن سهم سادات به سادات مستحق نیاز

به اجازه اینجانب دارد، کسانی که اجازه خصوصی بخواهند برای شان اجازه می‌دهم؛ اما اجازه عام برای مصرف خمس در مورد سادات داده نمی‌شود.

مستحقین خمس

- ◆ **سوال:** [۳۷۸] کسانی که مادر آنها سید است یعنی از جهاتی حکم سید دارند، و از جهاتی ندارند، آیا می‌توانند خمس بگیرند؟ یا خیر.
- همچنین آیا می‌توانند از لباس مخصوص سادات استفاده کنند و خود را منتسب به پیامبر(ص) و حضرت زهرا(ع) نمایند؟ یا خیر.
- ◆ **جواب:** اگر پدر شان سید نباشد سید گفته نمی‌شود و مستحق خمس نیستند.

همکاری با کسی که اهل خمس نیست

- ◆ **سوال:** [۳۷۹] حکم همکاری با شریکی که خمس نمی‌دهد، چگونه است؟ آیا ما (که اهل خمس و حساب و کتاب هستیم) می‌توانیم به شراکت مان ادامه بدهیم؟ یا خیر. در چنین شرایطی وظیفه امر به معروف و نهی از منکر بر ما تا چه اندازه واجب است؟
- ◆ **جواب:** شرکت با چنین افرادی اشکال ندارد؛ اگر شما امر به معروف و نهی از منکر بکنید و خمس حصه‌ی خود را حساب نمایید کافیست.

احکام زکات

نصاب زکاة گندم و...

◆ **سوال:** [۳۸۰] اگر کشاورزی دارای دو قطعه زمین باشد و در یکی گندم و در دیگری جو بکارد و در زمان برداشت از زمین اول هشت صد (۸۰۰) کیلو گندم و از زمین دوم هفت صد (۷۰۰) کیلو جو برداشت کند، با توجه به اینکه مجموع محصولات از هشت صد و چهل و هفت (۸۴۷) کیلو (حد نصاب) بیشتر شده آیا به آن زکات تعلق می‌گیرد؟

◆ **جواب:** باید هر یک از گندم و جو به تنهایی به حد نصاب برسند تا زکات واجب شود، در فرض سوال اگر هر دو با هم به حد نصاب برسند زکات بر او واجب نیست.

شرایط مستحقین زکاة

◆ **سوال:** [۳۸۱] شخصی یک مقدار زمین را که هفت یا هشت

پشته علف می‌شود، به عنوان قضای زکات به نواسه دختری خود که از جدش جدا و به همراه پدر و مادر خود زندگی می‌کند، واگذار کرده چند سال زمین مذکور در تصرف نواسه دختری بوده، بعد از فوت جدش، پسر مرحوم، ادعا می‌کند زکات جد مادری به نواسه جائز نیست، حکم شرعی آن را بیان نمایید، ناگفته نماند همین زمینی که به جای قضای زکات به نواسه‌ی دختری داده شده در وصیت خط مرحوم آمده است. حال اگر تعلق نگرفتن زکات به نواسه‌ی دختری صحّت داشته باشد نقصی در وصیت وارد است؟ یا خیر.

◇ **جواب:** نواسه‌ی دختری [در صورتی که پدر و جد پدری نداشته باشد] هم واجب النفقه است، ولی زکات جدّ به ایشان نمی‌رسد، زکات را باید به شخص دیگری که فقیر باشد بدهند؛ وصیت به پرداخت زکات به نواسه باطل است و باقی وصیت اشکال ندارد.

احکام زکات فطره

◆ **سوال:** [۳۸۲] من در خارج از وطن زندگی می‌کنم فامیلم در افغانستان هستند آیا آنها می‌توانند فطره خودشان را در افغانستان حساب کنند؟ یا من باید در این جا که خودم هستم فطره آنها را نیز حساب کنم؟

◆ **جواب:** شما می‌توانید خانواده تان را در افغانستان وکیل بگیرید که از طرف شما زکات فطره شما و خودشان را از مال شما به فقرا بدهند، اگر در محل خودتان در خارج، فقیر شیعه باشد می‌توانید زکالت فطره را به آنها بدهید.

◆ **سوال:** [۳۸۳] اگر شخصی هنگام غروب شب عید فطر بیهوش باشد آیا زکات فطره از او ساقط است؟

◆ **جواب:** به آدم بیهوش زکات فطره واجب نیست.

◆ **سوال:** [۳۸۴] هرگاه میزبان مقلد حضرت‌تعالی باشد که فطریه کسی که فقط افطار مهمان کسی است و شب در خانه میزبان

ماندگار نیست، بر عهده میزبان نمی‌داند و مهمان مقلد مرجعی باشد که فطره چنین شخصی را بر عهده میزبان می‌داند، تکلیف فطره مهمان چیست؟

◇ **جواب:** در فرض سوال زکات فطره این مهمان نه بر میزبان واجب است و نه بر خود مهمان، ولی احتیاطاً خود مهمان فطره خود را بدهد.

◇ **سوال:** [۳۸۵] زکات فطره دانشجویان داخل و خارج کشور که در دانشگاه تغذیه می‌شوند بر عهده خودشان است یا دانشگاه؟

◇ **جواب:** اگر دانشجو فقیر نباشد زکات فطره بر خودش واجب است.

◇ **سوال:** [۳۸۶] هل وجب علی الزوج فطرية زوجته الناشئة؟

◇ **جواب:** نعم وجب علی الزوج فطرية زوجته الناشئة

◇ **سوال:** [۳۸۷] اگر کسی تنها در افطار شب عید فطر مهمان دیگری باشد، فطریه‌ی او به عهده خودش است یا صاحب خانه؟

◇ **جواب:** اگر شب در خانه میزبان نماند زکات فطره به عهده خودش است و اگر شب بماند و عائله حساب شود فطریه‌ی او به عهده میزبان واجب است.

◇ **سوال:** [۳۸۸] اگر کسی در شب عید فطر مهمان داشته باشد، آیا زکات فطره‌ی آنها بر عهده میزبان است؟

◇ **جواب:** اگر در آن شب بماند و نانخور صاحب خانه شود حساب زکات فطره مهمان بر صاحب خانه است و اگر افطار کند و شب به خانه‌اش بر گردد زکات فطره‌اش بر خود مهمان واجب است.

◇ **سوال:** [۳۸۹] آیا بچه در شکم مادر که روح پیدا کرده است شامل فطره می‌شود یا خیر و آیا چیزی باید برای فطره‌ی ماه رمضان او کنار گذاشت؟ یا خیر.

◇ **جواب:** بچه تا به دنیا نیامده فطره‌اش واجب نیست.

◇ **سوال:** [۳۹۰] حداقل مدّت زمانی که باید شخص مهمان صاحبخانه باشد تا نانخور او محسوب شود، چند شبانه روز است؟

◇ **جواب:** حداقل شب عید در خانه میزبان افطار کند و شب هم در خانه او بماند، نانخور او حساب می‌شود.

◇ **سوال:** [۳۹۱] زکات فطره روحانیون در ماه مبارک رمضان، که جهت تبلیغ به شهرها و بخش‌ها و روستاها سفر می‌کنند و غالباً در منزل یکی از اهالی محل، سکونت دارند و لکن هر شب برای افطاری به منزل اشخاص دعوت می‌شوند بر عهده کیست؟

◇ **جواب:** فطره این روحانی بر صاحب آن خانه است که در آن خانه افطار می‌کند و شب هم در آن خانه می‌خوابد و اگر افطار در یک خانه باشد و در خانه دیگری می‌خوابد فطره‌اش بر خودش است.

◆ **سوال:** [۳۹۲] بنده دانشجویی هستم که در کشور ژاپن تحصیل می‌کنم و محل درآمد نیز پولی است که دولت این کشور بابت مخارج تحصیلی می‌پردازد اما همسرم در افغانستان و با خانواده پدرم زندگی می‌کند و پدرم بزرگم و سرپرست خانواده ما است و تمام حساب وجوه شرعی به عهده ایشان است، اگر ایشان زکات فطره بنده را بپردازد آیا درست است و از گردن من ساقط می‌شود؟ یا اینکه خودم باید بپردازم، اگر پدرم بپردازد به نرخ افغانستان باشد یا نرخ کشوری که در آن تحصیل می‌کنم؟ اگر در صورتی که ساقط نشود بدلیل اینکه در اینجا افراد مستحق مسلمان پیدا نمی‌شود می‌توانم از پدرم به مقدار پول زکات فطره قرض نمایم تا بعد از برگشت برایشان اعاده کنم؟

◆ **جواب:** در فرض سوال اگر پدرتان را وکیل بگیرید که زکات فطره شما و خانواده تان را به نرخ افغانستان پرداخت کند کافی است.

◆ **سوال:** [۳۹۳] من و بقیه خانواده بجز پدرم در کشور سوئد زندگی می‌کنیم و پدرم در افغانستان است و درآمدی هم ندارد؛ آیا ما باید زکات فطره پدرمان را پرداخت کنیم، کفایت می‌کند یا خودش پرداخت کند؟ اگر زکات فطره خود را جمع کنیم و در افغانستان برای نیازمندان ارسال کنیم درست است؟ یا خیر.

◇ **جواب:** شما نمی‌توانید زکات فطره پدرتان را پرداخت کنید؛ مگر اینکه پدرتان شما را وکیل بگیرد که زکات فطره او را پرداخت کنید و اگر پدرتان فقیر است زکات فطره بر او واجب نیست، در فرض سوال اگر فقیر در آن کشور نباشد می‌توانید زکات فطره‌تان را به افغانستان ارسال کنید.

◇ **سوال:** [۳۹۴] همسر و فرزندانم در مسافرت هستند در مورد فطریه‌ی آنان تکلیف من چیست؟

◇ **جواب:** در فرض سوال اگر آنها از پول شما برای خود غذای شب عید را تهیه نکنند فطریه‌شان بر شما واجب است؛ اما اگر مهمان کسی باشد یا از پول خود غذا تهیه کنند فطریه‌شان در صورت مهمان بودن بر صاحب خانه (میزبان) است و در صورتیکه از پول خودشان غذا بخورند، بر عهده خودشان است.

شرایط پرداخت زکات فطره

◇ **سوال:** [۳۹۵] من دانشجویی هستم که هر سال دو سه ماه تابستان را کار می‌کنم برای رفع حاجت تحصیلی (خانواده‌ام فقیر می‌باشند) و مقداری از درآمد را به خانواده‌ام می‌دهم آیا من باید زکات فطره خانواده‌ام را بدهم؟ آیا من زکات فطره خودم را می‌توانم به خانواده خودم بدهم؟

◇ **جواب:** اگر سرپرست خانواده نباشید زکات فطره آن‌ها بر شما واجب نیست، شما نمی‌توانید زکات فطره خود را به پدر و مادر بدهید، اگر برادر و خواهر فقیر داشته باشید برای آن‌ها می‌توانید زکات فطره خود را بدهید.

◇ **سوال:** [۳۹۶] همسر من از سادات است و خودم عام هستم، چون فطره ایشان بر عهده من است آیا حکم فطره ایشان عام است یا سادات؟

◇ **جواب:** فطره همسر و باقی عائله تابع فطره شما که سرپرست خانواده هستید می‌باشد و حکم فطره عام را دارد.

شرایط پولی که فطره پرداخت می‌شود

◇ **سوال:** [۳۹۷] من و خانواده‌ام امسال از ایران به آلمان آمدیم، ما کار نمی‌کنیم پول از دولت آلمان می‌گیریم، آیا از این پول می‌توانیم فطره خودمان را بدهیم؟

◇ **جواب:** بلی در فرض سؤال می‌توانید فطره را از آن پول پرداخت کنید.

◇ **سوال:** [۳۹۸] پولی را بابت زکات فطره کنار نهادیم تا بعداً بپردازیم، اما در هنگام پرداخت معادل آن را از دو برگ اسکناس دیگر پرداختیم، حکم تصرف در پولی که قبلاً کنار نهاده شده بود چیست؟

◇ **جواب:** در فرض سوال پولی که به عنوان فطره کنار گذاشته می‌شود باید خود آن پول به فقیر داده شود تعویض آن با جنس دیگر یا پول دیگر جایز نیست.

شرایط مستحقین زکاة فطره

◇ **سوال:** [۳۹۹] آیا می‌توان به زنی که غیر سید و فقیر است و نفقه فرزندان نابالغ و سیدش را بر عهده دارد، زکات غیر سید را داد، تا برای فرزندانش خرج کند؟

◇ **جواب:** زکات سید و غیر سید را می‌توان برای این خانم که فقیر است بدهند ولو اولادش سید باشند.

◇ **سوال:** [۴۰۰] کسی که نمی‌تواند قرض خود را ادا کند، در صورتی که ورثه‌اش تمکن داشته باشند، آیا باز هم می‌توان زکات را به وراثش داد، تا قرض مرده را بدهد

◇ **جواب:** اگر ماترکی از میت باقی نمانده باشد، از زکات می‌شود دین او را ادا کرد.

◇ **سوال:** [۴۰۱]

۱- مصرف زکات فطره برای درمان بیماران بی بضاعت چه حکمی دارد؟

۲- آیا زکات فطره را می‌توان به سادات داد؟

۳- اگر مرد خانواده‌ای که سید بوده فوت کرده باشد، اکنون خانمش که غیر سیده است سرپرست خانواده باشد. آیا می‌تواند فطره غیر سادات را بگیرد، و صرف فرزندان نیازمندش که از سادات هستند نماید؟

◇ جواب:

ج ۱) در فرض سوال مصرف زکات فطره برای درمان بیماران بی بضاعت بنابر احتیاط بعد از قبض آن، توسط بیمار اشکال ندارد، هرچند مصرف آن قبل از قبض بیمار نیز اشکال ندارد.

ج ۲) سادات نمی‌توانند زکات فطره غیر سادات را بگیرند.

ج ۳) ملاک فقر سرپرست است اگر سرپرست سید باشد ولو عیالش غیر سید باشد مصرف زکات فطره غیر سادات برای آن‌ها جایز نیست ولی اگر سرپرست غیر سید باشد ولو عیالش سادات باشد مصرف زکات اشکال ندارد.

◇ سوال: [۴۰۲] آیا می‌توان از فطره برای کمک به مردم سیل زده‌ی پاکستان استفاده نمود؟

◇ جواب: بنابر احتیاط زکات فطره به فقرای بلد پرداخت شود و به آنها از کمک‌های تبرعی استفاده شود.

◇ سوال: [۴۰۳] آیا برای پرداخت زکات فطره و کفاره به شخص

سالخورده و ناتوان که از اقوام نزدیک می‌باشد، باید حتما ذکر شود که مبلغ زکات فطره و كفاره است؟ یا کمک به همین نیت کفایت می‌کند؟ چون اگر ذکر شود بیم این می‌رود که شخص آن را نپذیرد.

◇ **جواب:** اگر فقیر و مستحق باشد پرداخت زکات فطره اگر چه به عنوان هدیه باشد اشکال ندارد.

احکام حج

◆ **سوال:** [۴۰۴] کارگری در ایران سه میلیون تومان کار کرده و یکجا پیش خود جمع نموده، بعد از چند سال به افغانستان آمده برای خود زن اختیار کرده، حالا تمام پولها را مصرف کرده است، سؤال این است که آیا حج در ذمه این آدم واجب شده است یا نه؟

◆ **جواب:** اگر این شخص در آن زمان مکه می‌رفت و بر می‌گشت برای خرج و نفقه خود در مشقت قرار نمی‌گرفت؛ در این صورت مستطیع بوده و باید حج انجام می‌داده؛ اما اگر بعد از برگشت از مکه در زندگی به مشقت می‌افتاده در این صورت حج بر او واجب نبوده است.

احکام مکه و حرم

◆ **سوال:** [۴۰۵] اگر مجرمی که قانوناً باید بازداشت شود در مکه دیده شود، بفرمایید:

الف) آیا از نظر شرعی امکان بازداشت وی وجود دارد؟

ب) آیا در فرض مذکور بین انواع جرایم (سرقت، قتل بدهکاری، جاسوسی، مواد مخدر، محاربه، افساد فی الارض و...) تفاوتی هست؟

ج) آیا بین حرم و بیت الله الحرام تفاوتی وجود دارد؟

◇ جواب:

الف) اگر مجرم جرمی را در خارج حرم مرتکب شود و به حرم پناهنده شود، در این صورت باز داشت نمی‌شود بلکه به او آب و طعام داده نشود و داد ستند نشود و بر او سخت گرفته شود تا از حرم خارج شود و مجازات گردد و اگر مجرم در داخل حرم جرم مرتکب شود مجازات می‌شود.

ب) فرق در اجرای حد و قصاص نیست.

ج) بین موارد مذکور فرقی در عدم جواز قصاص نیست، مگر اینکه جانی در حرم مرتکب قتل شده باشد، که در این صورت در حرم قصاص می‌شود.

شرایط استطاعت برای حج

◇ سوال: [۴۰۶]

- ۱- زنی که نصف خانه (خانه‌ای که در آن زندگی می‌کند) به نام اوست آیا برای رفتن به حج مستطیعه هست یا نه؟
- ۲- آیا کسی می‌تواند جهت رفتن به حج قرض بگیرد و در صورت

انجام فریضه حج با پول قرضی، آیا در زمان استطاعت تکلیف به قوت خود باقی است یا اینکه همین حج کفایت می‌کند؟

◇ جواب:

ج ۱- اگر این زن شوهر دارد که نفقه‌اش بر شوهرش واجب است و مالک نصف خانه هست باید آن نصف را بفروشد و به مکه برود، مگر اینکه شوهرش نتواند برای این زن خانه دیگر تهیه کند، که در این صورت این زن مستطیعه نمی‌باشد.

ج ۲- اگر بعد از برگشت از حج می‌تواند به آسانی قرض را اداء کند این حج صحیح است و از حَجَّةُ الْاِسْلَام کفایت می‌کند.

◇ سوال: [۴۰۷]

۱- اگر زنی نیاز به همراه داشته باشد و همراه هم مزد می‌گیرد و او توانایی پرداخت مزد را ندارد آیا مستطیعه است؟

۲- آیا خانمی که به لحاظ مالی و بدنی و راه مستطیع است ولی طفل شیرخواری دارد، مستطیعه است؟

۳- شخصی برای حج ثبت نام کرده و الان فوت کرده است. فرزند او که مستطیع نیست فیش بانکی او را به نام خودش کرده و می‌خواهد به نیابت از پدرش حج انجام دهد، مخارج اعمال بعدی از جمله فراهم کردن ارز به عهده کیست؟ آیا از ثلث مال او می‌تواند بگیرد؟

◇ جواب:

ج ۱) اگر این زن بدون همراه نمی‌تواند به مکه برود و پول رفت و برگشت دو نفر به مکه را ندارد بر این زن حج واجب نیست.

ج ۲) باید بچه شیر خوار را هم همراه خود ببرد، مگر اینکه خطری جان بچه را تهدید کند، که در این صورت اگر کسی دیگر نباشد تا از بچه نگهداری کند، می‌تواند حج را به تأخیر اندازد که اگر استطاعت او تا سال بعد باقی باشد باید سال بعد به مکه برود و الا مستطیعہ نیست.

ج ۳) اگر مستطیع بوده است از اصل مال بر دارد.

◇ سوال: [۴۰۸] مهریه خانمی چند برابر استطاعت اوست آیا بعد از فوت زن بر ورثه لازم است که قبل از تقسیم ترکه مخارج حج را کسر کنند؟

◇ جواب: اگر شوهر قدرت پرداخت این مهریه را داشته باشد که این مهریه را برای خانم خود بدهد این خانم باید به حج برود و اگر قبل از انجام حج فوت کند باید از مالش برایش حج انجام دهند.

◇ سوال: [۴۰۹] اگر قیمت طلای زنی به اندازه استطاعت حج برسند، ولی در عین حال نیاز به محرم داشته باشد در این صورت وظیفه این زن چیست؟

◇ **جواب:** اگر طلاهای زاید بر شأن زن، مصرف حج را کفایت کند مستطیعه است و در غیر این صورت حج بر او واجب نیست، همچنین اگر زن به تنهایی نتواند حج برود باید خرج دو نفر را داشته باشد و الاً مستطیعه حساب نمی شود.

◇ **سوال:** [۴۱۰] سهم الارث شخصی به اندازه استطاعت حج می باشد، ولی این شخص ماشین ندارد و در شأن اوست که ماشین داشته باشد هر چند در مضیقه نیست یعنی اگر ماشین نخرد هم زندگی او می گذرد، اما اگر ماشین داشته باشد راحت تر زندگی می کند، آیا این شخص واجب الحج است؟

◇ **جواب:** حج مقدم بر همه چیز است و باید حج انجام بدهد.

◇ **سوال:** [۴۱۱] آیا زنها می توانند تنها به حج بروند؟

◇ **جواب:** در فرض سوال رفتن زنها به تنهایی به مکه معظمه اگر مبتلا به حرام نشود اشکال ندارد.

◇ **سوال:** [۴۱۲] رجل إستطاع الحج فی عامه هذا ولكن طالب فی الجامعة او الثانوية و قد صادف موعد الإمتحان موعد الحج بحيث يكون ذهابه للحج موجباً الرسوبه و هذا يوجب ضياع سنة عليه و فی ذلك حرج شديد عليه لجهات مادية او معنوية فهل يمنع ذلك من الاستطاعة؟

◇ **جواب:** إذا كان ذلك حرجياً عليه كما فرض في السؤال جاز ترك الحج في تلك السنة و يجب عليه الحج في السنة المقبلة.

◇ **سؤال:** [٤١٣] إذا كان المكلف لا يستطيع أداء فريضة الحج لإصابته بالشلل النصفى مثلاً فلو حصل عنده مال يكفي نفقة الحج هل يجب عليه إستنابة من يحج عنه أو التأخر حتى يحصل له مال يكفي للحج مع أجره من يصحبه لمساعدته و على تقدير إنّه يجب الإستنابة فهل يكون ممن إستقر وجوب الحج عليه أم لا؟

◇ **جواب:** متى حصلت الإستطاعة المالية وجب الإستعانة بها لاداء فريضة الحج فمع تمكن أدائها مباشرة إن عاجلاً فهو، و إلا فيتحفظ على حفظه لآجل مرجو؛ و إن لم يرج المباشرة فيستتبع لعاجلة و حيث ان إستنابة الصرورة عندنا للرجل الحى مبنى على الإحتياط الوجوبى فلا بأس بالرجوع إلى غيرنا ألمفتى بعدم وجوب إستنابة الصرورة، و لا يؤخر و لا يفوت الوجوب بتفويت المال الذى يمكن أداء الفريضة به فإن فوتته مع تمكن التحفظ عليه بغير لزوم حرج لأداء الفرض فى العام القابل إستقر عليه الحج.

◇ **سؤال:** [٤١٤] زنى بدون شوهر و سرپرست در افغانستان زندگى مى کند، يك مقدار زمين كشاورزى و متعلقات آن از برادرش به اين خانم ارث رسیده است، كه تمام محصولات زمينها، سالانه به مقدار سى سير كابل است و هيچگونه منبع عايدات ديگرى هم ندارد. آيا بخاطر اين

زمین‌های موروثی، حج بر ایشان واجب می‌شود؟ یا خیر.

◇ **جواب:** در فرض سؤال، اگر این زمین در زمانی به این خانم به ارث رسیده که بیوه و بی شوهر بوده است و اکنون هم احتیاج به این زمین دارد، در این صورت مستطیع نمی‌باشد. اما اگر در زمانی این ارث به او رسیده که شوهرش زنده بوده است، اگر قیمت زمین بقدر کفایت رفتن و آمدن دو نفر به مکه معظمه بوده، این خانم واجب الحج است.

شرطیت ختنه در حج

◇ **سوال:** [۴۱۵] کسی که ختنه او به طور ناقص انجام شده و با این حال حج به جا آورده تکلیف او چیست؟

◇ **جواب:** حج او محل اشکال است. اگر می‌تواند خودش طواف و سعی را انجام دهد و اگر خودش قدرت ندارد، کسی را وکیل بگیرد که به نیابت او طواف و سعی را انجام دهد ولی اگر رأس حشفه دیده شود همان ختنه کافی است و نیاز به انجام طواف ندارد.

انصراف از حج و خروج از استطاعت

◇ **سوال:** [۴۱۶] کسی که مستطیع است و در منطقه‌ای زندگی می‌کند که مسجد وجود ندارد، آیا می‌تواند پول حج را برای ساختن مسجد مصرف نماید؟

◇ **جواب:** در فرض سوال انجام حج واجب است و نمی‌تواند پول حج را در مسجد مصرف کند.

◇ **سوال:** [۴۱۷] کسی که استطاعت مالی برای حج دارد و پسرش به سن ازدواج رسیده باشد گرفتن زن برای پسرش واجب است یا رفتن به حج؟

◇ **جواب:** رفتن حج واجب است و لو ازدواج پسر به تأخیر بیفتد.

◇ **سوال:** [۴۱۸] کسی که پنج سال پیش مستطیع بوده و در ثبت نام حج شرکت کرده، ولی الآن فقیر شده آیا حج بر چنین شخصی واجب است؟

◇ **جواب:** اگر در اولین سال استطاعت می‌توانست به مکه برود و نرفت حج بر او مستقر شده، باید به مکه برود ولو با پول قرض باشد.

◇ **سوال:** [۴۱۹] لو تحققت الاستطاعة المالية للحج لدى المكلف في سنة من السنين ولكن لم يعط له الويزاء من قبل السلطات فقد كنتم ذكرتم في جواب بعض الإستفتاءات لزوم المحافظة على الإستطاعت من دون تحديد مدة لكن لو اضطر لحاجاته الحياتيه الضرورية الى صرف هذا المال بعد وقت الحج و لم يمكنه في سنوات لاحقه تحصيل ما يكفيه لادائه هل يعتبر حينذاك ممن يجب عليه الحج و لو متكعماً و على اي حال أم يسقط عنه الوجوب؟

◇ جواب: فی الصورة المفروضة لا يستقر عليه الحج بل أن استطاع
فی السنین الآتیة فیجب والأ فلا.

شرطیت اذن شوهر در حج

- ◇ سوال: [۴۲۰] اگر برای رفتن زن به سفر حج حضور شوهر یا اجازه‌ی او الزامی باشد و شوهر نتواند به حج برود یا اجازه ندهد؛ استطاعت زن چگونه است؟
- ◇ جواب: در انجام حج واجب اجازه شوهر لازم نیست، در امر واجب اطاعت خداوند بر اطاعت شوهر مقدم است.

کسانی که در حج باید نایب بگیرد

- ◇ سوال: [۴۲۱] آیا کسی که نمی‌تواند وضوی خود را نگه دارد، حج (عمره یا واجب) از گردنش ساقط می‌شود؟
- ◇ جواب: اگر این شخص مستطیع باشد باید به مکه برود اگر طهارت خود را نتواند حفظ کند در اعمالی که مشروط به طهارت است باید در همان جا نایب بگیرد.

استطاعت بذلی

- ◇ سوال: [۴۲۲] خدمه‌ای که در کاروان به حج می‌روند، با توجه به عدم استطاعت مالی خود، حج را چگونه انجام دهند آیا باید یت واجب کنند؟

◇ **جواب:** این گونه افراد باید نیت واجب کنند چون حج بر آنها واجب می شود.

نیابت در حج

◇ **سوال:** [۴۲۳] اگر نایب اختیار انتقال مورد نیابت به غیر را نداشته باشد معذالک چون برای خودش مانع ایجاد شده بدون اذن ورثه زنی را اجیر می کند که حج میقاتی برای متوفی انجام دهد، اگر نایب دوم در اثناء به واسطه عذری طواف را مقدم بر وقوف نماید یا اینکه در مشعر وقوف اضطراری بنماید

اولا: آیا با چنین حجی ذمه منوب عنه بری می گردد؟

ثانیا: آیا اجیر دوم مستحق اجرت می گردد؟

◇ **جواب:** در فرض سؤال اگر از عدم انتقال نیابت به نایب دوم خبر نداشته است، ذمه منوب عنه فارغ شده و حج نایب دوم صحیح است و اجرت المثل را حق دارد، اما نایب اول باید بقیه پول را به ورثه پس بدهد و قضیه را به ورثه بگوید.

◇ **سوال:** [۴۲۴] آیا نیابت از چند نفر در یک عمره، یک نماز کفایت می کند یا می بایست به تعداد منوب عنهم نماز طواف بجا آورد؟

◇ **جواب:** اگر برای همه یک عمره انجام داده است یک طواف و یک نماز کافی است.

◆ **سوال:** [۴۲۵] آیا نایب می‌تواند نماز منوب عنه را بعد از انجام سعی توسط منوب عنه بجا آورد؟

◆ **جواب:** در فرض سوال نماز طواف بعد از انجام طواف توسط نایب بلافاصله باید خوانده شود و تأخیر تا حدی که منوب عنه سعی را انجام دهد جایز نیست.

◆ **سوال:** [۴۲۶] عمل النایب فی الحج هل هو علی تقلید نفسه أم تقلید المنوب عنه؟

◆ **جواب:** علی تقلید نفسه ان لم یکن نایباً بالوصیة و الا علی تقلید المنوب عنه.

واجبات و محرمات احرام

◆ **سوال:** [۴۲۷] آیا سوار شدن ماشین سرپوشیده در حج در صورت ناچاری کفاره دارد؟

◆ **جواب:** در صورت اضطرار سوار شدن در ماشین سرپوشیده جایز است؛ ولی کفاره دارد مگر در صورتیکه برای فرار از گرما و سرما و باران و غیره نباشد که در این صورت کفاره ندارد.

◆ **سوال:** [۴۲۸] آیا طهارت لباس احرام مانند سایر شرایط لباس نمازگزار شرط صحت احرام نیز هست؟ آیا با ترک عمدی آن احرام اشکال پیدا می‌کند؟

♦ **جواب:** احرام با لباس نجس اگر عمدی باشد جائز نیست.

♦ **سوال:** [۴۲۹] مسافران که به قصد حج تمتع وارد جده می‌شوند و قصد دارند اول به مکه مشرف شوند (مثل حاجیان پاکستان) آیا حتماً باید از جحفه محرم شوند یا با توجه به این که جده محاذی جحفه است می‌توانند از جده نیز احرام ببندند؟

♦ **جواب:** در فرض سوال باید احرام از مسجد جحفه بسته شود.

♦ **سوال:** [۴۳۰] یوجد بین مكة و منی انفاق منحوتة فی الجبال لعبور الحجاج و تمتد بطول كيلومتر تقريباً فهل المرور المحرم تحتها يعتبر تظليلاً؟ و ما الحكم فی وجود طريق غيرها و عدمه؟

♦ **جواب:** نعم يجوز للمحرم السير تحت ظلّ النفق و كل ظلّ ثابت و إنّما المحذور هو الظلّ السائر معه كسقوف السيارات و نحوها.

♦ **سوال:** [۴۳۱] من اعتمر عمرات ولم يطوف طواف النساء فهل يجزيه طواف واحد.

♦ **جواب:** فی فرض السؤال لا يجوز مجامعة زوجها و غیر هنّ قبل طواف النساء و لا يجزی طواف واحد.

انصراف و خروج از احرام

♦ **سوال:** [۴۳۲] هرگاه شخصی در میقات، یا محاذات آن، یا ادنی الحل، یا شهر مکه، و خلاصه هر جا که وظیفه‌اش بوده محرم

شود، و سپس پشیمان گردد، آیا می‌تواند احرامش را بر هم بزند؟

◇ **جواب:** نمی‌تواند احرامش را بهم بزند، بحال احرام باقی می‌ماند و هرچه برای محرم حرام است برای او هم حرام می‌باشد.

احکام منی و قربانی

◇ **سوال:** [۴۳۳] هل یجزی للحاج فی یوم النحر أن یتصل من منی إلى بلده (مثل آذربایجان او العراق) إلى الأشخاص الموثوقین أن یدبح الهدی بدلا عنه فی بلده و یوزعونه علی الفقراء و المساکین، بعد ذبح الهدی فی بلده یخبرونه بالهاتف أن الهدی قد ذبح و هو یقصر و یرج من الإحرام؟

◇ **جواب:** نعم یجوز ذلك بشرط أن یرج من الإحرام فی یوم النحر واقعاً یعنی یدبح الهدی فی یوم الحادی عشر من حساب سلطات السعودی مثلاً و لا یرج من الإحرام قبله.

اشتباه در نوع حج

◇ **سوال:** [۴۳۴] ما حکم من حج بغير وظيفته كأن یحج من فرضة التمتع، حج القران جهلا منه بالحکم أو نسیانا؟

◇ **جواب:** كان حجة باطلاً إن كان حجة اسلامه و أمّا لو كان ندبياً صح.

امر به معروف و نهی از منکر

◆ سوال: [۴۳۵]

- ۱- وظیفه مردم در قبال بد حجابی و مفساد موجود در جامعه چیست؟
- ۲- هر گاه نهی از منکر باعث نگاه به زنان کم توجه به حجاب و آرایش کرده شود، آیا باز هم واجب است؟

◆ جواب:

- ج ۱- وظیفه مردم امر به معروف و نهی از منکر است.
- ج ۲- اگر عمداً و از روی شهوت نگاه نکند اشکال ندارد؛ ولی نگاه عمدی به خاطر نهی از منکر و غیر آن جواز ندارد.

◆ سوال: [۴۳۶] آیا کسانی که به عنوان نهی از منکر خسارت‌های

گوناگون به مردم وارد می‌کنند؛ مثلاً به صورت زنان بی حجاب اسید می‌پاشند، کراوات مردان را پاره می‌کنند و... ضامن خسارت‌های وارده می‌باشند؟

◆ جواب: بله، ضامن‌اند.

◆ **سوال:** [۴۳۷] کسانی که اعمال خلاف مانند شراب، قمار، و دیگر فسق و فجور را مرتکب می‌شوند، چون در کشور ما نظام درست نیست که جلوی این اعمال خلاف گرفته شود، آیا می‌شود از راه‌های دیگر مانند تهدید مخفی به آنها خسارت و فشار وارد کرد؟

◆ **جواب:** آنچه بر شما واجب است امر به معروف و نهی از منکر است اگر اثر نکند شما تکلیف و مسئولیت ندارید.

◆ **سوال:** [۴۳۸] بنده طلبه‌ای هستم که برخی از اقوام و فامیل را بارها امر به معروف و نهی از منکر کرده‌ام ولی آنها در مجالس عروسی، آنچه را که گفته‌ام رعایت نمی‌کنند، آیا بنده می‌توانم با آنان قطع رابطه کنم؟ یا خیر.

◆ **جواب:** اگر قطع رابطه موجب اصلاح آنها می‌شود، قطع رابطه نمائید و الا قطع رابطه واجب نیست؛ اما همیشه باید امر به معروف و نهی از منکر را انجام دهید.

دفاع، جنگ و جهاد

◆ **سوال:** [۴۳۹] در صورتی که تنها راه دفاع از اسلام و کشورهای اسلامی و حفظ جان مسلمانان، انجام عملیات استشهادی باشد آیا این کار جایز است؟ یا خیر.

◆ **جواب:** برای دفاع از کیان اسلام و کشورهای اسلامی و حفظ جان و ناموس مسلمانها دفاع واجب است؛ اگرچه منجر به شهادت شود، ولی عملیات نباید باعث مرگ کودکان و زنان بی دفاع شود.

◆ **سوال:** [۴۴۰] اگر کشور اسلامی از باب «مَنْ سَمِعَ رَجُلًا يُنَادِي يَا لَلْمُسْلِمِينَ...» سربازهای خود را با علم به این که استکبار جهانی جلوگیری می‌کند، به یاری مسلمانان کشورهای دیگر بفرستد و تعدادی از آنها کشته شوند، چه کسی ضامن خون بهای آنها خواهد بود؟

◆ **جواب:** اگر برای دفاع از مسلمانها و سرزمین اسلامی باشد و به شهادت برسند کسی مقصر نیست.

◆ **سوال:** [۴۴۱] اگر فرمانده، یک یا چند تن از افراد تحت امر خود را مأمور به عمل انتحاری کند و این مأموریت موفقیت آمیز باشد و معلوم شود فرمانده در تشخیص خود اشتباه نکرده، چه کسی خون بهای کشته شدگان در آن عملیات انتحاری را ضامن است؟

◆ **جواب:** اگر کسی را مجبور به انتحار کنند، مجبور کننده ضامن است و اگر با اختیار خود بروند کسی ضامن نیست.

◆ **سوال:** [۴۴۲] در حمله‌های پشتیبانی هوایی که به عهده نیروی هوایی است، اگر خلبان به اشتباه نیروهای اسلام (خودی) را هدف قرار دهد، ضمان خسارت‌های جانی به عهده کیست؟

◆ **جواب:** از بیت المال دیه پرداخت شود.

◆ **سوال:** [۴۴۳] با توجه به اینکه در حال حاضر آمریکای جنایتکار به کشور اسلامی افغانستان حمله کرده و حتی زنان و کودکان را نیز به خاک و خون می‌کشد آیا آمریکا و متحدانش کافر حربی به حساب می‌آیند؟ حکم جهاد در مقابل آنها چیست؟ اگر کسی در این راه کشته شود آیا شهید است؟

◆ **جواب:** آمریکا مدعی است که برای حمایت از مردم افغانستان آمده و با تروریست مبارزه می‌کند، چنانچه آن‌ها با مردم مسلمان بجنگند وظیفه مردم دفاع و مبارزه است.

◆ **سوال:** [۴۴۴] درباره مقاومت در مقابل جانی یا سارق برای

جلوگیری از تجاوز، هتک ناموس یا سرقت؛ بفرمایید:

الف) آن جا که احتمال آبرو ریزی مجنی علیه در کار باشد، تکلیف چیست؟

ب) آن جا که احتمال قتل یا ضرب و جرح شدید یا متوسط مجنی علیه باشد، تکلیف چیست؟

ج) آن جا که مال زیاد، معمولی یا کم، مورد تعرض باشد، تکلیف چیست؟

د) آن جا که مقاومت منجر به قتل جانی یا سارق شود، تکلیف چیست؟

ه) در موارد عدم جواز برخورد با جانی یا سارق، تکلیف قاتل مدافع و دم متجاوز چیست؟

◆ **جواب:** در موارد فوق مقاومت واجب است اگر چه موجب آبرو ریزی

مجنی علیه شود، همچنین در مورد تجاوز و هتک ناموس دفاع واجب است هر چند موجب قتل متجاوز شود و در مورد سرقت چنانچه مال قابل توجه باشد و به غیر از قتل راه دیگری وجود نداشته باشد دفاع واجب است، اگر چه سبب قتل سارق شود.

در فرض سوال بر قاتل مدافع تکلیفی نیست و خون متجاوز مهدور است و ارزشی - قصاص - ندارد.

مسائل تجارتی

احکام معاملات

شرایط عقد در معاملات

◆ سوال: [۴۴۵]

۱ - آیا تطابق ایجاب و قبول در همه‌ی مسائل شرط است، یا تطابق آن در ارکان و مسائل رئیسه کفایت می‌کند؟

۲ - آیا تطابق ایجاب و قبول در شروط مندرج در عقد (شروط ضمن عقد) شرط است؟

۳ - آیا تطابق ایجاب و قبول از حیث شروط ضمن عقد از ارکان عقد محسوب می‌شود که در صورت عدم مطابقت موجب بطلان عقد شود یا از ارکان به حساب نمی‌آید و بطلان عقد را موجب نمی‌شود و تنها موجب خیار تخلف شرط می‌شود؟

◆ جواب:

ج ۱) تطابق بین ایجاب و قبول شرط لزوم عقد است، نه صحّت آن و هریک از طرفین که شرط را قبول ندارد، می‌تواند فسخ کند.

ج ۲) شروط که مورد توافق طرفین باشد باید در ایجاب و قبول ذکر شود.

ج ۳) از ارکان محسوب نمی شود تنها موجب جواز فسخ می باشد.

شرایط فروش جنس و عوض آن

◆ سوال: [۴۴۶]

۱ - با عنایت به این که در ماده ۳۴۸ قانون مدنی ایران آمده است: «بیع چیزی که خرید و فروش آن قانوناً ممنوع است، باطل است» لطفاً فرمایید: آیا منع قانونی موجب می شود مبیع همانند مواردی که شرعاً خرید و فروش آن حرام و باطل است (مثل بیع میتة، خمر و آلات قمار) در این گونه موارد نیز حرام و باطل باشد یا منع قانونی صرفاً حرمت تکلیفی می آورد، اما در صحت معامله تأثیر ندارد و یا تفصیل است که در برخی موارد صحیح و در برخی باطل و در برخی دیگر محتاج به اجازه است؟ اگر شخصی بی اعتنا به منع قانونی، اقدام به فروش بخشی از یک پارک به شخص دیگر، جهت احداث شهرک بازی نماید و دولت نیز پس از فروش بیع مزبور را اجازه دهد آیا اجازه دولت در این مورد مؤثر است و بیع را نافذ می کند یا تأثیری نداشته و بیع باطل است؟

و به طور کلی ملاک صحت و بطلان در این گونه موارد چیست؟

۲ - با عنایت به این که مشهور فقهای امامیه یکی از شرائط عوضین را مالیت و داشتن منفعت عقلایی دانسته اند بیان فرمایید: اولاً آیا

مالیت از شرایط عوضین می باشد یا نه؟ ثانیاً: در منفعت عقلایی و مالیت آیا اغراض نوعی ملاک است یا اغراض شخصی؟ مثلاً آیا خرید و فروش نامه های زن و شوهر در زمان نامزدی که برای آنها اهمیت بسیار دارد و یا آلبوم عکس خانوادگی که برای آن خانواده از اهمیت ویژه ای برخوردار است، صحیح است یا چون منفعت عقلایی غالب ندارد باطل است؟

◇ جواب:

ج ۱) اگر منع معامله توسط حاکم شرع و مجتهد واجد شرایط باشد، حرمت تکلیفی دارد، ولی حرمت وضعی آن نسبت به موارد فرق می کند؛ مثلاً بیع سلاح و مهمات که موجب برهم زدن نظم و امنیت جامعه می شود هم حرمت تکلیفی دارد و هم معامله باطل است؛ ولی مواد مخدر و سیگار، اگر به اعتبار منافع محلله آن باشد و یا آن مفسده اندک داشته باشد، اصل معامله صحیح است.

ج ۲) بله، در صحت معامله مالیت عوضین شرط است، در منفعت عقلایی اغراض نوعی و شخصی هر دو کفایت می کند و در هر دو صورت معامله صحیح است.

◇ سوال: [۴۴۷]

۱- با عنایت به این که برخی از فقهاء تصریح نموده اند؛ در بیع عین معین لازم است مبیع در حین عقد موجود باشد^۱ و به تعبیری

۱. الحدائق الناضرة، ج ۱۸، ص ۴۹۲، حاشیه مجمع الفائدة و البرهان، ص ۱۴۳.

برخی از فقهاء، اصل بر موجود بودن متعلق عقد است الا ما خرج بالدلیل^۱، بفرمایید؛

اولاً: آیا به نظر حضرت عالی نیز لازم است مبیع در حین عقد موجود باشد و یا همین که بدانیم در حین تسلیم موجود خواهد بود کفایت می‌کند؟

ثانیاً: فروش آپارتمان و مکان‌های تجاری که با متراژ و ویژگی‌های معین پیش فروش می‌گردد، آیا از مصادیق عین معین است تا در نتیجه بیع آن باطل باشد یا از مصادیق کلی در ذمه تا بیع آن‌ها صحیح باشند؛ و یا از مصادیق عین معین است ولی استثنائاً از قاعده کلی خارج شده و بیع آن صحیح است؟

۲- در بیع معلق (در صورتی که تعلیق در منشأ باشد نه در انشاء) آیا مالکیت مبیع و ثمن از حین بیع است یا از حین حصول معلق علیه؟

◇ جواب:

ج ۱) بلی، لازم است در حین عقد مبیع موجود باشد اگر موجود نباشد بایع مالک آن نیست و لا بیع الا فی ملک اما فرق نمی‌کند موجود در خارج باشد و یا در ذمه مثل کلی آپارتمان و مکان‌های تجاری معمولاً مکان و مساحت آنها معلوم است و در خارج معین است، کیفیت بناء و ساختمان برای مشتری توصیف می‌شود

۱. العناوین الفقہیة، ج ۲، ص ۲۱۳.

و رفع غرر و ابهام می‌گردد و معامله آن اشکال ندارد و از مصادیق عین معین است چنانچه در خارج معین نباشد از مصادیق کلی در ذمه خواهد بود.

ج ۲) ملکیت از حین بیع است.

◆ **سوال:** [۴۴۸] آیا خرید کارت اعتباری درست است؟ مثلاً یک نفر کارت اعتباری خرید دارد که پولش را لازم دارد به شخص دیگری که می‌خواهد خرید کند می‌دهد و مبلغی از آن اعتبار کم می‌کند و پولش را به صاحب کارت می‌دهد برای نمونه مبلغ اعتبار کارت ۱,۵۰۰,۰۰۰ تومان می‌باشد و مبلغ ۱۰۰,۰۰۰ تومان کمتر یعنی مبلغ ۱,۳۰۰,۰۰۰ تومان به صاحب کارت پول نقد می‌دهد آیا این از نظر شرعی حلال است یا حرام؟

◆ **جواب:** در فرض سؤال اگر آن کارت اعتباری در همان زمان بشود با او خرید کند و با پول نقد کمتر از اعتبارش بفروشد، در صورتی که غرض عقلائی داشته باشد اشکال ندارد؛ اما اگر مانند چک بعد از مدتی اعتبارش برسد نه حالا، در این صورت اگر او را به کمتر از قیمت واقعی آن بفروشد ربا و حرام است همچنین اگر وقت اعتبارش رسیده است پول بیشتر بگیرد ربا هست؛ ولی چنانچه اعتبار کارت مثلاً به تومان است، آن را به جنس مخالفش مثل پول افغانی، کلدان و... به زیادت و یا کمتر بفروشد، اشکال ندارد.

◆ **سوال:** [۴۴۹] بعضی اوقات نیاز به پول نقد دارم و مجبور میشوم چکی را که وقت وصولش نرسیده خورد کنم، یعنی چک را می‌فروشم و آن شخص درصدی از آن را کم می‌کند این قضیه چه حکمی دارد؟

◆ **جواب:** جواز ندارد مگر اینکه چک مال صاحبکار باشد و کارگر چک را به مبلغ کمتر نقداً با صاحب کار مصالحه کند، اشکال ندارد.

فروش مستثنیات دین

◆ **سوال:** [۴۵۰] اگر بدهکاری را که قادر به پرداخت بدهی خود نیست مجبور کنند تا از راه فروش مستثنیات دین، بدهی خود را بپردازد و از این بابت خسارت مادی به او برسد، ضمان آن به عهده کیست؟

◆ **جواب:** خسارت وارده به عهده طلبکار است.

◆ **سوال:** [۴۵۱] در صورتی که خرید منزل مسکونی مطابق شأن، از جوهی باشد که به انحاء مختلف — کلاهبرداری، قرض و غیره — از مردم گرفته شده و یا این که آن جوه به صورت و دیعه نزد او بوده؛ بفرمایید:

الف) آیا منزل مسکونی مطابق با شأن، مطلقاً از جمله مستثنیات دین محسوب می‌شود؟

ب) در صورتی که خرید خانه به قصد فرار از دین یا به قصد عدم

ردّ وجوه متعلق به ديگران باشد؛ اصل معامله چه حکمی دارد؟

(ج) در صورت صحّت معامله مذکور، آیا می‌توان آن را به نفع طلب کاران به فروش رساند؟

(د) آیا بين صورتی که، شخص از ابتداء به قصد خريد واحد مسکونی اقدام به اخذ وجوه تحت عناوين مختلف نموده با صورتی که بعد از اخذ وجوه و به قصد فرار از دين اقدام کرده، تفاوتی وجود دارد؟

(هـ) هرگاه طلب مزبور مهریه زوجه باشد آیا مشار اليها می‌تواند منزل مسکونی را جهت استيفای حق خود توقیف کند؟

◇ جواب:

الف) در تمام وجوه مذکور منزل مسکونی از مستثنیات دين است.

ب) معامله صحيح است.

ج) بله بيع آن جایز است.

د) در هر دو صورت اصل معامله صحيح است.

هـ) در فرض سوال حق توقیف ندارد.

عقود جایز و احکام آن

◇ سوال: [۴۵۲]

۱- همان طور که مستحضريد برای عقود جایزه دو اثر ذکر شده است؛ یکی امکان به هم زدن آن در هر زمان، دیگری انحلال آن

به موت، جنون و عروض سفه حال چنانچه عقد جایزی در ضمن عقد لازمی درج شود آیا هر دو اثر فوق، از عقود جایزه سلب می‌شوند یا این که صرفاً امکان فسخ ارادی از طرفین گرفته می‌شود و کماکان عقود جایزه به موت، جنون و سفه منفسخ می‌شوند، هر چند در ضمن عقد لازمی درج شده باشند؟

۲- آیا عقود جایزه، علاوه بر موت، جنون و سفه احد طرفین، با اغمای یکی از دو طرف نیز، منفسخ می‌شوند؟ در صورت مثبت بودن جواب منظور از اغما چیست؟ آیا شامل بیهوشی‌های کوتاه مدت هم می‌شود؟

◇ جواب:

۱- در فرض سؤال اگر عقد جائزی در ضمن عقد لازمی صورت بگیرد، امکان فسخ ارادی از طرفین سلب می‌شود و حکم عقد لازم بر آن جاری می‌شود.

۲- بی‌هوشی کوتاه مدت جزء اغماء است، اغما موجب فسخ نمی‌شود.

معاملات مشروط

◇ سوال: [۴۵۳] اگر یکی از ادارات، ارگان‌ها، یا شرکت‌های وابسته به دولت اسلامی وسیله یا ابزار کاری را به کسی بفروشد

که تحت شرایط خاصی از آن استفاده کند، اگر خریدار پس از تحویل، جنس را با قیمت بیشتری در اختیار دیگران قرار دهد، سود حاصله را در حق دولت ضامن است؟

◇ **جواب:** اگر بر خلاف شرط عمل کرده فروشنده خیار فسخ معامله را دارد.

◇ **سوال:** [۴۵۴] مدت شش سال قبل معامله زمین بطور مشروطه صورت گرفته و شرط معامله این بوده که زمین مورد معامله جنجال دارد، اگر جنجال آن حل شد و زمین به ما تعلق گرفت به مبلغ پنجاه هزار افغانی زمین مال شما و اگر زمین از ما نشد، فقط پولی که داده‌اید مستحق می‌باشید و دیگر هیچ گونه ادعا ندارید حالا که زمین بصورت خریداری اول از بایع نشد و دوباره زمین جنجالی شد که در نتیجه مال کس دیگر شد من دوباره زمین را از شخص دوم خریداری نمودم حکم شرعی آن را بیان فرماید شخصی که زمین را خریداری کرده بود تحت این شرایطی که ذکر شد و حال از شخص دوم خریداری کردم آیا طرف ما مستحق می‌شود یا نه؟

◇ **جواب:** اگر شخص دوم صاحب اصلی زمین باشد و از او خریده باشید بیع صحیح است و معامله اولی که شرطش عملی نشده باطل و مشتری می‌تواند اصل پول خود را از شخص اول پس بگیرد.

◆ **سوال:** [۴۵۵] کسی که هنگام گرفتن پروانه ساختمانی متعهد به انجام اموری مانند عقب نشینی، شناژبندی و... شده، اگر پس از گرفتن پروانه برخلاف تعهد عمل کند به نحوی که عدم توجه به تعهد موجب خسارت به همسایگان شود، آیا عمل او ضمان آور است؟

◆ **جواب:** بله خسارت وارده را ضامن است.

◆ **سوال:** [۴۵۶] در بخش عقود، فروش یک ملک به صورت زمانی به چند نفر چه حکمی دارد؟ مثلاً ملکی به چهار نفر فروخته شده، این ملک در هر فصل سال در اختیار مالک همان فصل است که خودش استفاده کند یا اجاره دهد و ...

◆ **جواب:** اگر یک ملک را به چهار نفر در چهار فصل سال بفروشد مثلاً زمین را در فصل بهار به زید بفروشد و همان زمین را بدون اینکه از زید بخرد و یا فسخ کند (درموارد جواز فسخ) در فصل تابستان به عمرو بفروشد، این جواز ندارد؛ ولی چنانچه یک زمین را برای چهار نفر بفروشد و آن چهار نفر باهم توافق کنند، که در هر یک از فصل سال در اختیار یکی از آنها باشد، اشکال ندارد.

◆ **سوال:** [۴۵۷] اگر مشتری مدعی است که بیع با این شرط منعقد شده است که بایع پروانه تجاری را نیز برای مبیع اخذ کند و قبول وی منوط به وجود و تحقق آن شرط بوده، ولی بایع منکر وجود

چنين شرطی است و معتقد است چنين شرطی وجود نداشته است، آیا با وجود چنين اختلافی بيع واقع می شود يا اختلاف مزبور موجب می شود تا بيع منعقد نگردد؟

◇ **جواب:** اگر مشتری در نزد قاضی شرط را اثبات توانست، بر بايع التزام به بيع و اتیان شرط واجب است و اگر اثبات نتوانست فقط اصل بيع واجب الوفا می باشد.

◇ **سوال:** [۴۵۸] ملكی به صورت مشاركت خریداری می شود و سپس یکی از شرکاء سهم خود را به شریک دیگر اجاره به شرط تمليک می دهد، به طوری که بعد از پرداخت تمامی اقساط (که طبعاً بیش از پولی است که شریک برای آن سهم داده بود) قسمت مورد اجاره به ملكیت مستأجر در می آید، آیا می توان برای این کار که در بانکها یا شرکتها - اشخاص حقوقی - و بعضاً توسط اشخاص حقیقی صورت می گیرد برای تخلص از ربای قرضی راهی شرعی دانست؟

◇ **جواب:** اگر منظورتان این است که یکی از شرکاء سهم خود را برای شریک اجاره می دهد به مبلغ معین و شرط می کند که این سهم مرا به فلان مبلغ - نقد یا اقساط - خریداری کن، در این صورت این معامله صحیح است و ربای در کار نیست.

معاملات مستحذته

◆ سوال: [۴۵۹] در معاملاتی که به وسیله تلفن، فکس، اینترنت و امثال آن واقع می‌شود، به ترتیب:

الف - معامله از چه زمانی واقع می‌شود؟ از زمان نوشتن یا گفتن ایجاب، از زمان نوشتن یا گفتن قبول، از زمان ارسال قبولی توسط مشتری، از زمان وصول جواب قبولی به بایع؟

ب - مکان وقوع معامله کجاست؟ محل سکونت بایع یا محل سکونت مشتری؟

ج - محل تسلیم مبیع و ثمن کجاست؟ محل سکونت بایع، محل سکونت مشتری، محل وجود کالا، محلی که نیاز است کالا در آنجا مصرف شود؟

◆ جواب:

الف: بعد از قبول مشتری معامله محقق می‌شود.

ب: چون وقوع معامله منوط به ایجاب و قبول است اگر بایع و مشتری در دو جای متفاوت باشند هر دو جا محل وقوع معامله است.

ج: محل تسلیم مبیع و ثمن بستگی به توافق طرفین بایع و مشتری دارد.

◆ سوال: [۴۶۰] اگر معامله‌ای در خارج از محل سکونت بایع و

مشتری صورت گیرد و وضعیت به گونه‌ای باشد که نمی‌توان محل وقوع را ملحوظ نمود، مثل این که بیع در کشتی و در دریا یا در هواپیما و در هوا صورت گیرد، در صورت اختلاف بین متباین تکلیف چیست و مبیع و ثمن را کجا و براساس عرف چه مکانی باید تسلیم نمود؟

◇ **جواب:** اگر در کشتی و هواپیما امکان تسلیم باشد در همان جا مبیع و ثمن تسلیم بایع و مشتری شود و اگر در آنجا امکان نداشته باشد در هر جایی که طرفین توافق کرده باشند اگر قدرت بر تسلیم در محل وقوع عقد و در خارج از آن نداشته باشند معامله باطل است، ظاهراً عرف محل و مکان در تسلیم دخالت ندارد بلکه در موزون و معدود دخالت دارد که در صورت اختلاف بلاد ملاک بلد معامله است.

معامله فضولی

◇ **سوال:** [۴۶۱] چنانچه در معامله‌ای فضولی — که مشتری جاهل به مالکیت غیر است — با گذشت چند سال و افزایش چندین برابر قیمت‌ها (بدون این که مشتری هزینه‌ای در مورد معامله کرده باشد) مثن توسط مالک کشف و ردّ شود، بفرمایید:

الف) فضول، در ردّ ثمن ضامن چه مبلغی می‌باشد، مبلغ حین معامله یا حین الردّ؟

ب) در این صورت آیا فرقی بین علم و جهل مشتری وجود دارد؟

ج) در صورتی که فضول، ضامن ثمن حین معامله باشد در هنگام کاهش معتابه ارزش پول و تفاوت فاحش ثمن حین معامله و حین الرد، آیا می‌توان فضول را ضامن ما به التفاوت این دو مبلغ و سایر خسارات دانست؟

د) آیا مشتری می‌تواند از قبول ثمن معامله خودداری و بائع را ملزم به تحویل مورد دیگری با همان کمیّت و کیفیّت بنماید؟

◇ جواب:

الف) فضول، ثمن را به ارزش زمان رد، ضامن است.

ب) فرق بین علم و جهل نیست.

ج) ما به التفاوت را جبران کند.

د) حق اجبار ندارد.

◇ سوال: [۴۶۲] شخصی به علت دوری از وطن منزلش را

بصورت امانت در اختیار فرد دیگری قرار داده است، پس از

مدتی برادر فرد امانتدار از غفلت برادرش استفاده کرده و منزل را

می‌فروشد.

شخص امانتدار وقتی متوجه این عمل برادرش می‌شود برای حفظ

آبروی او به نزد صاحب منزل می‌رود و با تبلیغات منفی و غیر

واقعي درباره موقعيت منزل اصرار به كسب اجازه براي فروش آن را مي‌كند. صاحب منزل با اعتمادي كه به آن شخص داشته اجازه فروش منزل را به او مي‌دهد. (حال اينكه منزل قبلا فروخته شده)

شخص امانتدار مبلغی را به عنوان قيمت منزل تعيين مي‌كند و صاحب منزل با همان مبلغ قطعه زميني را از خود شخص امانتدار خريداري مي‌كند. بعد از گذشت مدتي صاحب منزل متوجه مي‌شود كه منزلش قبل از كسب اجازه وي توسط برادر شخص امانتدار فروخته شده است و شخص امانتدار اين نمايش را براي حفظ آبروي برادرش اجرا کرده است.

س ۱) حكم معامله اول (فروش منزل) چيست آيا صاحب منزل مي‌تواند آن را فسخ كند؟

س ۲) حكم معامله دوم (خريد زمين) چيست؟ آيا صحت آن وابسته به معامله اول است؟ يا خير.

در صورتي كه صاحب منزل تقاضاي همان منزل خودش را داشته باشد، آيا بايد همان مبلغ تعيين شده به عنوان قيمت منزل را پس بدهد يا زميني را كه با آن پول از شخص امانت دار خريداري کرده است؟

◇ جواب:

ج ۱: در فرض سؤال اگر صاحب منزل آن معامله را اجازه نكند حق فسخ معامله را دارد.

ج ۲: صحّت این معامله وابسته به معامله اول است، در صورتیکه صاحب منزل منزلش را بخواهد فروشنده حق دارد همان زمین را پس بدهد.

معاملات فاسد و حرام

◆ **سوال:** [۴۶۳] حکم دریافت حق الزحمه (از فروشگاه)، که به خاطر خرید برای اداره و محل کار، از آن‌ها به خرید کننده (واسطه‌ی خرید) می‌دهند، در صورتیکه خرید از آنجا به نفع اداره هست و فروشنده این مبلغ را از محل سود خود پرداخت می‌کند و چیزی به قیمت اجناس در فاکتورها اضافه نمی‌کند، چیست؟

◆ **جواب:** در صورتی که بائع و مشتری از آن اطلاع داشته باشد و ضرر به اداره و مالک وارد نشود، اشکال ندارد.

◆ **سوال:** [۴۶۴] آیا در صورت تأخیر مشتری از مهلت پرداخت ثمن بائع می‌تواند قیمت را اضافه کند و از مشتری پول بیشتر بگیرد؟

◆ **جواب:** در صورتی که تأخیر ثمن شرط نشده باشد، بائع فقط حق خیار فسخ دارد؛ اما حق گرفتن پول اضافی را ندارد.

◆ **سوال:** [۴۶۵] شخصی به کشور افغانستان رفته که برای خود زمین مسکونی بخرد، در آنجا زمین موصوفه را خریده و تعدادی

اشخاص ديگر هم براي پول فرستاده كه براي آنها هم زمين مسكوني بخرد و خودش حاضر نبوده كه زمين هايشان را تحويل بگيرند، بعد از يك سال صاحب اصلي اخطار نموده كه هر كسي كه زمين دارد، بيايد و زمين هايشان را تحويل بگيرند و من ديگر هيچ مسئوليتي در قبال زمين ها ندارم؛ اما مشتريان حاضر به تصرف و قبض زمين هايشان نشدند، شخص مذكور مجبور شده با خانه خود به هرات برود و زمين ها را تحويل بگيرد و تصرف نمايد، تا الان حدود شش سال است كه اين شخص از زمين ها محافظت كرده، حدود گزاري و نهال كاري كرده تا كسي نسبت به اين زمين ها ادعايي نداشته باشد.

الف) بعد از پنج سال مشتريان غيابي مي خواهند زمين هايشان را تصرف و تملك نمايند؛ آيا شخص مذكور حق اجرت حفاظت و نگهداري از زمين ها را دارد؟ يا خير.

ب) مشتريان غيابي حق مالكي و تصرف زمين را دارند؟ يا خير.

◇ جواب:

الف) اگر با اجازه صاحبان زمين، از زمين ها حفاظت كرده باشد، حق اجرت المثل دارد و اگر خود سرانه اين كار را انجام داده باشد حق اجرت المثل را ندارد؛ مگر اين كه صاحبان زمين با رضايت شان حق الزحمه را بدهند.

ب) اگر اعراض نکرده باشند، مالک زمین می‌باشند.

◆ **سوال:** [۴۶۶] شخصی زمین خود را می‌فروشد و قیمت تعیین شده را می‌گیرد، ولی در سند، بیشتر از قیمت تعیین شده، مبلغ را می‌نویسد اگر فروشنده این مبلغی که زیادی نوشته شده را ادعا کند شرعاً چه حکمی دارد؟

همچنین اگر از قیمت تعیین شده‌ی زمین وجهی در ذمه مشتری باقی مانده باشد حکم خیار فسخ را دارد؟ یا خیر.

◆ **جواب:** زیاد نوشتن از قیمت معینه، شرعاً جواز ندارد و اگر بایع میباید را تحویل مشتری کرده باشد و در بیع بایع مغبون واقع نشده باشد حق فسخ ندارد، ولی حق دارد تمام قیمت زمین را دریافت کند، در فرض سوال بایع نمی‌تواند مبلغ اضافه را از مشتری دریافت کند، اگر بایع میباید را تسلیم مشتری کرده باشد بایع حق فسخ ندارد.

◆ **سوال:** [۴۶۷] اجناس مغشوشی که به بازار عرضه می‌شود، آیا غش کننده ضامن مابه التفاوت است یا عرضه کننده، اگر معامله در کالای مغشوش باطل باشد، آیا ضمانی به عهده خریداری که خود را صاحب جنس می‌داند و از مغشوش بودن آن اطلاعی ندارد، آمده؟ یا ضمان این مورد نیز به عهده غش کننده است.

◆ **جواب:** اگر عالم به غش بوده ضمان به عهده فروشنده می‌باشد

والا بر عهده غش کننده است و اگر هر دو عالم به غش هستند هر دو ضامن هستند و مشتری مخیر است به هر یک از فروشندگان و غش کننده مراجعه کند.

◆ **سوال:** [۴۶۸] رستوران‌ها در کشورهای اروپایی نظر به قانون‌شان باید برای مراجعین و مشتری‌هایش که مشروبات الکلی بخواهند، باید تهیه کنند. اینجانب رستوران دارم. تکلیف شرعی من نسبت به تهیه و فروش مشروبات الکلی چیست؟

آیا اجازه دارم بفروشم آیا می‌توانم پول آن را مصرف کنم؟ یا خیر.

◆ **جواب:** در فرض سؤال فروش مشروبات الکلی جائز نیست و گرفتن پول در مقابل آن حرام است.

◆ **سوال:** [۴۶۹] حکم کار کردن به عنوان گدامدار در شرکتی که اجناس نامرغوب آورده و تحت نام مرغوب می‌فروشد چیست؟ البته جنسی که این شرکت وارد می‌کند کم‌یاب و یکی از اقلام ضروری و مورد نیاز مردم است و مشتریان زیادی دارد و آنها می‌گویند نسبت به اجناس دیگر شرکتها جنس این شرکت بهتر است اما ما خود می‌دانیم که این جنس کیفیت خوب ندارد و مطابق استاندارد جهانی نیست.

◆ **جواب:** باید با مشتری‌ها واقعیت را بگویند و الا این کسب حرام است و شما هم معاون در گناه حساب می‌شوید.

◆ **سوال:** [۴۷۰] در صورتی که ثمن معامله بسیار ناچیز باشد مثل فروختن خانه‌ای به هزار تومان، آیا این معامله صحیح است یا نه؟ اگر صحیح است آیا بیع محسوب می‌شود یا صلح یا هبه و...؟

◆ **جواب:** در فرض سؤال ولو ثمن کم و اندک باشد، در صورتیکه بایع با آگاهی و اختیار فروخته باشد، معامله صحیح و بیع محسوب است.

◆ **سوال:** [۴۷۱] خرید، فروش و استفاده از وسایلی مانند گوشی‌های موبایل، لوازم آرایشی و ... که به صورت غیر قانونی از مرز وارد کشور می‌شوند چه حکمی دارد؟

◆ **جواب:** اگر موجب هرج و مرج بازار و کساد تولیدات داخلی و واردات قانونی نمی‌شوند، اشکال ندارد.

◆ **سوال:** [۴۷۲] کسی که از روی اضطرار، مبلغی را از بانک یا شخص حقیقی می‌گیرد و قرض دهنده شرط می‌کند که پس از مدت معین، مبلغ را به اضافه درصد تعیین شده باز پس بگیرد؛ آیا در این صورت:

الف) حکم ربا بر این عمل مترتب است؟ یا خیر.

ب) در صورت ربا بودن، آیا وام گیرنده که مبلغ اضافی را می‌پردازد مرتکب عمل حرام شده است یا نه؟

◇ **جواب:** دادن و گرفتن قرض با اضافه ربا است و ربا گیرنده و ربا دهنده هر دو معصیت کار هستند.

◇ **سوال:** [۴۷۳] تاکسی رانی که بیش از قیمت‌های تعیین شده از مسافری درخواست می‌کند، اگر مسافر فقط قیمت تعیین شده را بپردازد، نسبت به مازاد ضامن است؟

◇ **جواب:** در صورتی که از اول طی نکرده باشد، ضامن نیست.

معامله با سرمایه دیگری

◇ **سوال:** [۴۷۴] شخصی مقدار پولی از شخصی دیگر در نزدش است، با آن پول معاملاتی انجام داده است که سود داشته‌اند، سود حاصله چه حکمی دارد، آیا در سود حاصله، صاحب مال ذی حق است؟ یا خیر.

◇ **جواب:** در فرض سؤال، اگر صاحب پول یا صاحب جنس چنین اجازه‌ای را داده است که سودش مال شما باشد، صاحب پول در سود آن پول یا سود آن جنس حقی ندارد و الا سود مال صاحب سرمایه است.

خیار و اعمال آن در معاملات

◇ **سوال:** [۴۷۵] آیا با اعمال خیار تخلف از شرط از طرف

خریدار و سپس فسخ یک معامله به علت قانونی، خساراتی که فروشنده در ازای دریافت ثمن به خریدار وارد کرده است قابل مطالبه است؟

◇ **جواب:** اگر خریدار علم داشته است که حق به طرف فروشنده است ولی در عین حال پافشاری می‌کند تا از این ناحیه خسارت مالی بر فروشنده وارد می‌شود، در این صورت فروشنده حق مطالبه خسارت خود را دارد همچنین در صورت وارد آمدن خسارت به خریدار، اگر مقصر فروشنده بوده است.

◇ **سوال:** [۴۷۶] من یک مقدار زمین زراعتی آبی را به مبلغ سیصد هزار افغانی در زمان برهان الدین ربانی به شخصی فروختم و نصف قیمت زمین را دریافت کردم و نصف پول زمین باقی ماند که به بنده گفتم که به ایران می‌آید و باقی پول زمین را به من می‌دهد، اما وقتی به ایران آمد، باقیمانده‌ی پول زمین را به من نداد و مخفیانه به افغانستان بازگشت که از آن زمان ده سال می‌گذرد. با این وضع، معامله‌ی مذکور صحیح بوده؟ یا خیر؛ اگر معامله صحیح بوده، تفاوت ارزش پول زمان ربانی با پول زمان حالا چگونه محاسبه می‌شود؟ با این شرایط وظیفه طرفین معامله چیست؟

◇ **جواب:** در فرض سؤال بایع حق دارد قیمت زمین را به ارزش آن

زمان دريافت كند و يا پول مشتري به ارزش آن زمان بدهد و زمينش را پس بگيرد؛ كه در هر صورت پول را به نرخ گندم يا روغن يا برنج سنجش كنند؛ به اين صورت كه با آن پولی كه در آن زمان بايع دريافته كرده يا باقی مانده بوده چه مقدار گندم يا روغن يا برنج می شده خريداري كرد، اکنون قيمت همان مقدار گندم يا روغن يا برنج را از مشتري بگيرد و با آن مبلغ با هم مصالحه كنند، يا به همين روش محاسبه و پول مشتري را بدهيد و زمين خود را پس بگيريد.

◆ **سوال:** [۴۷۷] شخص كل اموال منقول و غير منقول خود را برای كس ديگر به فروش می رساند و بخشی از قيمت در بالای مشتري می ماند، در اين حال آیا خيار فسخ دارد؟ يا خير، همچنين در هبه معوضه كه مقدار از عوض در ذمه موهوبله باقیمانده آیا واهب در اينجا حق خيار فسخ را دارد؟ يا خير.

◆ **جواب:** اگر مبيع را تحويل مشتري داده باشد، حق فسخ ندارد و اگر تحويل مشتري نداده باشد، حق فسخ دارد، همچنين در هبه معوضه اگر تمام عوض را نداده باشد واهب حق فسخ دارد.

◆ **سوال:** [۴۷۸] اگر بانك ضمن فروش مقداری ارز خارجي با مشتري خود شرطی را قرار دهد و خريدار شرط را پذيرفته و پس از دريافت ارز برخلاف تعهد عمل نموده و از اين راه سودی

حاصل کرده باشد، آیا ضامن کلیه وجوه به دست آمده در حق بانک می‌باشد؟

◇ **جواب:** در فرض سوال ضامن نیست؛ صاحب بانک فقط حق فسخ معامله را دارد، بنابر احتیاط رضایت صاحب بانک را جلب کند.

◇ **سوال:** [۴۷۹] زمینم را حدود شش سال پیش به خریداری فروخته‌ام که ایشان دو سوم را نقدی و مابقی را تاکنون پرداخت نکرده و دلیل آن را مشکلات مالی بیان می‌کند، به همین دلیل از واگذاری زمین به ایشان خودداری نمودم که موجب ناراحتی و شکایت خریدار و در نهایت منجر به توافق نامه‌ای با محدودیت زمانی شده که حدود دو سال از آن می‌گذرد که خریدار، موارد توافق را اجرا نکرده است با توجه به تورم، کاهش ارزش پول و افزایش چندین برابری بهای زمین مورد معامله، نسبت به گذشته آیا اینجانب حق فسخ معامله را دارم؟ یا خیر.

◇ **جواب:** اگر مبیع را تحویل مشتری کرده‌اید در این صورت حق فسخ ندارید و اگر تحویل مشتری نکرده‌اید حق فسخ دارید مابقی قیمت را به ارزش اجناس گندم و روغن آن زمان و ارزش فعلی از مشتری بگیرید؛ یعنی آن پول در آن زمان هر مقدار آرد یا گندم می‌شد حالا آن مقدار پول بگیرید که آن مقدار گندم یا آرد می‌شود.

ربا يا سود در معاملات

◆ **سوال:** [۴۸۰] نرخ سود را در بازار مسلمين چه كسي تعيين مي كند؟ آيا نرخی را كه حكومت تعيين مي كند لازم الاجرا است؟ يا خير؛ در صورت كه نرخی را تعيين نكرده باشند تا چه اندازه سود كردن در معامله مجاز هست؟

◆ **جواب:** اگر نرخ را حكومت تعيين كند همان نرخ لازم الاجراء است؛ اگر تعيين نكرده باشد اختيار دست صاحب جنس است؛ اما تا حدى كه اختلال در نظام پيش نيايد و از حد معمول بيشتر نباشد. ميزان سود بين فروشنده و خريدار توافقي است و حد معين ندارد.

◆ **سوال:** [۴۸۱] در صورتى كه شخصى مالى را به صورت نسيه يا اقساط بفروشد و قبل از تحويل به خريدار آن را مجدداً از او به مبلغ كمترى به صورت نقد خريدارى نمايد، بفرماييد:

الف) آيا معامله فوق ربوى است؟

ب) در صورت مثبت بودن پاسخ، آيا محكوم به بطلان است؟

ج) هرگاه مورد معامله به صورت كلى يا كلى در معين باشد، آيا تعيين يا عدم تعيين مصداق كالاي فروخته شده تأثيرى در صحت يا بطلان معامله دارد؟

د) قصد اولی فروشنده بر خرید مجدد مبیع به مبلغ کمتر، به صورت نقد چه اثری در صحّت یا بطلان معامله می‌تواند داشته باشد؟

ه) آیا فرقی بین تصریح و عدم تصریح قصد وجود دارد؟

و) در صورت مثبت بودن پاسخ، هرگاه خریدار بدون تصریح فروشنده از قرائن، علم به قصد مذکور پیدا کند، چه اثری بر حکم معامله دارد؟

◇ جواب:

الف) اگر از اول شرط نکرده باشد که مشتری آن مال را به مبلغ کمتر بفروشد آن معامله صحیح است و ربوی نمی‌باشد.

ب) اگر شرط کرده باشد که به مبلغ کمتر بفروشد باطل است.

ج) در هر دو صورت اگر عوضین تعریف شود به طوری که معامله غرری نباشد معامله صحیح است.

د) مجرد قصد اثر ندارد.

ه) اگر به صورت شرط نباشد اشکال ندارد.

و) علم مشتری به قصد بایع تأثیری ندارد.

احکام شرکت

◆ **سوال:** [۴۸۲] یک شخص سه پسر دارد و یک نواسه از پسر کلان خود حالا پسران این شخص می‌خواهند از هم دیگر جدا شوند؛ نواسه این شخص از سن دوازده سالگی به دستور کاکاهای خود مکتب را ترک کرده و برای حفظ آبروی کاکای خود در افغانستان و ایران سیزده سال کارگری کرده و پول خود را به کلی به کاکاها و پدر خود داده پدر و کاکاهای این شخص فقط زن برای شخص مذکور آورده، حالا هر دو کاکای این شخص می‌گویند تو حق به سرمایه نداری در حالیکه پدرش راضی است به حق دادن برای پسر خود از سرمایه شراکت، آیا این پسر به سرمایه شراکت که بین کاکاها، پدر و خود شخص مذکور است حق دارد؟ یا خیر.

◆ **جواب:** باید این پسر را راضی کنند چون در فرض سؤال این پسر هم کار کرده و در سرمایه شریک است.

◆ **سوال:** [۴۸۳] پدری فوت نموده و دو پسر و دو دختر ورثه

ایشان می‌باشد پسر کلان حق خود را از منقول و غیر منقول که متعلق به اوست، جدا کرده است و پسر کوچک و دخترها باهم هستند و همه چیزشان مشترک می‌باشد و حج بلدی را انجام نداده و پسر کوچک ارثی که از پدر مشترکاً بین او و خواهرانش می‌باشد را در غیاب دخترها، برای معیشت روزانه خود به فروش می‌رساند و سند هم می‌دهد ولی دخترها از این کار ناراضی هستند. اکنون آیا:

(۱) زمین مشترک بین دخترها و پسر است؟ یا خیر.

(۲) دین میت و حج بلدی میت را که عملی نکرده‌اند تکلیف چیست؟

(۳) از قیمت زمین معامله شده، مقدار مبلغ باقی مانده است مال کیست؟

(۴) زمین در گرو کسی می‌باشد و یک سال از مدت سند قرارداد باقی مانده است و سند فروش داده است اگر خواهران بخواهند حق شان را بگیرند چکار کنند؟

◇ جواب:

ج ۱) آن بیع برادر کوچک فضولی است، اگر هر دو خواهر بیع را رد کنند آن بیع نسبت به سهم هر دو خواهر باطل است و نسبت به سهم خود فروشنده بیع صحیح است ولی مشتری خیار فسخ دارد.

ج ۲) اگر میت در زمان حیات خود مستطیع بوده و وصیت کرده

باشد، در اين صورت بايد از ماترك ميت حج بلدي انجام شود و اگر به حج بلدي وصيت نكرده باشد، حج ميقاتي كفايت مي كند ولي هر مقدار دين شرعاً اثبات شود از اصل ماترك ميت برداشته مي شود.

ج ۳) قيمت زمين مال صاحبان زمين است، اگر خواهان بيع را اجازه كنند مي توانند سهم خودشان را از ثمن بردارند.

ج ۴) فروش و گرو گذاشتن سهم خواهان صحيح نيست، اگر خواهان راضي نشوند فروش و گروي نسبت به سهم آنان باطل است.

◆ سوال: [۴۸۴] در حال حاضر بنده دانشجو متاهل در استراليا هستم، در استراليا دولت براي دانشجويان و دانش آموزان و افراد بيكار كمی پول هر دو هفته كمك مي كند (مثل پول شهریه) من و خانمم هر دو از اين پول كمكي به طور جداگانه دريافت مي كنيم، هر كس در حساب بانكي خودش.

سوال بنده اين است: آيا اين پول كمكي كه دولت براي افراد بيكار و دانشجو مي دهد (تا مصاريف ضروري خود را تأمين كنند) در آمد زن حساب مي شود و شوهر در آن حق ندارد كه براي مصارف خانه استفاده كند؟ يا خير.

با اين توضيح كه بعد از ازدواج دولت پول زن و شوهر را كمی

کم می‌کند چون در نزد دولت مصاریف هر دو یکجا می‌شوند.

◇ **جواب:** بله آنچه را برای خانم می‌دهد مالک آن خانم است و آنچه را برای شوهر می‌دهد مالک آن شوهر است.

تقسیم اموال مشترک

◇ **سوال:** [۴۸۵] چند سال قبل، سه برادر بودند که یکی از برادران هفت پسر و دو دختر داشته؛ برادر دیگر، دو پسر و سه دختر داشته و برادر دیگرشان، یک پسر و یک دختر داشته است.

زمین‌ها به طور مساوی بین سه برادر تقسیم شده، اما زمین‌هایی که برای ساخت و ساز خانه و ساختمان مناسب باشد، کلاً در اختیار برادرانی که فرزندان بیشتری داشته‌اند، اختصاص می‌یابد و برادری که تعداد فرزندانش کم بوده، سهم کمتری را از این زمین‌ها می‌برد، از این قضیه مدت‌های زیادی گذشته است؛ آیا اکنون وارثین برادری که کمترین فرزند را داشته، می‌توانند ادعای مساوی بودن زمین‌هایی که برای ساخت و ساز ساختمان بوده را بکنند؟ یا خیر.

◇ **جواب:** اگر زمین‌ها بین برادران تقسیم شده باشد و برادران به آن تقسیم راضی بوده‌اند، بعد از فوت آنها فرزندانشان حق اعتراض ندارند.

◆ **سوال:** [۴۸۶] زميني بين سه نفر كه دو برادر و يك برادرزاده كه در واقع يتيم و كم سن مي باشد، تقسيم مي شود اين زمين ها جاي خوب و مناسبي بوده و دو برادر با در نظر گرفتن شرايط حال خود، زمين ها را تقسيم مي كنند و برادرزاده، سهم كم تري از زمين ها مي برد. آيا وارثين فرزند برادري كه شايد در زمان تقسيم زمين ها مظلوم واقع شده بوده، قانوناً حق دارند كه درباره تقسيم و دريافت زمين بيش تري ساختمان خودشان درخواست كنند؟ يا خير.

◆ **جواب:** اگر در تقسيم، فرزند برادر مظلوم واقع شده باشد و تقسيم عادلانه صورت نگرفته باشد، پسر برادر حق اعتراض دارد و مي تواند سهم خود را دريافت كند.

◆ **سوال:** [۴۸۷] ما سه برادرانيم كه دو برادر در ايران بوده و من در افغانستان، مقداري زمين ميراثي داريم و من به اساس اينكه ضرورت و مشكل دارم مي خواهم زمين مذكور به حضور مؤمنين و جريب كش، به سه حصه برابر تقسيم شود و به اساس قرعه، يك سهم آن را من تصاحب كنم و زندگي خویش را بگذرانم، اما دو برادر من كه در ايران هستند نه حاضر مي شوند كه وكيل بگيرند و نه خودشان مي آيند كه با حضور وكيل و يا خود آن ها، زمين را تقسيم كنند.

آیا من می‌توانم زمین مذکور را بدون حضور برادرانم و در حضور مومنین تقسیم نموده حق خود را بردارم؟

◇ **جواب:** در صورتیکه برادران حاضر به تقسیم نمی‌شوند، می‌توانید در حضور عدول مؤمنین زمین‌ها را تقسیم کنید و سهم خود را تصرف نمایید.

احکام اجاره

شرایط ملک مورد اجاره

◆ **سوال:** [۴۸۸] در موارد عدم قدرت بر تسلیم عین مستأجره آیا اجاره آن، با ضمیمه قابل تصحیح است، نظیر بیع عبد اَبَق یا حیوان فراری با ضمیمه؟

◆ **جواب:** در باب اجاره ضمیمه موجب جواز نمی‌گردد؛ بلکه ضمیمه موجب جواز بیع غیر مقدور در مورد نص که عبد اَبَق باشد می‌شود و در غیر مورد نص قابل سرایت نیست.

اجاره عین مستأجره

◆ **سوال:** [۴۸۹] اگر کسی منزل یا مغازه‌ای را اجاره کند و هنگام قرار داد، مالک اجازه واگذاری ملک را به شخص ثالث بدهد، آیا اگر اجاره کننده ملک مزبور را طبق نظریه کارشناس رسمی به قیمتی بیش از مال الاجاره، اجاره دهد نسبت به مازاد ضامن است یا نه؟

◇ **جواب:** در فرض سؤال ضامن مازاد نیست، در صورتی که در آن مال مستاجر اول کاری انجام داده باشد، می‌تواند بیشتر از مال الاجاره به کسی دیگر اجاره دهد و الا جواز ندارد.

◇ **سوال:** [۴۹۰] يجوز للمستاجر مع عدم اشتراط المباشرة و ما بمعناها أن يؤجر العين المستاجرة بأقل قيمة مما استأجرها به و بالمساوی، و كذا بالأكثر منه إذا أحدث فيها حدثاً أو غرم فيها غرامة ولو لحفظها و صيانتها و إلا لم يجز له ذلك، رجل استأجر منزلاً من مالكة و لم يشترط على المستأجر إستيفاء المنفعة بنفسه، أو أن لا يؤجرها من غيره و المستاجر يدفع الاجرة شهرياً ثم أجره لآخرين من الزوار يومياً بحيث مجموعة الاجرة فى الشهر يكون اكثر من اجرة المسمى

اولا: هل يصح الاجرة الثانيه؟ ثانياً: هل يستحق المالك مطالبه تلك الزيادة.

◇ **جواب:** لا يصح الإجارة إذا كانت أكثر من اجرة المسمى و إن كانت يومياً و يستحق المالك مطالبه تلك الزيادة الا ان يحدث حدثاً فيها.

اجاره ملك مشترك

◇ **سوال:** [۴۹۱] با توجه به این که اجاره مال مشاع جایز است،

ليكن تسليم آن به مستأجر متوقف بر اذن شريك است، بفرماييد: چنانچه يكي از دو شريك سهم خود را به نفر سومي اجاره دهد، و شريكش نسبت به تسليم آن به مستأجر اذن ندهد، وظيفه چيست؟

◇ **جواب:** وظيفه اجبار شريك است به تسليم و اگر اجبار امكان نداشته باشد مستأجر خيار فسخ دارد.

تلف عين مستأجره

◇ **سوال:** [۴۹۲]

۱ - در موارد تعدی و تفریط چنانچه عين مستأجره به واسطه حادثه‌ای قهري مثل سيل و زلزله در دست مستأجر تلف شود، ولی تلف مربوط به افراط و تفریط او نباشد آیا مستأجر ضامن است؟

۲ - هرگاه مستأجر افراط و تفریط نمود و سپس از کار خود پشیمان شده و افراط و تفریط را ترک نمود و پس از آن عين مستأجره تلف شده آیا مستأجر ضامن است؛ مثلاً ماشینی که اجاره نموده بود را بدون قفل کردن ترک نمود و سپس پشیمان شد و بعد از ساعتی بازگشته و آن را قفل نمود و بعد از بازگشت ماشین سرقت شده، آیا مستأجر به خاطر افراط و تفریط سابق ضامن است و يد او از امانی بودن خارج شده است يا نه؟

◇ جواب:

ج (۱) در صورتی که تلف عین مستأجره مربوط به افراط و تفریط مستأجر نباشد مستأجر ضامن نیست.

ج (۲) ملاک افراط و تفریط در زمان تلف است که تلف عین مستند به افراط و تفریط مستأجر باشد در مورد سؤال تلف مستند به افراط و تفریط مستأجر نیست لذا ضامن نمی‌باشد.

زمان پرداخت اجاره بها

◇ سوال: [۴۹۳] با توجه به این که به مجرد عقد اجاره هریک از دو طرف مالک منافع و مالک اجاره بها می‌شوند، و با توجه به این که به مجرد موت تمام دیون حال می‌شوند، بفرمایید: مستأجری که خانه‌ای را به مدت یک سال اجاره نموده و پس از دو ماه وفات می‌کند، آیا اجاره بهای ماه‌هایی که هنوز انتفاع نبرده است حال می‌گردند؟ یا نه.

◇ جواب: بعد از فوت مستأجر منافع انتقال پیدا می‌کند به ورثه لذا اجاره بهای ماه‌هایی که انتفاع نبرده حال نمی‌گردند.

ضمان در اجاره

◇ سوال: [۴۹۴] هرگاه خانه‌ای را به مبلغ ماهیانه یک صد هزار تومان اجاره دهند و شخصی ضامن اجاره بها شود ولی بر اثر

بطلان عقد به جای اجاره بها، اجرت المثل لازم گردد و اجرت المثل یکصد و پنجاه هزار تومان باشد، آیا ضامن مسئول پرداخت اجرت المثل است یا ضمانت او مختص به اجرت المسمی بوده است؛ یعنی نسبت به مابه التفاوت ضامن است؟ یا خیر.

◇ **جواب:** در فرض سؤال ضامن اجاره بها، ضامن اجرت المثل نیست، همچنین به خاطر بطلان اجاره ضامن اجرت المسمی نیز نمی باشد.

◇ **سوال:** [۴۹۵] آیا ضمانت نسبت به بازگرداندن عین مستأجره به مؤجر بعد از تمام شدن مدت اجاره صحیح است یا نه؟ در صورت صحت آیا ضمان اصطلاحی است یا نه؟

◇ **جواب:** در فرض سؤال ضمانت از عین مستأجره جائز نیست فقط کفالت درست است که بگوید اگر مستأجر فرار کند یا عین مستأجره را تلف نمود من مستأجر را می آورم و به شما تسلیم می کنم.

◇ **سوال:** [۴۹۶] اگر وسیله نقلیه ای را برای حمل وسایل خود اجاره کند و بر اثر حمل بار بیش از ظرفیت، موجب شود خسارتی به وسیله نقلیه وارد شود، حالا اگر برای ترمیم خسارت از قطعه یدکی غیر اصلی (نامرغوب) استفاده کند، در صورتی که قطعه یدکی پیشین اصلی بوده، آیا مستأجر ضامن ما به التفاوت مرغوب و نامرغوب است یا ضامن بهای قطعه مرغوب است؟

◇ **جواب:** اگر قطعه اصلی تلف نشده باشد ما به التفاوت را ضامن است و اگر تلف شده، اگر مثلی است مثل آن را بدهد و اگر قیمی است قیمت آن را بدهد.

◇ **سوال:** [۴۹۷] اگر بدون پرداخت سر قفلی مغازه‌ای را اجاره کنند و پس از مدتی که محل معمور شده از مستأجر بخواهد مغازه را تخلیه کند و مستأجر به دلیل عمران منطقه درخواست مبلغی کند، مالک نیز به این دلیل که اگر امتناع کند مستأجر تخلیه نمی‌کند یا از راه شکایت مبلغ بیشتری می‌گیرد، مبلغی به مستأجر می‌دهد، آیا مستأجر ضامن وجه دریافتی است یا نه؟

◇ **جواب:** اگر مدت اجاره تمام نشده باشد مالک حق تخلیه مغازه را ندارد و مستأجر می‌تواند امتناع کند، مگر اینکه مالک، مستأجر را راضی به تخلیه کند، اگر چه به دادن پول باشد و اگر اجاره تمام شده، مستأجر حق امتناع و گرفتن پول ندارد.

احکام رهن

◆ **سوال:** [۴۹۸] شخص «الف» ساختمانی یک طبقه را که زمین آن موقوفه است در رهن بانک قرار می‌دهد، بعد از مدتی شخص «الف» ساختمان را خراب می‌کند و کلیه حقوق استیجاری خویش در زمین موقوفه را به شخص «ب» انتقال می‌دهد، شخص «ب» بدون اطلاع از رهن بانک اقدام به ساخت پنج طبقه آپارتمان می‌نماید، سوال اینکه آیا این پنج طبقه در رهن بانک قرار دارد؟ یا خیر.

◆ **جواب:** اگر اصل زمین وقف و قابل بیع و شراء نباشد و فقط ساختمان را رهن قرار داده باشد، بعد از اینکه ساختمان اول را خراب کرد حق بانک در ذمه مرتهن قرار می‌گیرد نه زمین و طبقات ساختمان؛ لذا بانک در این پنج طبقه حق ندارد.

رهن در اجاره

◆ **سوال:** [۴۹۹] آیا جایز است که خانه یا منزلی را گرو کنیم (یعنی پول به صاحب خانه بدهیم در عوض خانه اش در اختیار ما باشد) و در آن زندگی کنیم؟

◇ **جواب:** در فرض سؤال اگر پیشنهاد از طرف صاحب خانه باشد، یعنی بگوید: من خانه‌ام به کسی رهن می‌دهم که فلان مبلغ پول را برای من بدهد و گиро کننده هم قبول کند معامله صحیح است؛ که پول به عنوان قرض الحسنه بالای صاحب خانه باشد و صاحب خانه، خانه را رهن بگذارد؛ اما اگر شرط از طرف صاحب پول باشد و بگوید: من این مبلغ پول را به شما قرض می‌دهم به شرطی که خانه ات را برای من رهن بدهید در این صورت ربا و حرام است.

◇ **سوال:** [۵۰۰] من یک میلیون تومان از پول رهن خانه‌ام به شخص دیگری قرض دادم و شرط کردم که پس از یک ماه برگرداند تا به صاحب خانه خودم بدهم و الا صاحبخانه ماه چهل هزار تومان از من کرایه می‌گیرد. من این مبلغ را برای صاحب منزل از جای دیگر فراهم کردم، اما شخص مقروض هنوز بعد از پنج ماه پول من را برنگردانده است، من به او گفته‌ام که تا زمانی که پول من را برنگردانده است بابت خسارت وارد شده به من مبلغ چهل هزار تومان در ماه را به علاوه یک میلیون به من بدهد، آیا دریافت این کرایه‌ها حلال است؟ یا خیر.

◇ **جواب:** در فرض سؤال فقط اصل پول خود را حق دارید از مقروض مطالبه کنید، حق مطالبه ماه چهل هزار تومانی که به صاحب خانه می‌دهید، را از مقروض ندارد.

◆ **سوال:** [۵۰۱] شخصی در افغانستان طبق معمول، زمین کشاورزی خود را رهن داده است به مدت چهار سال، که بعد از چهار سال مبلغ رهن را به صاحب پول برگرداند و زمین از قید رهن آزاد سازد، با توجه به این که مبلغ رهن هفتصد و هشتاد هزار تومان بوده، با این شرط که موقع سر رسید باید مبلغ قرار داد به پول تومان پرداخت شود و اگر طی چهارمین سال صاحب زمین نتوانست رهن را برگرداند، حال که حدود هشت سال از قرارداد گذشته، صاحب زمین پول رهن را می‌دهد، ولی فردی که زمین را در گرو خود دارد قبول نمی‌کند و می‌گوید در موعد مقرر فسخ نکردی، در فرض مذکور وظیفه چیست؟

◆ **جواب:** در فرض سؤال، بعد از چهار سال که مدت رهن تمام می‌شود رهن کننده حق دارد مبلغ رهن را که هفتصد و هشتاد هزار تومان است از صاحب زمین بگیرد و چون صاحب زمین در آن مدت مبلغ رهن را نداده، باید حالا از تومان آن مقدار را که در آن زمان با آن پول، آن مقدار گندم و آرد خریداری می‌شده است، بدهد و در فرض سوال صاحب زمین حق دارد اجرت المثل زمین را که در این مدت مرتهن از حاصلات زمین و غیره استفاده کرده است از مرتهن مطالبه کند. چنانچه هر دو به آن مبلغ تومانی که از ابتداء داده، با هم مصالحه کنند صحیح است.

احکام اجیرشدن

◆ **سوال:** [۵۰۲] شخصی اجیر شده که در ماه رمضان قرآن را برای اموات موجر ختم نماید، اما بعد از خواندن نصف یا بیشتر آن به واسطه عارضه‌ای چند جزء آن ناتمام مانده است؛ آیا باقیمانده را می‌تواند در ماه شوال بخواند، با وجود اینکه قرائت قرآن در ماه رمضان قید اجاره بوده؟

چنانچه اجاره بهم بخورد، آیا باید تمام اجاره را مسترد کند یا به نسبت سهمی که باقیمانده؟

◆ **جواب:** قرائت و ختم قرآن در غیر رمضان از مورد اجاره کفایت نمی‌کند در صورت بهم زدن اجاره، اجرت را به نسبت سهم باقیمانده به موجر (اجاره کننده) باز گرداند و یا رضایت او را جلب کند.

◆ **سوال:** [۵۰۳] زنی که برای شیر دادن اجیر شده اگر هنگام شیر دادن دراز کش کرده و کودک را شیر دهد و خوابش ببرد به طوری که کودک زیر سینه او خفه شود، آیا ضامن خون بهای

كودك است؟ اگر ضامن است و مالي ندارد ضمان به عهده
كيست؟

◇ **جواب:** اگر زن به خاطر عزيز شدن و مباهات كردن داوطلب شير
دادن شده باشد ديه در مال زن است و اگر به خاطر فقر بچه را
شير دهد در اين صورت ديه بر عاقله زن است و دليلش نص
است والا طبق قاعده ديه ندارد.

◇ **سوال:** [۵۰۴] اگر فردي را براي جمع آوري و تنظيم كتاب با
اين شرط كه اجرت، پس از چاپ به عنوان حق التاليف پرداخت
مي شود، مأمور كنند و هنگام چاپ از سوي مقامات جلوگيري
شود، ضمان خسارتي كه به عامل رسیده به عهده كيست؟

◇ **جواب:** در فرض سؤال، عامل مستحق دريافت اجرت المثل از
همان فرد و يا افراي است كه او را مأمور انجام كار کرده اند.

احکام ضمان، دیون و امانات

◆ **سوال:** [۵۰۵] سوار نمودن همسر و بستگان با خودرو پلاک دولتی به هنگام مأموریت اداری یا غیر آن، در ساعات اداری و یا خارج از آن و بدون جواز مکتوب قانونی چه حکمی دارد؟

◆ **جواب:** بدون مجوز مسئول خودرو نباید زن و فرزندان را سوار نماید.

◆ **سوال:** [۵۰۶] اگر ظرف طلا و نقره‌ای را برای استفاده در کاری که استفاده در آن کار از ظرف طلا و نقره حرام است، با شرط اسقاط ضمان عاریه کنند و ظرف در دست عاریه کننده تلف شود، آیا ضامن است؟

◆ **جواب:** اگر در تلف آن افراط و تفریط نکرده باشد ضامن نیست، ولی احوط مصالحه در ماده آن است.

◆ **سوال:** [۵۰۷] اگر در عاریه مضمونه چیزی که قطعات یدکی آن اصلی و مشابه دارد، عاریه کننده برای تعمیر چیزی که عاریه کرده در عین این که قطعات آن اصلی بوده، از قطعات مشابه

استفاده کند، آیا نسبت به آن ضامن است یا نه؟

◇ **جواب:** اگر بين قطعات اصلي و مشابه تفاوت مالي معتنا به باشد و مالک راضي نشود، عاریه کننده ضامن قطعه اصلي است.

◇ **سوال:** [۵۰۸] اگر عاریه گیرنده از غصبی بودن مال مطلع نبود و عاریه نیز غير مضمونه بوده و در دست عاریه گیرنده تلف شده باشد، آیا ضمان آن به عهده عاریه دهنده (غاصب) است یا عاریه گیرنده؟

◇ **جواب:** در صورتی که مال توسط عاریه گیرنده تلف شده باشد، هر دو ضامن هستند، یعنی صاحب مال می تواند قیمت و یا مثل آن را از غاصب یا عاریه کننده بگیرد.

◇ **سوال:** [۵۰۹] شاگرد قصاب هنگام چرخ کردن گوشت، شاگرد نجار هنگام رنده کردن چوب و... بر اثر سهل انگاری خود موجب قطع انگشت یا عضو دیگر خود می شود، ضمان آن به عهده صاحب مغازه است یا کسی ضامن نیست؟

◇ **جواب:** در فرض سوال ضمان به عهده خودش است و کسی دیگر ضامن نمی باشد.

◇ **سوال:** [۵۱۰] تمبرهای باطل نشده که یک بار روی محموله های پستی زده شده و باطل نشده به دست گیرنده رسیده، آیا اگر

گیرنده یا شخص دیگری همان تمبر را روی محموله دیگری
بزنده، ضامن بهای حمل و نقل آن در حق اداره پست می‌باشد؟

◇ **جواب:** بله ضامن قیمت آن می‌باشند.

◇ **سوال:** [۵۱۱] اگر فرستنده با علم و آگاهی به خلاف بودن
گذاشتن اسکناس در داخل پاکت‌های عادی، مبادرت به چنین
کار کند و نامه رسان هم به دلیل خلاف بودن آن، اسکناس را
برای خود بردارد و نامه را نرساند، آیا ضامن است و اگر جاهل
به آن باشد چه حکمی دارد؟

◇ **جواب:** بله گیرنده ضامن پول است.

◇ **سوال:** [۵۱۲] کارکنان ادارات دولتی و مؤسسات خصوصی که
حق استفاده خصوصی از اتومبیل، موتور سیکلت و یا هر وسیله
دیگر را ندارند، اگر برخلاف مقررات استفاده کنند، آیا صرفاً
گناهکارند یا ضامن مواد مصرفی و استهلاک وسایل موتوری نیز
هستند؟

◇ **جواب:** ضامن مواد مصرفی و استهلاک وسایل موتوری نیز
می‌باشند.

◇ **سوال:** [۵۱۳] صاحبان صنایع و جِرَف که مواد اولیه را (مانند
چاپخانه که نوشته جات مؤلفین را برای چاپ، خیاط که پارچه را

برای دوختن، زرگر که طلا را برای ساختن و... از صاحبان آنان دریافت می‌کنند، اگر به سرقت برود یا در آتش سوزی نابود شود، آیا صاحبان صنایع ضامن هستند یا نه؟

◇ **جواب:** اگر در نگهداری اموال کوتاهی نکرده باشند ضامن نیستند.

◇ **سوال:** [۵۱۴] در موارد متعددی مشاهده شده، منزل با تمام وسائل آن برای مدتی به همسایه‌ای که مورد اعتماد بوده سپرده شده، و در همان مدت وسایل آن به سرقت رفته، یا به فرد امینی سپرده شده که شب‌ها در آن بخوابد و از آن محافظت کند که بر اثر بی توجهی هنگام کشیدن سیگار به خواب رفته و آتش سوزی شده، آیا ضمان اجناس تلف شده بر عهده او است؟

◇ **جواب:** در صورتی که حفاظت خانه را به عهد گرفته باشد و در محافظت آن کوتاهی کند ضامن خسارت وارده می‌باشد.

◇ **سوال:** [۵۱۵] آموزگاری که هنگام تصحیح اوراق امتحانی دانش آموزان توجه کافی نکند و بر اثر همین سهل انگاری چه بسا دانش آموزی یک سال عقب بماند، آیا آموزگار ضامن خسارت مالی یا معنوی دانش آموز است؟

◇ **جواب:** در فرض سوال اگر سهل انگاری عمدی نباشد، ضامن خسارت مالی و معنوی نیست والا ضامن است.

◆ **سوال:** [۵۱۶] شخصی در روزهای عید فطر، مبلغ پنجاه هزار

تومانی که به صورت پراکنده با فاصله چند متری افتاده بوده، پیدا نموده است، لطفاً تکلیف ایشان را مشخص فرمایید.

ضمناً اگر بنا باشد از طرف صاحبش صدقه داده شود، آیا می‌تواند خودش با تشخیص خودش به فقراء یا برادر مستحقش صدقه بدهد؟ یا خیر.

◆ **جواب:** اگر آن پول علامت نداشته باشد می‌توانید از طرف

صاحبش برای فقراء صدقه بدهید و اگر برادرش فقیر باشد دادن آن پول از طرف صاحبش به او نیز اشکال ندارد.

ضمان رمه (گله) مشترک

◆ **سوال:** [۵۱۷] در روستاها مرسوم است، سه خانوار که دامدار

هستند، هر کدام به نوبت در هر روز، گوسفندان را برای چرا به صحرا برده و از آنها محافظت می‌کنند، برخی از این خانوارها، وقتی نوبت به آنها می‌رسد اطفال کوچک خود را برای نگهداری از گوسفندان می‌فرستند، که متأسفانه، گرگ به آسانی به دام حمله کرده و گوسفندان را می‌خورد و بچه‌های کوچک هم کاری نمی‌توانند، با این وضع، تاوان و خسارت گوسفندان تلف شده بر عهده چه کسی است؟

◇ **جواب:** در صورتی که پسریچه بالغ باشد خودش ضامن قیمت گوسفندان است؛ اما اگر بچه نابالغ باشد، جبران خسارت بر عهده ولی طفل یا کسی است که کوتاهی کرده و در نوبت خودش طفل را موظف نگهداری از گله قرار داده است.

ضمانت شخص عاجز

◇ **سوال:** [۵۱۸] اگر مسئولین بانک در مورد توان و عدم توان باز پرداخت ضامن، تحقیق لازم را نکنند و صرفاً به داشتن پروانه کسب یا دسته چک بانکی اکتفا کنند و پس از انقضای مدت، ضامن قدرت پرداخت نداشته باشد، مسئولین بانک ضامن وجوهی هستند که قرض داده‌اند؟

◇ **جواب:** اگر مسئولین بانک در انجام وظیفه‌شان کوتاهی کرده باشند، ضامن هستند، همچنین اگر قرض گیرنده بدهکاری خود را پرداخت نکند، ضامن نیز طبق تعهدی که داده، ضامن است.

احکام حواله

◆ **سوال:** [۵۱۹] اینجانب مدتی در عربستان بودم و آنجا دکان داشتم و در این دکان چهار نفر شاگرد داشتم. روزی پولیس آمد و ما را به جرم اینکه دکان از خود شما هست و کفیل ندارید زندانی کرد. بعد از مدتی شخصی پیدا شد و به پسر من گفت که پولی به من بده که من پدرت را آزاد کنم. آن شخص پول را گرفت و مرا آزاد نکرد و به جای من کسی دیگر را آزاد کرد. پول هم مبلغ چهار هزار ریال عربستان بود، حالا من می‌توانم پولم را از آن شخص بگیرم یا خیر.

◆ **جواب:** در فرض سؤال شما می‌توانید پول خود را از شخص اولی که به اذای آزادی شما از پسران پول گرفته و به شرطش عمل نکرده مطالبه نمایید.

◆ **سوال:** [۵۲۰] در زمان طالبان، وقتی که کوچی‌ها در هزارجات مستقر گردید به چپاول و غارت شروع کردند، از جمله در منطقه‌ی پول هنگفت به دست آوردند، بعد از سقوط طالبان و روی کار

آمدن دولت جديد، مردم شكايه كردند و مردم قريه‌ي مذکور يك نفر را وكيل و نماينده مي‌گيرند كه برود و شكايه كند، شخص نماينده مي‌رود، عريضه مي‌كند و وقت تلف مي‌كند و طبعاً مصارفي را نيز متحمل شده است و قتيكه به منطقه مي‌آيد، شركاء خسارت او را قبول ندارند و مي‌گويند اين شكايه درد ما را دوا نكرده در فرض مذکور آيا نماينده حق گرفتن خسارت دارد يا نه؟

◇ جواب: در فرض سؤال بايد طرفين طبق قرارداد عمل نمايند، اگر قرارداد بشرط گرفتن خسارت از غاصب بوده است چنانچه نماينده خسارت را نتواند بگيرد در اين صورت وكيل حق گرفتن خسارت را ندارد؛ ولي اگر قرارداد به اين قسم بوده كه زحمت را به عهده بگيرد اگر نتيجه داد يا نداد قضيه را پي‌گيري كند، در اين صورت وكيل حق دارد كه خسارت خود را از آن اهالي بگيرد.

مضاربه

◆ **سوال:** [۵۲۱] اگر مقداری پول به کسی با این نیت که کار کند و از سود حاصله مقداری به ما بدهد، بدون اینکه مقدارش را مشخص کنیم و طرف ماهانه بطور مساوی مقداری پول به ما بدهد، آیا حرام و ربا است؟ یا خیر. لطفاً نحوه درستش را برای ما بیان فرمایید؟

◆ **جواب:** در فرض سؤال اگر عامل با رضایت خود بدون این که سود از ابتداء شرط شده باشد ماهانه مبلغی را بدهد اشکال ندارد؛ ولی طریق صحیح آن مضاربه است که صاحب پول با عامل توافق کنند که سود و ضرر بر اساس نصف یا ثلث و... بین هر دو تقسیم شود.

احکام هبه (بخش پنجم)

◆ سوال: [۵۲۲]

۱- هدایایی که در زمان نامزدی به دختر و پسر داده می‌شود، آیا از نوع هبه مشروطه است (به صورت شرط ضمنی) که اگر نامزدی بهم بخورد و ازدواج انجام نشود، به علت محقق نشدن شرط ضمنی، واهب بتواند عین موهوبه یا مثل و یا قیمت آن را پس بگیرد؟

۲ - در هبه به ذی رحم، اگر واهب چیزی را شرط کند و متهب آن شرط را عمل نکند، آیا واهب می‌تواند رجوع کرده و عین موهوبه، یا مثل و یا قیمت آن را استرداد نماید؟

۳ - در هبه مشروطه، هرگاه قبل از تحقق شرط، یکی از طرفین از دنیا برود آیا هبه لازم گردیده و استرداد عین موهوبه، یا مثل و یا قیمت آن جایز نیست؟

◆ جواب:

ج ۱) در فرض سؤال، اگر قصد هبه داشته باشد بنا بر احتیاط نمی‌تواند آن هدایا را از طرف مقابل پس بگیرد.

ج ۲) بله، اگر به شرط عمل نکند واهب می‌تواند هبه را بهم بزند.

ج ۳) اگر واهب قبل از آن که موهوب له به شرط عمل کند فوت نماید، اگر واهب حق خیار خود را ساقط نکرده باشد، وارث واهب حق فسخ دارد.

◆ **سوال:** [۵۲۳] شخصی ملک و زمین خود را به فردی هبه می‌کند و می‌گوید، تا زنده هستم اختیار آن را داشته باشم، آیا آن هبه نافذ و شرط لازم می‌شود؟

◆ **جواب:** اگر اصل عین را برای کسی هبه کند و شرط کند که تا زنده هستم حق استفاده داشته باشم، آن هبه صحیح است، ولی باید آن عین را موهوب له قبض کرده باشد.

◆ **سوال:** [۵۲۴] شخصی در زمان حیات خود، زمین و خانه، درخت و هر آنچه که داشته برای نوه خود در حضور چند نفر از معتمدان منطقه سند نوشته و تحویل قیم آن داده است.

بعد از مدت‌های زیادی که گذشته، یکی از پسر عموها این سند را پاره کرده، آن املاک را تقسیم می‌کند و یک حصه را خودش می‌گیرد و سه حصه دیگر را برای صاحب سند واگذار می‌کند، آیا از نظر شرعی این فرد چنین حقی را دارد؟ یا خیر.

◆ **جواب:** شرعاً چنین حقی ندارد.

◆ **سؤال:** شخص قال بين جماعة جميع مالى من دار و بستان و غير ذلك نصفه لأخى، هل يكون ذلك هبة بحيث يحتاج إلى القبول و القبض، أو يكون إقراراً؟

◆ **جواب:** هذه العبارة تكون ظاهرة فى الهبة، فبعد القبض و القبول تكون لازمة إلا أن تكون الأموال مشتركة بينهما، فتكون إقراراً.

◆ **سؤال:** [۵۲۵] مردى كه دوتا دختر داشته، بعد از فوت ارث بين دو دخترش تقسيم مى گردد، يکى از دخترها در سن ده سالگى ازدواج مى کند، در همان موقع زمين هاى را که به ارث برده بود به شوهرش هبه مى کند که بعد شوهرش به پدر خودش آن زمين ها را مى بخشد، اکنون بعد از چهل سال آن خانم ادعا مى کند که بايد زمين هايم را برگردانيد چون در آن موقع سن من پايين بوده و مرا فریب داده ايد، آیا مى شود که به اين ادعاها اعتماد نمود و آیا هبه را مى شود برگرداند؟

◆ **جواب:** در فرض سوال چون ده ساله بوده مى تواند حالا هبه را به هم بزند؛ ولى چنانچه اين زن در آن زمان رشد فکرى داشته است و به اختيار خود زمين را برای شوهر خود هبه کرده باشد بنا بر احتياط واجب نبايد هبه را بهم بزند.

◆ **سؤال:** [۵۲۶] آیا هبه برای بطن در بطن مشروعيت دارد؟ به اين معنا که پدرى در زمان حيات تمام اموال خود را اعم از منقول و

غیر منقول از برای فرزندان ذکور خود هبه کند و در متن هبه‌نامه تصریح نماید که اولادهای دختر و نواسه‌های دختر من به صورت بطن در بطن هیچ گونه حقی در این اموال نداشته باشد، در فرضی که این هبه برای طبقه اول مشروعیت داشته باشد، شامل طبقات بعدی نیز می‌شود؟ به این معنا که اگر یکی از پسران هبه کننده فرزند پسر نداشته، و تنها اولاد دختر داشته باشد و فوت کند، آیا اموالی او که از طریق هبه پدر به او رسیده است، به دخترهایش نمی‌رسد و به پسرعموهای دختر می‌رسد؟ یا خیر.

◇ **جواب:** در فرض سؤال اگر فرزندان ذکور عین موهوبه را قبول و قبض کنند آن هبه صحیح است و اگر بعض ورثه صغیر باشند قبض پدر از طرف آنها کفایت می‌کند اما راجع به بطن بعدی آن هبه اعتبار ندارد.

◇ **سوال:** [۵۲۷] قبلاً تحت شرایط عصبانیت و مشکلات خانوادگی، و در شرایطی که در حال بگو مگوی شدیدی بودم، سریعاً کاغذی برداشتم و تمام ارثیه‌ای که به من تعلق گرفته بود را، به مادرم دادم و امضاء کردم، تا مادرم ساکت و آرام شود و دیگر من و خانمم را اذیت نکند، بعد از سه ماه ما را از منزل بیرون کرد، هم اکنون که حق خود را از ارثیه می‌طلبیم، مادرم می‌گوید تو دیگر حقی نداری، و به کاعذ امضاء شده اشاره می‌کند، حالا چه کار باید کنم، آیا باز هم باید ساکت بشینم و

همين طور نظاره گر بهره مندي ساير ورثه از اين ارثيه باشم و محروم؟ آيا آن كاغذ در آن شرايط روحى اعتبار دارد؟ و اگر ندارد آيا دادخواست تقسيم ترکه بنويسم اشكال شرعى ندارد و ما را در آخرت حساب و کتاب نمى کنند، يعنى عاق مادر نمى شوم؟

◇ **جواب:** در فرض سؤال مجرد نوشتن اثرى ندارد؛ اگر آن ارثيه را علاوه بر نوشتن به قبض مادر خود داده باشيد، اين هبه لازم شده و نمى توانيد پس بگيرد و اگر ارثيه را مادر شما قبض نکرده باشد، مى توانيد دعوا کنید و حق خود را از آن ارثيه پس بگيريد.

◇ **سوال:** [۵۲۸] اگر كسى در حيات خود چيزى از اموال خودش را به بعضى از فرزندان يا به افراد ديگر ببخشد و به آنها تحويل دهد يا وصيت كند چيزى از ثلث مالش به آنها بدهند، چه صورت دارد؟

◇ **جواب:** اگر قبول و قبض در زمان حيات و اهب واقع شود، آن هبه صحيح و لازم است و اگر فرزند صغير باشد قبض پدر از قبض فرزند كفايت مى كند، ولى وصيت به مقدار ثلث ما ترك فقط نافذ است و ساير ورثه حق اعتراض ندارند.

◇ **سوال:** [۵۲۹] اينجانب حدود سى سال است كه ازدواج نموده ام، و خداوند متعال صلاح را بر آن دانسته كه صاحب فرزندى نشوم. از طرفى هم مرگ حق است و اموال هم بايد بين

ورثه تقسیم شود؛ این در صورتی است که پس از مرگ من چه بر سر همسر من می‌آید؟ نمی‌دانم آیا راهی هست که بشود نصف اموال برای خودم خرج شود و نصف دیگر برای همسر من باقی بماند تا همسر من پس از مرگ من دچار مشکلات نگردد؟

◇ **جواب:** شما می‌توانید نصف اموال خود را برای همسران هبه کنید و نصف دیگر را برای خود نگهدارید، اگر زن در زمان حیات شوهر، هبه را قبول و قبض کند، آن هبه صحیح و لازم است.

◇ **سوال:** [۵۳۰] شخصی زمین خود را برای شخص دیگری هبه می‌کند به شرط عوض، موهوب له عوض را تأدیه نمی‌کند تا واهب فوت می‌کند. آیا وارث واهب حق خیار فسخ دارد؟ یا خیر.

◇ **جواب:** بله، وارث حق فسخ هبه را دارد.

◇ **سوال:** [۵۳۱] شخصی که سند به نامش نوشته شده بوده، پدرش پیش از پدر خود فوت شده؛ این سند را جد پدری به نام نواسه خود نوشته و تمام املاک خود را به طور مساوی در بین پسران و نوه خود تقسیم می‌کند. که پس از گذشت زمان زیاد، نوه دیگر مقرر صاحب قدرت می‌شود و سند جد خود را پاره می‌کند، حال اگر ثابت شود که آن املاک غصب شده، قابل بازگشت است؟ یا خیر.

◇ **جواب:** اگر جد ملک خود را برای پسران و نوه تقسیم و تملیک

کرده باشد و آنها در زمان حیات واهب، قبول و قبض کرده باشند بعد از آن ملک آنهاست و کسی حق تخلف ندارد، اگر نوه صغیر باشد، قبض جد به نیابت او کافی است و عموهایش در حق او نمی‌توانند تصرف کنند.

◆ **سوال:** [۵۳۲] شخصی از مال منقولی خود برای پسر خود که غائب بوده، هبه کرده و نفر دیگری را وکیل گرفته که از جانب غائب اخذ و قبض کند، آیا این هبه نافذ است؟ یا خیر؛ چون واهب تا برگشت غائب فوت کرده با این تذکر که این وکالت با اجازه حاکم شرع بوده که واهب را وکیل برای غائب گرفته است؟

◆ **جواب:** اگر موهوب له صغیر بوده، اخذ و قبض ولی در صحّت هبه کافی است و اگر موهوب له کبیر بوده، باید خودش عین موهوبه را در زمان حیات واهب قبض کند، یا حاکم شرع و یا وکیل ماذون او از طرف غائب قبض کند در این صورت هبه صحیح است.

◆ **سوال:** [۵۳۳] اگر ولی صغیر از اموال صغیر هبه کند، با توجه به این که نه کسی از صغیر توقع بخشش دارد و نه هبه به مصلحت صغیر است، آیا هبه کننده ضامن آن مقدار از اموالی است که هبه نموده؟ آیا فقط ضامن است یا ضامن منافع نیز هست؟

◆ **جواب:** بله ولی ضامن مال صغیر و منافع از دست رفته به واسطه

هبه کردن است.

احکام قرض الحسنه (وام)

◆ **سوال:** [۵۳۴] گرفتن وام مسکن از بانک برای خرید و ساخت خانه و استفاده از این وام برای استفاده‌های دیگر همانند خرید جهیزیه عروس، خرید ماشین و امثال آن چه حکمی دارد؟

◆ **جواب:** در صورتی که شرط برای مسکن نشده باشد، اشکال ندارد، که برای چیزهای دیگر مصرف بشود و چنانچه شرط شده که برای ساخت یا خرید مسکن مصرف شود، از مصرف آن در موارد دیگر پرهیز شود.

◆ **سوال:** [۵۳۵] اینجانب در سال ۱۳۷۳، مبلغ دویست و پنجاه هزار افغانی پول ربانی از شخصی قرض الحسنه گرفته بودم و ایشان فعلاً ادعا می‌کند که مبلغ دو صد و پنجاه هزار فعلی به من بده، تکلیف چیست؟

◆ **جواب:** در فرض سؤال، آن مبلغ در آن زمان هر مقدار گندم و یا آرد می‌شده، حالا از پول فعلی کشور آن مقدار بدهد که همان مقدار آرد و یا گندم شود و به این مقدار با هم مصالحه کنید.

احکام نذر

◆ **سوال:** [۵۳۶] من چندین سال قبل نذر کرده بودم، اگر خانه بخریم پنج یا ده روز در ماه محرم یا صفر هر سال روزه برگزار کنم؛ اما نتواستم در آن زمان نذرم را ادا کنم، اکنون نیز آن خانه را سالهاست فروختیم تکلیف من از نظر شرعی چیست؟

◆ **جواب:** در فرض سوال اگر اسم خدا را در نذر ذکر کرده باشید، نذر شما شرعی بوده، که باید به نذر عمل کنید و در صورت تخلف باید کفاره بدهید، مگر اینکه عذر داشته باشید.

◆ **سوال:** [۵۳۷] آیا نذر کردن برای حضرت محسن بن علی (ع) صحیح است؟

◆ **جواب:** بله اگر نذر برای خدا باشد، ثواب آن را می‌توانند هدیه کنند برای حضرت محسن بن علی (ع).

◆ **سوال:** [۵۳۸] کسی که چندین بار به نام خدا و قرآن سوگند خورده که فلان عمل زشت را انجام ندهد، ولی بارها انجام داده، کفاره آن چقدر است؟

◇ **جواب:** كفاره قسم اطعام ده نفر فقير است و اگر قدرت ندارد پوشاندن ده مسكين و الا سه روز به طور متوالی روزه بگیرد.

◇ **سوال:** [۵۳۹] قسم خوردن در لحظات حساس روحی چه حکمی دارد؟ اگر وقتی خیلی احساساتی هستم و قسم می‌خورم و بعد متوجه می‌شوم که اشتباه بوده و قسم را می‌شکنم چه چیزی بر من واجب می‌شود؟

◇ **جواب:** در فرض سؤال اگر از حالت اختیار خارج باشید كفاره قسم بر شما واجب نیست؛ البته شکستن قسم در صورتی كفاره دارد که به الفاظ مخصوصی قسم یاد کنید و نیت قلبی کفایت نمی‌کند.

پس انداز نذورات

◇ **سوال:** [۵۴۰] در دهه‌ی عاشورا مسئول هیئت از مردم پول زیادی جمع می‌کند ولی همه‌ی پول به مصرف نمی‌رسد، مسئول به نام هیئت آن را ذخیره می‌کند و این در حالی است که مردم از کار ذخیره سازی پول راضی نیستند، حکم این قضیه چیست؟

◇ **جواب:** در فرض سؤال، ذخیره نذورات جائز نیست، البته اگر از اوّل پول را در اختیار هیئت گذاشته‌اند و گفته باشند که هیئت به هر نحوی که صلاح بداند مصرف کند و هیئت هم صلاح بداند که برای سال آینده ذخیره نماید، اشکال ندارد.

◇ **سوال:** [۵۴۱] آیا هیئت عزاداری می‌تواند پولی را که در محرم

عزاداران به هیئت کمک نموده و نذر می‌باشد، برای کارهای قرآنی هیئت هزینه نمایند و یا بصورت قرض در اختیار کانون قرآن هیئت قرار دهد؟

◇ **جواب:** در فرض سؤال اگر نذر برای دهی محرم و عزاداران باشد نمی‌تواند در جای دیگر مصرف کند و یا قرض بدهد؛ باید طبق نذر ناذر عمل نماید.

تأخیر در ادای نذر

◇ **سوال:** [۵۴۲] بنده نذری کرده بودم که در صورت رسیدن به هدف مقدار معینی پول نقد به فردی بدهم، خواسته بنده اجابت شد، ولی در پرداخت نذر کوتاهی نمودم و چند سالی بدون دلیل آن را به تأخیر انداختم، حال که می‌خواهم پرداخت نمایم، آیا گذشت زمان باعث تغییر در میزان وجه است؟ آیا باید بر حسب قیمت کالایی خاص در آن زمان، میزان نذر خود را برای امروز محاسبه کنم یا پرداخت همان وجهی که آن زمان نیت کرده و مشخص نموده‌ام کفایت می‌کند؟

◇ **جواب:** به مقدار ارزش زمان تخلف به نذر پرداخت کند، یعنی آن پول در زمان نذر چه مقدار گندم یا آرد می‌شد، حالا مقداری پول بدهد که آن مقدار گندم و آرد شود و اگر صیغه نذر را در زبان جاری نکرده باشد وفا به آن لازم نیست.

◆ **سوال:** [۵۴۳] اگر زن در زمان مجردی نذری کرده باشد و بعد از ازدواج شوهرش او را از انجام آن نذر منع کند، تکلیف زن در مورد آن نذر چیست؟

◆ **جواب:** اگر صیغه نذر را جاری نکرده باشید و فاء به نذر لازم نیست همچنین اگر نذر منافی با حق شوهر باشد شوهر از انجام نذر جلوگیری کند، در این صورت نیز عمل به نذر واجب نیست؛ ولی چنانچه صیغه نذر را جاری کرده و نذر منافی با حق شوهر نیز نباشد و فاء به آن واجب است و شوهر حق منع ندارد.

احکام قسم

◆ **سوال:** [۵۴۴] آیا کسانی که در زمان وقوع قتل، عاقل نبوده یا غیر بالغ بوده‌اند (کودک یا مراهق) اما هنگام اجرای قسامه، عاقل و بالغ شده‌اند می‌توانند جهت ادای سوگند در این مراسم شرکت کنند؟

◆ **جواب:** در فرض سوال در حال بلوغ و عقل در صورتی که یقین داشته باشد، می‌تواند قسم بخورد.

◆ **سوال:** [۵۴۵] با توجه به قاعده «البینه‌ی علی المدعی و الیمین علی من انکر» و با عنایت به حدیث شریف «لا یمین فی حد» بفرمایید:

الف) در صورت فقدان بینه و اقرار در دعاوی کیفری آیا شاکی می‌تواند از متهم تقاضای قسم نماید؟

ب) در صورت مثبت بودن پاسخ، در صورت نکول متهم ورد قسم به شاکی آیا با قسم شاکی می‌توان نام برده را به مجازات مقرر محکوم نمود؟

ج) چنانچه متهم عمل ارتكابي را انكار نمايد و بگويد اگر شاكي قسم ياد كند مسؤوليت آن را مي پذيرم، آيا به استناد حلف شاكي مي توان متهم را به مجازات جرم ارتكابي محكوم نمود؟

د) در صورت مثبت بودن پاسخ، آيا در جرائمی مانند سرقت كه داراي جنبه حق اللهی و حق الناسی می باشد، از جهت اثبات جنبه مالی و كیفری تفاوتی وجود دارد؟

هـ) در فرض فوق، آيا بين حدود، قصاص، ديات و تعزيرات تفاوتی هست؟

◇ جواب:

الف) اگر متهم منكر باشد مي تواند شاكي تقاضای قسم كند.

ب) بله غير از حد و تعزيرات ساير مجازات را مي تواند قاضي در صورت قسم خوردن شاكي جاري نمايد.

ج) در صورت رد قسم به شاكي و قسم خوردن شاكي غير از حد و تعزيرات ساير احكام مانند ديه و قصاص جاري می شود.

د) با قسم، حق الناس و جنبه مالی آن ثابت می شود.

هـ) با قسم قصاص و ديات ثابت می شود ولی حدود و تعزيرات ثابت نمی شود.

احکام وقف

◆ **سوال:** [۵۴۶] شخصی یک قطعه زمین آبی خود را وقف حضرت امام حسین (ع) قرار می‌دهد و صیغه وقف خوانده می‌شود و قرار می‌شود که در زمین هر چیزی کاشته شد، همان حاصل مصرف دهه محرم شود.

تا وقتی که خود شخص در قید حیات بوده نذر را ادا می‌کند اما بعد از فوت شخص، این نذر انجام نمی‌شود و به طور کلی فراموش می‌شود، این وقف از نظر شرعی چه حکمی پیدا می‌کند؟

◆ **جواب:** باید بر طبق وقف عمل شود و تصرف در آن زمین، در غیر مورد وقف شرعاً جواز نداشته و حرام است، در صورت غصب، غاصب ضامن اجرت المثل می‌باشد.

◆ **سوال:** [۵۴۷] گاهی در زمین‌های وقفی که پس از درگذشت واقف در اختیار اشخاص دیگر قرار می‌گیرند اطراف زمین وقفی درختان مثمر و غیر مثمر غرس می‌کنند، که از آنها برای مصارف

شخصي خود استفاده مي‌کنند. از نظر حضرت عالي حکم اين مسئله چيست؟

◇ **جواب:** شرعاً جواز ندارد، مگر اين که با اجازه متولي وقف غرس اشجار صورت گرفته باشند و اجرت آن را در مورد وقف مصرف کنند.

◇ **سوال:** [۵۴۸] شخصي در هنگام موت، اموالش را به برادران زنش هبه مي‌کند تا قضاي روزه و نماز او را بجا آورند، يک مقدار از زمين خود را به يک حسينيّه مشخص وقف مي‌کند، قبض هم صورت مي‌گيرد، بعداً فرزندانش مي‌گويند که پدرم به ما گفته بود اين وقف در حسينيّه مذکور، تا وقتی که شما حسينيّه جديد را احداث نکرده‌ايد اعتبار دارد؛ اما وقتی که حسينيّه جديد را ساختيد وقف آن مکان باشد. حال حسينيّه جديد ساخته شده و درآمد زمين‌هاي موقوفه را به حسينيّه اول نمي‌دهند، وصي هم قدرت و توانايي ندارد، آيا وصي برئي الذمه موصي مي‌شود يا نه؟ تکليف وصي چيست؟

◇ **جواب:** در فرض سؤال، فرزندان آن شخص حق مخالفت ندارند، بايد طبق وقف عمل نمايند، وصي ولو بالاجبار هم که شده، بايد به وصيت عمل نمايد و ورثه‌هاي واقف حق تخلف ندارند.

◇ **سوال:** [۵۴۹] شخصي زمين خود را به فرزندان ذکور خود،

نسل به نسل به لفظ «وقف و حبست الی انقراض عالم» وقف نموده است.

این شخص علاوه بر دو پسر دارای سه نواسه از پسری و دو نواسه از پسر دیگرش می‌باشد، با این وجود، آیا زمین‌ها به طور مساوی بین دو پسر واقف تقسیم می‌شود یا این که نواسه‌های واقف هم از همان ابتدا در تقسیم زمین شریک هستند؟

◇ **جواب:** اگر قرینه وجود ندارد که اول زمین موقوفه بین پسران تقسیم شود در این صورت تمام فرزندان ذکور و اولاد ذکورشان به طور مساوی حق استفاده از زمین موقوفه را دارند.

◇ سوال: [۵۵۰]

۱- آیا در وقف خاص واقف می‌تواند برای موقوف علیه شرط کند؟ مثلاً عمرو یک خانه را به زید وقف می‌کند به این شرط که زید این خانه را در امر آموزش قرآن کریم و تاسیس دارالقرآن استفاده نماید.

آیا چنین شرطی در وقف خاص امکان دارد، یا فقط در وقف عام می‌شود چنین شرطی گذاشت؟

۲- آیا در وقف خاص علاوه بر جاری کردن صیغه وقف و به قبض رساندن موقوفه، ثبت رسمی وقف و اخذ وقفنامه رسمی نیز از شروط تحقق وقف می‌باشد؟ یا با جاری کردن صیغه وقف و

نوشتن وقفنامه و مفاد آن در يك برگه معمولی كه فی الواقع وقفنامه عادی محسوب می شود نیز وقف محقق شده است؟

۳- آیا کسی كه وقفنامه عادی در دست دارد، واقف می تواند به وقف رجوع کرده و موقوفه را از تصرف او خارج نماید؟

◇ جواب: در فرض سؤال چنین شرطی در هر وقفی اشكال ندارد، اگر موقوف علیه این شرط را قبول كند، باید طبق نظر واقف عمل نماید؛ در فرض سؤال اگر وقف نامه رسمی هم ننویسد وقف صحیح است و بعد از وقف، واقف نمی تواند پشیمان شود و عین موقوفه را پس بگیرد؛ چون انكار بعد از اقرار به وقف، نافذ و صحیح نمی باشد.

◇ سوال: [۵۵۱] گاهی خلبان هواپیما، راننده اتوبوس و... به دلیل نقص وسیله نقلیه و مانند آن خود را در وضعیتی می بیند كه ناچار است برای حفظ جان مسافران، عملی انجام دهد كه خود این عمل موجب تلف یا صدمه بدنی به افراد داخل یا خارج از وسیله نقلیه می گردد. به عنوان مثال هرگاه در اثر نقص فنی ایجاد شده در وسیله نقلیه، بريك (ترمز) اتوبوسی از كار بیفتد و راننده مجبور باشد برای جلوگیری از سقوط به دره و برای نجات جان مسافران، اتوبوس را به كوه یا كامیون روبرویی بكوبد، با فرض این كه تنها راه دفع خطر از مسافران، انجام عمل مزبور باشد، صدمات ناشی از انجام عمل مزبور به مراتب كمتر از عدم انجام آن باشد، مستدعی است بفرمایید:

- ۱ - آیا خلبان یا راننده ضامن دیه افراد آسیب دیده - اعم از افراد داخل یا خارج وسیله نقلیه - می باشد؟ یا خیر.
- ۲ - در صورتی که خلبان و راننده، مسئولیتی نداشته باشد، آیا از بیت المال می توان دیه مصدومین را پرداخت کرد؟
- ۳ - آیا در فرض فوق، بین صورتی که قرار گرفتن در وضعیت اضطراری ناشی از قصور و تقصیر خلبان یا راننده باشد، با صورتی که وضعیت اضطراری به صورت کاملاً اتفاقی به وجود آمده باشد (مثل این که علی رغم کنترل کامل وسیله نقلیه قبل از حرکت، ناگهان در حین حرکت وسیله دچار نقص فنی شود) وجود دارد؟ یا خیر.

◇ جواب:

- ۱- در فرض سوال، راننده یا خلبان ضامن دیه است.
- ۲- قتل خطائی است، اگر قتل به اقرار ثابت شود دیه به عهده قاتل است و اگر به بیّنه ثابت شود دیه به عهده عاقله است.
- ۳- بله بین قصور و تقصیر در فرض سوال فرق است به این معنا که قتل عن تقصیر قتل شبه عمد و قتل قصوری حکم قتل خطأ را دارد.

شرایط مال موقوفه

◆ **سوال:** [۵۵۲] پدرم وصیت کرده است که فرزندانش مبالغی را از جانب ایشان وقف نمایند و همه فرزندان موضوع را پذیرفته‌اند آیا ما می‌توانیم با توجه به مشکلات مالی مان مبلغ مورد نظر را طی پنج سال پرداخت نماییم؟

◆ **جواب:** در فرض سؤال وقف پول باطل است، ولی اگر وصیت کرده باشد که فلان مبلغ را برای فلان جا بدهید و این مبلغ اضافه بر ثلث اموالش نباشد، باید فوراً وصیت را انجام دهید و پول را در مورد وصیت برسانید.

◆ **سوال:** [۵۵۳]

- ۱ - آیا وقف پول، اسناد تجاری و بهادار جایز است؟
- ۲ - در صورتی که واقف مبلغی پول را وقف کند به این صورت که از این پول در بانک به صورت سپرده بلند مدت استفاده شود و یا در اختیار شرکت‌هایی قرار گیرد که با آن کار کنند و سود حاصل در راه خیر مصرف شود و یا مبلغی به عنوان قرض الحسنه وقف شود که افراد وام گرفته و بعد از مدتی برگردانند، آیا چنین وقفی جایز است؟
- ۳ - برخی از بانک‌ها سکه و زیورآلات ساخته شده از طلا را به

عنوان گرو می‌گیرند (عین آن طلا نگهداری می‌شود) و در ازای آن مبلغی را به عنوان وام می‌پردازند، آیا وقف این سکه و زیورآلات برای استفاده به این صورت جایز است؟

◇ **جواب:** وقف پول برای تزئین و اسناد تجاری و بهادار چنانچه با ابقای عین قابل انتفاع باشد جائزاند؛ وقف پول برای معامله جائز نیست چون عین موقوفه از بین می‌رود.

همچنین وقف پول برای سپرده بلند مدت و قرار داد آن در اختیار شرکت و یا برای قرض الحسنه جائز نیست؛ به دلیل این که حبس العین و تسبیل المنفعة بر آن منطبق نمی‌شود و آن پول که عین موقوفه است از بین می‌رود و عوض آن وقف نیست و در قرض الحسنه اشکال دیگر نیز است که چنانچه وام گیرنده در موعد مقرر وام را برنگرداند، بانک وقف را عوض وام می‌گیرد، بناءً عین وقف از بین می‌رود و این کار جایز نیست.

لزوم حفظ و نگهداری موقوفه

◇ **سوال:** [۵۵۴] با عنایت به لزوم انجام طرح‌های بازگشایی معابر و نوسازی شهری توسط شهرداری، چنانچه ملک وقفی در مسیر طرح باشد و نظر واقف چیزی خارج از پروژه در حال اجرای شهرداری که منافع عمومی در گرو اجرای این طرح می‌باشد بوده باشد، چه راهکاری برای اجرای طرح وجود دارد؟

◇ **جواب:** در حال اختيار تغيير وقف جواز ندارد؛ ولي چنانچه عذر عارض شود مثل اينكه موقوفه در طرح قرار گيرد در اين صورت طرح اجرا و قيمت موقوفه در مورد وقف مصرف مي‌شود.

◇ **سوال:** [۵۵۵] با توجه به اين كه بسياري از كتب وقفی در بازار به طور آزاد خريد و فروش مي‌شوند و اثری از وقف و واقف و متولی و محل استفاده وقف موجود نيست و بيم افتادن آثار به دست اجانب و كفار نیز وجود دارد، خريد و نگهداری اين آثار جهت استفاده‌ی محققين حوزوی و دانشگاهی در کتابخانه تخصصی چه صورت دارد؟

◇ **جواب:** در فرض سوال جازز بلکه راجح است.

تغيير کاربری موقوفه

◇ **سوال:** [۵۵۶] اگر موقوفه‌ای در حال و آينده مطابق نیت واقف نیازی به استفاده از آن نباشد آیا می‌توان آن را جهت ساير کارهای عام‌المنفعه، تغيير کاربری داد؟

اگر قابل استفاده برای کار عام‌المنفعة ديگر نباشد آیا می‌شود آن را فروخته و با پول آن مکان ديگری خريده و از آن در جهت کارهای عام‌المنفعه استفاده کرد؟ يا خير.

◇ **جواب:** اگر موقوفه‌ی در مورد وقف قابل استفاده نباشد، با اجازه

واقف و یا متولی وقف آن را در مورد که اقرب به مورد وقف است مصرف کنند.

◆ **سوال:** [۵۵۷] در زمان‌های خیلی دور توسط آقای آیت ا... سید حیدر نجفی شمشیری، حسینیه‌ای (تکیه خانه به همراه چند اتاق به عنوان حوزه علمیه) احداث شده است. در شرائط فعلی ساختمان به کلی نابود شده است زمین در جای خوبی واقع نشده (زیر جوی آب است) و همیشه در معرض آسیب و همچنین راه مناسبی برای رسیدن به این حسینیه وجود ندارد. آیا جائز است که زمین مذکور را که وقف است برای حسینیه، بفروشند و با پول آن، در جای مناسبتر یک حسینیه و حوزه علمیه احداث نمایند؟ یا خیر.

◆ **جواب:** اگر آن زمین برای مورد وقف قابل استفاده نباشد فروش آن اشکالی ندارد و می‌توانید با پول آن در جای مناسب، زمین برای بناء حسینیه و مدرسه خریداری نمائید.

◆ **سوال:** [۵۵۸] من یک جلد قرآن دارم که خط آن ریز است، آیا می‌توانم آن را با یکی از قرآن‌های موجود در امامزاده عوض کنم؟

◆ **جواب:** نمی‌توانید. چون قرآن امام زاده‌ها وقفی است؛ لذا تبدیل قرآن دیگر با آن‌ها جایز نیست.

احکام وصیت

◆ **سوال:** [۵۵۹] شخصی که در حدود پانزده سال پیش وصیت خط نوشته و حالا ضعیف شده می خواهد وصیت خط سابق را باطل کند و وصیت خط جدید بنویسد.

این شخص می خواهد در وصیت خط جدید خود برای نواسه اش (فرزند پسر کلان) هم از ملکیت خود حق بدهد، در حالیکه پسران این شخص به جز پدر نواسه با این تصمیم مخالفت دارند و نمی گزارند پدرشان وصیت خط جدید بنویسد؛ شخص مذکور به دوستان و اقارب خود زبانی می گوید که نواسه ام به ملکم حق دارند، آیا نواسه شخص مذکور در این صورت به میراث بابه کلان خود حق دارد؟ یا خیر.

◆ **جواب:** در فرض سؤال این شخص در زمان حیات خود هر مقدار از زمین خود را بخواهد، می تواند برای نوه خود هبه کند و تسلیم نوه خود نماید ولی اگر وصیت کند می تواند به اندازه ثلث اموال برای نوه خود از زمین وصیت کند؛ به شرطی که برای خود وصیت به ثلث نکرده باشد.

◆ **سوال:** [۵۶۰] در صورتی که مجنی علیه از زنده ماندن خود مأیوس شده باشد؛ آیا می‌توان در مورد تبدیل قصاص نفس به دیه یا مصالحه یا عفو جانی وصیت نماید؟ آیا چنین وصیتی نافذ خواهد بود؟

◆ **جواب:** چنین وصیتی نافذ نیست. زیرا اختیار بدست اولیا دم می‌باشد.

◆ **سوال:** [۵۶۱] شخصی در زمان حیات خود مقداری پول نزد شخص یا اشخاص امین و متعهد سپرده است، تا پس از مرگ برای ادای نماز، روزه و.... قضا شده‌اش فردی را اجیر کند و ادای واجبات به صورت استیجاری نماید، آیا این کار اشکال دارد؟ یا خیر.

◆ **جواب:** آنچه را سفارش و وصیت کرده به مقدار ثلث ماترک متوفی نافذ است و باید در مورد وصیت مصرف شود و بیشتر از ثلث را چنانچه ورثه همه کبیر باشند و وصیت را اجازه کنند بر طبق وصیت عمل شود و اگر ورثه اجازه نکردند دو ثلث دیگر بین تمام ورثه تقسیم می‌شود.

تفاوت وصی و وکیل

◆ **سوال:** [۵۶۲] لطف نموده وظیفه دو شخصی که یکی وصی و

ديگري وکيل از طرف متوفي تعيين شده را معين و واضح فرمايد؟

◇ **جواب:** وکيل با فوت موکل از وکالت عزل مي شود و حق تصرف در اموال ميت را ندارد ولي وصي طبق وصيت ميت عمل مي کند.

اختيارات وصي

◇ **سوال:** [۵۶۳] خانمي سه برادر دارد، به هنگام موت وصيت مي کند که سهم ارث و ملک خود را به برادرانش بالسويه هبه کرده است و آنان موظفاند قضای نماز و روزه اش را به جا آورند، در صورتي که بعد از فوت من، قضای روزه و نماز را انجام ندادند، وصي و وارثم موظف است ملک را از اينها بگيرند، الان يکي از برادرها قضای روزه و نماز وي را ادا کرده و ديگر برادرها انجام نداده اند، آيا وصي و وارث مي تواند حصه و سهم آنها را پس بگيرد؟ يا خير.

◇ **جواب:** در فرض سوال اين عبارت ظهور در هبه دارد مگر اين که قرينه و يا شاهد بر وصيت وجود داشته باشد بنا بر اين وصي و وارث حق دارند سهم برادراني که به شرط عمل نکرده اند از آنها بگيرند و در مورد وصيت مصرف کنند و اگر وصيت نکرده بين تمام ورثه بر طبق قانون ارث تقسيم کنند.

◆ **سوال:** [۵۶۴] شخصی در هنگام موت وصیت می‌کند که زمین‌هایم را بعد از مرگم به فلان شخص معین بدهید و من هبه نمودم تا در عوض قضایی نماز و روزه‌ام را بجا آورد، با این توضیح که شخص مورد نظر زمین را قبض هم می‌کند.

آیا این وصیت نافذ است؟ در صورتی که این مرحوم وارث جز یک برادر ندارد که وی ادعا می‌کند برادرم در زمان حیاتش، سهم زمین خود را به من فروخته و پولش را از من گرفته است و یک نفر شاهد هم دارد، ایشان می‌گویند، بعد از آن که برادرم زمین را به من فروخت؛ خودش در اثر تصادف فوت کرده و از دنیا رفته است و این قضیه برای پانزده سال قبل است و تا این موقع هیچ یک از آشنایان برادرش را ندیده‌اند. حکم این مسأله چیست؟

◆ **جواب:** اگر صاحب زمین در زمان حیات خود زمین را هبه کرده است و آن شخص نیز در زمان حیات مالک، زمین را قبض کرده باشد، هبه صحیح است و زمین مال آن شخص شده است، و ادعای برادرش بدون بینه قابل قبول نیست.

احکام ارث

سهم الارث

◆ **سوال:** [۵۶۵] مردی صاحب فرزندان بسیار از سه همسرش می باشد که پس از مرگش، پسران زمین های موروثی را در تصرف خود در می آورند و برای دختران هیچ سهمی در نظر نمی گیرند و هر کدام از دختران را برای دریافت سهم به برادران مادریشان حواله می دهند. این قضیه از نظر شرعی چه حکمی پیدا می کند؟

◆ **جواب:** تمام دخترها از ماترک پدرشان ارث می برند، سهم هر پسر دو برابر سهم دختر می باشد و تقسیم ماترک بر اساس فرزندان مادری نادرست است.

تقسیم سهم الارث

◆ **سوال:** [۵۶۶] شخصی از یک همسرش دو فرزند، یک پسر و یک دختر دارد و از همسر دیگرش چهار پسر و یک دختر؛ زمینی

که ارثیه پدری است به پنج قسمت تقسیم شده که فرزندان پسر، دو خواهر را در نظر نگرفته‌اند، اکنون چهار قسمت از زمین در اختیار چهار پسر و یک قسمت در اختیار پسر زن اول است. آن چهار برادر می‌گویند: معین کردن سهم خواهر ما از زمین‌ها بر عهده ماست و تعیین سهم خواهر تو از زمین بر عهده‌ی خودت است. لطفاً بفرمایید از نظر شرعی این قضیه چه حکمی دارد؟

◇ **جواب:** در فرض سؤال، تمام پسرها و دخترها از ماترک پدر اعم از منقول و غیر منقول ارث می‌برند و هر پسر دو برابر دختر سهم الارث شان می‌باشد، که تقسیم مذکور در سوال ناعادلانه و ناحق است.

◇ **سوال:** [۵۶۷] اگر فرض شود وجوهی که اداره بیمه به اولیای دم داده مطابق معمول شرعی بوده، ولی در تقسیم قانون (سهم مرد دو برابر زن است) رعایت نشده و اولیای دم نیز حاضر به ریختن سهام خود روی هم و تقسیم بر مبنای آیه شریفه نباشند که در نتیجه بعضی ورثه به حق خود نرسند، آیا ضمان کسر سهمیه آنان به عهده اداره بیمه است یا افراد؟

◇ **جواب:** اگر بیمه به عنوان دیه پرداخت کرده باشد، وظیفه ورثه است که برطبق قانون ارث بین شان تقسیم کنند والا ضامن خود ورثه هستند.

◆ **سوال:** [۵۶۸] شخصی از دنیا رفته است که دارای دو همسر است. از

همسر کوچک دو فرزند دختر دارد و از همسر بزرگ فرزندی ندارد.

پنج میلیون تومان رهن منزل از این مرحوم مانده که این مبلغ با کمک همسر کوچک جمع و پس انداز شده است. اکنون این مبلغ اگر بین وارثین تقسیم شود همسر و فرزندان شخص متوفی دیگر سرپناهی ندارند، تقسیم این پول و نیز تقسیم باقی وسایل منزل چه حکمی دارد؟

◆ **جواب:** در فرض سؤال، اگر همسر کوچک در آن پول شریک

بوده و مبلغش مشخص است، باید سهم خود را بگیرد و بقیه‌اش بین ورثه تقسیم شود، ولی اگر حق آن خانم معلوم نباشد، باید مصالحه کنند و چنانچه باقی ورثه راضی باشند پول را بالای خانه بگذارند، از نظر سهم در اموال هر دو همسر در یک هشتم مال شریکند و وسائل خانه متعلق به ورثه می‌باشد.

◆ **سوال:** [۵۶۹] من در سال ۱۳۴۶ در برابر پانصد افغانی مهریه

رایج با آقای ازدواج کرده‌ام. بعد از گذشت چهل و سه سال زندگی مشترک، شوهرم در اثر تصادف فوت نمود، که در طول چهل و سه سال در کنار هم کار و تلاش کردیم، با کمک هم یک منزل مسکونی در هرات درست کردیم، متأسفانه ما اولادی نداریم و مرحوم دارای سه خواهر و چهار برادر (پدري) می‌باشد.

از محضر حضرتعالی تقاضا دارم کیفیت تقسیم سهم الارث و مهریه‌ام را بیان فرمایید؟

◇ **جواب:** در صورتی که شوهر (متوفی) از این خانم و غیر این خانم اولاد نداشته باشد زن از یک چهارم اموال منقول و قیمت اشجار (درختان) و بنا ارث می‌برد و باقی اموال میت بین برادران و خواهران (پدری) تقسیم می‌شود و هر برادر دو برابر خواهر سهم می‌برند و مهریه زن را اگر شوهر نداده و زن هم مهریه اش را نبخشیده باشد در این صورت زن حق دارد پانصد افغانی را به ارزش چهل و سه سال قبل از ماترک شوهر بگیرد، یعنی پانصد افغانی قبل از چهل و سه سال چه مقدار گندم یا آرد می‌شد، حالا آن مقدار پول بردارد که آن مقدار گندم و آرد شود؛ چنانچه از طریق کارگری زن، درآمد به دست آورده باشد، با سایر ورثه به طور مصالحه مسئله را حل کنند؛ اما راجع به کاری که خانم به همراه همسرش انجام داده، اگر به قصد تبرع کار نکرده، ورثه حق الزحمه زن را در نظر بگیرند و با هم مصالحه کنند.

◇ **سوال:** [۵۷۰] شخصی در اثر تصادف فوت نموده و خون بهای آن مرحوم بین سه نفر ورثه که عبارتند از پدر، مادر و همسرش تقسیم می‌شود، چون والدین آن مرحوم در افغانستان بوده و پدرش برای پیگیری خون بهای پسرش از افغانستان به ایران آمده که در مدت یکسال مبلغ هشتاد هزار افغانی هزینه نموده است و

همچنين در اين يك سال نتوانسته كار كند، آيا پدر مي تواند مبلغ هشتاد هزار افغاني را از اصل خون بها، يعني قبل از تقسيم آن بين ورثه اخذ نمايد؟ آيا همسر (زوجه) ميت از خون بها فقط يك چهارم را ارث مي برد؟ يا بيشتر.

◇ **جواب:** پدر ميت، مصارفي را كه از افغانستان تا ايران كرده است، حق ندارد از اصل ماترك اخذ كند و هر مقدار در ايران با رضايت ورثه كبير تفاهم كرده باشد آن مبلغ را به عنوان حق الزحمه حق دارد مطالبه كند، البته اجرت بيكاري خود را نمي تواند مطالبه كند و در فرض سوال زوجه مرحوم يك چهارم از ديه را ارث مي برد.

◇ **سوال:** [۵۷۱] شخصي فوت كرده و از وي مقداري اموال و زمين به ارث مانده است.

متوفي كه سه پسر داشته و هر سه پسر داراي فرزندان بوده اند، اكنون (قبل از فوت پدر) هر سه پسر و همسر دو تا يشان فوت كرده اند يعني فقط نوه ها و همسر يكي از پسران زنده هست.

آيا به همسر پسر با وجود فرزند ارث تعلق مي گيرد؟ آيا به عروس هاي كه فوت كرده اند چيزي تعلق مي گيرد؟ اين سوال از اين بابت است كه يكي از همسران پسر كه متوفي شده دختری از يك شوهر ديگر دارد، آيا ارث به اين دختر تعلق مي گيرد؟ يا خير.

◇ **جواب:** اگر شخصي بميرد و ورثه اش نوه هاش باشد (مانند

فرض سؤال)، ارثیه به نوه هایش می‌رسد، عروس از پدر شوهر ارث نمی‌برد.

◆ **سوال:** [۵۷۲] مردی که در زمان حیات خود، زن و یک دختر خود را از دست داده (و از دختر فوت شده یک پسر پنج ساله مانده که نزد پدرش می‌باشد)، فوت می‌کند. حال با توجه به اینکه از این مرد، فقط یک دختر (که شوهر دارد) باز مانده است آیا غیر از این دختر، به پسر دختر فوت شده (در زمان حیات مرد) نیز، ارثی می‌رسد؟ در صورت مثبت بودن جواب، تقسیم ارث چگونه است؟

◆ **جواب:** دختر که در زمان حیات پدر فوت کرده ارث به آن تعلق نمی‌گیرد.

زمان تملک سهم الارث

◆ **سوال:** [۵۷۳] فرد وارث قبل از اینکه مورث فوت کند، سهم الارث خود را در ازاء مبلغ معین با سایر وراثت مصالحه می‌کند، این مصالحه به چه صورتی است چنانچه باطل است قالب صحیح این معامله را بفرمائید؟

◆ **جواب:** تا زمانی مورث زنده است و فوت نکرده، مصالحه بر سهم الارث معنا ندارد؛ فقط بعد از فوت مورث اگر مصالحه کند، اشکال ندارد.

كسانی كه از میت ارث می‌برند

◆ **سوال:** [۵۷۴] آیا فرزندی كه پس از فوت پدر به دنیا آمده از

پدر ارث می‌برد؟

◆ **جواب:** بله فرزند ولو در زمان فوت پدر جنین باشد از ماترك

پدر ارث می‌برد.

◆ **سوال:** [۵۷۵] محروم كردن بعضی از ورثه از ارث، یا محروم

كردن دختر از ارث، در شرع مقدّس اسلام چه حكمی دارد؟

◆ **جواب:** پدر و مادر شرعاً حق دارد كه تمام اموال و یا بعضی از

اموال خویش را برای بعضی از ورثه هبه كنند و بعضی دیگر از

وراث را از ارث محروم كنند؛ گرچه بهتر است كه مورث بعض

ورثه را از ارث محروم نكند.

◆ **سوال:** [۵۷۶] شخصی دارای دو پسر بوده، كه پسر اول دارای

يك دختر بوده و به خدمت سربازی (عسكری) رفته و در آنجا با

مرگ طبیعی در زمان حیات پدر از دنیا می‌رود، پسر دوم با اینکه

متأهل بوده با زن پسر اول (زن برادر خود) ازدواج می‌كند و از

آن صاحب دختری می‌شود پدر هنگام مرگش وصیت می‌كند كه

از میراث او سهمی به دختر پسر اولش برسد .

اكنون پسر دوم و خواهرش نیز فوت کرده و میراث به نواسه‌ها

رسیده حال سؤال این است:

- ۱- آیا از میراث پدر بزرگ سهمی به دختر پسر اول می‌رسد؟
- ۲- اگر تعلق می‌گیرد به چه صورت است؟ و اگر تعلق نمی‌گیرد با توجه به وصیت پدر آیا فرزندان مؤظف به عمل به وصیت هستند؟ یا خیر.

◇ جواب:

- ج ۱) اگر میت وصیت به ثلث ما ترک برای خود نکرده باشد وصیت جد نسبت به نوه به مقدار ثلث نافذ است.
- ج ۲) اگر وصیت شرعاً ثابت شود به مقدار ثلث ما ترک نافذ است، که در این صورت سهم یک پسر چنانچه بیشتر از ماترک ثلث نباشد برای نوه داده می‌شود.

◇ سوال: [۵۷۷] همسرم بتازگی فوت کرده، از ایشان دو پسر و یک دختر دارم ایشان معلم آموزش و پرورش بود، از ایشان ارثیه‌ای باقی مانده است (شامل مهریه و مقداری پول نقد) پدر و مادرش نیز در قید حیات هستند، لطفاً چگونگی تقسیم ارث ایشان را بفرمایید.

ضمناً طبق قوانین بازنشستگی و مستمری بگیران حقوق متوفی در حال حاضر به حساب بچه هایش واریز می‌شود که تحت سرپرستی خودم هستند؛ آیا از حقوق فعلی همسرم چیزی به پدر و مادرش تعلق می‌گیرد؟ یا خیر.

◇ **جواب:** آن مقدار پول که در ملک خانم شما بوده یک چهارم سهم شوهر است و یک ششم آن به پدر و یک ششم به مادرش می‌رسد، باقی مانده آن پنج قسمت می‌شود که چهار قسمت آن مال دو پسر و یک قسمت مال دختر هست.

پولی را که بعد از فوت همسر شما می‌دهند (حقوق فعلی) مال اولادش است، بقیه در آن سهمی ندارد.

◇ **سوال:** [۵۷۸] دختر و پسری به عقد هم در می‌آیند و بعد از مدتی دختر فوت می‌کند آیا به طور کلی پس از فوت زوجه، جهیزیه او جزء ما ترک حساب می‌شود، یا مال پسر (داماد) است؟

◇ **جواب:** در فرض سوال اگر جهیزیه از مال شوهر مانند گله [مثلاً] تهیه شده باشد، مال شوهر است و اگر از مال دختر یا پدر عروس تهیه شده باشد، جز ماترک عروس است.

◇ **سوال:** [۵۷۹] کسانی که بر اثر نداشتن فرزند، بچه دیگری را به عنوان فرزند قبول کرده، اگر به گونه‌ای باشد که ورثه طبقات بعدی را از ارث محروم کند، ضمان آن به عهده کیست؟

◇ **جواب:** فرزند خوانده ارث نمی‌برد؛ اگر مالی را برای او هبه کند و یا وصیت کند اشکال ندارد و فرزند خوانده موجب ضمان کسی نیست.

ارث مخلوط به حرام

◆ **سوال:** [۵۸۰] مالی به ارث رسیده است که علم به منشأ غیر حلال بودن آن محرز است؛ استفاده از آن، برای وارثین چه حکمی دارد؟

◆ **جواب:** اگر ورثه بدانند که آن مال ملک مورث نیست آن مال را ارث نمی‌برند.

احکام ضامن شدن

◆ **سوال:** [۵۸۱] اگر کسی ضامن بدهی دیگری شده و طلبکار طلب خود را از او نگرفته، چنانچه ضامن به خیال این که طلبکار طلب خود را به وی بخشیده، مبلغ مورد ضمانت را از بدهکار گرفته و برای خود برداشته باشد، آیا ضمانت کننده در صورت بخشیدن طلبکار ضامن مبلغ دریافتی است؟

◆ **جواب:** بله ضامن مبلغ دریافتی است.

مسائل بانکی

◆ **سوال:** [۵۸۲] شخصی هفت میلیون تومان در مؤسسه خصوصی یا بانک می‌گذارد و شرایط مؤسسه یا بانک این است که چنانچه آن مبلغ به مدت یک یا دو ماه در بانک باشد، به میزان آن مبلغ به آن شخص وام تعلق می‌گیرد، حال اگر شخصی که از امتیاز وام برخوردار شده، این امتیاز وام را در قبال دو میلیون تومان، به شخص دیگری واگذار کند، آیا این دو میلیون تومان برای واگذار کننده شرعاً حلال است؟ یا خیر.

◆ **جواب:** در فرض سؤال، به نظر اینجانب اصل سپرده گذاری برای امتیاز وام صحیح نیست، بلی اگر برای امتیاز نمی‌گذارد بلکه صرفاً برای نگهداری پول را در بانک می‌گذارد؛ ولی بعداً خود بانک به صاحب پول پیشنهاد وام می‌کند، در این صورت اشکال ندارد. در فرض سوال آن امتیاز را در بدل پول نمی‌تواند به کس دیگری واگذار کند؛ البته عدم جواز نسبت به مؤسسات و بانک‌های خصوصی است، سپرده گذاری در بانک‌های دولتی و گرفتن امتیاز با اجازه‌ی حاکم شرع اشکال ندارد، ولی واگذاری امتیاز در مقابل

پول چنانچه در فرض سؤال آمده مطلقاً جائز نیست.

◆ **سوال:** [۵۸۳] گرفتن وام از بانک خارجی که سود زیادی هم دارد از لحاظ شرعی چه حکمی دارد؟

◆ **جواب:** گرفتن وام از بانکهای خارجی اشکال ندارد، اما دادن سود به کفار جواز ندارد.

◆ **سوال:** [۵۸۴] اگر از بانکهای کفار پول قرض بگیریم و سود ماهیانه بدهیم اشکال دارد؟

◆ **جواب:** سود دادن به کفار جواز ندارد.

◆ **سوال:** [۵۸۵] هنگامی که برای سپرده پول خود به بانک می‌رویم، بانک از همان ابتدا به ما می‌گوید که ما پول شما را در معاملات حلال استفاده می‌کنیم و علی الحساب به شما سود می‌دهیم، سوال این است که بانک از همان ابتدا قول دادن سود علی الحساب به ما را می‌دهد آیا گرفتن این سود جایز است یا ربا محسوب می‌شود؟

◆ **جواب:** در فرض سوال به نظر اینجانب سود بانک دولتی از جمله اموال مجهول المالک می‌باشد و منوط به اجازه حاکم شرع است و اینجانب گرفتن آن را به دو شرط اجازه می‌دهم یکی اینکه در راه حرام مصرف نکنند دوم اینکه اگر سال بر آن بگذرد باید خمس آن را بدهند.

◆ **سوال:** [۵۸۶] آیا پول گرفتن با شرط سود از بانک‌ها و موسسات خارجی جایز است؟ یا خیر.

◆ **جواب:** در فرض سوال سود دادن به بانک کفار جایز نیست، چنانچه به بانک‌های مسلمانان نیز سود دادن حرام است و جواز ندارد.

◆ **سوال:** [۵۸۷] آیا افتتاح حساب سپرده سرمایه گذاری که شامل درصدی سود در مدت معلوم می‌شود جایز است؟ یا خیر.

◆ **جواب:** اگر بانک دولتی باشد سود گرفتن اشکال ندارد، بشرطی که آن سود را در راه حرام مصرف نکنند و دیگر اینکه اگر سال بر آن سود بگذرد و مصرف نشده باشد باید خمس آن را بدهد.

◆ **سوال:** [۵۸۸]

الف) کسانی که در اروپا و... زندگی می‌کنند، دولت پولی را برای خریدن منزل از بانک دولتی برای آن‌ها به عنوان وام می‌دهد و به مرور زمان طی چندین سال این وام را با مقداری سود از مردم پس می‌گیرد؛ گفتنی است که مردم به خاطر نیاز تقریباً مجبورند که این وام را بگیرند، آیا راه حلیت برای این معامله وجود دارد؟ یا خیر.

ب) همچنین اگر کسی مجبور باشد به گرفتن قرض ربوی از یک شخصی حقیقی یا حقوقی، که بدون قرض ربوی آبرویش در

خطر باشد و هيچ چاره ديگري نداشته باشد، تکليف چيست و راه حل شرعي آن چگونه است؟

◇ جواب:

الف) در فرض سوال اول، آن پول را از بانكهاي كفار به عنوان قرض نگیرند، هرچند كه خود آنها به عنوان وام و قرض می دهند، یعنی اینکه گیرنده پول (شما) آن پول را به عنوان قرض نیت نکند، بلکه به عنوان استنقاذ، یعنی أخذ المال من الكفار؛ به عنوان اینکه پولی را از كفار می گیرد نیت کند؛ بعد كه عوض این پول را دولت جبراً از مردم با سودش پس می گیرد گیرنده پول و سود دهنده شرعاً مسئول نیست.

ب) اما راجع به شخصی كه پول سر سود می گیرید و چاره غير از این ندارد، باید جنسی را به آن مقدار سودی كه از او می گیرد، از قرض دهنده بخرد و با صاحب پول شرط کند كه این جنس را به قیمت كذا (مقدار سود كه از مدیون اخذ می شود) می خرم، به شرط كه فلان مقدار پول قرض بدون بهره به من بدهی، ان شاء الله معذور خواهد بود.

◇ سوال: [۵۸۹] اگر سیستم ربا ونزول كه اساس سیستم بانكي

است حرام باشد چه چیزی می تواند جایگزین آن شود؟

◇ جواب: در فرض سؤال ربا گرفتن از بانك دولتی چون مجهول

المالک است به اذن حاکم شرع اشکال ندارد، ولی از بانک خصوصی جایز نیست.

◆ **سوال:** [۵۹۰] یکی از شعب بانکها مبلغی به عنوان مضاربه جهت اتمام طبقه دوم شخصی داده، حال اگر بر اثر حادثه غیر مترقبه‌ای مانند زلزله طبقه اول هم خراب شود، آیا گیرنده وجه (عامل) ضامن است یا نه؟

◆ **جواب:** خسارت طبقه اول به عهده صاحب ساختمان است نه بر عهده صاحب بانک و خسارت طبقه دوم به نسبت سهم مالک و بانک تقسیم می‌شود.

◆ **سوال:** [۵۹۱] آیا خریدن اوراق مشارکت از بانکها جایز است؟ یا خیر؛ همچنین سودی که از طریق خریدن این اوراق مشارکت داده می‌شود حلال است؟ یا خیر.

◆ **جواب:** اگر به صورت مضاربه باشد که شرکت روی پول کار کند و استفاده آن بین عامل و صاحب پول به طور نصف یا کمتر و بیشتر تقسیم شود در این صورت آن معامله صحیح است.

مشاغل و کسبها

◆ **سوال:** [۵۹۲] کسانی که داستان می‌نویسند مانند رمان و اساس کار شان ذهن و تخیل و واقعیت است، آیا کار آنها سودی برای دنیا و آخرت شان دارد؟ یا خیر؛ نویسندگی‌های که واقعیت‌های جامعه را بیان می‌کنند و علاقه به آگاهی جامعه دارند چه حکمی دارد؟

◆ **جواب:** این گونه نوشته‌ها (کتاب و داستان — رمان) فائده‌ای برای عالم آخرت انسان ندارد؛ مگر اینکه جنبه‌ی امر به معروف و نهی از منکر داشته باشند؛ آن هم در صورتی که قصد قربت و رجاء ثواب داشته باشد، برای نویسنده ثواب داده می‌شود.

◆ **سوال:** [۵۹۳] اگر مثلاً رئیس اداره راهنمایی و رانندگی با مأمورین خود قرار بگذارد در قبال هر برگ قبض جریمه که از مردم می‌گیرند، فلان درصد، همچنین اگر رئیس دارائی شهر به مأمورین خود بگوید در قبال اخذ فلان مبلغ مالیات فلان درصد به خود شما داده می‌شود، لذا مأمورین برای کسب درآمد بیشتر به جان مردم افتاده و درآمدهای زیادی را برای اداره مربوطه بدون

حق، کسب کنند، آیا ضمان تعدیات آنان به عهده آمرین است یا
مأمورین؟

◇ **جواب:** ضمان به عهده مأمورین می باشد.

◇ **سوال:** [۵۹۴] کسانی که استحقاق مالی ندارند، ولی از راه
نشاندن افراد وابسته به خود در گذرگاه‌ها وجوهی را کسب کنند،
مالک می شوند یا ضامن هستند؟

◇ **جواب:** ضامن اموال مردم می باشند و مالک نمی شوند.

◇ **سوال:** [۵۹۵] کسانی که استحقاق مالی ندارند ولی از طریق
استخدام افرادی چون پیر زنان و پیر مردان و افراد بی سرپرست و
معلول، از راه تکدی آنان، وجوهی حاصل نموده مخارج
مستخدمین خود را تأمین و بقیه را برای خود برمی دارند، آیا از
بابت بهره‌ای که خود می برد ضامن است یا نه؟

◇ **جواب:** این نوع درآمد حلال نمی باشد و شخص ضامن اموال
بدست آمده است.

◇ **سوال:** [۵۹۶] کسانی که خود را برای عبور دادن افراد از
مرزهای بین المللی آماده کرده و به طور قاچاق افراد را عبور
می دهند آیا ضامن وجوهی هستند که از این بابت می گیرند؟

◇ **جواب:** اگر با رضایت افراد آن وجوه را بگیرند، ضامن نیستند،

اگر خلاف مقررات دولت اسلامي آن كار را انجام دهند در اين صورت فقط گناهكارند.

◆ **سوال:** [۵۹۷] نگهداري و حمل اشيايي از قبيل: مشروبات الكلي، عكس هاي سكسي، انواع مواد مخدر، انواع اسلحه هاي سرد و گرم و... كه از نظر شرع يا قانون ممنوع بوده و دارندگان علاوه بر ضبط آن به حبس يا پرداخت جزاي نقدي محكوم مي شوند، آيا سازندگان اين اشياء و دلال ها و واسطه گراني كه از اين راه سرمايه كسب مي كنند، ضامن وجوه حاصله خواهند بود؟

◆ **جواب:** در آمدهاي از اين قبيل شرعاً حرام است و مالك آن نمي شوند.

◆ **سوال:** [۵۹۸] بسياري از مستخدمين ادارات دولتي در خارج از وقت اداري به شغل دوم اشتغال دارند، حال اگر شغل دوم موجب وارد آمدن خسارت - هرچند ناچيز - به شغل اول باشد، آيا با وجود اين كه حقوق شغل اول كفاف هزينه وي را ندهد، آيا در قبال كار فرماي اول ضامن هستند؟ يا خير.

◆ **جواب:** اگر خسارت محسوس نباشد شغل دوم اشكال ندارد و اگر عرفاً خسارت حساب شود نسبت به كار فرما اول ضامن است.

◆ **سوال:** [۵۹۹] در اينجا (انگلستان - لندن) دوستان مسلمان شيعه

هستند که دکان زدند و مشروب می‌فروشند لطفاً ما را راهنمایی فرمایید.

◇ **جواب:** خرید و فروش مشروبات مست کننده شرعاً جایز نیست و در آمد که از آن طریق بدست می‌آورد مالک نمی‌شود؛ آن‌ها (مؤمنین) باید امر به معروف و وادار به ترک چنین کاری نمایند؛ ان شاء الله موثر خواهد بود، چنانچه موثر نشود مسئولیت در قبال چنین افرادی ندارید.

◇ **سوال:** [۶۰۰] چنانچه کسی اطلاع پیدا کند که صاحب کارش قماری هست؛ البته خودش سر سفره قمار ندیده است از تعریف دوستان نزدیک ایشان می‌شنود و از دروغ هم مثل آب خوردن استفاده می‌کند آیا معاش که از ایشان دریافت می‌کند حرام هست؟ آیا لازم هست که این کار را ترک کند؟ یا خیر.

◇ **جواب:** دریافت معاش از آن شخص اشکال ندارد؟ ولی امر به معروف و نهی از منکر کند اگر تأثیر نکرد مسئولیتی ندارد.

◇ **سوال:** [۶۰۱] آیا می‌تواند دختری مسلمان با یکی از مؤسسات خارجی، که بخاطر خدمت به مردم مسلمان و در سرزمین مسلمان فعالیت دارند، وظیفه انجام دهد؟ یا خیر؛ در صورتی که محرم شرعی نیز با خود داشته باشد، فرق می‌کند؟ یا خیر.

◇ **جواب:** با حفظ حجاب اسلامی و رعایت مقررات و اصول

اسلامی، اشكال ندارد؛ ولی بهتر است در چنین جاهایی کار نکنند.

◆ **سوال:** [۶۰۲] نظر به اینکه لازمه استخدام در تمام شرکتهای مدرک تحصیلی بالا می باشد، لذا با داشتن تجربه و تخصص کافی در حرفه ای، چنانچه فاقد مدرک درخواستی باشم می توانم با خرید مدرک بصورت غیر متعارف مدرک را بدست آورده و در شرکت مورد نظر مشغول بکار شوم، چنانچه مشغول بکار شوم درآمد آن برای خانواده ام چه حکمی دارد؟

◆ **جواب:** استفاده از مدرک غیر قانونی بدون اطلاع به صاحب شرکت جواز ندارد و در آمدش هم مورد اشکال است و با اطلاع صاحب شرکت اشکال ندارد.

◆ **سوال:** [۶۰۳] بنده در یکی از کشورهای غیر اسلامی سکونت دارم، چند وقتی است که مشغول تاکسیرانی هستم بعضی اوقات مسافرانی را جابجا می کنم که شراب خوار و مست هستند و گاهی زنان و دخترانی سوار تاکسی می شوند که نیمه برهنه هستند؛ از نظر شما چنین شغلی چه حکمی دارد؟

◆ **جواب:** اشکال ندارد بشرطی که از جهات حرام دیگر، خود را حفظ کنید.

◆ **سوال:** [۶۰۴] نظر حضرت عالی درباره مواد مخدر چیست؟

◇ **جواب:** کشت مواد مخدر به خاطر مفسد اجتماعی که دارد جواز ندارد، ولی فروش آن اگر برای اعتیاد مسلمانان نباشد، اشکالی ندارد.

◇ **سوال:** [۶۰۵] من باشنده لندن هستم، در اینجا دولت برای کسانی که درآمد کافی ندارند کمک مالی می‌کند و مردم برای اینکه از این کمک مالی استفاده کنند درآمد خود را کم و یا نا چیز به دولت نشان می‌دهند مثلاً کسانی که خانه شخصی دارند، به اسم کسی دیگر ثبت نام و برای کرایه خانه از دولت کمک مالی دریافت می‌کنند، حکم مسئله چیست؟

◇ **جواب:** اگر مفسده‌ای بر آن مترتب نشود، اشکال ندارد ولی اگر طوری است که چنانچه آن‌ها اطلاع پیدا کنند نسبت به مسلمانان بدبین می‌شوند چنین کار جواز ندارد.

احکام شطرنج، قمار و...

◆ سوال: [۶۰۶]

الف) حکم بازی با پاسور، بیلیارد، و تخته نرد که از آلت قمار بودن خارج نشده باشد، به طوری که در نزد توده مردم محل به عنوان یک وسیله ورزشی یا تفریحی شناخته نشود، یا خارج شده باشد؛ بدون برد و باخت چگونه است؟

ب) با توجه به این که شطرنج امروزه به عنوان یک نوع ورزش شناخته شده و آلت قمار محسوب نمی‌شود، با این فرض بازی آن بدون برد و باخت مالی و شرکت در مسابقات آن یا تماشای بازیگرائش، چه حکمی دارد؟

◆ جواب: از بازی کردن به آنها مطلقاً خودداری شود چه برد و باخت باشد یا نه؛ مگر اینکه عرفاً از آلت قمار بودن خارج شده باشد و برد و باخت نیز در میان نباشد.

◆ سوال: [۶۰۷] بازی کردن پاسور، بیلیارد، تخته نرد و شطرنج بدون برد و باخت مالی و فقط به نیت سرگرمی و تفریح چیست؟

◇ **جواب:** بازی با آلات فوق و هر وسیله دیگری، اگر از حالت اسباب قمار بودن خارج شده باشد اشکال ندارد؛ ولی اگر جزء آلات قمار و اسباب گناه و معصیت محسوب شود استفاده، نگهداری و بازی با آنها حرام است.

◇ **سوال:** [۶۰۸] بازی با شطرنج و پاسور کامپیوتری چه حکمی دارد؟

◇ **جواب:** بازی با هر نوع آلت قمار جایز نیست و آلات مذکور اگر شرط بندی و برد و باخت در آن باشد، یا از حالت قمار و بازی حرام بودن بیرون نشده باشند بازی با آنها حرام است.

شرط بندی

◇ **سوال:** [۶۰۹]

الف) پدرم می گوید شرط بندی بین زن و شوهر، یا شرط بندی بین والدین و فرزندان، یا شرط بندی بین فرزندان با یکدیگر، حرام نمی باشد، و از حکم کلی شرط بندی و قمار (بازی با برد و باخت مالی) مستثنی شده است، آیا صحیح است؟ آیا بین فقه های زمان پدر یا پدر بزرگ های ما چنین حکمی وجود داشته است؟

ب) گاهی دو نفر یا دو تیم با هم بازی می کنند، که تیم بازنده برای همه چیزی کم ارزش در حد بستنی می خرد، هیچ یک از طرفین هم با ناراحتی این کار را نمی کنند، آیا این هم حرام است؟ آیا

روشی برای تصحيح آن وجود دارد؟

◇ جواب:

- ۱- در فرض سؤال اگر شرط بندی در ضمن بازی باشد، مانندبازی با آلات قمار جائز نیست، اما اگر شرط بندی به این نحو باشد که هر کسی فلان کار را انجام بدهد یا زودتر انجام بدهد فلان مبلغ به او می‌دهم اشکال ندارد.
- ۲- بُرد و باخت چیزهای اندک مانند بستنی اگر بدون آلات قمار و شرطبندی باشد، اشکال ندارد.

مسائل خانواده

ذوی الارحام کیانند؟

◆ **سوال:** [۶۱۰] در اسلام بسیار به صله رحم تأکید شده که باید مراعات شود، پس حد صله رحم تا کجا است؟ عمو، دایی، خاله، عمه و پسران آنها یا بالاتر از آنها که رعایت حال آنها و باخبری از آنها صله رحم پنداشته می‌شوند و یا از نظر دوری خویشاوندی پایین‌تر از آنها هم شامل صله رحم اسلام می‌شود؟ لطفأً حد صله رحم در خویشاوندی را معین کنید که چه کسانی رعایت حال آنها واجب است.

◆ **جواب:** صله رحم از دستورات عام و پر منفعت دین مقدس اسلام و یکی از مهمترین آداب اجتماعی است که کینه‌های خانوادگی و کمبودها و نیازهای اجتماعی را از بین می‌برد مثل پدر، پدر بزرگ، عمو، عمه، خاله، ماما (دائی) و فرزندان آنها را شامل می‌شود و آنها ذوی الارحام محسوب می‌شوند، صله رحم با آنها لازم است و قطع صله رحم جواز ندارد.

حقوق والدین

◆ سوال: [۶۱۱] من مادری دارم که او را با تمام وجود دوست دارم و تمام سعی خودم را می‌کنم که به او احترام بگذارم، اما ایشان جووری با من رفتار می‌کند که اگر من به ایشان شبیه نبودم، یقین می‌کردم که من فرزندش نیستم؛ اما مادرم به محض این که از دستم عصبانی می‌شود مرا می‌زند و جلوی همه تحقیرم می‌کند، تهمت و زخم زبانم می‌زند؛ همیشه به من می‌گوید من از تو بدم می‌آید و از تو کینه دارم من واقعا نمی‌دانم چه کار کنم؟

وقتی جوابش را می‌دهم از خودم متنفر می‌شوم، که الان خدا از من عصبانی است و اعمالم قبول نیست و وقتی هم که چیزی نمی‌گویم عصبی می‌شوم و با بقیه بد اخلاقی می‌کنم، خواهش می‌کنم من را راهنمایی کنید وظیفه‌ی من در قبال مادرم و سایرین چیست؟

◆ جواب: یکی از وظایف مهم فرزندان نسبت به والدین اطاعت از آنان است، فرزندان وظیفه دارند که خواسته‌های مشروع والدین را

برآورده سازند و از دستوره‌های آنان سرپیچی نکنند؛ حتی اگر پدر و مادر فرزندش را از انجام عمل مستحبی نهی کنند، فرزند نباید آن عمل را انجام دهد؛ البته اگر اطاعت والدین موجب معصیت و نافرمانی خداوند شود، یا با یکی از واجبات الهی تعارض پیدا کند، وجوب اطاعت آنان برداشته می‌شود، در فرض سؤال احترام مادر واجب است، سعی کنید کار نکنید که مادر تان اذیت شود، همچنین در مقابل سایر اهل خانه با صبر و حوصله رفتار نمایید، ان شاء الله نزد خداوند مأجور خواهید بود.

◆ **سوال:** [۶۱۲] اینجانب همراه خانم و فرزندانم و مادر همسرم زندگی می‌کنم، پدر خانم فوت کرده و مادر همسرم کسی را ندارد تا با او زندگی کند. بنابراین همیشه با ما زندگی می‌کند. از طرفی پدرم چندین بار که آمده است خانه ما، مادر همسرم با او برخورد خوب نکرده و مانع آمدن پدرم می‌شود. من نمیدانم چه کنم آیا طرفداری از پدرم کنم یا حق با مادر همسرم هست؟

◆ **جواب:** در فرض سؤال پدر مقدم بر مادر زن است، صاحب خانه شما هستید و اگر پدرتان مصرفش را در آورده نتواند واجب النفقه شما است شما باید جا و مصارف ایشان را تأمین نمایید؛ ولی احترام مادر زن را نیز رعایت کنید.

◆ **سوال:** [۶۱۳] با توجه به اینکه روحانیون واجد شرایط موجود

پاسخگوی نیازهای داخل و خارج کشور نیستند، از سوی دیگر کمتر کسانی امروزه به دروس حوزی تمایل دارند و بیشتر سعی می‌کنند کورس زبان و غیره بروند و تحصیل علوم دینی برای کسانی که آمادگی دارند شکل واجب عینی به خود گرفته، آیا تحصیل رضایت والدین جهت ورود به حوزه علمیه لازم است؟ یا خیر.

◇ **جواب:** اگر ورود بدون رضایت پدر و مادر به حوزه موجب ایذاء و اذیت آنها (والدین) نشود، اشکال ندارد.

◇ **سوال:** [۶۱۴] اگر والدین با مسائل مهم و سرنوشت ساز فرزند بدون دلیل کافی مخالفت کنند؛ آیا جلب رضایت آنان لازم است؟

◇ **جواب:** در فرض سؤال اگر ثابت شود که آنها غیر منطقی و بدون دلیل مانع می‌شوند؛ مخالفت اشکال ندارد؛ ولی باید سعی کنند موجب ایذاء و ناراحتی پدر و مادر را فراهم نسازند.

◇ **سوال:** [۶۱۵] من پسری را از صمیم قلب دوست داشتم و حالا نیز دوست دارم و چنان به او دلباخته بودم که بدون او زندگی نمی‌توانستم.

والدین پسر چندین مرتبه به خانه ما به خواستگاری من آمدند و کوشش‌های خیلی زیاد کردند تا والدینم را راضی کنند، اما

والدین من حاضر نشدند، که مرا به پسر آنها بدهند آنها از اینکه من و آن پسر همدیگر را دوست داریم با خبر شده بودند و این را یک لکه بدنامی می دانستند.

من نیز به نوبه خود چندین مرتبه با مادرم در این مورد صحبت کردم ولی مادرم فقط یک جمله را تکرار می کرد که تو را می توانم بکشم ولی به آن پسر نمی دهم.

ما هر دو ناچار تصمیم گرفتیم، که به خانه پسر بروم و همانجا به حضور والدین پسر نکاح کنیم، شخصی که نکاح ما را می بست گفت که رضایت پدر دختر شرط است و ایشان با پدرم تماس تلفنی گرفت و پدرم به قهر رضایت داد و بعداً پدر شوهر با چند ریش سفید خانه پدرم رفتند تا ایشان را راضی کند؛ ولی در عوض پدرم گفته بود که دخترم را به شما بخشیدم ولی فکر کنید که او برای من مرده است و الحال ما با آنها رفت و آمد نداریم.

آیا این حرکت ما خلاف دین و مذهب ما بوده است؟ یا خیر.

◇ **جواب:** بنا بر احتیاط واجب در ازدواج دختر باکره اجازه پدر شرط است، اگر پدرتان به آن ازدواج راضی شده آن عقد نکاح صحیح است، ولی رابطه تان را با پدر و مادر قطع نکنید احترام آنها را نگهدارید.

حقوق اولاد

◆ سوال: [۶۱۶] در مواردی که والدین به فرزندان و یا معلمین به دانش آموزان عباراتی از قبیل «نفهم، بی شعور،...» را به کار می‌برند، آیا مرتکب معصیت می‌شوند؟ آیا این کار شرعاً جایز است؟ یا خیر.

◆ جواب: چنانچه از باب نصیحت باشد حرام نیست ولی اگر این کار از باب توهین و تحقیر به فرزند یا دانش آموز باشد، جواز ندارد.

◆ سوال: [۶۱۷] اگر فرزند بر اثر بی مهری‌ها، تبعیض‌ها و نگرانی‌هایی که پدر برای او فراهم می‌کند دست به خودکشی بزند و فوت کند، آیا ضمانتی از این بابت به عهده پدر ثابت است یا صرفاً گناهکار است؟

◆ جواب: صرفاً گناهکار است.

◆ سوال: [۶۱۸] با توجه به وجوب پرداخت نفقه اولاد توسط پدر بفرمایید:

الف) آیا در این حکم بین فرزند صغیر و کبیر تفاوتی هست؟ (اعم از متمکن و غیر متمکن)

ب) آیا مراد از تمکن، قدرت فعلی است یا توانایی بالقوه تحصیل مال را نیز شامل می‌شود؟

ج) در صورت تخلف فرزند واجب النفقه از دستورات شرعی پدر، آیا وجوب پرداخت نفقه وی ساقط می‌شود؟ (مثلاً نوجوان فقیری که پدر را اذیت نموده و از ورود وی به خانه شخصی‌اش جلوگیری می‌کند، واجب النفقه است؟)

◇ جواب:

الف) نفقه صغیر بر پدر واجب است و نفقه فرزند کبیر در صورتی واجب است که فرزند فقیر و یا قدرت بر کار نداشته باشد.

ب) توانایی بالقوه را هم شامل می‌شود.

ج) احترام پدر واجب است و تخلف از دستورات شرعی او حرام است، در فرض سوال فرزند واجب النفقه است مگر این که کمک به او موجب تبلی و بیکاری او شود.

◇ سوال: [۶۱۹]

الف) هرگاه جدایی فرزند از مادر یا خواهر و برادرش به سلامت روانی طرفین بالاخص کودک لطمه وارد کند (یعنی مشقت غیر

قابل تحمل برای طرفین ایجاد گردد) آیا می‌توان حضانت طفل را تا رسیدن به سن بلوغ یا رشد به یکی از والدین واگذار کرد؟

ب) آیا دادگاه می‌تواند با توجه به شرایط خاص والدین و حفظ مصالح طفل، بدون در نظر گرفتن سن طفل (۲ و ۷ سال) او را به پدر و یا مادر واگذار کند؟

ج) پس از رسیدن اطفال به سن بلوغ یا رشد، آیا پدر و مادر در رابطه با حضانت او تکلیف دارند؟

◇ جواب:

الف) بدون رضایت والدین جواز ندارد مگر در موارد اضطراری که حاکم شرع صلاح بداند حضانت را به یکی از والدین واگذار کند.

ب) در صورت صلاحیت والدین بدون رضایت آنها حق ندارد حضانت طفل را به دیگری بدهد.

ج) خودشان اختیار دارند که با مادر زندگی کنند یا با پدر.

ختنه

◇ سوال: [۶۲۰] شخصی از دوستان ما چند سال پیش سنت (ختنه) کرده بود، ولی هم اکنون متوجه شده است که ختنه مورد نظر در حدی که شرع مقدس تعیین کرده است نمی‌باشد، اکنون

چه باید کند؟ آیا نماز خواندن با چنین شرایطی امکان پذیر است؟ یا خیر؛ قابل یاد آوری است ما در کشور هلند زندگی می‌کنیم و اینجا شرایط مثل کشورهای اسلامی برای ختنه کردن مناسب نیست.

◇ **جواب:** ختنه در صحّت نماز و سایر عبادات تأثیر ندارد، مگر در مورد حج، که بدون ختنه کامل حج باطل است، و در صورت باطل شدن حج، در نتیجه زنان بر مرد حرام می‌شوند، در فرض سؤال آن فرد می‌تواند حالا خود را ختنه کامل کند.

◇ **سوال:** [۶۲۱] اشخاصی که در دهات زندگی می‌کرده بخاطر نبود امکانات و نبود دکتر بدست دلاک‌ها کامل ختنه نشده‌اند؛ در این صورت عبادات از قبیل روزه و نماز آنها چه خواهد شد؟ اگر اکنون به خاطر شرم و حیا نتواند حشفه را به طور صحیح بر دارد باقی عمر وی چه می‌شود؟

◇ **جواب:** در فرض سوال نماز و روزه اش صحیح است، چنانچه مقدار حشفه معلوم باشد، ختنه او صحیح است، و اگر حشفه اصلاً معلوم نباشد ختنه صحیح نبوده که در این صورت نیز به روزه و نمازش ضرر نمی‌زند، ولی حج مردی که ختنه کامل نشده باطل است.

جلوگیری از انعقاد نطفه

◆ **سوال:** [۶۲۲] حکم جلوگیری از بدنیا آمدن طفل بدون علت چیست؟ آیا وقفه بیشتر از چهار یا پنج سال بین ولادت‌ها جایز است؟

◆ **جواب:** ایجاد وقفه و جلوگیری از انعقاد نطفه با رضایت زوجین به صورت موقت اشکال ندارد، ولی در صورت انعقاد نطفه جلوگیری از به دنیا آمدن طفل جایز نیست.

◆ **سوال:** [۶۲۳] اگر پزشکان متخصص به خانمی بگویند که حامله شدن برایش خطر جانی دارد، آیا او می‌تواند لوله‌های خود را ببندد؟ آیا این مورد از مصادیق اضطرار است؟

◆ **جواب:** اگر پزشکان متخصص و مورد اعتماد باشند، با رضایت شوهر می‌تواند لوله‌های خود را ببندد.

◆ **سوال:** [۶۲۴] آیا برای کاشت «نورپلانت = کپسول زیر پوست کردن» باید از همسر اجازه گرفت؟

◆ **جواب:** اگر موجب عقیم شدن شود، باید اجازه بگیرد و الا اجازه لازم نیست.

◆ **سوال:** [۶۲۵] بیماری به علت بیماری خاص تحت عمل جراحی قرار گرفته و زمینه برای انجام عمل (واژکتومی = عقیم

سازی) مناسب است، آیا در این شرایط می‌توان بیمار را وازکتومی کرد؟

◇ **جواب:** عقیم کردن در غیر ضرورت برای همیشه جواز ندارد ولی عقیم کردن موقت اشکال ندارد.

◇ **سوال:** [۶۲۶] افرادی که موقع انزال منی عزل می‌کنند و یا از کاندوم استفاده می‌کنند، آیا شرعاً مسئولیت دارند؟

◇ **جواب:** شرعاً اشکال ندارد.

◇ **سوال:** [۶۲۷] در صورتی که برای جلوگیری از بارداری اجازه شوهر لازم باشد و وی متقاعد نشود و به هیچ وجه رضایت ندهد، چه باید کرد؟

◇ **جواب:** در غیر مورد ضرورت اجازه شوهر لازم است.

◇ **سوال:** [۶۲۸] آیا جلوگیری از انعقاد نطفه با استفاده از هر وسیله مشروعی که بی ضرر باشد و باعث نقص مرد یا زن نشود جایز است؟ یا خیر؛ اگر مستلزم نظر و لمس نامشروع باشد و از سوی دیگر ضرورت فردی یا اجتماعی این امر را تقاضا کند تکلیف چیست؟

◇ **جواب:** در فرض سؤال جلوگیری به طور موقت، از راه مشروع اشکال ندارد؛ ولی عقیم کردن به طور دائم یا به طوری که مستلزم مقدمات حرام باشد جایز نیست.

◆ **سوال:** [۶۲۹] ما یک زن و شوهر هستیم که سه پسر و یک دختر داریم و برای جلوگیری از بارداری از داروی ضد بارداری استفاده می‌کردم اما در اثر استاندارد نبودن یا بی کیفیتی دوا خانمم باردار شده، در حالیکه فرزند کوچک مان یکسال و دو ماه دارد، همسرم به خاطر بارداری شیر دادن به او را قطع کرده است، لذا طفلم از رشد بازمانده و وضعیت صحی همسرم نیز خوب نیست، در صورتیکه کدام مانع از نظر دین اسلام نداشته باشد ما می‌خواهیم که این طفل را سقط نمایم، آیا کدام ممانعت وجود دارد؟ یا خیر؛ اگر این کار را اجرا نمایم به چه کفاره‌ای گرفتار می‌شویم؟

◆ **جواب:** در فرض سؤال سقط جنین حرام و موجب دیه است؛ لذا نباید سقط کنید.

◆ **سوال:** [۶۳۰] آیا حضرت‌عالی محدود کردن تعداد بچه را کاری شرعی می‌دانید؟

◆ **جواب:** محدود کردن تعداد فرزندان شرعا اشکال ندارد.

◆ **سوال:** [۶۳۱] مادری به طور پیاپی و در طول کمتر از دو سال دوبار باردار شده و به شیوه سزارین (جراحی) زایمان کرده است. این جراحی نیز به دلیل استعمال مواد بیهوشی و لطمه‌ای که بدلیل شکافتن رحم به آن وارد می‌آورد عوارض متعددی برای سیستم

مغز و اعصاب، سیستم استخوان بندی و کم خونی و... برای مادر داشته و بر اساس نظر پزشکان نه تنها امکان زایمان طبیعی دیگر میسر نبوده بلکه اساساً حداکثر امکان زایمان با سزارین را دو بار می‌دانند و بارداری مجدد قطعاً منجر به جراحی سزارین دیگری برای او خواهد بود، پزشکان با اینکه حفظ جنین را ممکن می‌دانند اما اساساً این بارداری و زایمان را برای مادر قطعاً مضر و دارای عوارض غیر قابل جبران می‌دانند، حال این مادر به فاصله سه ماه از زایمان دوم خود مجدداً برای بار سوم باردار شده است، با مقدمات فوق لطفاً حکم شرعی سقط جنین را در دو صورت زیر روشن فرمایید:

الف) در مرحله نطفه

ب) در مرحله علقه

◇ **جواب:** در فرض سؤال اگر خطر مرگ برای مادر وجود دارد؛ می‌تواند نطفه یا علقه را سقط کند، ولی کفاره دارد. اما در غیر خطر مرگ برای مادر سقط جنین جواز ندارد.

◇ **سوال:** [۶۳۲] اگر جنینی در مراحل ابتدایی باشد و به صورت انسان کامل در نیامده باشد، اما باقیماندن جنین در آن حالت و سپس تولد ناقص آن به تصدیق اهل اطلاع متدین باعث عسر و حرج شدید برای پدر و مادر گردد، آیا پایان دادن به حاملگی جایز است؟ اگر سقط جنین جائز است آیا دیه هم دارد؟ یا خیر.

◇ **جواب:** سقط جنین مطلقاً جایز نیست؛ مگر در صورتیکه بقاء جنین قبل از چهار ماهگی (که روح دمیده نشده) طبق نظر و تشخیص متخصصین ثابت شود که باقی ماندن آن موجب مرگ مادر می شود در این صورت سقط جایز است؛ ولی دیه به عهده مباشر سقط است. اما بعد از دمیده شدن روح اصلاً سقط جنین جواز ندارد.

◇ **سوال:** [۶۳۳] سقط جنین بیست روزه با علم به این که تولدش برای مادر خطر دارد از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

◇ **جواب:** اگر دکترهای متخصص و مورد اعتماد بگویند که باقی ماندن بچه در شکم مادر موجب مرگ مادر می شود، در صورتی که روح دمیده نشده باشد سقط جنین جایز است ولی دیه دارد در غیر این صورت اگر روح دمیده شده باشد سقط جایز نیست.

احکام شیردادن

◆ **سوال:** [۶۳۴] مادری که فرزند دخترش را شیر داده آیا این زن به شوهرش جایز است؟ یا خیر.

◆ **جواب:** در فرض سؤال اگر شیر با شرایط نشر حرمت باشد، داماد این زن بر دخترش و دخترش به دامادش حرام می‌شوند.

◆ **سوال:** [۶۳۵] بنده می‌خواهم با دختری ازدواج کنم، این دختر از مادرم یک مرتبه به مدت ده دقیقه شیرخورده است آیا من می‌توانم با ایشان ازدواج کنم؟ یا خیر.

◆ **جواب:** در فرض سؤال که شرایط نشر حرمت محقق نشده است، شما می‌توانید با او ازدواج کنید.

◆ **سوال:** [۶۳۶] همسر من بچه‌ی برادرم را شیر داده و این بچه از همسر قبلی برادرم بوده که فوت کرده است، برادرم پس از مرگ همسر اولش، همسر دیگری اختیار کرده است، همسر دوم برادرم شیر داده است، دخترم را که از همان خانمی است که پسر برادرم

را شیر داده بود، حال حکم ازدواج این پسر و دختر و باقی پسران و دخترانم با دختران و پسران برادرم چیست؟

◇ **جواب:** در فرض سؤال، اگر تمام شرایط رضاع موجود بوده، پسر برادران بر تمام فرزندان محرم است و نمی‌تواند با دختران شما ازدواج کند و همچنین دخترتان بر تمام فرزندان برادران و فرزندان این خانم که دخترتان را شیر داده است محرم‌اند و نمی‌توانند با هم ازدواج کنند.

احکام نگاه و حجاب

◆ **سوال:** [۶۳۷] نگاه کردن به نامحرم با شهوت حق الناس است

یا حق الله؟

◆ **جواب:** حق الله است، نه حق الناس و حرام است.

◆ **سوال:** [۶۳۸] با توجه به حرمت شرعی نگاه به نامحرم و وضعیت

نامناسب حجاب و پوشش، آنها در جامعه، حکم نگاههایی که ناخواسته

وبصورت مکرر، بدون ریبه انجام می‌پذیرد چیست؟

◆ **جواب:** اگر نگاه از روی عمد و ریبه نباشد اشکال ندارد.

◆ **سوال:** [۶۳۹] در کشورهای اروپایی، قبل از رفتن به استخر شنا

باید با بدن کامل برهنه یعنی بدون شورت دوش بگیریم، جایی که

دوش می‌گیرم مردان همدیگر را می‌بینند، البته قسمت مردانه و

زنانه از هم جدا هستند، از نظر شرعی این کار چه حکمی دارد؟

◆ **جواب:** نظر کردن مرد به عورت مرد دیگر در هر شرایطی جواز

ندارد و حرام است.

◆ **سوال:** [۶۴۰] در مورد نگاه کردن مسابقات ورزشی از قبیل فوتبال، که در آنها غالباً اندام ورزشکاران دیده می‌شود و همچنین در رابطه با نگاه کردن سریال‌های تلویزیونی که غالباً خانم‌ها با آرایش در آنها نقش بازی می‌کنند، چیست؟

◆ **جواب:** از روی ریه و شهوت نگاه کردن جواز ندارد؛ اگر موجب تحریک جنسی شود برای بیننده (چه مرد باشد یا زن) حرام است، نباید نگاه کند.

◆ **سوال:** [۶۴۱] آیا مرد می‌تواند در فیلمی بازی کند که زن نامحرم نقش همسر او را دارد و جلوی دوربین به او حرف‌های عاشقانه بزند؟

◆ **جواب:** در فرض سؤال بازی در چنین فیلم‌هایی حرام است و جواز شرعی ندارد.

◆ **سوال:** [۶۴۲] در مسجدهای برنامه‌ای به مناسبت سالروز شهادت یا ولادت یکی از معصومین (ع) برگزار است؛ بین زنان و مردان پرده‌ی حایل است، طوری که همدیگر را نمی‌بینند؛ ولی صدای همدیگر را در هنگام صحبت کردن می‌شنوند. در چنین محفلی خواهری می‌خواهد شعر یا مقاله‌ای را بخواند.

آیا این خواهر از نظر شرعی اجازه دارد که در قسمت مردانه بیاید و پشت تریبون قرار بگیرد؟

چنانچه جواب منفی است میکروفون (بی سیم) را بفرستیم در قسمت زنانه تا آن خواهر از همان جا بخواند چه حکمی دارد؟

◇ **جواب:** در فرض سؤال خواندن شعر با صوت توسط خواهران در صورتیکه مردان اجنبی صدایشان را بشنود جائز نیست؛ ولی اگر بدون صوت باشد همچنین خواندن مقاله، در صورتیکه مهیج شهوت نباشد اشکال ندارد؛ همچنین مانند فرض سوال حضورشان در مجالس مردان با حفظ حجاب اشکال ندارد، ولی بهتر است این گونه مجالس در غیر مسجد گرفته شود.

◇ **سوال:** [۶۴۳] آیا دیدن فیلم و عکس جنسی برای متأهل که خوف حرام نباشد، اشکال دارد؟

◇ **جواب:** اگر مهیج شهوت باشد جایز نیست.

◇ **سوال:** [۶۴۴] کمترین حدّ حجاب برای یک زن از نظر شرع چیست؟ و حدّ اعلای آن کدام است؟

چرا باید فقط زنان هنگام نگاه مرد صورت خود را بپوشانند؟ با توجه به اینکه در جامعه کنونی برخوردها و تعاملات اجتماعی به صورتی است که بدون نگاه و رؤیت امکان پذیر نیست، حال در چنین جامعه‌ی تکلیف زن مسلمان چیست؟ آیا باید کاملاً وجه و کفّین خود را بپوشانند؟ یا اینکه حد حجاب توجیه دیگری دارد؟

◇ جواب:

ج ۱) حد اقل حجاب برای زنان از نامحرمان همان حد واجب است که به استثنا وجه و کفین و قدمین تمام بدن باید پوشیده باشد و حداکثر اینکه در صورت عدم مشقت و کلفت این قسمت های بدن را نیز از نامحرمان پوشانند.

ج ۲) در فرض سوال هم وظیفه مردان است که به صورت و کفین زنان نامحرم از روی شهوت، لذت و ریه نگاه نکنند و هم وظیفه زن است که در صورت وقوع نگاه نامحرم به صورت و کفین اش از روی التذاذ، صورت و کفین خود را نیز پوشاند تا مورد طمع و تجاوز ناهلان قرار نگیرد و حرمت زنان محفوظ بماند.

◇ سوال: [۶۴۵] آیا دیدن فیلم های انگلیسی که البته بعضی از آنها تصاویر زنان بی حجاب را دربر داشته باشد، جهت تقویت زبان انگلیسی اشکال دارد؟ یا نه.

◇ جواب: در فرض سوال اگر به قصد لذت بردن نگاه نکنید اشکال ندارد ولی تقویت زبان بدون نظر به بدن و تصویر نیز هم امکان دارد.

◇ سوال: [۶۴۶] آیا از نظر شرع پوشش کف و پشت پای زنان واجب است؟ آیا پوشاندن تمام بدن به جز گردی صورت و دست ها تا مچ برای زنان به هر نوع لباس غیر زینتی کافی است؟ یا رعایت شرایط دیگر در حجاب واجب و لازم است؟

◇ **جواب:** این اندازه کشف حجاب فقط در نماز معفو است، اما اگر در معرض دید نامحرم باشد همان مقدار نیز باید پوشانده شود؛ مگر اینکه مورد التذاذ مردان نامحرم نباشد.

◇ **سوال:** [۶۴۷] حد حجاب زنان در مقابل محارم چه مقدار است، آیا زنان و دختران می‌توانند در برابر محارم خویش نیمه عریان یا با سر و گردن و مقداری از سینه و دستها و پاهای نپوشیده ظاهر شوند؟

◇ **جواب:** بهتر است زنهای جوان و دختران بزرگ بیشتر از حد معمول بدن خود را حتی برای محارم جوان خود نیز ظاهر نکنند.

◇ **سوال:** [۶۴۸] آیا احکام مربوط به نگاه کردن و لمس کردن و ... در مورد افراد نامحرم (چه مرد و چه زن) در حالت بیهوشی، بیمار و یا مرگ مغزی نیز پابرجا هستند؟

◇ **جواب:** بلی حکم حرمت ثابت است و لمس کردن نامحرم، افرادی را که در حال بی‌هوشی و یا در حال سکنه مغزی هستند، جواز ندارد.

◇ **سوال:** [۶۴۹] با توجه به عدم وجود نیروی متخصص برای آموزش قرآن کریم ویژه خواهران حضور برادران در کلاس خواهران جهت آموزشی قرآن کریم که مستلزم شنیدن صدای نامحرم برای طرفین هست چه حکمی دارد؟

◇ **جواب:** اگر به قصد لذت بردن و ریبه نباشد اشکال ندارد، ولی بهتر است آموزش زنان توسط زنان و آموزش مردان توسط مردان انجام گردد.

◇ **سوال:** [۶۵۰] در کشور فرانسه قوانینی وضع شده که بر حسب آن کسی حق ندارد در محیط درس و کار و آموزشگاه‌ها نمادی که نمایانگر دین باشد، به همراه داشته باشد.

آیا دختران و زنانی که در این کشور زندگی می‌کنند می‌توانند بدون روسری تحصیل، کار و فعالیت کنند یا بی سواد در خانه بدون فعالیت بمانند و حجابشان را حفظ کنند؟

◇ **جواب:** اگر امکان دارد جمع کند بین حجاب اسلامی و درس خواندن و اگر رعایت حجاب امکان نداشته باشد از آن کشور مهاجرت کند و به کشوری برود که بتواند دستورات دینی‌اش را انجام دهد.

محارم سببی و نسبی

◇ **سوال:** [۶۵۱] سوال من این است که چه کسی با من محرم است؟ آیا زن برادر هم محرم می‌باشد و اگر هست باید تا چه اندازه حجاب رعایت شود؟

◇ **جواب:** در فرض سؤال مادر و خواهر خاله و عمه محرم هستند؛

اما زن برادر برای انسان محرم نیست.

◆ **سوال:** [۶۵۲] دست دادن با خواهر زن در صورت احوال پرسبی چه حکمی دارد؟

◆ **جواب:** خواهر زن نامحرم است و دست دادن با او جواز ندارد.

◆ **سوال:** [۶۵۳] زن شوهرداری با مردی متأهل مرتکب زناي محصنه شده است و پس از آن زن باردار گردیده و با علم قریب به یقین جنین را از آن زانی می‌داند، حکم فرزند متولد شده در صورتی که هیچ کس از این موضوع مطلع نگردد چیست؟

آیا لازم است به دلیل ندامت و پشیمانی موضوع را آشکار کرد؟

آیا امکان دارد پس از یک توبه واقعی فرزند متولد شده را به شوهر خود نسبت دهد و هیچ وقت این موضوع را آشکار نسازد؟
لطفا راهنمایی فرمایید.

◆ **جواب:** در فرض سوال باید کسی که مرتکب این گناه بزرگ شده است توبه کند، اما در صورتی که در حین ارتکاب عمل زنا، شوهر شرعی این زن، با او یکجا زندگی می‌کرده است، فرزند به این شوهر شرعی ملحق است و افشای این معصیت جائز نیست.

استفاده از عکس زنان در تبلیغات

◆ **سوال:** [۶۵۴] استفاده از عکس زنان مسلمان بازیگر سینما بر

روی مجله‌ها برای تبلیغ جهت فروش آنها چه حکمی دارد؟

♦ **جواب:** اگر زنان با حجاب باشند و موجب تهییج شهوت نشوند اشکال ندارد در غیر این صورت حرام است.

♦ **سوال:** [۶۵۵] آیا نگاه کردن به عکس زن غیر مسلمان چه با لذت و چه غیر آن حرام است؟

♦ **جواب:** در فرض سوال نگاه کردن با لذت حرام است و بدون لذت اگر مفسده نداشته باشد اشکال ندارد.

کاندیداتوری زنان

♦ **سوال:** [۶۵۶] کاندیدا شدن زن برای شوراهای ولایتی و تبلیغ و تعریف از آنها جهت انتخاب شدن همراه با چاپ و پخش عکس چه حکمی دارد؟

♦ **جواب:** کاندید شدن و تبلیغ از زنان فی نفسه اشکال ندارد؛ اما اگر موجب تهییج مردان نامحرم باشد حرام است.

♦ **سوال:** [۵۶۷] آیا یک زن می‌تواند در حضور مردان بر منبر که جایگاه پیامبر اسلام (ص) است بنشیند و بر مردم موعظه کند؟

♦ **جواب:** نفس منبر رفتن زن اشکال ندارد، مگر اینکه در حضور نامحرم باشد و گوش دادن به صدای زن موجب فساد شود، که

در این صورت جازز نیست.

◆ **سوال:** [۶۵۸] در رساله‌های منسوب به حضرتعالی، در کابل و سایر شهرها که به کثرت در دسترس مؤمنین است، این فتوا صریحاً در آن موجود است که شما رأی دادن به خانم‌های کمتر از شصت سال را جایز نمی‌دانید؛ ما با منتقدان فراوانی بر سر این گونه مسائل مواجه هستیم لطفاً موضع خود را در این خصوص به گوش همگان برسانید.

◆ **جواب:** کار در امور اجتماعی محدودیت سنی ندارد، بلکه بر هر زن مسلمانی حفظ حجاب اسلامی در همه جا واجب است، مخصوصاً خانم‌هایی که کارمند هستند، در فرض سوال رأی دادن به زنی که مراعات حجاب اسلامی را می‌کند در هر سنی اشکال ندارد.

◆ **سوال:** [۶۵۹] آیا زنها می‌توانند در امور سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بدون توجه به جوان، پیر، زیبا و زشت بودن شرکت کنند؟

◆ **جواب:** شرکت زنان در امور سیاسی و اجتماعی با مراعات حجاب اسلامی و سایر امورات شرعی اشکال ندارد.

آرایش و زیبایی

◆ **سوال:** [۶۶۰] استفاده عطر و ادکلن برای بانوان چه حکمی دارد؟

◇ **جواب:** برای بیرون از خانه در میان مردان نباید از بوی خوش استفاده کنند؛ ولی برای شوهر اشکال ندارد بلکه مستحب است.

◇ **سوال:** [۶۶۱] آیا جراحی پلاستیک که به منظور زیبایی بعضی از آقایان و خانمها انجام می دهند، جایز است؟

◇ **جواب:** اگر ضرر نداشته باشد و در صورتی که که مانع از رسیدن آب به بدن نشود، اشکال ندارد.

◇ **سوال:** [۶۶۲] جراحی زیبایی در صورتی که مستلزم حرامی (مانند لمس و نظر حرام) باشد و یا ضرر مهم دیگری داشته باشد چه حکمی دارد؟

◇ **جواب:** در فرض سوال جواز ندارد.

◇ **سوال:** [۶۶۳] حکم اصلاح جزیی و مرتب کردن بعضی از قسمتها که منظره خوشایندی ندارد برای مردان چیست؟ آیا آرایش مردان مثل زنان شود جایز است؟

◇ **جواب:** اگر عرفاً صدق تراشیدن ریش نکند اشکال ندارد؛ اگر مرد خود را به صورت زنان در آورد جواز ندارد.

◇ **سوال:** [۶۶۴] اصلاح صورت برای دختران با توجه به اینکه برخلاف عرف و عادت است شرعاً چه حکمی دارد؟

◇ **جواب:** اگر مفسده به دنبال نداشته باشد، فی نفسه اشکال ندارد.

◆ **سوال:** [۶۶۵] حکم عطر زدن برای خانمها در خارج از منزل، چنانچه مقدار کمی برای از بین بردن بوی عرق و مانند آن باشد چیست؟

◆ **جواب:** در فرض سؤال اگر به مقداری کمی باشد که مردان نامحرم استشمام نکند اشکال ندارد.

◆ **سوال:** [۶۶۶] آرایش گردی صورت و دستها تا مچ در صورتی که خفیف باشد و عرفاً منشأ مفسده‌ای نگردد از نظر شرع چیست؟

◆ **جواب:** اگر موجب مفسده نبوده و در معرض دید نامحرمان نباشد اشکال ندارد.

در منظر قرار دادن لباس مخصوص زنان

◆ **سوال:** [۶۶۷] قرار دادن لباسهای زنانه‌ای که تنها محارم زنان می‌توانند آنها را بر تن زنان ببینند در ویتترین مغازه‌هایی که در معرض دید عموم است چه حکمی دارد؟

◆ **جواب:** اگر مهیج نباشد اشکال ندارد.

ارتباط زن و مرد نامحرم

◆ **سوال:** [۶۶۸] حکم گفتگو با نامحرم در محیط کار در صورتی که جهات شرعیّه مراعات شود، و به جز آن دو نفر شخص ثالثی

نیز وجود داشته باشد، یا امکان ورود دیگری بدون اجازه آنها باشد و سخنان عادی و معمولی رد و بدل شود، چیست؟

◇ **جواب:** ماندن یک زن و یک مرد نامحرم در یک خانه جائز نیست؛ مگر در مواردی که شرعاً جائز باشد، مانند گفتگوهای بسیار ضروری که آن نیز باید به مقدار ضرورت و بدون قصد ریه و لذت بوده و درب ورودی باز باشد؛ در فرض سؤال اگر مفسده نداشته باشد اشکال ندارد، اگرچه احوط ترک خلوت کردن با نامحرم است.

◇ **سوال:** [۶۶۹] در هنگام زایمان، اگر زنی نباشد تا در وضع حمل کمک کند، آیا مرد می‌تواند دخالت کند؟

◇ **جواب:** در هنگام ضرورت جایز است.

◇ **سوال:** [۶۷۰] چت کردن با نامحرمان در دنیای مجازی چه حکمی دارد؟

◇ **جواب:** مطلق چت کردن حرام نیست؛ ولی هرگونه ارتباط عاشقانه بین مرد و زن نامحرم، شرعاً حرام است؛ از آنجایی که این گونه ارتباطها غالباً خالی از مفسده نیست، سزاوار است از این کار پرهیز شود.

◇ **سوال:** [۶۷۱] من دختری هستم نوزده ساله و خیلی به مسائلی که روزه را باطل می‌کند حساس هستم، قرار است من بعد از ماه

رمضان با پرسی عقد کنم و تمامی کارهای مقدماتی انجام شده است، آیا من می‌توانم با نامزدم با زبان روزه تلفنی صحبت کنم چون می‌گویند باید بیشتر آشنا شویم.

◇ **جواب:** اگر صرفاً بخاطر شناخت یکدیگر باشد صحبت کردن به قدر ضرورت در صورت که بدون که مهیج شهوت همدیگر باشید، اشکال ندارد؛ اما صحبت‌های عشقی و مهیج قبل از اجرای عقد جائز نیست.

◇ **سوال:** [۶۷۲] من پرسی هستم بیست و یک ساله و ساکن لندن؛ وضعیت ما مسلمانان در این کشور چیست؟ چون در اینجا سلام و احوال پرسی به سبک غربیها (دست دادن) بین مرد و زن متداول است، آیا اگر هیچ نیت دیگری جز آداب اجتماعی نباشد، دست دادن به نامحرم جواز دارد؟

◇ **جواب:** دست دادن زن و مرد اجنبی و نامحرم به همدیگر حرام است؛ فرهنگ غیر اسلامی نمی‌تواند حرام خدا را حلال کند.

◇ **سوال:** [۶۷۳] در کشوری که ما زندگی می‌کنیم، زیاد ترویج اسلام نشده است و مردم دست ندادن را به حساب بی‌احترامی و خود خواهی می‌گذارند، می‌خواستم بپرسم که آیا دست دادن با مرد نامحرم در صورتی که هیچ فساد، شهوت و نیت بدی وجود نداشته باشد جایز است؟

◇ **جواب:** دست دادن زن و مرد نامحرم به همدیگر حرام است چه قصد لذت داشته باشند چه این قصد را نداشته باشند.

◇ **سوال:** [۶۷۴] در شرایطی که دست دادن صرفاً نشانه ادب و احترام و بخشی از معارفه‌ی رسمی با فرد نامحرم غیرمسلمان باشد، در حالیکه او درکی از دلیل امتناع از دست دادن ندارد و آن را نشانه بی‌احترامی می‌داند و ناراحت می‌شود، همچنان این عمل حرام است؟

(در کشور غیرمسلمان با فرد غیرمسلمان که این اطمینان وجود دارد که دست دادن تاثیری در او ندارد.)

◇ **جواب:** تماس بدن مرد اجنبی با بدن زن اجنبیه مطلقاً حرام است.

◇ **سوال:** [۶۷۵] بنده در دفتر یک موسسه بین‌المللی کار می‌کنم که خارجی‌ها نیز در آنجا کارمند هستند، بعضی اوقات با خانم‌های خارجی روبرو می‌شوم که با هم دست می‌دهیم اگر این کارا نکنم از نظر نزاکت بین‌دفتری و همکاری بودن خیلی بد است.

سؤال این است که آیا این قول (دست) دادن جواز دارد؟ این را نیز می‌دانم که دست دادن مرد و زن نامحرم با یکدیگر حرام است، آیا با خانم‌های خارجی نیز چنین است؟

◇ **جواب:** در فرض سؤال دست دادن با زن اجنبی مطلقاً چه مسلمان و چه غیرمسلمان حرام است. البته با دستکش در صورت

که بدون قصد لذت باشد دست دادن اشکال ندارد.

◆ **سوال:** [۶۷۶] من در یک کشور اروپایی زندگی می‌کنم و در کمپ ما مجبور هستیم که با زن و مرد آن‌ها دست داده و بغلکشی کنیم؛ از نگاه اسلام چه حکمی دارد؟

◆ **جواب:** دست دادن، بغل کشی و هرگونه تماس بدنی دیگری مرد با زن نامحرم شرعاً حرام است.

◆ **سوال:** [۶۷۷] در بین دو بازیگر زن و مرد که نامحرم هستند در هنگام ایفای نقش ممکن است در دیالوگ کلمات محبت‌آمیزی نیز باشد، آیا می‌شود چنین دیالوگی را در فیلم گفت؟

◆ **جواب:** بازی کردن مرد و زن نامحرم و کلمات محبت‌آمیز گفتن به همدیگر چه در فیلم چه غیر آن جواز شرعی ندارد.

◆ **سوال:** [۶۷۸] دست دادن با زن اجنبی در صورتی که وی دست خود را جلو آورد و عدم مصافحه تنها دلیل بی‌احترامی به وی تلقی گردد و نه چیز دیگر، چیست؟ این سوال در فرض اضطراب است یعنی فرد خود را در چنین موقعیتی قرار نداده بلکه به ناچار در آن قرار گرفته است.

◆ **جواب:** در چنین شرایطی هم دست دادن با زن نامحرم جواز ندارد، مگر اینکه فرد مسلمان با دستکش و بدون قصد لذت دست بدهد.

◆ **سوال:** [۶۷۹] حکم اختلاط زن و مرد در دفتر کار یعنی همکار بودن مرد و زن در یک دفتر که تفکیک مرد و زن به هیچ وجه امکان پذیر نیست، البته امکان تردد وجود دارد چه می باشد، اگر فرضاً کار کردن در زیر یک سقف حرام باشد، آیا باید از کارکردن در چنین دفاتری خودداری کرد؟

◆ **جواب:** اگر شئون اسلامی را رعایت کنند اشکال ندارد؛ ولی چنانچه مفسده داشته باشد، یعنی بترسد که به حرام واقع شود، در این صورت جواز ندارد.

◆ **سوال:** [۶۸۰] چرا دست دادن با مرد نامحرم که جای پدرمان باشد و او را می شناسیم که نیت بدی ندارد حرام است؟

◆ **جواب:** دست دادن زن با مرد نامحرم اگرچه پیر مرد باشد جواز ندارد؛ ادله حرمت این مورد را نیز شامل می شود.

◆ **سوال:** [۶۸۱] آیا زن و مرد مسمان با مسلمان نامحرم و یا کفار با پوشیدن دستکش قول داده می توانند، ما در کشور دانمارک زندگی می کنیم و این موضوع نقش مهمی در کارهای روز مره ما دارد.

◆ **جواب:** اگر برای لذت نباشد دست دادن از روی دستکش اشکال ندارد.

◆ **سوال:** [۶۸۲] ما در کشور سوئد زندگی می کنیم و قول دادن مرد و زن یک فرهنگ در بین این جامعه است، که اگر چنین

نکنیم، این مردم از ما نفرت پیدا می‌کنند و شاید کارهای ما را نیز به تعویق اندازند، پس تکلیف ما چیست؟

◇ **جواب:** دست دادن مرد با زن نا محرم جواز ندارد و فرهنگ دست دادن در آنجا موجب نمی‌شود که شما مرتکب حرام شوید، سعی کنید فرهنگ اسلام را به اطلاع آنها برسانید و عذر خود را به آنها بفهمانید.

◇ **سوال:** [۶۸۳] راه محرمیت شوهر خواهر به خواهر زن را بیان فرمائید؟

◇ **جواب:** در فرض سؤال اگر با اجازه زوجه با دختر خواهر این زوجه ازدواج کند (عقد کند) خواهر زن برای این شخص محرم می‌شود و این راه محرمیت است.

◇ **سوال:** [۶۸۴] من دختری را دوست دارم، ولی او نامزدی دائمی دارد و مشکل من همین است لطفا راهی جلوی پای من قرار دهید.

◇ **جواب:** اگر آن دختر شوهر دارد، دوست داشتن زن شوهر دار جایز نیست، اگر شوهر با اختیار خود طلاق دهد بعد از انقضای عده می‌توانید با آن زن ازدواج کنید و الا چنین دوست داشتنی جواز ندارد.

ارتباط زن و مرد در فضای مجازی

◆ **سوال:** [۶۸۵] پیام و کامنت احساسی برای نامحرم در

گفتگوهای مجازی (ایترنت) چه حکمی دارد؟

◆ **جواب:** اینگونه تماس‌ها مطلقاً حرام است و باید جداً خود داری شود.

◆ **سوال:** [۶۸۶] نظر گذاشتن در وبلاگ نامحرم و مباحثه و ارتباط

از طریق وبلاگ که بدون شنیدن صدا و دیدن صورت انجام می‌گیرد و نظرات عادی هستند چه حکمی دارد؟ اگر موارد مختلف است بیان کنید.

◆ **جواب:** در فرض سؤال اگر برای کار عقلانی باشد و موجب

تهییج شهوت نشود و مفسده دیگری نیز نداشته باشد، اشکال ندارد و الاً حرام است؛ ولو صدای همدیگر را نشنود.

◆ **سوال:** [۶۸۷] رابطه‌ی بین دختر و پسر در حد دیدن یکدیگر و

یا صحبت کردن با تلفن یا ارتباط دیداری یا شنیداری یا نوشتاری از طریق ایترنت اگر به قصد ازدواج باشد چه حکمی دارد؟

◆ **جواب:** در فرض سؤال حرفه‌هایی که تحریک شهوت کنند جایز

نیست، حرف زدن در حد ضرورت که مربوط به اصل ازدواج باشد، اشکال ندارد.

◆ **سوال:** [۶۸۸] چت کردن با جنس مخالف چه حکمی دارد؟ اگر

مقدمه ازدواج باشد یا احتمال هیچگونه خطر فساد وجود نداشته

باشد، در این صورت حکم چیست؟

◇ **جواب:** جائز نیست مگر اینکه یقین به عدم ابتلاء به حرام باشد

که در این صورت در حد ضرورت اشکال ندارد.

ارتباط با زن شوهر دار

◇ **سوال:** [۶۸۹] زن «الف» در زمانی که شوهر داشت و متأهل بود

اما جدا از شوهرش زندگی می‌کرده و منتظر نوبت دادگاه و

محضر برای جاری کردن صیغه طلاق بود با مرد «ب» زنا انجام

داد، آیا بعد از طلاق گرفتن از شوهرش و گذشتن زمان عده می-

تواند با آن مرد «ب» عقد نماید؟ با توجه به این نکته که این زن

«الف» و مرد «ب» هنوز با یکدیگر ارتباط دارند و نمی‌خواهند

بیش از این گناه کنند و دنبال راهی می‌گردند که به هم محرم

شوند و عقد نمایند، حتی اگر عقد موقت؛ وقتی از امام جماعت

مسجد سوال کردند به آنها گفته که دنبال مرجع تقلیدی بگردند

که این مسئله را حرام ندانسته باشد و همچنین در زمانی که این

عمل را انجام داده‌اند هیچ کدام حکم مسئله را که موجب حرمت

ابدی می‌شود را نمی‌دانسته و اکنون از عمل‌شان پشیمان هستند،

لطفاً اگر برای بیرون رفت از این مشکل راه حلی وجود دارد بیان

فرمایید.

◇ **جواب:** در فرض سؤال آن زن بر مرد زانی حرام ابدی شده و نمی‌تواند با او ازدواج کند نه ازدواج دائم و نه موقت.

◇ **سوال:** [۶۹۰] زنی در عقد شخصی بوده و با او واقعه نداشته و فرد دیگری با آن زن زنا کرده و زن حامله شده بفرمائید زن مذکور بر زانی حرام مؤبد می‌شود یا خیر و نیز تکلیف زن نسبت به شوهرش که در عقد او بوده چه صورت دارد؟

◇ **جواب:** زن زانیه بر زانی حرام مؤبد شده و زانی نمی‌تواند با آن زن ازدواج کند؛ اما نسبت به شوهرش در عقد او باقی است.

◇ **سوال:** [۶۹۱] دختری که قبل از نامزدی با پسری دوست بوده و با او نزدیکی داشته و اکنون با کسی دیگری با اکراه نامزد شده و پسر اولی نمی‌تواند دختر را فراموش کند لذا بعد از نامزدی نیز با آن دختر نزدیکی داشته می‌خواستم بدانم اینجا حکم چیست؟

◇ **جواب:** در فرض سؤال اگر بعد از عقد با نامزد دومی، این دختر با مرد اولی مجامعت و نزدیکی داشته است، مرد اول برای این زن حرام ابدی شده است.

احکام نکاح

ضرورت تحقیق قبل از ازدواج

◆ سوال: [۶۹۲] آیا شرعاً لازم است قبل از خواندن عقد دختر و پسر آزمایش خون بدهند؟

◆ جواب: آزمایش خون لزوم شرعی ندارد؛ مگر اینکه یکی از طرفین نسبت به بعضی امراض مشکوک باشد، یا پزشک متخصص برای جلوگیری از مشکلات احتمالی، آزمایش را لازم بداند، که در این صورت بهتر است آزمایشات مانند سیفلیس، تالاسمی و ... به خاطر حفظ سلامت زوجین و جامعه انجام گردد.

◆ سوال: [۶۹۳] گفتگو و مراودات دختر و پسر در صورتی که به قصد ازدواج باشد، با رعایت شرایط و ضوابط شرعی تا چه حد مجاز هست؟

◆ جواب: به شرطی که مهیج شهوت نباشد، اشکال ندارد.

◆ سوال: [۶۹۴] پسر جوانی با دختری می‌خواهد ازدواج کند،

پزشکی که از بیماری‌های او غیر از بیماری‌هایی که باعث فسخ نکاح می‌شود، اطلاع دارد، آیا حق افشای بیماری او را دارد؟

◇ **جواب:** اگر زوجین سوال نکنند، افشای آن جواز ندارد.

◇ **سوال:** [۶۹۵] پسر و دختری هم دیگر را دوست دارند و قرار است که عروسی کنند، اما قبل از عقد نکاح این‌ها هم دیگر را بوسیده‌اند در آغوش گرفته‌اند و لمس کرده‌اند وقتی این‌ها عروسی کنند و نکاح شوند، آیا کارهای قبل از عقد نکاح شان گناه محسوب می‌شود؟

◇ **جواب:** در فرض سؤال زن و مرد نامحرم قبل از عقد به همدیگر حرام هستند و از کارهای که کرده‌اند باید توبه کنند.

مهریه و شیربها

◇ **سوال:** [۶۹۶] شخصی، دختر خود را به ازدواج پسری در می‌آورد و پدر داماد، یک مقدار زمین برای پدر دختر می‌دهد، ولی در سندی که تدوین می‌شود، این زمین را در مقابل شصت هزار افغانی قرار می‌دهد و در سند، نام پدر دختر و دختر آورده می‌شود و در ضمن قرار بر این می‌شود که عموها، مبلغ مذکور را بالسویه به پدر دختر پرداخت کنند، تا در زمین سهم باشند؛ اما برادران (عموهای دختر) از پرداخت پول سرباز می‌زنند و زمین مذکور را پدر دختر صاحب می‌شود و بعد از بیست و چند سال،

عموها و پسرانشان ادعای اشتراک زمین را می‌نمایند در حالی که این زمین در واقع و در حقیقت در برابر ازدواج دختر به دست پدر رسیده است و یکی از برادران این حقیقت را پذیرفته و ادعایی ندارد؛ حال این سؤال مطرح است که این زمین متعلق به کیست؟ آیا برای پدر دختر است یا متعلق به همه‌ی برادران (عموهای دختر)؟

◇ **جواب:** گرفتن زمین به عنوان گله و شیربها جایز نیست و این زمین متعلق به پدر داماد است.

◇ **سوال:** [۶۹۷]. مهریه‌های سنگینی که امروزه در عقد نکاح قرار می‌دهند در صورتی که مرد در هنگام انعقاد عقد قصد پرداخت آن را نداشته باشد و اگر بخواهد پردازد نیز امکان مادی پرداخت آن را نداشته باشد چه حکمی دارد؟ در این وضعیت آیا خود مهریه و عقد نکاح صحیح واقع شده است یا باطل است؟ یعنی آیا مهریه و عقد نکاح صحیح واقع شده است یا باطل؟ یعنی آیا مهریه جزء عناصر اصلی و رکن عقد است؟ یاخیر.

◇ **جواب:** مهریه در عقد موقت رکن است و در عقد دائم رکن صحّت عقد نیست.

در اسلام توصیه شده که مهر باید کم باشد و اگر طرفین توافق کنند به مهر زیاد عقد صحیح است و شوهر باید مهر را پرداخت کند و

مهریه حق مالی زن است که هر زمان بخواهد حق مطالبه دارد.

◆ **سوال:** [۶۹۸] گله که در میان برخی، علی‌الخصوص شیعیان افغانستان رواج دارد حکمش چیست؟

◆ **جواب:** گرفتن پول به عنوان گله و شیر بهاء جواز ندارد.

◆ **سوال:** [۶۹۹] در مورد طلاق زن، مهریه آن چگونه محاسبه می‌شود، آیا همان مهریه که اول معین شده است باید پرداخت شود، یا با توجه به سالهای که زندگی کرده است اضافه می‌شود؟

◆ **جواب:** مهریه با اجناس مانند گندم و آرد و غیره محاسبه می‌شود یعنی در زمان عقد آن مهریه هر مقدار گندم و آرد می‌شده حالا آن مقدار پول بدهد که آن اندازه گندم یا آرد بتواند خرید کند.

◆ **سوال:** [۷۰۰] در صورتی که در عقد انقطاعی (موقت) زوجه قبل از تمام شدن مدت در عقدنامه اقدام به قطع رابطه با زوج کند مهریه مشخص شده تماماً به ایشان تعلق می‌گیرد و یا بخشی از آن؟

◆ **جواب:** در فرض سؤال چون مهریه در عقد انقطاعی به منزله اجرت است؛ لذا اجرت را زوجه به اندازه استمتاع حق دارد، نه بیشتر از آن؛ بنابراین باید اجرت (مهریه) به تناسب استمتاع توزیع و محاسبه شود.

◆ **سوال:** [۷۰۱] حکم صحّت و اعتبار مهریه‌های فوق العاده سنگین که نشان از سفاهت زوج می‌دهد، یا قرینه بر عدم قصد جدّی مرد نسبت به پرداخت آن است، چیست؟ حکم اصل عقد چیست؟ آیا در صورت صحّت عقد آن مهریه تبدیل به مهرالمثل می‌شود یا مهر السنه؟

◆ **جواب:** در فرض سؤال ضرری به عقد نمی‌زند ولو مهریه بیش از حدّ معمول باشد؛ مهریه همان مهر المسمی است؛ مگر اینکه سفاهت شوهر ثابت شود، که در این صورت مهریه تبدیل به مهر المثل می‌شود.

◆ **سوال:** [۷۰۲] شخصی حدود سه سال قبل بر اثر تصادف فوت شده است و خانمش بعد از عده، شوهر نموده، جهیزه و طلائی را که شوهر مرحومش برایش خریده بود با خودش برده است، همچنین ایشان بعد از مرگ همسرش، از پدر شوهر متوفایش تقاضای مهریه می‌کند، حدود یک سال قبل پدر شوهرش نیز فوت کرده است، خانم مذکور در حال حاضر مهریه‌اش را از ورثه پدر شوهر مطالبه دارد.

۱- آیا طلاهایی که شوهر مرحوم برای همسرش خریده، همسرش حق داشته آن‌ها را با خود ببرد؟

۲- آیا پرداخت مهریه این زن بعد از فوت شوهر، بر پدر شوهر لازم

است؟ یا خیر.

۳- حال که پدر شوهر نیز فوت شده است، آیا بر ورثه لازم است که از ارث شان مهریه او را بدهند؟

۴- در فرض وجوب اداء مهریه، آیا قیمت سکه زمان فوت شوهر محاسبه می شود یا قیمت فعلی؟

◇ جواب:

۱- اگر شوهر طلاها را هبه نکرده باشد، زن حق ندارد آنها را با خود ببرد، بلکه بین ورثه تقسیم می شود.

۲- پرداخت مهریه بر پدر شوهر واجب نیست که پرداخت کند.

۳- اگر زن مهریه خود را نبخشیده باشد، باید از ماترک شوهر پرداخت شود.

۴- به قیمت فعلی حساب می شود.

خرج و مخارج عروسی

◇ سوال: [۷۰۳] شخصی دختری را شیرینی خوری و نامزد می-

کند، یک مقدار مواد خوراکی و پوشاک و چیزهای دیگر را می-

خرد که مقداری از آن مصرف می شود و یک مقدار آن برای پدر

دختر باقی می ماند، یکی از دختر یا پسر فوت می کنند، یا

سازگاری پیدا نمی کنند، به هر صورت در بین شان جدایی می افتد

و ازدواج صورت نمی‌گیرد، آیا اجناس مصرف شده و نشده از مال چه کسی و به عهده کیست؟

◇ **جواب:** اگر پسر فوت کند و یا ازدواج را بهم بزند، یا دختر فوت کند، پسر حق ندارد اجناس مصرف شده را از پدر دختر و یا دختر مطالبه کند؛ دختر فوت کند و برخی از اموال اگر باقی باشد پسر حق طلب دارد؛ چنانچه زن ازدواج را به هم زند مصارف زوج را باید به طور کامل جبران کند.

◇ **سوال:** [۷۰۴] در برخی مناطق گرفتن طویانه (ولور، گله، قلین) و گرفتن پول، مال و مواشی از پدر داماد رواج دارد نظر حضرتعالی راجع به این مسئله چیست؟

◇ **جواب:** در فرض سؤال، گرفتن گله ولو به رضایت پدر داماد باشد، حرام و خلاف شرع است، چون روایت مطلق است که از امام (ع) سؤال شده که مضمونش این است: یکی به کسی دختر خود را می‌دهد ولی مقدار پولی را پدر دختر می‌گیرد و مقداری را خود دختر می‌گیرد. حضرت فرمود آنچه را دختر می‌گیرد حلال است (که منظور همان مهریه است) و آنچه را که پدر دختر می‌گیرد حرام است و حضرت فرموده اگر پدر داماد راضی به دادن پول باشد اشکال ندارد، پس روایت دال بر عدم جواز مطلق است.

◆ **سوال:** [۷۰۵] بنده مبلغ یک صد و بیست هزار افغانی از دامادم به عنوان شیربهاء دخترم اخذ کردم و آن مبلغ را یک روز هم به دست نگرفتم، چون به شخصی قرض الحسنه دادم و بعد از چند ماه پولم را اخذ کرده، ماشین خریداری نمودم و بعد از مدتی این اتومبیل را به جهت تنگدستی و قرض داری فروختم و پولش را کاملاً در قرض داری‌ها و بقیه ضروریات و مصارف خانه صرف نمودم، که یک افغانی از آن پول باقی نمانده است، آیا به این صد و بیست هزار افغانی که شیربهاء دخترم بود خمس تعلق می‌گیرد؟ یا خیر.

◆ **جواب:** در فرض سؤال، خمس ندارد، ولی گرفتن شیربهاء به عنوان شیربها جواز ندارد؛ مگر این که این مبلغ را به شما بخشیده باشد.

◆ **سوال:** [۷۰۶] دختر و پسری شیرینی خوری می‌کنند و دوستان هدایایی می‌آورند، اگر نامزدی بهم بخورد یا یکی از پسر و دختر (عروس یا داماد) بپذیرند، مالکیت هدایا و حکم مصرف آنها چیست؟

◆ **جواب:** در صورت بهم خوردن عروسی هدایای فامیل عروس مال عروس و هدایایی که از طرف فامیل داماد آورده شده، مال داماد است، در صورت فوت یکی از پسر یا دختر هدایا مربوطه

جزء ارثیه متوفی محسوب می شود.

شرایط خواندن عقد

◆ **سوال:** [۷۰۷] آیا می شود صیغه (ازدواج موقت) را به زبان غیر عربی

مثلاً فارسی خواند؟ اگر می شود لطفاً متن کامل آنرا بیان فرمایید.

◆ **جواب:** در صورتیکه دسترسی به روحانی باشد، (ولو تلفنی و ...)

عقد فارسی کفایت نمی کند و اگر دسترسی به روحانی نباشد،

عقد فارسی اشکال ندارد؛ در صورتیکه معنی عقد را بدانند و

اخبار و انشاء را بفهمد، ترجمه عقد را اول زن به این صورت

بگوید: «به زینت در آوردم خودم را برای تو مثلاً در مدت ده روز

در مقابل صد دلار» و مرد در جواب بگوید: «قبول کردم».

◆ **سوال:** [۷۰۸] آیا شخص خودش می تواند صیغهی عقد موقت

را جاری کند؟

◆ **جواب:** صیغهی نکاح (چه موقت یا دائم) را کسی می تواند بخواند که

عربی صحیح و معنای آن را و فرق بین اخبار و انشاء را بفهمد.

◆ **سوال:** [۷۰۹] در عقد اگر وکیل زوجه در لفظ مُوَكِّلَتِی یاء

متکلم را ظاهر نکند، بلکه عوض یاء متکلم تا را به کسر بخواند

یعنی مجرور به حروف جار نه مجرور به یاء متکلم، اشکال به

عقد وارد می شود؟ یا خیر.

◇ **جواب:** با یاء متکلم بخواند و الا عقد صحیح نیست.

◇ **سوال:** [۷۱۰] اگر وکیل زوجه کلمه‌ای از خطبه‌ی عقد را اشتباه بخواند، برای موکل زوج واجب است که او را مطلع کند؟ یا خیر. و اگر اشتباه او را رفع نکند و عقد باطل باشد گناه بطلان عقد به گردن موکل زوجه است یا به گردن هر دوی آنها؟

◇ **جواب:** باید او را مطلع کنند و الا وکیل زوج که می‌داند عقد اشکال دارد، مسئول است وکیل زوجه چون توجه ندارد معذور است، ولی کسانی که آگاهی به خواندن عقد ندارند نباید عهده دار خواندن و اجراء صیغه نکاح شوند.

◇ **سوال:** [۷۱۱] ازدواج موقت با خانم بیوه‌ای انجام شده و این صیغه عقد را خودشان خوانده‌اند اما ثبت رسمی در دفترخانه‌های ازدواج نکرده‌اند و در واقع قانونی نشده است، آیا صیغه و ازدواج آنها مشکلی دارد؟ یا خیر.

◇ **جواب:** در فرض سؤال ازدواج موقت منوط به اجازه هیچ کسی نیست، بشرطی که صیغه عقد صحیح خوانده شده باشد و ثبت هم شرط صحت آن نمی‌باشد.

◇ **سوال:** [۷۱۲] من اهل افغانستان و محصل در کشور هندوستان می‌باشم. دو سوال دارم.

الف: من با یک تبعه تاجکستان که از نظر مذهبی پیرو شیعه اسماعلیه است در یک اطاق زندگی می‌کنم. آیا از نظر شرعی کدام اشکال وجود دارد و استفاده از ظروف یکدیگر چه حکمی دارد؟

ب: معمولاً در کلاس درسی ما دختران با لباس که اکثریت بدن شان برهنه است و قطعاً شهوت برانگیز است وجود دارند، که نمی‌توانم خود را از دیدن آنها کنترل کنم، ولی یک تعدادی از دختران مسلمان هستند، اگر موافقت کند که با من نکاح شرعی کنیم و از هم لذت ببریم و عشق بورزیم، در این صورت آیا نکاح موقت امکان دارد؟ یا خیر.

ثانیا چگونه می‌شود در غیابت من و او عقد نکاح منعقد شود؟ در غیر آن صورت من هر روز در معصیت می‌افتم و مسئولیت آن بدوش که خواهد بود؟ امید است که یک راه حل شرعی و همچنان عملی برای من بیان کنید، از عشق نمی‌شود فرار کرد چون امر طبیعی است!

◇ **جواب:** در فرض سوال شیعه‌های اسماعیلیه مسلمان هستند، مثل سایر مسلمانان زندگی و مراودت با آنها اشکال ندارد، اما عقد موقت با زنان مسلمان اگر شرایط عقد را دارا باشند، اشکال ندارد؛ چنانچه دختر باکره باشد باید عقد با اجازه پدر و یا جد پدری انجام شود، در صورت وجود شرایط، شما می‌توانید کسی که خواندن عقد را بلد باشد ولو تلفنی وکیل بگیرد تا صیغه عقد

راجاری کند.

◆ **سوال:** [۷۱۳] می‌خواستم بدانم، فرق بین صیغه محرمیت دوره‌ای نامزدی و عقد دائم چیست؟ و صیغه محرمیت دوره‌ای نامزدی با عقد دائم از نگاه محدودیت چه فرق دارد؟

◆ **جواب:** محرمیت دوره نامزدی موقت است، که یک ماهه یا یک ساله و یا کمتر اجرا می‌شود و بعد از تمام شدن مدت عقد، زن و شوهر باهم نامحرم می‌شوند و در عقد دائمی با هم محرمند مگر اینکه شوهر زن را طلاق دهد، ولی از نظر مقدار محرمیت هیچگونه فرقی با هم ندارند.

اجرای عقد توسط عاقد عامّه

◆ **سوال:** [۷۱۴] آیا نکاح مرد شیعه با زن اهل سنت به وسیله نکاح خوان (مجری عقد النکاح) اهل سنت صحیح است؟

◆ **جواب:** اگر عقد نکاحی که شیعه می‌خواند، آن‌ها بخوانند و قصد انشاء داشته باشند اجراء عقد توسط آن‌ها صحیح است.

شرایط صحّت عقد

◆ **سوال:** [۷۱۵] ما قبلاً عقد موقت یک ساله خوانده بودیم، با منقضی شدن عقد مذکور قصد خواندن یک عقد موقت یک ساله دیگر داریم، برای خواندن عقد موقت دوباره، اگر خانم عادت

ماهانه باشد ایراد دارد؟ یا خیر.

◇ **جواب:** در حال عادت ماهانه اجراء عقد نکاح اشکال ندارد.

◇ **سوال:** [۷۱۶] آیا پاک بودن دختر در هنگام نکاح لازم و ضروری است؟

◇ **جواب:** لازم نیست در هنگام اجراء صیغه نکاح زن پاک باشد.

◇ **سوال:** [۷۱۷] اینجانب خانمی بیوه هستم مدتی پیش به عقد موقت آقای درآمدم در انتهای مدت آن مرد مرا تهدید کرد که آبرویم را خواهد برد مگر آنکه تا آخر همان سال همسرش باشم، اینجانب پس از چند بار تهدید مجبور شدم موافقت خود را اعلام نمایم (در قلبم راضی نبودم و نیستم)، حال سوال این است که آیا هنوز این آقا محرم من است یا نه؟ چون نه صیغه‌ای خوانده شده و نه مهریه‌ای تعیین گردیده؟

◇ **جواب:** در عقد موقت مدت و اجرت باید تعیین شود، اگر تعیین نشده باشد عقد باطل است.

شرطیت رضایت در صحت عقد

◇ **سوال:** [۷۱۸] پدری دخترش را به عقد مردی در آورده که خود دختر راضی به این عقد نبوده و مرد را هم کفو و هم شان خود نمی‌داند و دختر به هیچ وجه حاضر به ازدواج و عروسی با این مرد نیست و خواهان فسخ عقد و طلاق می‌باشد ولی مرد

(نامزد) حاضر به طلاق نیست، وظیفه و تکلیف این دختر چیست؟

چگونه می‌تواند طلاقش را بگیرد؟ با این توضیح که پدرش نیز از اینکه بدون رضایت دخترش را به عقد کسی در آورده پشیمان است و خواهان فسخ عقد است.

◇ **جواب:** اگر در زمان عقد و یا بعد از آن هیچگاه راضی به آن عقد نشده باشد، آن عقد باطل است، چنانچه در زمان عقد نکاح و یا بعد از آن راضی شده باشد آن عقد صحیح است، بدون اجازه شوهر حق طلاق ندارد.

◇ **سوال:** [۷۱۹] در برخی مناطق «ازدواج اجباری رسم است به این معنی که نگرفتن رضایت دختر و پسر در هنگام نامزدی یا ازدواج»، فتوای حضرتعالی در این مورد چیست؟

◇ **جواب:** در فرض سؤال، شرط صحّت عقد، رضایت دختر و پسر و ولی دختر است اگر دختر مکره باشد، عقد اجباری باطل است؛ مگر این که دختر و پسر بعد از عقد فضولی و قبل از دخول راضی شوند.

◇ **سوال:** [۷۲۰] نظر حضرتعالی در مورد ازدواج میراثی یا ازدواج خانم بیوه با اقارب شوهر متوفی (بدون رضایت خانم بیوه)، چیست؟

◇ **جواب:** در فرض سؤال، عقد نکاح بدون اذن زن و مرد باطل است البته این حکم اختصاص به عقد نکاح ندارد در تمام عقود

رضایت متعاقدين شرط صحّت آن عقد است.

◆ **سوال:** [۷۲۱] دختری به سن بلوغ نرسیده بوده که پدرش او را برای پسری شیرینی خوری می‌کند و مقداری پول هم از پسر به عنوان گله دریافت می‌نماید، اما عقدی صورت نگرفته است، حال که دختر به بلوغ رسیده آن پسر را به همسری قبول ندارد، آیا این پدر می‌تواند دختر خود را به اجبار به عقد همان پسر درآورد؟ اگر بخواهد این شیرینی خوری را بهم بزند، خرج و مصرف مجلس شیرینی خوری که پسر مبلغ آن را پرداخت نموده بوده به عهده‌ی کیست؟

◆ **جواب:** اگر دختر حاضر به ازدواج با آن پسر نیست، پدر نمی‌تواند دختر را مجبور به ازدواج کند، پدر دختر باید مصارف آن پسر را بدهد، دختر با اجازه پدر می‌تواند با هرکس که بخواهد ازدواج کند و صرف شیرینی خوری موجب نمی‌شود که پسر مانع ازدواج دختر با کسی دیگر شود.

جواز شرط در ضمن عقد نکاح

◆ **سوال:** [۷۲۲] آیا می‌شود در ضمن عقد شروط مانند حق طلاق با زوجه باشد، در صورتی که مرد معتاد شود یا به مدت شش ماه نفقه ندهد و ... را تعیین کرد؟ یا خیر.

◆ **جواب:** احتیاطاً در ضمن عقد نکاح شرط را ذکر نکنند، بلکه

شرط قبل از عقد نکاح ذکر شود و عقد نکاح مبنی بر آن شرط ذکر شود و یا شرط وکالت زوجه از طرف زوج در ضمن عقد لازم غیر از عقد نکاح ذکر شود، باید بدانید که شرط حق طلاق با زوجه باشد درست نیست، بلکه زوج زوجه را در ضمن عقد لازم وکیل در طلاق بگیرد.

◆ **سوال:** [۷۲۳] إمراة إشتربت علی زوجها فی عقد الزواج ألا یتزوج علیها و إن کان فی ذمته زوجة غیرها، فمن حقها طلب الطلاق، بعد عام من تزویج الزوج علیها، طلبت الطلاق و تقول: حاولت أن أجلس معه و أتحمل، لکن لم استطع فترکته، سؤالی هو: هل یكون جلوسها عنده بعد معرفتها بزواجه، یعتبر تنازل عن الشرط و بذلك یسقط الشرط؟

◆ **جواب:** فی مفروض السؤال مجرد الجلوس لا یسقط الشرط إن کان الشرط فی ضمن عقد لازم غیر عقد الزواج، لأن عقد الزواج لا یعلق علی شرط.

◆ **سؤال:** [۷۲۴] اگر کسی دختری را عقد نماید، آیا پدر و مادر دختر مجاز هستند، زن و شوهر قانونی (عروس و داماد) را از هم دور نگه دارند و نگذارند آن دو با هم به تفریح و مسافرت بروند و در کنار هم باشند؟ یا خیر.

◆ **جواب:** در فرض سوال پدر و مادر حق ندارند در امور زندگی

خصوصی زن و شوهر دخالت نمایند؛ مگر اینکه قبل از عروسی باشد و پدر و مادر، مسافرت آنان را به مصلحت آنها نبینند، که در این صورت سزاوار است عروس و داماد به حرف آنها گوش دهند.

◆ **سوال:** [۷۲۵] زنی که می‌دانسته باکره نیست و به عنوان باکره شوهر کرده و شوهر نیز هنگام عقد شرط بکارت کرده و پس از عقد و مزاجت، شوهر ادعای خسارت نموده، آیا زن ضامن خسارات وارده به شوهر است؟

◆ **جواب:** در فرض سوال مهر آن زن به مهر المثل تئیه تبدیل می‌شود.

تخلف از شرایط ضمن عقد

◆ **سوال:** [۷۲۶] اگر مرد بدون هماهنگی با همسر اول ازدواج مجدد کند به لحاظ شرط قانونی عقد نامه کار بدی کرده، آیا از نظر شرعی هم می‌توان گفت تضییع حقی کرده و گناهکار است؟ یا خیر.

◆ **جواب:** اگر با همسر اول در ضمن عقد، شرط عدم ازدواج مجدد کند، تخلف جایز نیست.

◆ **سوال:** [۷۲۷] من اخیراً نامزد شده‌ام و بین من و همسر صیغه

محرمیت موقت خوانده شده، آیا رابطه جنسی از نظر شرعی مشکلی دارد؟ اگر دختر باکره باشد چطور؟

◇ **جواب:** اگر در موقع عقد موقت شرط عدم دخول نشده باشد تا زمانیکه مدت عقد موقت باقی است رابطه جنسی اشکال ندارد.

◇ **سوال:** [۷۲۸] مگر شرط همبستر شدن با زن نکاح نیست؟ پس آیا ما در دوران نامزدی که نکاح هستیم می‌توانیم همبستر شویم؟ یا خیر.

◇ **جواب:** اگر در ضمن عقد شرط عدم دخول تا زمان عروسی نشده باشد همبستر شدن اشکال ندارد.

ولی اگر از طرف زوجه یا از طرف پدر یا جد پدری زوجه عدم دخول تا زمان عروسی را شرط کرده باشند، همبستر شدن و دخول جائز نیست.

◇ **سوال:** [۷۲۹] اگر وکیل دختر در جریان خواستگاری اقارب پسر، به نیابت از دختر شرط نماید در صورتی رضی به این ازدواج هستند، که چون دختر تحصیلات عالی دارد و بعد از ختم تحصیل به وظیفه می‌رود و اقارب پسر و خود پسر هم قبول کرده باشند قبل از عروسی دختر به حیث استاد دانشگاه اشتغال به وظیفه پیدا کرده است، اکنون بعد از دو سال و داشتن فرزند، شوهر مانع از رفتن خانم به وظیفه می‌شود و آن هم بعد از بهانه

گیری‌های غیر ضروری تکلیف شرعی چیست؟

◇ **جواب:** اگر در موقع ازدواج دختر شرط کرده باشد، که شوهر مانع از انجام وظیفه او نشود و شوهر هم قبول کرده باشد، در این صورت شوهر حق منع کردن از انجام وظیفه را ندارد.

◇ **سوال:** [۳۳۰] زن متعه‌ای که در صورت تضييع حق شوهر، حق بیرون رفتن از منزل را ندارد، آیا با حق نفقه نداشتن او منافات دارد؟

حال اگر مردی در ضمن عقد متعه با زن شرط خارج نشدن از منزل کند و از پرداخت نفقه نیز امتناع نماید، اگر زن به قدر نفقه از مال شوهر بردارد ضامن است؟

◇ **جواب:** در عقد موقت زن حق نفقه برعهده شوهر ندارد، و چون خود زن با رضایت خود آن شرط را قبول کرده است حق ندارد از پول شوهر بدون اجازه بردارد.

شرایط جواز عقد موقت

◇ **سوال:** [۳۳۱] اگر یک جوان عقد نکاح دائمی (ازدواج) نکرده باشد، آیا می‌تواند صیغه نماید؟

◇ **جواب:** ازدواج دائم و موقت برای هیچ‌کسی (چه ازدواج کرده باشد یا نه) اشکال ندارد؛ ولی ازدواج دختر باکره چه دائم و چه موقت بدون اذن پدر جایز نیست.

◆ **سوال:** [۷۳۲] طریقه خواندن صیغه محرمیت چگونه است، آیا

باید روز معین شود تا عقد دائم خوانده نشود؟

◆ **جواب:** عقد را باید کسی بخواند که خواندن عقد را بلد باشد،

اگر عقد موقت است باید مهریه و مدت معین شود.

◆ **سوال:** [۷۳۳] جوانی هستم بیست و پنج ساله مقیم استرالیا

مدت دو سال است که عقد کرده‌ام و نامزدم در افغانستان است؛

از آنجایی که از نامزدم دور هستم، خواستم بدانم شرایط صیغه در

این کشور چگونه است، آیا من مجاز به این کار هستم؟

◆ **جواب:** ازدواج با زن مسلمان به طور دائم و موقت اشکال ندارد؛

ازدواج موقت با زن کتابی هم جایز است، ولی ازدواج دائم با زن

غیر مسلمان جایز نمی‌باشد.

◆ **سوال:** [۷۳۴] آیا کسی که زن دائمی (نکاح دائمی) دارد،

می‌تواند با زنی دیگر صیغه موقت نماید؟ آیا جایز بودن تا چهار

زن در مورد نکاح دائم است یا موقت؟

◆ **جواب:**

۱- در فرض سؤال عقد موقت و دائم هر دو جائز است.

۲- مرد تا چهار زن را می‌تواند به عنوان همسر دائم، اختیار کند؛ ولی

در عقد موقت حدّ معینی ندارد.

◆ **سوال:** [۷۳۵] با توجه به جواز نکاح موقت در شریعت اسلام، امروزه برای بعضی این حکم وسیله هوسبازی افرادی در جامعه گردیده است؛ لطفاً بفرمایید این جواز نکاح موقت به صورت عام هست یا قید و شرط هم دارد؟

◆ **جواب:** این حکم حکمی عام است؛ مگر اینکه مفسده‌ی در کار باشد که در آن صورت جائز نیست؛ در ازدواج موقت دختران باکره مثل ازدواج دائم، اذن پدر یا ولی او شرط است، همچنین در عقد موقت باید زمان و مهریه تعیین شود در غیر این صورت اشکال دارد.

◆ **سوال:** [۷۳۶]

- ۱- آیا صیغه به صورت موقت در یک ساعت امکان دارد؟
- ۲- آیا با خارجی‌ها هم می‌توان صیغه کرد؟ یا خیر.

◆ **جواب:**

ج ۱) عقد موقت اگر چه یک ساعت یا نیم ساعت خوانده شود صحیح است.

ج ۲) ازدواج موقت با زنان اهل کتاب صحیح است؛ ولی ازدواج دائم با آن‌ها جواز ندارد.

◆ **سوال:** [۷۳۷] با دختر اهل کتاب مثلاً عیسوی می‌شود صیغه

کرد؟

با یک دختر بدون اجازه پدرش می‌توان صیغه کرد؟

◇ **جواب:** عقد موقت با اهل کتاب جایز است و اذن ولی شرط است مگر اینکه در دین آن‌ها رضایت ولی شرط نباشد.

در ازدواج دختر باکره مسلمان اجازه پدر و یا جد پدری لازم است.

◇ **سوال:** [۷۳۸] کسی نامزد شده (شیرینی خوری کرده، عقد بسته نه شده) با نامزد خود ارتباط تلفنی دارد، آیا این ارتباط تلفنی اگر بدون شهوت باشد جایز است؟ شهوتی و عشقی باشد چه حکمی دارد؟ در صورت که این کار جایز نباشد آیا راهی است که به گناه مبتلا نشوند؟ این در حالی است که زمینه برایشان فراهم نیست؛ آیا می‌شود بدون اجازه مادر و پدر نامزد و بدون هماهنگی با پدر و مادر خود عقد موقت کنند؟

◇ **جواب:** در فرض سؤال ارتباط تلفنی بین دوجوان نامحرم ولو نامزد هم باشند، جایز نیست و باید پدر این خانم را راضی بخواندن عقد کنند و بدون اجازه حتی خواندن عقد موقت هم جایز نیست.

عقد موقت با زمان طولانی

◇ **سوال:** [۷۳۹] پنجاه و یک سال سن دارم، سال گذشته خانم

جوانی را به مدت پنجاه سال با عقد انقطاعی به همسری گرفته‌ام، در عقدنامه به جز مهریه، اینجانب متعهد کلیه خرج و مخارج و مسکن زوجه بوده و تعهد ثبت رسمی و کشوری مفاد عقدنامه را نیز دارم، حال با توجه به سن اینجانب و مدت عقد و شرایط و تعهدات ضمن عقد برای زوجه، آیا می‌توان حکم این عقد و وظایف زوجه را مطابق با حکم عقد دائم در نظر گرفت؟

◇ **جواب:** در فرض سؤال این زن حکم زن دائم را دارد، منتهی باید احتیاط شود؛ یعنی اگر او را طلاق دهید هم باید مدت باقی مانده را ببخشید و هم طلاق جاری نمایید؛ همچنین در رابطه با ارث باید بین این خانم و ورثه‌ی شوهر مصالحه شود.

◇ **سوال:** [۷۴۰] در عقد موقت نود و نه ساله با توجه به این که این عقد عقلاً صحّتش مشکل است، آیا احکام ازدواج موقت بر آن جاری است یا در حکم عقد دائم است؟

◇ **جواب:** در فرض سوال احتیاط شود؛ یعنی در صورت طلاق هم مدت را ببخشید و هم صیغه طلاق را جاری کند در مسئله میراث با ورثه مصالحه شود.

ازدواج مسلمان با غیر مسلمان

◇ **سوال:** [۷۴۱] چرا ازدواج زن مسلمان با مرد مسیحی زنا

محسوب می‌شود؟ اصلاً دلیلی علمی دارد؟ آیا آیات در این رابطه وجود دارد؟

در حالیکه من آیات مربوط به ازدواج را خواندم و چنین چیزی را ندیدم! آیا می‌شود صرفاً بخاطر یک حدیث چیزی را حرام دانست؟

◇ **جواب:** ازدواج زن مسلمان با مرد کافر مطلقاً حرام است چه عقد دائم باشد و یا عقد موقت و دلیلش روایات معتبره است به استناد آیات دال بر نفی سبیل کفار بالای مسلمانان؛ اگر چه آیات صراحتاً دلالت ندارند بر حرمت ازدواج زن مسلمان با مرد کافر، ولی یکی از ادله معتبره که اکثر احکام شرعیه از آن استفاده می‌شود روایات است.

◇ **سوال:** [۷۴۲] من با توجه به وضعیت شغلی در حال مسافرت به خارج از کشور هستم (به طور متوسط مدت اقامت من یک ماه در این مسافرت‌ها هست) و مقصد این کشورها معمولاً چین، تایلند، تایوان و ... هست، می‌خواستم سوال کنم چگونه می‌توانم در آنجا در زمینه جنسی وارد گناه نشوم و در آنجا کسی را به صیغه خود در آورم، در صورتی که در آنجا کسی اهل کتاب نیست و بیشتر آن‌ها کمونیست هستند؟

◇ **جواب:** ازدواج با غیر اهل کتاب جایز نیست ازدواج موقت مرد

مسلمان با زنان اهل کتاب فقط جایز است.

◆ سوال: [۷۴۳] من در فرانسه زندگی می‌کنم و تا موقع ازدواجم نیاز به یک زن دارم که بتوانم خودم را ارضاء کنم، چون زن مسلمان نیست نمی‌توانم ازدواج موقت کنم و از طرف دیگر مردم فرانسه نیز از ازدواج موقت چیزی نمی‌دانند، از سوی دیگر استمنا کردن هم گناه دارد، لطفاً من را راهنمایی‌ام کنید؟

◆ جواب: مرد و زن مسلمان باید از طریق حلال شرعی ارضای شهوت کنند، که آن با ازدواج زن با مرد مسلمان و مرد با زن مسلمان به طور دائم یا موقت حاصل می‌شود؛ البته مرد مسلمان می‌تواند با زن‌های کتابیه (کفار اهل کتاب) به صورت موقت نیز عقد (صیغه) کند، در فرض سؤال در کشورها مثل فرانسه هم زنهای مسلمان وجود دارد و هم زن‌های کتابیه، که شما می‌توانید با آنها ازدواج کنید و یا از کشورهای اسلامی برای خود زن اختیار کنید، چنانچه هیچ راهی ندارد که ازدواج کنید تا فراهم شدن شرایط ازدواج از عوامل تحریک کننده‌ی شهوت مانند کتاب‌ها و نشریات بدآموز حتی دوستان و مناظر تحریک کننده اجتناب کنید و اوقات فراغت خود را با مطالعه کتاب‌های علمی و کار و ورزش پر کنید، ان شاء الله به آرامش خواهید رسید.

◆ سوال: [۷۴۴] آیا با زنان اهل کتاب یا زنان مسلمان که بعضی مسایل مانند حجاب را مراعات نمی‌کنند می‌شود صیغه نمود؟ اگر

کسی نباشد که صیغه بخواند و یا طرف مقابل به معنای صیغه پی نبرد آیا می‌شود روابط ازدواج را برقرار نمود؟ و اگر نه پس تکلیف کسی که در محیط اهل کتاب یا مسلمان که بعضی مسایل اسلامی را رعایت نمی‌کند چیست؟

◇ **جواب:** اصل صیغه نمودن اشکال ندارد؛ ولی باید عقد صحیح خوانده شود و مجری عقد باید معنی کلمات و فرق انشاء و اخبار را بداند؛ هرگونه ارتباط زن و مرد نامحرم قبل از اجرای صحیح عقد حرام و معصیت است.

◇ **سوال:** [۷۴۵] اینجانب قرار است برای کاری شخصی به کشور تایلند سفر کنم؛ اگر در طول سفر نتوانستم در مقابل نفس خود در مقابل فحشا برآیم، آیا می‌توانم یکی از زنان آن منطقه را به عقد موقت خود در بیاورم ضمناً این موضوع نیز باید گفته شود که اکثر جمعیت کشور تایلند اهل کتاب (یهودی، مسیحی، زرتشتی) نیستند و از مذهب بودایی هستند.

◇ **جواب:** ازدواج موقت با زنان اهل کتاب جایز است و با زنان غیر اهل کتاب جواز ندارد و باید مسایل شرعی را رعایت کنید.

◇ **سوال:** [۷۴۶] ازدواج با دختر مسیحی چه حکمی دارد.

◇ **جواب:** عقد موقت با دختر مسیحی اشکال ندارد.

◇ **سوال:** [۷۴۷] می‌خواهم با یک خانم خارجی ازدواج کنم این

خانم مسیحی است اگر به دین اسلام روی آورد می‌شود با این خانم ازدواج کرد؟ یا نه.

◇ **جواب:** اگر آن زن مسلمان شود می‌توانید با او ازدواج موقت و یا دائمی کنید، چنانچه مسلمان نشود عقد موقت صحیح است و عقد دائم با کفار باطل است.

ازدواج شیعه با فرق دیگر

◇ **سوال:** [۷۴۸] شما در سایت خود پاسخ داده‌اید که نکاح شیعه و سنی درست است از حضرت عالی می‌خواهم بپرسم اگر ممکن است نکاح اهل تسنن و تشیع را شرح دهید تا بدانیم، یعنی نکاح که در اهل تشیع صورت می‌گیرد چگونه است؟

◇ **جواب:** هم در مذهب شیعه و هم در مذهب اهل سنت ایجاب و قبول در خواندن عقد نکاح شرط است متاهی بعضی شرایط فرق می‌کند و عقد را باید کسی بخواند که خواندن عقد را بلد باشد هر کس نمی‌تواند عقد بخواند و شرحش در رساله توضیح المسائل نوشته شده است.

◇ **سوال:** [۷۴۹] آیا دختر شیعه دوازده امامی را می‌توان به عقد مرد حنفی در آورد و بر عکس ازدواج مرد شیعه جعفری و دوازده امامی با دختر که پیرو فقه حنفی یا مالکی و دیگر فرق مذهبی هست چطور؟

◇ **جواب:** در فرض سؤال دادن دختر به غیر امامی جائز است، امّا به شرطی که احتمال انحراف نسبت به خود و اولادشان نباشد، پس نفس ازدواج حرمت ندارد، ولی کراهت دارد؛ اما گرفتن دختر از آنها اشکالی ندارد.

◇ **سوال:** [۷۵۰] هل يجوز زواج الشيعة من المخالف إذا لم تأمن على عقيدتها وأبنائها؟

◇ **جواب:** فى هذا الفرض الإحتياط الوجوبى عدم جواز الزّواج مع المخالف.

◇ **سوال:** [۷۵۱] آیا مرد شیعه می تواند با زن سنی ازدواج کند؟ و بر عکس آن؟ فرق نکاح اهل سنت با اهل تشیع در چیست؟ یعنی آیا فرقی هم دارد؟

◇ **جواب:**

۱- مرد شیعه می تواند زن سنی بگیرد؛ اما بر عکس آن، اگر خطر انحراف در خود و اولادهایش نباشد جائز است هر چند مکروه است.

۲- نکاح آن ها با شیعه فرق دارد، ولی نکاح شان برای خودشان مانند نکاح شیعه برای خود شیعه صحیح است و در صحت هیچ فرقی ندارد.

◇ **سوال:** [۷۵۲] من پسرى شیعه هستم، آیا می توانم با دختری از اهل حق ازدواج کنم؟ اگر نمی توانم لطفاً دلیل آن را شرح دهید.

◇ **جواب:** ازدواج با غیر مسلمان جواز ندارد، مگر با اهل کتاب مانند مسیحی و یهودی که ازدواج موقت با زنان اهل کتاب اشکال ندارد، اهل حق اگر ضروریات دین مانند رسالت پیامبر اکرم(ص) و... را قبول نداشته باشند کفار غیر کتابی محسوب می شوند و ازدواج با آنها جایز نیست.

◇ **سوال:** [۷۵۳] شما گفتید که مرد سنی با زن شیعه می تواند ازدواج کند، حالا فردا اولاد این ها باید کدام مذهب را انتخاب کنند؟ اگر احتمال سنی شدن خود یا فرزندان زن وجود داشته باشد چه؟

◇ **جواب:** اگر زن خوف اینکه خودش و یا فرزندان از مذهبش منحرف شوند را داشته باشد، در این صورت ازدواج زن شیعه با مرد سنی جواز ندارد.

◇ **سوال:** [۷۵۴] إنتشر فی منطقتنا ظاهرة زواج بنات الشيعة من أبناء العامة بالزواج المنقطع (المتعة)، بشكل يندی له الجبین، حتی أن أبناء العامة أصبحوا يستهزؤون بنا وبأحكامنا بل بعضهم أصبح يرى أصدقائه صور بنات الشيعة المتزوج منها بالزواج المنقطع إن صح أنه زواجاً منقطعاً.

السؤال هو: هل يجوز للفتاة الشيعية أن تتزوج من أبناء العامة بالزواج المنقطع (المتعة)؟ وإذا كان يجوز هل هو بشروط معينة أم لا؟

◇ جواب: إذا خافت فتاة الشيعة انحرافهنّ أو أولادهنّ عن المذهب فلا يجوز الزواج المنقطع و الدوام و إلا فهو مكروه.

◇ سوال: [۷۵۵] آیا نکاح کردن با کسی که معتقد به مذهب اسماعیلیه می باشد چه حکمی دارد آیا جواز دارد؟ یا خیر.

◇ جواب: اگر اقرار به شهادتین کند و قائل به الوهیت حضرت علی(ع) نباشد، ازدواج با آنها کراهت دارد؛ چنانچه زن احتمال انحراف برای خودش و یا برای فرزندانش بدهد در این صورت ازدواج با آنها حرام است.

ازدواج سادات با غیر سادات

◇ سوال: [۷۵۶]

۱- ازدواج سادات با غیر سادات از نظر شرعی چگونه است؟ آیا در زمان حضرات معصومین(ع) و در طول تاریخ اسلام اتفاق افتاده است؟

۲- ازدواج سادات با غیر سادات اگر در منطقه ای بر اثر عدم آگاهی مردم از حکم شرعی آن باعث خطر درگیری شود، آیا باز هم جایز است؟

◇ جواب:

ج ۱) ازدواج سادات با غیر سادات از نظر کتاب، سنّت، اجماع و نیز

سیره هیچ اشکالی ندارد؛ باید این خرافات خلاف شرع که می‌گویند ازدواج سادات با غیر سادات جائز نیست، از بین برود.

ج ۲) در فرض سوال اگر خطر درگیری باشد نباید این چنین ازدواجی صورت بگیرد؛ ولی مروّجین اینگونه خرافات در زمره بدعت گذاران در دین محسوب می‌شوند.

زنانی که ازدواج با آنها جایز نیست

◆ **سوال:** [۷۵۷] آیا زانی و زانیه که قبلاً با هم دوست بودند و با هم زنا کرده‌اند می‌توانند با هم ازدواج کنند؟

◆ **جواب:** اگر زن شوهر دار بوده، بر زانی حرام ابدی شده و نمی‌توانند ازدواج کنند و اگر شوهر نداشته است، بعد از عمل زنا اگر به اندازه یک حیض صبر کند وقتی از حیض پاک شد، می‌تواند با زانی ازدواج کند.

◆ **سوال:** [۷۵۸] آیا مرد با دختری که با مادرش چند بار فعل زنا را انجام داده می‌تواند ازدواج کند؟ البته دختر با حجاب و نجیب است.

آیا زنی که فعل زنا را انجام داده باید از شوهرش طلاق بگیرد؟ یا شوهر می‌تواند با او نزدیکی کند؟

◆ **جواب:** ازدواج با چنین دختری جواز ندارد و شوهر زن زنا کار

می‌تواند با آن زن نزدیکی کند.

◆ **سوال:** [۷۵۹] شخصی بعد از گذشت بیست روز از فوت همسرش، با خواهر زنش ازدواج کرده است، آیا ازدواج او صحیح است؟

◆ **جواب:** ازدواج او با خواهر زن متوفی اش اشکال ندارد.

◆ **سوال:** [۷۶۰] مدت دو سال است که با زنی آشنا شدم ایشان می‌گوید پنج سال است که از همسرش جدا شده، ما تصمیم به ازدواج گرفتیم، اکنون که در حال تدارک برای مراسم خواستگاری هستیم، فهمیدم که ایشان پنج سال از شوهرش جدا بوده ولی یکسال پیش رسماً طلاق گرفته است متأسفانه قبل از طلاق از همسرش با هم رابطه داشتیم، آیا اکنون من می‌توانم با این زن ازدواج کنم؟ یا خیر.

◆ **جواب:** از نظر اینجانب آن خانم برای شما حرام ابدی شده و نمی‌توانید با آن ازدواج کنید.

فساد عقد به سبب بیماری‌های خاص

◆ **سوال:** [۷۶۱] شخصی بیماری ایدز دارد، آیا می‌توان دختر مسلمانی را به عقد او در آورد؟ اگر زن پس از عقد بفهمد، آیا حق فسخ دارد؟

◇ **جواب:** ازدواج شخصی که بیماری ایدز دارد با دختر مسلمان حرام نیست و اگر این موضوع موجب انتقال به زوجه یا زوج شود، از ازدواج خودداری کند و اگر بعد از عقد زوجه متوجه شود و شوهر از طلاق خودداری کند و این مرض موجب انتقال به زوجه شود، با اجازه حاکم شرع از هم جدا شوند.

◇ **سوال:** [۷۶۲] شوهری که مبتلا به بیماری آمیزشی واگیر دارد بوده و اگر قبل از عقد آن را ابراز می‌کرد، کسی حاضر به ازدواج با وی نمی‌شد، اگر بیماری خود را کتمان کند و پس از مجامعت همسر خود را دچار بیماری غیر قابل علاج کند، ضامن خسارات مالی می‌باشد؟

◇ **جواب:** در این صورت شوهر ضامن خسارت وارده بر زن می‌باشد و اگر قابل معالجه نباشد، زن می‌تواند مطالبه طلاق کند.

◇ **سوال:** [۷۶۳] من زنی را عقد کردم و حدود سه هفته بعد از عقد متوجه معتاد بودن او شدم و بلافاصله با ابراز تنفر از فریبکاری زن به او گفتم که آن زن را نمی‌خواهم زن رفت از آن سالی که رفته دیگر من او را ندیده‌ام .

آیا آن زن بعد از این ماجرای فریب دادن من اجازه ازدواج با غیر داشته یا نه؟

فسخ نکاح بشرح فوق آیا واقع شده است یا نه؟

◇ جواب:

۱- اعتیاد از عیوب موجب فسخ نیست؛ لذا آن زن اگر عقد شما موقت نبوده، در عقد شما باقی است.

ج ۲) فسخ واقع نشده است. در صورتی که بخواهید از او جدا شوید باید در صورت عدم دخول نصف مهریه و در صورت دخول، تمام مهریه‌اش را پرداخته و طلاقش را به صورت صحیح اجرا نمایید.

◇ سوال: [۷۶۴]

الف: جوانی است که یک سال از ازدواجش می‌گذرد، متأسفانه بر اثر سقوط در چاه قطع نخاع و از کمر پائینش فلج شده است، حال تکلیف همسرش چیست؟

ب: آیا همسرش می‌تواند مهریه‌ی خود را کامل مطالبه کند؟

ج: جهیزه و هدایایی که داماد به عروس داده، مال عروس است یا داماد؟

◇ جواب:

الف) اگر این پسر می‌تواند نفقه زن را تأمین کند، زن باید با شوهرش زندگی کند؛ مگر این که شوهر خودش به اختیار خود او را طلاق دهد.

ب) بله، حق مطالبه مهریه را دارد.

ج) اگر برای زن بخشیده، مال زن است و اگر هبه نکرده، مال شوهر است.

فسخ عقد بدون لفظ طلاق

◆ سوال: [۷۶۵] اگر مردی به منکوحه خود بگوید که من شوهر شما هستم؟ منکوحه بگوید نه (در مزاح یا راستی و یا هم از روی ناهمی) من فقط با شما نامزدام در صورتیکه نکاح قبلا خوانده شده باشد آیا نکاح باطل است؟ یا خیر.

◆ جواب: اگر قبلا با رضایت طرفین عقد نکاح خوانده شده باشد فقط با گفتن کلمات و عبارات مذکور در سؤال و مانند آن عقد باطل نمی شود.

وظایف زوج نسبت به همسرش

◆ **سوال:** [۷۶۶] هرگاه زوجه از ایفای وظایف زوجیت خودداری نماید ناشزه بوده و مستحق نفقه نخواهد بود، لیکن در صورتی که شوهر از انجام وظایف زوجیت سر باز زند به گونه‌ای که زوجه-اش را معلقه قرار دهد بفرمایید:

الف) آیا می‌توان حکم به نشوز زوج کرد؟

ب) در صورت مثبت بودن پاسخ چه آثاری بر آن مترتب است؟

ج) آیا زوجه می‌تواند در این صورت از دادگاه تقاضای طلاق نموده و دادگاه نیز بر این اساس حکم به طلاق زوجه دهد؟

◆ **جواب:**

الف) بله حکم به نشوز زوج می‌شود.

ب) اگر زوج از وظیفه زوجیت خودداری کند، با زوجه معاشرت به معروف نکند و زوجه در عسر و حرج واقع شده باشد؛ پیشنهاد طلاق داده می‌شود و اگر از طلاق دادن هم خودداری کرد در این صورت حاکم شرع طلاق غیابی می‌دهد.

ج) بله.

◆ سوال: [۷۶۷]

۱- اگر زن درآمد کافی داشته باشد آیا شوهر می‌تواند از پرداخت نفقه به همسر خود امتناع ورزد؟

۲- در دوران عقد تا عروسی که دختر در خانه پدر به سر می‌برد. آیا تأمین نفقه او به عهده شوهر است؟ یا خیر.

◆ جواب:

ج ۱) نفقه زن بر شوهر واجب است، اگر چه زن از خود مال و سرمایه داشته باشد.

ج ۲) اگر بیش از شش ماه که عرفاً تسامح می‌کند، فاصله شود و تأخیر از ناحیه شوهر باشد، نفقه زن بر شوهر واجب است، در صورت درخواست باید نفقه زن را تأمین نماید.

◆ سوال: [۷۶۸] خواهرم چند سال است که با شوهر خود زندگی

نمی‌کند. شوهرش خلافکار است؛ چند بار خواهرم را زده است و خودش دایم با دختران نامحرم می‌گردد و خواهرم سه سال است که با او زندگی نمی‌کند و شوهرش می‌گوید که من تو را تا آخر عمر طلاق نمی‌دهم. تکلیف خواهرم چیست؟

◆ جواب: در فرض سؤال اگر زن از شوهر تمکین نداشته باشد حق

نفقه بر شوهر ندارد؛ اما اگر تمکین داشته باشد بر شوهر واجب

است که زن را نفقه یا طلاق بدهد و اگر نه طلاق بدهد و نه نفقه، حاکم شرع می‌تواند این زن را طلاق بدهد.

◆ **سوال:** [۷۶۹] اینجانب حدود سی سال است که ازدواج کرده‌ام، شوهرم از همان زمان که با او ازدواج نمودم معتاد به انواع مواد مخدر (تریاک، حشیش و...) بوده است، مدت طولانی است که به من نفقه‌ای نداده، به طور قطع و حتم می‌توانم بگویم که دو سال است که نفقه‌ای به من نداده است به طوری که زن دیگر اختیار نموده و مرا از خانه بیرون کرده است من هم مجبور شدم از کویته پاکستان به ایران بیایم، من و همسرم دارای سه فرزند هستیم؛ دو دختر، یکی شانزده ساله و دیگری چهارده ساله می‌باشد و یک فرزند پسر که هفت ساله است، در حال حاضر این سه فرزند با من زندگی می‌کنند، من از شوهرم در خواست طلاق نموده‌ام، ولی شوهرم می‌گوید، به شرطی شما را طلاق می‌دهم که فرزندانم را به پاکستان بیاوری، حال آیا من می‌توانم فرزندانم را به این فرد معتاد بسپارم؟ آیا می‌توانم طلاق ولائی و غیابی بگیرم؟

◆ **جواب:** در فرض سؤال، اگر مطالبی که نوشته‌اید در نزد حاکم شرع ثابت شود، حاکم شرع می‌تواند شوهر شما را مجبور کند که به شما نفقه و خرج کامل دهد، یا شما را طلاق دهد، اگر شوهر نه طلاق بدهد و نه نفقه؛ حاکم شرع و یا وکیل ماذون از طرف حاکم شرع می‌تواند طلاق شما را جاری سازد.

حضانت اولاد چون دختران شما کبیر شده‌اند اختیار زندگی با خودشان است که با شما زندگی کنند یا پدرشان، اما راجع به پسر هفت ساله‌ی شما، چون پدرش معتاد به مواد مخدر است، حق حضانت این فرزند با شما است، شما نمی‌توانید این بچه را به آدم معتاد بسپارید، چون خطر انحراف بچه در آینده وجود دارد، لذا همسران حق ندارد این بچه را از شما بگیرد.

◆ سوال: [۷۷۰]

۱- مردی دو همسر دارد، آیا اشکال دارد یک شب نزد همسر اول و سه شب نزد همسر جدید بماند؟

۲- آیا عدالت برای مرد دو همسری جز حق همجویی مفهوم دیگری هم دارد؟

◆ جواب: باید به عدالت رفتار کند هم در نفقه، هم در همجویی و غیره.

◆ سوال: [۷۷۱] مردی بیست و چند سال قبل در حالیکه دانشجو

بود، با حداقل امکانات با دختری ازدواج کرده و اکنون که دارای موقعیت شغلی خوب و تمکن مالی بالا شده است، چندی پیش با دختر جوانی ازدواج نموده است، آیا ماندن مرد در هر ماه ده روز بدلخواه (طبق نظر مرد) در نزد همسر سابق و بیست روز نزد همسر جدید خلاف شرع مقدس است؟ یا خیر.

◆ جواب: بدون رضایت زن بزرگ نمی‌تواند بیست روز در نزد

همسر کوچک بماند، باید عدالت را از هر لحاظ رعایت کند.

وظایف زوج نسبت به شوهر

◆ سوال: [۷۷۲]

۱- اگر شوهری همسرش را از صله رحم به ویژه دیدار والدین منع کند تکلیف زن چیست؟ آیا می‌تواند بدون اجازه او به دیدن آنان برود؟

۲- آیا همین اندازه که زن بداند شوهرش برای بیرون رفتن از منزل راضی است، کفایت می‌کند یا اینکه باید از او موردی اجازه بگیرد؟

◆ جواب:

ج ۱) بدون اجازه شوهر نمی‌تواند به دیدن پدر و مادر و سایر فامیل برود، ولی شوهر نباید مانع از ملاقات همسر با والدینش گردد.

ج ۲) باید اجازه بگیرد و اگر شوهر اجازه کلی داده باشد، لازم نیست در هر مورد اجازه بگیرد.

◆ سوال: [۷۷۳] من نامزد دارم (البته در نکاح بنده است عقد

دایم) که بنا به مشکلات اقتصادی که خانواده همسر دارند، همسر برای خانواده پدرش کار می‌کند و من ناچاراً قبول کردم ولی سؤالاتی است که می‌خواهم حکمش را بدانم.

۱- در صورت عدم رضایت بنده به ادامه کار همسر شریعت چه حکم می‌کند؟

۲- آیا زن باید برای شوهرش خود را آراسته نماید یا برای بیرون از خانه در این صورت شریعت چه حکم می‌کند؟

◇ جواب:

ج ۱) در فرض سؤال اگر شما آماده عروسی باشید و زوجه شما حاضر به عروسی نباشد بدون رضایت شما نمی‌تواند در بیرون منزل پدرش کار کند.

ج ۲) آرایش برای غیر شوهر حرام است.

◇ سوال: [۷۷۴] لطفا مواردی را که خروج زنان از منزل بدون نیاز به اذن شوهر در شریعت استثناء شده است، بیان فرمایید؟

◇ جواب: بدون اجازه شوهر خروج زوجه جائز نیست؛ مگر برای کاری واجبی و همچنین برای کارهای عادی منزل که طبعاً شوهر مانع از بیرون رفتن جهت انجام آنها نمی‌شود.

◇ سوال: [۷۷۵] بنده متأهل هستم و طبق خواسته‌ی شوهرم یک

سری موارد را باید رعایت کنم، از آنجایی که همسر بنده به لاک اهمیت فراوانی می‌دهد، برای من در هنگام وضو و غسل مشکل ایجاد می‌شود چون من در طول روز مدام لاک روی ناخن‌هایم هست، اگر بخواهم آنها رو پاک و دوباره بزنم خیلی طاقت فرسا هست، لذا از شما خواهش دارم تا بنده را در این زمینه راهنمایی فرمایید تا هم خواسته‌ی شوهرم رعایت شود و هم به نماز و عباداتم ضرری وارد نشود؟

◇ **جواب:** در رابطه با لاک زدن اطاعت شوهر واجب نیست؛ در صورتی که زدن و برداشتن لاک برای شما مشقت داشته باشد و یا در موقع وضو و غسل مانع از رسیدن آب به بدن شود، نباید لاک بزنید.

◇ **سوال:** [۷۷۶] درباره شغل زن در بیرون از خانه؛ لطفاً فرمایید:

الف) اگر شوهر اجازه انتخاب شغلی را به همسرش داد، آیا بعد از طی مراحل خاص می‌تواند بگوید اجازه ادامه کار را نمی‌دهم، یا این که اجازه اول، به معنی التزام به تمام لوازم آن می‌باشد؟

ب) آیا در فرض مسئله بین کار موقت و مستمر و نیز استخدام توسط اشخاص حقیقی یا حقوقی تفاوتی وجود دارد؟ یا خیر.

ج) آیا بین کاری که با حق شوهر منافات داشته باشد با شغلی که منافاتی ندارد و نیز شغلی که با رها کردن آن به صاحب کار یا

دیگران لطمه جدی وارد می‌شود با شغلی که چنین نیست فرق هست؟ یا خیر.

◇ **جواب:** اگر شوهر از اول ملتزم نشده که برای همیشه اجازه کار به خانمش داده باشد می‌تواند بعد از یک مدتی اجازه‌اش را لغو کرده و مانع کار زوجه در بیرون از منزل شود.

در فرض سوال بدون اجازه شوهر کار بیرون برای زوجه جواز ندارد، ولو منافات با حق شوهر نداشته باشد، در کلیه فروض اجازه شوهر لازم است و فرق بین موارد مذکور نیست.

◇ **سوال:** [۷۷۷] زنی بدون عذر شرعی مدتی از شوهرش تمکین نداشته، بعد از آن شوهرش او را طلاق داده و یا اینکه دوباره تمکین و به زندگی مشترک شان ادامه داده است، آیا حق الله را ضایع کرده یا حق الناس (شوهر) را؟ اگر این زن توبه کند، آیا رضایت شوهر را جلب کند یا در قیامت با خداوند طرف است؟

◇ **جواب:** زن باید رضایت شوهر را جلب کند و از شوهر حلالیت بطلبد؛ عدم تمکین بدون عذر شرعی هم تضييع حق الله است و هم حق الناس، که در هر دو صورت سزاوار است توبه نماید و به طور جدی از کار خود پشیمان بوده و با اعمال نیک آینده، گذشته را جبران کند.

◇ **سوال:** [۷۷۸] چنانچه زن از نزدیکی با شوهر به میزان متعارف

خودداری نماید (مثلا هر دو ماه یکبار) و ازدواج موقت و یا دائم مرد با زن دیگری موجب پاشیده شدن بنیان خانواده گردد، در این صورت آیا «استمناء» برای مرد جایز است؟ اگر نیست چاره مرد چیست؟

◇ **جواب:** در فرض سؤال اطاعت و تمکین زن از شوهر واجب است، ولی استمناء به هیچ وجه جائز نیست.

◇ **سوال:** [۷۷۹] بعد از عقد نکاح در صورت اعسار زوج از پرداخت مهریه:

الف) آیا زن می‌تواند به خاطر عدم دریافت مهریه تمکین ننماید؟

ب) در صورت جواز، آیا تمکین فقط منحصر به بضع است، یا سایر استمناعات را هم شامل می‌شود؟

ج) آیا در این موارد نشوز صدق می‌کند؟

◇ **جواب:**

الف) قبل از دخول در صورتی که مهر معجل باشد زن حق دارد تمکین نکند ولی بعد از دخول حق عدم تمکین را ندارد.

ب) تمکین غیر از بضع سایر استمناعات را هم شامل می‌شود.

ج) در صورتیکه مهر معجل باشد و دخول صورت نگرفته باشد زن تمکین نکند نشوز صدق نمی‌کند، اما اگر دخول صورت گرفته

باشد حق عدم تمکین را ندارد.

◆ **سوال:** [۷۸۰] لطف نموده درباره زناشویی و حد و اندازه شوخی با همسر را بیان فرمایید.

◆ **جواب:** لذت بردن زن و شوهر از همدیگر حد و حصر ندارد یعنی زن و شوهر به هر شکلی که مایل باشند می‌توانند از یکدیگر لذت ببرند، ولی شایسته است از کارهایی که با کرامت انسانی سازگار نیست و مخالف طبع است پرهیز کنند.

◆ **سوال:** [۷۸۱] آیا در فقه آمده است که انسان با همسرش در بیست و چهار ساعت چند بار همبستر شود؟ مرد می‌تواند آب منی خود را بیرون از فرج همسرش در روی بدن او بریزد؟ اگر همسر مرد بخواهد این آب را بخورد آیا حلال است؟

◆ **جواب:**

۱- در فرض سؤال راجع به همبستر شدن چنین دستوری نیامده است.

۲- مرد می‌تواند منی خود را بیرون از فرج همسرش بریزد؛ ولی یکی از نجاسات منی انسان است و خوردن آن برای هیچ‌کسی جائز نیست.

◆ **سوال:** [۷۸۲] آیا زن می‌تواند آلت تناسلی شوهرش را در جریان معاشقه بمکد؟

◇ جواب: نفس این کار جائز است اما اگر مستلزم خوردن نجس یا کثافت باشد جائز نیست و برخلاف نظافت و پاکی است که اسلام به آن دستور داده و سفارش زیاد نموده است.

◇ سوال: [۷۸۳] آیا خوردن شیر همسر حرام است؟ یا نه.

◇ جواب: اشکال ندارد.

ازدواج دختران باکره

◆ **سوال:** [۷۸۴] اگر نظر مجتهدی این باشد که، ازدواج موقت بدون اطلاع پدر دختر جایز است، آیا دختری که مقلد مجتهد دیگری است، می‌تواند به همین دلیل به ایشان عدول نماید؟
آیا می‌تواند فقط در همین مسئله از ایشان و در بقیه مسائل از مرجع تقلید خودش تقلید کند؟

◆ **جواب:** اگر مجتهد دختر قائل به احتیاط باشد در آن صورت به الأعلم فالأعلم مراجعه کند و اگر مرجع دختر در مسئله فتوی دارد، که در ازدواج دختر باکره اجازه پدر شرط است، در این صورت دختر نمی‌تواند به مجتهد دیگر رجوع کند.

◆ **سوال:** [۷۸۵] آیا می‌شود بطور موقت با دختر نابالغ بدون اجازه از ولی او بطور موقت بخاطر اینکه فقط نگاه انسان محرمانه باشد و انسان گناهکار نشود و خود انسان از جانب دختر وکیل شود عقد کرد، بخاطر اینکه به خانه بعضی از دوستان انسان رفت و آمد دارد و معمولاً نظر و لمس با دختر نابالغ اتفاق می‌افتد و خوف به حرام افتادن است.

◇ **جواب:** ازدواج با دختر باکره چه صغیره باشد و یا کبیره، بدون اجازه پدر و جد پدری جواز ندارد؛ مخصوصاً در ازدواج با دختر صغیره اگر به صلاح دختر نباشد حتی پدر حق ندارد او را به عقد کسی درآورد.

◇ **سوال:** [۷۸۶] آیا ازدواج دختر باکره بدون کسب اجازه‌ی ولی دختر جایز است؟ یا خیر. اصولاً باکره به چه دختری گفته می‌شود؟ آیا منظور از باکره دختری است که قبلاً شوهر نکرده است یا وجود عضو بکارت معیار باکره و ثبیه بودن است؟

◇ **جواب:** در ازدواج دختر باکره (دختری که بکارتش از طریق ازدواج و دخول زائل نشده باشد) اجازه پدر و یا جد پدری لازم است.

◇ **سوال:** [۷۸۷] من با دختر کاکایم چند وقتی می‌شود که نامزد شده‌ام چون ناگزیریم رفت و آمد داشته باشیم من چند بار به بزرگان گفتم صیغه عقد را بخوانند، اما توجه نکردند من خودم گفتم با مسایل شرعی باید توجه شود خودم با نامزد صیغه عقد را خواندیم آیا درست است؟ یا نه.

همه اعضای فامیل مثل پدر و مادر من و پدر و مادر نامزد از این موضوع نامزدی راضی هستند

◇ **جواب:** بدون اجازه پدر، عقد نکاح دختر باکره اشکال دارد؛ ولی

اگر از نکاح دختر و پدرش راضی باشند مانع ندارد.

خواندن عقد توسط خود زن و مرد در صورت درست است که هر دو معنی اخبار و انشاء صیغه عقد را و نیز معنی عبارت عقد را بدانند و الا جواز ندارد.

ازدواج دختری که فرار کرده

◆ **سوال:** [۷۸۸] شخصی دختری را بدون اجازه پدرش به قصد ازدواج با او، از خانه فراری می‌دهد، مدتی را با آن دختر زندگی می‌کند، بعد از چندی پدر و مادر و اقارب دختر از قضیه مطلع شده و با خانواده پسر توافق می‌کنند و طرف پسر، پول و مال برای پدر دختر فراهم می‌کند و رضایت ایشان را جلب می‌کند و عقد صورت می‌گیرد. آیا در مدتی که دختر با پسر نامحرم در یک مکان زندگی می‌کرده‌اند حکم شرعی دارد؟ آیا تعزیر دارد؟ یا خیر.

◆ **جواب:** بعد از رضایت دختر و پسر و پدر دختر، عقد صحیح است ولی نسبت به گذشته، طرفین مستحق تعزیر می‌باشند.

◆ **سوال:** [۷۸۹]

س ۱- پسری دختری را از تهران فراری داده در هرات آورده است در حالیکه عقد و نکاح نشده و دختر از همین پسر حامله است، حکم شرعی ایشان چیست؟

س ۲- بر فرض سوال اول بعد از دخول بدون عقد، پدر ادعای گله نماید آیا می‌تواند از داماد مال اخذ کند یا حق ندارد؟

س ۳- بر فرض فوق اگر پسر و دختر ادعای عقد داشته باشند، اما عقد نامه نداشته باشند در حالی که پدر و مادر دختر منکر عقد است، قول پسر و دختر مسموع است؟ یا خیر.

◇ جواب:

۱- عقد دختر باکره بدون اذن پدر، ولو عقد را هم خوانده باشند بنا بر احتیاط واجب باطل است، مگر اینکه پدر غایب باشد و دسترسی به او ممکن نباشد در این صورت عقد دختر باکره صحیح است.

۲- گرفتن گله در هر شرایط حرام است.

۳- در فرض سوال که دختر باکره بوده هر چند عقد شده باشند چون بدون اذن پدر دختر بوده عقد آن‌ها باطل است.

◇ سوال: [۷۹۰] آیا دختر بدون رضایت پدر و مادرشان نکاح می‌شود؟ یا خیر. در صورتی که پدرشان زنده و حیات باشد، ولی دختر همراه کسی فرار کند و عقد نکاح اجرا کنند چه؟

◇ جواب: در ازدواج دختر باکره اجازه پدر و یا جد پدری بنا بر احتیاط واجب شرط است، مگر اینکه پدر از ازدواج دختر با همکفو بدون عذر شرعی خودداری کند.

◇ سوال: [۷۹۱] دختری پس از عقد با پسری، فقط در اثر ملاحظه

سطحی و بدون کوچکترین دخولی بصورت جذبی حامله شده و طفل بصورت سزارین متولد شده است، آیا این دختر باکره است یا ثیبه؟ در صورت طلاق مهریه او نصف است یا کامل؟ آیا رعایت ایام عده بر وی لازم است؟ یا خیر.

◇ **جواب:** تا بکارت دختر باقی است باکره بودن صدق می‌کند و در صورت طلاق عده ندارد و نصف مهر را حق دارد.

شرطیت اذن پدر در عقد

◇ **سوال:** [۷۹۲] آیا ازدواج موقت با دختری که بکارت ندارد، بدون اذن ولی صحیح است؟

◇ **جواب:** در صورتی که ازاله بکارت از راه دخول شرعی و یا زنا صورت گرفته باشد، اجازه ولی شرط نیست.

◇ **سوال:** [۷۹۳] هل يجوز زواج المتعة من المرأة العذراء بدون إذن وليها في حالة كان الشخص لن يقوم بفتح غشاء بكارتها

◇ **جواب:** لايجوز الزواج مع المرأة العذراء بدون اذن وليها.

◇ **سوال:** [۷۹۴]

۱- اگر دختر و پسر به هم دیگر علاقه‌مند باشند و بدون اجازه پدر و مادر در صورتی که به سن قانونی هم رسیده باشند یعنی بالای بیست سال و طبق رساله یکی از مراجع تقلید با هم یک نفر زن را

وکیل بگیرد و با هم عقد نمایند، آیا این عقد از نظر شرعی درست است؟ و آیا این دو رسماً زن و شوهر شناخته می‌شوند؟

۲- اگر پسر و دختری که به سن قانونی رسیده بدون اجازه پدر و مادر با هم عقد کردند و بعد پسر به مسافرت رفت و خانواده دختر، دختر را به کسی دیگر بدهند، حال آنکه دختر از ترس موضوع عقد اولی خود را با والدین نگفته باشد در آن صورت چه حکمی دارد؟

◇ **جواب:** در ازدواج دختر باکره اجازه پدر بنا بر احتیاط واجب لازم است و در فرض سؤال احتیاطاً پسر دختر را طلاق دهد و با طلاق از هم جدا شوند (مراد از احتیاط، احتیاط استحبابی است) و دختر قبل از طلاق و گذشتن عده نمی‌تواند به عقد کسی دیگر در آید.

◇ **سوال:** [۷۹۵] اگر دختری، قبلاً رابطه جنسی با کسی داشته ولی ازدواج نکرده، آیا می‌توان ایشان را بدون اجازه پدر صیغه نمود؟ چون دختر نیست اما ازدواج هم نکرده و به علاوه به اندازه کافی هم تجربه زندگی مشترک و درک آن را دارد.

◇ **جواب:** اگر دختر باکره نباشد و بکارت او از راه شرعی و یا غیر شرعی زایل شده باشد، اجازه پدرش در عقد او لازم نیست.

◇ **سوال:** [۷۹۶] دختری هستم بیست و پنج ساله آیا می‌توانم

بدون اجازه پدر عقد موقت کنم؟

◇ **جواب:** بدون اجازه پدر بنا بر احتیاط واجب عقد دختر باکره باطل است.

◇ **سوال:** [۷۹۷] آیا برای صیغه کردن (ازدواج موقت) یک دختر اهل کتاب مثلاً مسیحی، اجازه پدرش لازم است در صورتی که دختر مورد نظر باکره نباشد؟ چون اکثر دخترها در کشورهای اروپایی باکره نیستند، وظیفه چیست؟

◇ **جواب:** عقد دائم با کفار جایز نیست، ولی عقد موقت با دختر کتابی اشکال ندارد، اگر دختر باکره باشد و آنها اجازه پدر را شرط بدانند، اجازه پدر شرط است و اگر باکره نباشد اجازه ولی شرط نیست.

◇ **سوال:** [۷۹۸] بنده جوانی هستم که کارهای فرهنگی می‌کنم و بیشتر اوقات همکار خانم دارم خیلی اوقات با یک خانم در یک اتاق تنها می‌مانم اگر این خانم دوشیزه باشد و بالغ، عاقل و تحصیل کرده که خوب و بد خود را تشخیص دهد.

۱ - آیا با این خانم می‌توانیم صیغه محرمیت بخوانم برای اینکه در گناه داخل نشویم، پدر دختر هم خیر نداشته باشد، یاد آور می‌شوم که قصد دخول نداریم، فقط نگاه کردن و احیاناً شوخی کلامی و بدنی.

۲- آیا دختر که به طور رسمی وقانونی شوهر نکرده ولی پرده بکارت ندارد اگر دختر خودش راضی باشد می‌شود بدون اجازه پدر صیغه کرد؟

◇ **جواب:** اگر ازاله بکارت از راه دخول شرعی و یا غیر شرعی صورت گرفته باشد، اجازه ولی شرط نیست.

◇ **سوال:** [۷۹۹] اگر دختری بدون اذن پدر به عقد موقت یا دائمی کسی در آید سؤال‌های ذیل مطرح می‌گردد:

۱- این عقد صحیح واقع شده است؟ یا خیر.

۲- بر فرض صحت تحصیل رضایت پدر لازم است؟ یا خیر.

۳- اگر اجازه پدر را حاصل نکند و یا اینکه پدر اجازه ندهد، باقیمانده مدت، یا ادامه زندگی این دختر و پسر چه حکم دارد؟

۴- اگر دختری از راه نامشروع بکارتش از بین رفته باشد باز هم اذن پدر لازم است؟ یا خیر.

◇ **جواب:**

ج ۱) بنا بر احتیاط واجب عقد دختر باکره بدون اجازه پدر و یا جد پدری باطل است؛ مگر اینکه دسترسی به پدر نباشد و یا پدر از ازدواج با هم کفو خودداری کند و دختر به سن ازدواج رسیده و متمایل به ازدواج با مردی هم کفوش باشد.

ج ۲) اگر بعد از عقد، پدر و یا جد پدری راضی شود آن عقد صحیح است.
ج ۳) اگر پدر و جد پدری اجازه ندهند از همدیگر جدا شوند و اگر بکارت از راه نامشروع زایل شده باشد اجازه پدر یا جد پدری لازم نیست.

◆ **سوال:** [۸۰۰] ما رأی سماحتکم حول الزواج الموقت المشروط بعدم الدخول من البنت الباکر من دون إذن الولی؟

◆ **جواب:** الزواج الموقت ولو كان مشروطاً بعدم الدخول من بنت الباکر من دون إذن الولی باطل علی الأحوط.

◆ **سوال:** [۸۰۱] اگر به گفته بزرگترهای فامیل خواستگار کفو و متناسب دختر باشد و پدر دختر بدون دلیل معقول مخالفت کند، آیا اذن او ساقط می شود و این دختر می تواند بدون کسب اجازه - ای پدر با پسر مورد علاقه اش (که کفوش است) ازدواج کند؟

◆ **جواب:** اگر ولی دختری بدون دلیل شرعی از ازدواج با هم کفو خودداری کند در این صورت اجازه ولی در صحّت عقد نکاح لازم نیست.

◆ **سوال:** [۸۰۲] آیا ازدواج موقت با دختر باکره بدون اجازه والدین جایز است؟

◆ **جواب:** در ازدواج دختر باکره چه موقت باشد و یا دائم اذن ولی

بنابر احتیاط واجب لازم است؛ مگر اینکه ولی غایب باشد و دسترسی به او نباشد و دختر نیاز شدید به ازدواج داشته باشد و یا ولی از ازدواج دختر با هم کفوش خودداری کند، که در این دو صورت اجازه ولی ساقط است.

◆ **سوال:** [۸۰۳] دانشجو هستم در خارج از افغانستان و با دختری هم کفو و مؤمنه آشنا شدم و هر دو وعده ازدواج با هم دادیم، خانواده‌هایمان یکدیگر را نمی‌شناسند و در افغانستان و ایران زندگی می‌کنند. آیا بدون مطرح کردن مسئله با فامیل‌ها می‌توانیم عقد نکاح را صرف به هدف اینکه با یکدیگر محرم شویم با هم دست بدهیم و ... نه به منظور رابطه جنسی در نزد عالم اصلح منعقد کنیم؟ دختر شخص عاقل بالغ و در مقطع ماستری دانشجو می‌باشد و می‌تواند خیر و شر خود را بیشتر از والدین بی‌سوادش تشخیص دهد.

◆ **جواب:** عقد دختر باکره بدون اذن پدر دختر باطل است و دست دادن با دختر قبل از عقد حرام است، همچنین صحبت کردن در غیر امر ازدواج نیز حرام است، اگر شما واقعاً تصمیم به ازدواج دارید با اولیاء دختر مطرح و با اجازه ولی دختر به صورت دائم یا موقت عقد کنید.

حکم ترمیم بکارت

◆ **سوال:** [۸۰۴] من دختری بیست و پنج ساله هستم که هفت ماه پیش دچار تجاوز جنسی شدم، از آنجا که مسئله بکارت برای خانواده و خودم خیلی مهم بوده و هست نمی‌توانم با این مسئله کنار بیایم، پدر و مادرم هر دو مریض هستند و من از ترس به خطر افتادن سلامت شان نمی‌توانم حقیقت را بگویم، همچنین من خانواده سرشناس و مردمی دارم و خودم با آبرو زندگی کرده‌ام، می‌دانم که عمل ترمیم را انجام می‌دهند ولی نمی‌دانم اگر روزی بخواهم ازدواج کنم باید حقیقت را به همسر آینده‌ام بگویم یا پنهان کنم، می‌ترسم ابتدا قبول کند ولی بعد در زندگی باعث بدبینی شود، اگر ترمیم کنم و نفهمد، آیا من گناه کردم که حقیقت را نگفتم؟

◆ **جواب:** ترمیم چون باعث نگاه و نظر حرام است لذا جواز ندارد، در فرض سوال اگر از بکارت سؤال شود حقیقت را بگویید، اگر سؤال نکردند لازم نیست قضیه را اظهار کنید، ولی در صورت عدم اظهار، مهر المثل تیبّه را حق دارید.

احکام طلاق

شرایط اجرای صیغه طلاق

◆ سوال: [۸۰۵] با توجه به این که «طلاق باید به صیغه طلاق در حضور لااقل دو مرد عادل که طلاق را بشنوند» واقع گردد:

الف) آیا استماع صیغه طلاق لازم است و یا سماع آن هم کفایت می‌کند؟

ب) در صورت لزوم استماع، آیا لازم است شهود به قصد استماع صیغه طلاق در مجلس حاضر شده باشند یا قصد حضور برای استماع لازم نیست؟

ج) آیا شنیدن باید بالمشافهه (رو در رو)، بدون واسطه و با حضور در مجلس اجرای صیغه باشد یا به صورت واسطه مانند شنیدن از طریق بلندگو یا تلفن و یا دیدن و شنیدن از طریق پخش فیلم به صورت زنده و هم زمان که یقین به اجرای صیغه طلاق حاصل شود کفایت می‌کند؟

◇ جواب:

الف) سماع صیغه طلاق کفایت می‌کند.

ب) قصد حضور لازم نیست.

ج) صیغه طلاق در حضور دو عادل واقعی جاری شود و شنیدن از راه‌های مذکور در سوال برای شهادت کفایت نمی‌کند.

◇ سوال: [۸۰۶] طلاق در حضور زنان عادلۀ بدون حضور مردان عادل صحیح است؟ یا خیر.

◇ جواب: طلاق در حضور زنان عادلۀ باطل است.

◇ سوال: [۵۲۵۲۵۲] واقعه طلاق پس از سپری شدن مدت عده کامل می‌شود و یا به محض اجرای صیغه طلاق، عقد نکاح منحل می‌گردد آیا سپری شدن مدت عده تأثیری در منحل شدن عقد نکاح دارد؟ یا خیر.

◇ جواب: اگر دخول واقع شده باشد بعد از اجرای صیغه طلاق، باید زن عده نگهدارد، که اگر زن عادت ماهانه داشته باشد بعد از حیض سوم عده‌اش تمام می‌شود و اگر عادت ماهانه ندارد، سه ماه از زمان طلاق باید سپری شود، ولی چنانچه دخول واقع نشده یا زن یائسه باشد، عده ندارد؛ طلاق در زنان که عده دارند، بعد از عده کامل می‌شود.

موارد بطلان صیغه طلاق

◆ سوال: [۸۰۷] شخصی است که زنش در خواست می‌کند تا او را طلاق دهد و مرد هم راضی می‌شود و طلاق را جار می‌کند.

بعد از چند روزی زن می‌گوید: من آن زمان خفه (احساساتی - عصبانی) بودم و چنین درخواستی نمودم، آیا چنین طلاق صحیح است؟ یا خیر. اصولاً ادعای زن در چنین شرایط مسموع است؟ یا نه.

◆ جواب: در طلاق رجعی رضایت زن لازم نیست؛ اگر شوهر با رعایت شرایط زنش را طلاق داده باشد آن طلاق صحیح است.

◆ سوال: [۸۰۸] شخصی از افغانستان به جهت کار در ایران رفته، پدرش به بهانه اینکه پسر مرا وکیل گرفته است، در افغانستان عروسش را طلاق داده و قتیکه شوهر زن مطلقه از این قضیه با خبر گردیده توسط تلفن در افغانستان برای خانواده همسرش ابراز کرده که من پدرم را وکیل برای اجراء طلاق نگرفته‌ام، حالا شوهر زن در افغانستان آمده حاضر است زنش را دوباره به خانه-اش ببرد، اما مادر زن و پدر زن قبول نمی‌کند و می‌گوید که زن طلاق داده شده است. حکم شرعی این مسئله چیست؟

◆ جواب: در فرض سؤال آن طلاق باطل است، چون طلاق باید به اجازه شوهر باشد، کسی دیگر حق طلاق دادن ندارد، مگر اینکه از طرف شوهر وکیل باشد.

◆ **سوال:** [۸۰۹] اگر یک زوج از هم طلاق بگیرند و بعد از طلاق از هم جدا نشوند و بعد از طلاق یک سال و نیم باهم زندگی مشترک داشته باشند، آیا زوجه می‌تواند بگوید دیگر همسر من نیستی؟

◆ **جواب:** اگر طلاق رجعی بوده و زن دارای عده، تا زمانی که عده تمام نشده شوهر حق رجوع به زن را دارد؛ بعد از رجوع طلاق باطل می‌شود یا اینکه طلاق خلع و یا مبارات باشد و همسر به بذل رجوع کند، که در این صورت نیز شوهر می‌تواند قبل از انقضای عده به زنش رجوع کند، اگر طلاق بائن بوده و زن عده نداشته در این صورت بدون عقد جدید شوهر حق رجوع ندارد.

◆ **سوال:** [۸۱۰] چندی پیش به طلاق خلع از همسرم جدا شدم، ولی ایشان یک روز بعد از طلاق اظهار داشت که در هنگام طلاق در عادت ماهیانه بوده و دو ساعت بعد از دفتر خانه آن را فهمیده، در روزهای بعد هم مدام دم از پشیمانی و برگشت می‌زد تا اینکه سه هفته بعد از طلاق به منزل آمد و مدام اظهار پشیمانی و قصد رجوع می‌نمود در مدتی که در منزل بود با توجه به اینکه طلاق را باطل می‌دانست و هنوز خود را زن من می‌دانست و نیز عده‌اش تمام نشده بود با من چندین بار نزدیکی داشت، ولی بعد از این جریانات شرط گذاشت که اگر می‌خواهی رجوع قانونی شود باید حق طلاق و... را به من بدهی و بنده فکر می‌کردم با

صحبت می‌توانم او را راضی کنم، تا اینکه بعد از حدود شش ماه ارتباط خود را قطع کرد، آیا او از لحاظ شرعی زن من است؟ اگر بخواهد شوهر کند حکم چیست؟

اگر چنانچه اظهار ایشان مبنی بر عادت بودن در زمان جاری شدن طلاق دروغ باشد (که احتمال آن می‌رود) آیا نظر به اینکه ایشان در زمان عده بازگشته و حتی نزدیکی هم کرده این رجوع محسوب می‌شود و هنوز شرعاً زن من است؟

◇ **جواب:** در فرض سؤال اگر واقعاً در وقت اجرایی صیغه طلاق ایشان حائض بوده است، طلاق باطل و خانم شرعاً زن شما می‌باشد و چنانچه حائض نبوده است، طلاق صحیح و رجوع ایشان رجوع به بذل نکرده باشد، باطل و عمل زناشویی در آن مدت حرام بوده است و در فرض عادت نبودن اکنون آن زن زوجه‌ی شما نمی‌باشد.

◇ **سوال:** [۸۱۱] زنی که برای رسیدن به طلاق از شوهر خود متوسل به هر حيله و نیرنگ شده، اگر با راهنمایی دیگری دارویی به شوهر خورانیده و وی را به حالت عنین درآورده تا در دادگاه موفق به گرفتن مجوز طلاق شود، آیا اولاً طلاق وی صحیح است در صورت طلاق مهریه، نفقه ایام عده، مخارج ازدواج مجدد شوهر به عهده او است یا به عهده راهنما؟

◇ **جواب:** در فرض سوال آن طلاق صحیح نیست و زن مهریه خود را حق دارد مطالبه کند و در صورت ثبوت عنین توسط شهود حاکم شرع می‌تواند زن را مجازات کند (تعزیر) و دیه هم بر زن واجب است، باید دیه عنین کردن شوهر را پردازد.

طلاق‌هایی که اختیار آن با حاکم شرع است

◇ **سوال:** [۸۱۲] هرگاه در ازدواج موقت یکی از اسباب طلاق حاکم محقق گردد (مثلاً زوج مفقود الاثر شده و یا زوجه مواجه با عسر و حرج گردد و شوهر نیز حاضر به بخشیدن مدت نباشد) آیا زن می‌تواند از دادگاه تقاضای فسخ متعه را با بخشیدن مدت باقیمانده بنماید؟ (خصوصاً در صیغه‌های دراز مدت — مانند نود و نه ساله —)

◇ **جواب:** همانگونه که در مواردی حاکم شرع می‌تواند زوجه دائمی را طلاق غیابی دهد، می‌تواند زوجه موقته را هم طلاق ولائی بدهد، یعنی هم مدت را بیخشد و هم احتیاطاً طلاق بدهد.

طلاق‌هایی که باید زن رضایت مرد را جلب کند

◇ **سوال:** [۸۱۳]

۱- شخصی دختری را خواستگاری می‌کند بعد از توافق دو طرف و خرج و مخارج، این نامزدی از طرف دختر بهم می‌خورد یعنی

دختر می‌گوید که مرا به زور داده و راضی به این وصلت نیستم، آیا مصاریف داماد از قبیل طلا، لباس و... را خانواده عروس ضامن است؟ یا خیر.

۲- در فرض ضمان طلای که پس می‌دهد آیا ضامن عین و وزن طلا است یا فقط شبیه به آن طلاها کافی است؟

۳- طلای که پس داده بنا به تأییدهای طلا فروش شانزده گرم کم برگردانده آیا کسری ضامن است؟ یا خیر.

۴- پدر دختر قرار شده مبلغ یک میلیون و پانصد هزار تومان در تاریخ ۱۳۹۰/۱/۱۴ بدهد و حالا سرباز می‌زند لطفا حکم مسئله رایان فرمایید؟

◇ جواب:

ج ۱) در فرض سوال اگر عقد جاری شده و دختر خواهان طلاق است باید رضایت شوهر را جلب کند و شوهر می‌تواند مقدار مصارف طلا، لباس، بخشیدن مهریه و ... را شرط رضایت طلاق قرار دهد.

ج ۲) طلای که برای خانم داده اگر برای او بخشیده مال زن است و اگر نبخشیده باشد مال شوهر است در صورت دوم اگر اصل طلا باقی است اصل آن را بدهد و اگر اصل نیست شوهر را راضی کند به عوض و یا قیمت.

- ج ۳) اگر شوهر نبخشیده باشد آن مقدار زاید را نیز ضامن است.
- ج ۴) اگر پدر دختر متعهد شده که آن مبلغ را بدهد حق مخالفت ندارد.

حقوق زن مطلقه

- ◆ سوال: [۸۱۴] مردی ادعا می‌کند که زنش از لحاظ شکل ظاهری خوب نیست و زیاد دروغ هم می‌گوید و می‌خواهد زنش را طلاق بدهد با توجه به این که خانمش در افغانستان می‌باشد اکنون هیچ گونه وکیل مدافعی ندارد آیا می‌شود به گفته شوهر بسنده کرد و طلاق را جاری نمود؟ هرچند طلاق در دست مرد است در این قضیه اگر حقی از آن خانم ضایع گردد چه می‌شود؟
- ◆ جواب: در فرض سؤال طلاق دادن آن زن اشکال ندارد، ولی حقوق آن زن از قبیل مهریه و نفقه‌ی بین عده‌اش را باید شوهر کامل برایش بدهد.

عیب‌هایی که سبب طلاق می‌شود

- ◆ سوال: [۸۱۵] مردی که معتاد است و قادر به تأمین خرج و مخارج عیالش نیست و قادر به هم‌خوابی نمی‌باشد، آیا زنش می‌تواند طلاق بگیرد؟ یا خیر.
- ◆ جواب: در فرض سؤال به شوهر اعلام می‌شود که نفقه زن را

تأمین کند و یا خودش با رضایت همسرش را طلاق دهد؛ اگر نفقه نداد و طلاق هم نداد، در صورت شهادت دو نفر عادل نزد حاکم شرع مبنی بر امتناع شوهر از تأمین نفقه و طلاق، حاکم شرع می‌تواند زن را طلاق دهد.

◆ **سوال:** [۸۱۶] این جانب حدود هشت ماه قبل دختری را با مهریه یکصد و ده عدد سکه تمام بهار آزادی به عقد خویش درآوردم و بعد از عقد متوجه شدم که همسر من نسبت به من هیچ علاقه‌ای نداشته و ندارد، فقط به جهت طمع به مهریه، بی‌علاقگی خویش را نسبت به من و علاقه‌مندی خویش را به دیگران اظهار نداشته است (و به گفته خودش او به تحمیل و زور والدین و اطرافیانش به عقد من درآمده است). در اثر همین بی‌علاقگی به من و علاقه‌مندی به فرد دیگر نسبت به من ناشزه بوده و هرگز روی خوش نشان نداده است و برای این که مرا کنار بزند با فرد دیگری به صورت تلفنی ارتباط برقرار کرده است و اظهار داشته که ما نسبت به همدیگر علاقه‌مندیم و به این صورت تعهد اخلاقی خود را نسبت به شوهر شرعی‌اش زیر پا نهاده است، افزون بر این متوجه شدم که قبل از این که به عقد من درآید، از خانه پدرش فراری بوده، تا جایی که نسبت به باکره بودنش شک دارم.

حال با توجه به سابقه بدی که دارد و این که نامش در بین مردم

بد در رفته است، اگر بخواهم او را طلاق بدهم، در آن صورت آیا به ایشان مهریه تعلق می‌گیرد؟ یا خیر. اگر تعلق می‌گیرد، مهر المثل تعلق می‌گیرد یا مهر المسمی؟

◇ **جواب:** در فرض سؤال، اگر دختری چنین سابقه‌ی بدی داشته باشد که حتی بین مردم مشهور شده باشد و شما خبر نداشته‌اید و بکارت نداشته باشد، حق مهر المسمی ندارد، در فرض طلاق فقط نصف مهر المثل زن ثبیه را حق دارد؛ یعنی عُرفاً یک چنین زنی با چنین اوصافی را چه مقدار مهریه مقرر می‌دارند، ایشان هم همان مقدار مهریه حق دارد. این در صورت عدم دخول است و اگر دخول تحقق یافته باشد، تمام مهر المثل یک زن ثبیه را حق دارد.

مواردی که زن می‌تواند طلاق بگیرد

◇ **سوال:** [۸۱۷] زنی هستم که مدت پنج سال می‌شود ازدواج کرده‌ام صاحب دو اولاد هستم، شوهرم معتاد به مواد مخدر است، من از ایشان در هر اسم نمی‌خواهم زندگی کنم، خواهان طلاق خویش هستم، اما شوهرم حاضر به طلاق نمی‌شود لطفاً مرا راهنمایی فرمائید.

◇ **جواب:** اگر شوهرتان نفقه شما، را به نحوی متعارف بدهد شما طلاق گرفته نمی‌توانید؛ ولی اگر نفقه شما را نمی‌دهد، در صورت

که پیش حاکم شرع ثابت شود، حاکم شرع یا وکیل مأذون از طرف حاکم شرع می‌تواند شما را طلاق دهد.

◆ **سوال:** [۸۱۸] زنی شوهرش به مواد مخدر معتاد است هرروز توان خود را ازدست می‌دهد زن نمی‌خواهد با این وضع با شوهرش زندگی کند و خواهان طلاق می‌باشد اما شوهر معتاد از طلاق دادن خودداری می‌کند در این صورت تکلیف زن چیست؟

◆ **جواب:** اگر شوهر نفقه زن را می‌دهد وظیفه زن زندگی با شوهرش است؛ مگر اینکه رضایت شوهر را در طلاق جلب کند و خود را مطلقه کند؛ ولی چنانچه شوهر از نفقه و طلاق خودداری می‌کند در صورتی که دو عادل به این کارش شهادت بدهند، حاکم شرع می‌تواند زن را طلاق دهد.

عده و احکام آن

◆ **سوال:** [۸۱۹] آیا خواندن عقد موقت در دوران عده اشکال دارد؟

◆ **جواب:** بله مطلق اجرا عقد در ایام عده زن اشکال دارد.

◆ **سوال:** [۸۲۰] با جلوگیری کردن زنان از طریق بستن دائمی

لوله‌اش، آیا باز هم بعد از طلاق نگهداشتن عده لازم است؟

◆ **جواب:** برای زنان مدخوله عده مطلقاً لازم است؛ مگر اینکه یائسه باشد.

◆ **سوال:** [۸۲۱] اگر زن متعه شود و دخول صورت گیرد، اما از

ریختن منی در رحم زن جلوگیری شود، بعد از اتمام یا بخشش

مدت، زن دوباره از طرف همان شخص متعه شود که در متعه دوم

دخول صورت نگیرد آیا بعد از اتمام یا بخشش مدت دوم زن

عده دارد؟

◆ **جواب:** در فرض سؤال اگر دوباره خود این شخص آن زن را

عقد موقت (صیغه) کند عده لازم نیست؛ اما برای عقد با کسی

دیگر باید زن عده نگهدارد.

◆ **سوال:** [۸۲۲] شخصی با زنی نکاح کرده ولی بنا بر رسوم محلی هنوز زن در خانه‌اش (خانه شوهر) نیامده و با پدر و مادرش زندگی می‌کرده که بعد از چند روز آن زن با یک فرد دیگر برای چهار روز مانده، حال شوهر اول می‌خواهد طلاقش دهد، آیا به خاطر شبهه زنا، نگهداشتن عده بر زن واجب است؟ یا خیر.

◆ **جواب:** این طلاق چون قبل از دخول است، نیاز به عده ندارد، اگر آن زن با غیر شوهر زنا کرده و بخواهد با کسی دیگر ازدواج کند به مدت یک حیض استبراء کند، یعنی از شوهر کردن تا دیدن حیض خود داری کند.

◆ **سوال:** [۸۲۳]

- ۱- دخول از عقب با زن یا دختر موجب نگهداری عده می‌شود؟ یا خیر.
- ۲- خانمی که از راه عقد موقت امرار معاش می‌کند و به نوعی شغل او محسوب می‌شود باید عده نگه دارد؟

◆ **جواب:**

- ج ۱. در فرض سؤال اگر زن یائسه یا صغیره نباشد باید عده نگهدارد.
- ج ۲. عده لازم است، یعنی پس از هر بار عقد و دخول، باید بعد از تمام شدن مدت عده نگهدارد، مگر اینکه دوباره مدت را با خواندن صیغه مجدد با همان مرد تمدید کند.

مسائل غذائي

شرائط ذبح حیوانات

◆ سوال: [۸۲۴]

۱- خواباندن شتر مرغ برای ذبح بسیار دشوار است. آیا ذبح این حیوان در حال ایستاده و حرکت در لحظه‌ای که رو به قبله قرار می‌گیرد صحیح است؟

۲- اگر اشکال دارد و نمی‌دانستیم ولی سایر شرایط رعایت شده گوشت‌های حاصل از ذبح اینگونه را دور بریزیم؟

۳- آیا ذبح سایر حیوانات هم اگر رو به قبله ایستاده باشند شرعی است؟

◆ جواب: ذبح هر حیوانی که رو به قبله باشد و شرایط دیگر ذبح موجود باشد صحیح است و اشکال ندارد.^۱

◆ سوال: [۸۲۵] در اکثر گشتارگاه‌ها یک سنگ که روی آن بسم الله حک شده در بالای سر نصب کرده‌اند و مرغ‌ها توسط دستگاه

۱- مراجعه شود به مسئله ۲۷۵۷ رساله توضیح المسائل.

به صورت اتوماتیک سر بریده می‌شوند، با توجه به تعداد زیاد مرغ‌ها برای هر ذبح بسم الله گفته نمی‌شود با توجه به اینکه اینجانب از این قضیه آگاه هستم آیا می‌توانم گوشت مرغ بخورم یا نه؟

سوال دوم اینکه اگر حکم نخوردن چنین گوشت است، آیا وقتی دست با چنین ذبیحه و گوشت تماس پیدا کند نجس می‌شود؟ یا خیر.

◇ **جواب:** اگر در موقع سر بریدن مرغ‌ها توسط دستگاه، هر موقع که سر بریده می‌شود اسم خدا را ببرند، ذبح شرعی است و در موقع سر بریدن هر مرغ اسم خدا برده نشود ذبح شرعی نیست و گوشت مرغ حرام است.

و در فرض سوال دوم ذبیحه‌ای که به طور شرعی سر آن بریده نشده نجس است.

◇ **سوال:** [۸۲۶] آیا ذبح گوسفند بعد از تیر خوردن در حالی که حیات دارد درست است؟

◇ **جواب:** ذبح گوسفند، بعد از تیر خوردن اگر هنوز زنده باشد، چنانچه با رعایت دیگر شرایط ذبح کند، صحیح است.

حکم ذبیحه عامّه

◆ **سوال:** [۸۲۷] چند سالی است که من با برادران اهل تسنن همکار هستم و در جاهای که مسافرت می‌کنم همه اهل تسنن هستند و گوشت که برای خوردن آماده می‌کنند هم ذبح شده برادران اهل سنّت، است آیا استفاده آن برای بنده از نظر شرع جایز است؟ یاخیر.

◆ **جواب:** استفاده کردن از ذبیحه اهل سنّت اشکال ندارد و حلال است؛ ولی استفاده از گوشت خرگوش که اهل سنّت جایز می‌دانند، از نظر تشیع حرام است.

حکم ذبیحه کتابی

◆ **سوال:** [۸۲۸] نظر جنابعالی راجع به ذبیحه‌ی اهل کتاب چیست؟ اگر ذبح مثل ذبح اسلامی باشد ولی نام خدا برده نشود همچنین اگر گوشت برای فروش در سوپر مارکت باشد، ولی ندانیم ذبح کننده چه دینی دارد تکلیف چیست؟ من در آمریکا زندگی می‌کنم که برادران اهل سنّت در اینجا گوشت برای فروش در سوپر مارکت را خریداری می‌کنند و فقط قبل از پخت یا خوردن آن، ذکر بسم الله را می‌گویند، صورت مسئله چه حکمی دارد؟

◇ جواب:

- ج ۱) ذبیحه اهل کتاب محکوم به حرمت است.
- ج ۲) اگر ذابح مسلمان باشد و عمداً اسم خدا را نبرد آن گوشت حلال نیست.
- ج ۳) اگر گوشت در بازار مسلمان فروخته شود و نداند ذبح شرعی شده یا نه محکوم به حلیت است.
- ج ۴) اگر گوشت با ذبح شرعی به دست نیامده باشد گفتن نام و یاد خدا در مراحل مختلف (پخت، خوردن و ...) تأثیری ندارد و بعد از ذبح حیوان موجب حلیت آن نمی‌شود.

◇ سوال: [۸۲۹] من در یک کشوری زندگی می‌کنم که قصابی اسلامی ندارد. ما از مغازه‌های گوشت می‌خریم که از کشورهای اسلامی وارد می‌کنند، خیلی‌ها شک دارند و می‌گویند که مغازه دارها دروغ می‌گویند. آیا این گوشت‌ها حلال است؟ یا خیر.

◇ جواب: اگر اطمینان دارید که گوشت‌ها را از کشورهای اسلامی وارد می‌کند آن گوشت‌ها حلال و اگر اطمینان ندارید خوردن آن گوشت‌ها حرام است، اگر می‌توانید خودتان حیوان زنده خریداری کنید و بر اساس موازین شرعی ذبح کنید.

◇ سوال: [۸۳۰] من در یک کشور غیر اسلامی زندگی می‌کنم در اینجا یک دکان عرب است که می‌گوید گوشتی که می‌فروشد حلال است و ما نمی‌دانیم که آیا ذبح شده است یا نه؛ نظر

جنابعالی در این موضوع چیست؟

کنسروهای ماهی که معلوم نیست که چگونه صید می‌شوند آیا جایز است مصرف کرد؟ یا خیر.

◇ **جواب:** در فرض سؤال اگر از حرف آن عرب اطمینان به ذبح

شرعی بودن گوشت‌ها پیدا می‌کنید، استفاده از آن گوشت‌ها برای شما حلال است و الاً حرام.

اما استفاده از کنسرو ماهی برای شما اشکال ندارد ولو به دست کافر صید شده باشد، حلال است.

◇ **سوال:** [۸۳۱] ما در کشور سوئد زندگی می‌کنیم، در محل

زندگی ما مغازه مسلمان نیست و ما از مغازه‌ای گوشت می‌خریم که روی آن نوشته حلال، ولی صاحب مغازه مسلمان نیست. آیا ما می‌توانیم از این گوشت استفاده کنیم یا نه؟

◇ **جواب:** آن نوشته اعتبار شرعی ندارد، آن گوشت محکوم به

نجاست است؛ مگر اینکه یقین به ذبح شرعی آن حیوان پیدا کنید.

حکم گوشت‌های منجمد

◇ **سوال:** [۸۳۲] آیا گوشت‌های یخ زده‌ای که در افغانستان و در

بین مردم بعضاً استفاده می‌شوند اعم از گوشت مرغ، گوسفند و ... از نظر شرعی قابل خوردن هستند یا نه؟

قابل ذکر است که یک تعداد از این گوشت‌ها از هرات به دیگر

ولایت‌ها فرستاده می‌شوند و یک تعدادشان مشخص نیست که از کجا وارد می‌شوند.

◇ **جواب:** اگر آن حیوانات در داخل افغانستان ذبح شوند و یا از کشورهای اسلامی وارد شوند، محکوم به حلیت و طهارت هستند؛ اگر در کشورهای اسلامی ذبح شرعی نشده باشند و از کشورهای غیر اسلامی وارد شوند محکوم به حرمت و نجاست است، مگر اینکه احراز شود ذبح شرعی شده‌اند.

◇ **سوال:** [۸۳۳] آیا ران مرغ‌هایی که در کشور امارات و مانند آن است حرام است؟ یاخیر.

◇ **جواب:** اگر از کشورهای غیر اسلامی وارد شود حرام و نجس است؛ مگر اینکه یقین کند که به دست مسلمان ذبح شده است.

حکم جنین ذبیحه

◇ **سوال:** [۸۳۴] بعد از سر بریدن گوسفند گاهی در شکم او جنینی دیده می‌شود، آیا خوردن آن جایز است؟

◇ **جواب:** اگر با ذبح گوسفند، بره او مرده باشد آن بره بالتبع گوسفند حلال است و اگر زنده باشد، با ذبح جداگانه حلال می‌شود.

حکم خوردن گوشت کوسه ماهی

◆ سوال: [۸۳۵] خوردن کوسه ماهی چه حکمی دارد؟

◆ جواب: ماهی که فلس (پولک) ندارد خوردن گوشت آن جایز نیست و کوسه ماهی نیز جزء پولک داران نبوده و خوردن گوشت آن جواز ندارد.

◆ سوال: [۸۳۶] در خصوص استفاده مواد خوراکی به دست آمده از کوسه ماهی با توجه به اینکه نظر اکثر علما به علت عدم وجود فلس در کوسه ماهی و اینکه کوسه ماهی از گروه ماهیان درنده قلمداد می‌گردد حرمت اکل آن است، نظر حضرت‌عالی در خصوص خرید و فروش این ماهی در بازار مسلمانان چیست؟ با این توضیح که بناء به نظر کارشناسان کوسه ماهی به چند دسته تقسیم می‌شوند و نوعی از آن فلس به نام *placoied* که جز لاینفک پوست کوسه است و با چشم غیر مسلح دیده نمی‌شود هستند؟

◆ جواب: ماهی‌های که فلس آنها با چشم غیر مسلح قابل مشاهده نباشد خوردن گوشت آنها جواز ندارد.

شکار برای تفریح

◆ سوال: [۸۳۷] فرد غیر نیازمند هست، که توانایی خرید ما

یحتاج زندگی را دارد، اما به دلیل علاقه به شکار این کار را انجام می‌دهد، البته اگر شکار حلال گوشتی نباشد تیر اندازی نمی‌کند؛ یعنی تنها در صورت امکان استفاده از گوشت شکار می‌کند، این کار برایش جنبه هیجان، ورزش و تفریح نیز دارد، آیا شکار برایش حلال است؟ یا خیر.

◇ **جواب:** اگر احتیاج به گوشت شکار داشته باشد اشکال ندارد؛ ولی اگر صرفاً برای تفریح باشد، جایز نیست و سفر برای این کار، سفر حرام است؛ هر چند گوشت شکار به دست آمده حلال است.^۱

۱. اگر برای لهُو و خوشگذرانی به شکار برود، در صورتی که به حد مسافت باشد، نمازش در حال رفتن تمام و در برگشتن قصر است و چنانچه برای تهیه معاش به شکار رود، نمازش شکسته است و اگر برای کسب و زیاد کردن مال به شکار برود، احتیاط واجب آن است که نمازش را هم شکسته و هم تمام بخواند؛ (توضیح المسائل - مسئله ۱۳۴۸).

مسائل قضائي

داوری و قضاء

◆ **سوال:** [۸۳۸] دو برادر زمین مشاع را تقسیم کرده و خط این تقسیم در حضور چند نفر نوشته و اسامی شهود در سند درج گردیده است، پس از مدتی، یکی از شهود ادعای زمین سند شده را می‌کند، آیا ادعای یکی از آن شهود که حق خود را اثبات کند، شرعاً قابل سمع است؟ یا خیر.

◆ **جواب:** اگر در نزد حاکم شرع حق خود را اثبات کند، می‌تواند حق خود را دریافت کند.

◆ **سوال:** [۸۳۹] پس از ثبوت جرم و صدور حکم توسط قاضی مأذون، در خصوص استیذان از ولی امر یا شخص منصوب از طرف ایشان جهت اجرای حکم صادره، بفرمایید:

الف) آیا استیذان به قصاص اختصاص دارد، یا قصاص اطراف را نیز شامل می‌شود؟

ب) آیا در حدود و قتل تعزیری (بنا بر جواز قتل از باب تعزیر) هم استیذان لازم است؟

ج) در صورت لزوم، آیا بین حد قتل و حدود مادون قتل تفاوتی وجود دارد؟

◇ **جواب:** اگر قاضی مجتهد باشد، یا مأذون از طرف مجتهد باشد، با درخواست اولیاء دم حکم قصاص در نفس و اطراف جاری می‌شود.

◇ **سوال:** [۸۴۰] در صورتی که در هنگام اجرای حکم اعدام در زنا، محکوم علیه منکر جرم ارتكابی شود (انکار بعد از اقرار) لکن قاضی علم به کذب انکار وی داشته باشد، آیا حد قتل ساقط است؟ یا خیر.

◇ **جواب:** چون قاضی بر طبق علم خود می‌تواند حکم کند، لذا در صورت علم قاضی به جنایت، حد قتل ساقط نمی‌شود.

◇ **سوال:** [۸۴۱] با توجه به فرمایشات امام (ره) در تحریر الوسيله و نیز آیه ۵۸ سوره نسا در باب اصل بیطرفی چنانچه فردی به عنوان داور بین طرفین مشخص شود و بعداً مشخص شود داور با احدی از طرفین اختلاف حقوقی دارد حال بفرمائید آیا داور باید از داوری استتکاف ورزد و امر داوری را به شخص دیگر واگذارد؟ یا خیر.

◇ **جواب:** اگر داور بی طرفی خود را حفظ کند و عدالت را در داوری رعایت نماید، لازم نیست از داوری دست بر دارد و اگر

می‌داند که عدالت را نمی‌تواند رعایت کند در این صورت سزاوار است از داوری دست بردارد.

◆ **سوال:** [۸۴۲] حد و حدود وکالت در محاکم تا چه اندازه است؟ آیا وقتی که وکیل می‌داند حق با موکل نیست باز هم می‌تواند از او دفاع کند تا از طریقی بتواند او را برنده کند، مثلاً اگر در پرونده کیفری موکل قاتل است، آیا وکیل می‌تواند از قاتل دفاع کند تا تبرئه شود؟

◆ **جواب:** وکیل در محدوده حق موکل حق دارد از او دفاع کند و جایز نیست در جای که موکل مقصر است او را ذی حق معرفی نماید.

◆ **سوال:** [۸۴۳] اگر وکیل هنگام قرارداد وکالت، موکل خود را با حرف امیدوار کند، ولی در دادگاه نتواند کاری به نفع موکل انجام دهد، اگر موکل پس از انجام محاکمات، قسمتی از حق الوکاله‌ی قرار داده شده را به وی نپردازد ضامن است؟

◆ **جواب:** اگر وکیل به وظیفه خود عمل نکرده باشد مستحق اجرت نمی‌باشد.

احکام حدود

◆ **سوال:** [۸۴۴] بنابراین که تجسس در امور داخلی مردم حرام باشد، اگر بر اثر تجسس حرام به جرمی مانند: زنا، لواط، شرب خمر و... برخورد کنند و هنگام اجرای حد، خسارت جانی به متهم برسد، تجسس کننده ضامن است؟

◆ **جواب:** در صورت ثبوت جرم در نزد حاکم شرع و اجرای حد بر طبق موازین شرعی، در این صورت کسی ضامن نیست و اگر جرم شرعاً ثابت نشود، مجری حد ضامن است.

◆ **سوال:** [۸۴۵] حکم اجرا حد در ملأ عام در حال حاضر که مستلزم هتک اسلام و باعث خشن نشان دادن چهره اسلام می شود از نظر معظم له چگونه است؟

◆ **جواب:** بعضی از حدود که از نظر شرع باید در ملأ عام اجرا شوند باید در ملأ عام جاری شود؛ ولی بعضی از حدود مطلق اختیارش به دست حاکم شرع و قاضی است؛ هرگونه صلاح بداند جاری می گردد.

◆ سوال: [۸۴۶] با توجه به عبارت فقها که می‌فرمایند حدّ زناى با محارم و زناى به عنف و اکراه، قتل است و فرقى بين محصن و غير محصن نيست؛ با عنایت به این که مجازات رجم سخت تر از مجازات قتل است، بفرمایید:

۱ - چرا زانی محصن که مرتکب زناى به عنف یا زناى با محارم شده رجماً کشته نمی‌شود؟ در حالی که اگر زنا با عنف یا با محارم نبود رجم می‌گردید؟

۲ - با توجه به این که به اجماع فقها در صورتی که شیخ یا شیخه محصن مرتکب زنا شوند علاوه بر رجم صد ضربه شلاق نیز جاری می‌گردد، در فرض زناى با محارم یا به عنف اگر زانی محصن پیرمرد باشد آیا قبل از قتل صد ضربه شلاق بر وی جاری می‌شود؟ اگر جواب منفی است چه توجیهی دارد؟

◆ جواب:

ج ۱) اولاً احکام تابع مصالح و مفاسد است که آن مصالح و مفاسد را غالباً غیر معصوم درک نمی‌توانند، دوم این که اگر زناى با محارم به اقرار زانی ثابت شود و بعد انکار کند، رجم ساقط می‌شود، ولی حد ساقط نمی‌شود، سوم این که اگر زناى مرجوم و مرجومه با اقرار ثابت شده باشد و یک سنگ اصابت کرده باشد بعد از آن چنانچه فرار کنند برگردانده نمی‌شوند، برخلاف کسانی

که محکوم به قتل هستند، قتل در مورد آنها جاری می‌شود، لذا از این ناحیه، حکم رجم آسانتر از حکم قتل است.

ج ۲) در زنا با محارم مطلقاً حکم گردن زدن زانی و زانیه است و شلاق ندارد مستفاد از روایات همین است، اگرچه از نظر گناه زنا با محارم گناهش بیشتر است.

◆ سوال: [۸۴۷]

الف) هزینه درمان و بهبود شخصی که در اثر اجرای حد یا قصاص اطراف، یکی از اعضای خود را از دست داده، به عهده‌ی بیت المال است یا محکوم علیه؟

ب) در صورتی که به عهده بیت المال باشد، حکم اختصاص به معالجات اولیه دارد یا معالجات بعدی را نیز در بر می‌گیرد؟

ج) آیا بین فقیر و غنی در حکم مذکور فرقی هست یا نه؟

د) آیا تفاوتی بین حد و قصاص وجود دارد؟

◆ جواب:

الف) به عهده محکوم علیه است مگر اینکه خودش قدرت درمان نداشته باشد در این صورت از بیت المال پرداخت می‌شود.

ب) به عهده بیت المال نیست مگر در صورت عدم قدرت جانی و در فرض سوال فرق بین هر دو صورت نیست.

ج) اگر مجرم فقیر باشد هزینه درمان از بیت المال است.

د) در این مسئله فرقی بین حد و قصاص اطراف وجود ندارد.

◆ **سوال:** [۸۴۸] آیا حکم تأخیر در حد جلد (تازیانه)، یا اجرای آن به صورت ضغث^۱ که در باب زنا مطرح است، به تعزیرات و سایر حدود نیز قابل تسری است؟

◆ **جواب:** بله ضغث به تعزیرات و سایر حدود نیز قابل تسری است.

موارد جواز تأخیر در اجرای حکم

◆ **سوال:** [۸۴۹] چنانچه به تشخیص پزشک قانونی اجرای حد، اعم از جلد، قطع ید و... یا قصاص عضو بر فرد بیمار یا شخص سالمی که دچار ضعف شدید جسمانی است باعث مرگ یا ابتلای وی به بیماری یا تشدید آن می‌گردد، تکلیف چیست؟

◆ **جواب:** در چنین موارد اجرای حد به تأخیر انداخته شود.

◆ **سوال:** [۸۵۰] درباره مجرمی که بیمار است؛ بفرمایید:

الف) آیا حاکم شرع می‌تواند در حال بیماری حکم وی را اجراء

۱- ضغث: به جمع کردن تازیانه‌ها (به تعدادی دفعات که باید به کسی زد) و جمع آن‌ها را به یکبار به آن کس که زنا کرده است زدن گفته می‌شود و آن حد بیمار است که طاقت تازیانه را نداشته باشد.

نماید یا باید تا بهبودی کامل وی آن را به تأخیر اندازد؟

ب) بر فرض لزوم تأخیر اجرای حکم تا کسب بهبودی؛ بفرمایید:

۱) مراد از بیماری مانع اجرای حکم، از نظر شرعی چیست؟ (آیا همان متفاهم عرفی است یا آن چه پزشکان آن را بیماری می‌نامند و یا امر ثالثی است؟)

۲) آیا حیض و نفاس و استحاضه در حکم بیماری است؟

۳) آیا بین عارضه‌ای که محکوم عمداً برخود وارد کرده با آن چه به طور طبیعی عارض شده تفاوتی هست؟

۴) آیا بین عارضه دائمی (مانند سرطان) و موقتی (مانند درد آپاندیس) فرقی هست؟

۵) در عوارض موقت و زائل شدنی، آیا بین مواردی که برای درمان زمان زیادی نیاز است (مانند بیماری سل) با مواردی که چنین نیست (مانند تب و لرز) تفاوتی وجود دارد؟

۶) آیا بین مواردی که درمان آن هزینه بسیار بالایی دارد (مانند جراحی قلب) با مواردی که چنین نیست تفاوتی هست؟

۷) اگر محکوم، مغمی علیه شود، چه حکمی دارد؟

◇ جواب:

الف) اگر مجرم طوری مریض باشد که با شلاق زدن خوف مرگ

برود در این صورت شلاق را به تأخیر اندازد تا خوب شود و چنانچه خوف موت نباشد حد جاری می‌شود.

- ب (۱) مراد از مریضی که مانع از اجرای حکم می‌شود مریضی است که با اجرای حد، خوف مرگ محکوم برود.
- ب (۲) در حال استحاضه زن شلاق زده نمی‌شود.
- ب (۳) بین دو صورت علی الظاهر تفاوتی نیست.
- ب (۴) اگر از خوب شدن مرض مأیوس باشد حکم به ضغث می‌شود.
- ب (۵-۶) بله تفاوت وجود دارد که در اولی حکم به ضغث می‌شود و در دومی تا زمان رفع عارضه باید صبرشود.
- ب (۷) باید صبر کند تا از حالت اغماء خارج شود.

عوامل سقوط حد

◆ سوال: [۸۵۱] در مورد توبه بفرمایید:

الف) در مواردی که توبه قبل از اقامه بیّنه مسقط حد است، آیا ثبوت توبه قبل از بیّنه کافی است یا اظهار توبه عند الحاکم نیز باید قبل از بیّنه باشد؟

ب) آیا در توبه مسقط حد، احراز توبه لازم است یا در صورت شبهه توبه نیز حاکم شرع می‌تواند با تمسک به قاعده، الحدود تدرء بالشبهات، حد را اجراء نکند؟

◇ جواب:

الف) اگر قبل از اقامه بینه در نزد حاکم شرع توبه ثابت شود، مسقط حد است.

ب) توبه مسقط حد باید احراز شود و یا قرائن و علائم توبه وجود داشته باشد در غیر آن صورت حد ساقط نمی‌شود.

حد سرقت

◇ سوال: [۸۵۲] در مورد سرقت مستوجب حد بفرمایید: آیا پس از شکایت مسروق منه و قبل از ثبوت جرم، امکان عفو سارق توسط مسروق منه، نسبت به اجرای حد وجود دارد؟ یا خیر.

◇ جواب: مسروق منه، قبل از اثبات جرم در نزد قاضی می‌تواند سارق را عفو کند.

◇ سوال: [۸۵۳] اگر شخصی نزد حاکم به سرقت اقرار نماید، بفرمایید:

الف) آیا در صورت وجود سایر شرایط اجرای حد، صرف اقرار، برای قطع ید کفایت می‌کند، یا نیاز به مرافعه مال باخته نیز است؟

ب) در صورت نیاز به شکایت، آیا برای اجرای حد، صرف مرافعه کافی است، یا مطالبه قطع ید از سوی مال باخته نیز لازم است؟

◇ **جواب:** در صورت اثبات سرقت در نزد حاکم و وجود سایر شرایط، قطع ید واجب است، اگر چه مال باخته تقاضای قطع ید نکند؛ اما اگر قبل از مراجعه به حاکم، مال باخته سارق را ببخشد حاکم حق قطع ید سارق را ندارد.

◇ **سوال:** [۸۵۴] در مواردی که سارق مورد عفو مسروق منته قرار می‌گیرد، آیا حاکم شرع بنا به مصالحی می‌تواند حد را اجراء نماید؟ یا خیر.

◇ **جواب:** در فرض سوال حاکم شرع حق اجراء حد ندارد، ولی اگر صلاح بداند می‌تواند تعزیر کند.

◇ **سوال:** [۸۵۵] در صورتی که سرقت جامع شرایط حد، با اقرار سارق نزد حاکم ثابت شود، آنگاه سارق توبه نماید، آیا عفو وی توسط مال باخته (ولی) جایز است؟

◇ **جواب:** بعد از اثبات سرقت در نزد حاکم شرع، حد سرقت ساقط نمی‌شود.

تبدیل مجازات‌ها به یکدیگر

◇ **سوال:** [۸۵۶] با توجه به این که در زنای محصنه هنگام اثبات جرم با بینه، در صورت فرار مجرم از حفره می‌توان وی را برگرداند و حکم را اجراء نماید، ولی در صورت اقرار این کار را

نمی‌توان انجام داد؛ لطفاً بفرمایید که آیا می‌توان حکم رجم را به انواع دیگری از قتل تبدیل نمود؟ یا خیر. در صورت مثبت بودن جواب، آیا بین انواعی که احتمال زنده ماندن محکوم در آن وجود ندارد با مواردی که این احتمال هست، تفاوتی وجود دارد؟ یا خیر.

◇ **جواب:** حکم رجم تبدیل به انواع دیگر قتل نمی‌شود مگر اینکه محذور مهمی داشته باشد که حاکم شرع می‌تواند در شرایط خاصی حکم رجم را تغییر دهد.

◇ **سوال:** [۸۵۷] در مورد کسی که قرار است اعدام شود — حداً یا قصاصاً — اگر حدود یا تعزیرات دیگری کمتر از قتل، برای او ثابت شود، آیا می‌توان از آن صرف نظر نمود؟ در این مسئله آیا بین حق الله و حق الناس تفاوتی وجود دارد؟ یا خیر.

◇ **جواب:** حد قابل گذشت نیست، اول باید حد جاری شود بعد اعدام نمایند چون قابل تداخل نیست، اما تعزیر در اختیار حاکم است، می‌تواند اعدامی را از تعزیر عفو نماید.

در فرض سوال بین آن دو تفاوت است به این معنا که در حق الناس امکان عفو وجود دارد ولی در حق الله حکم باید جاری شود.

◇ **سوال:** [۸۵۸] آیا در فروض ذیل قصاص تبدیل به دیه می‌شود:

الف - هرگاه قاتل پس از تسلیم خود به اولیای دم، به مرگ طبیعی از دنیا برود.

ب - هرگاه قاتل توسط شخص دیگری غیر از اولیای دم به قتل برسد.

ج - هرگاه قاتل با خودکشی و مانند آن، به سوء فعل خود، زمینه قصاص را از بین برده و خود را معدوم نماید.

د - آیا در فروض فوق فرقی بین قتل و جنایت کمتر از قتل وجود دارد؟

◇ **جواب:** در تمام فروض فوق قصاص تبدیل به دیه می‌شود چون «لا یبطل دم امرء مسلم» تمام مواردی که قصاص تعدّر داشته باشد در قتل عمد و هم چنین موارد قتل خطای و قتل شبیه عمد را شامل است؛ البته فروض فوق جنایت کمتر از قتل را شامل نیست.

◇ **سوال:** [۸۵۹] در مواردی که شارع مقدّس شیوه یا ابزار خاصی را در اجرای مجازات در نظر گرفته است - مانند رجم یا کشتن با شمشیر - بفرمایید:

الف) آیا شیوه یا ابزار یاد شده موضوعیت دارد؟ (به عبارت دیگر در این گونه موارد آیا هدف شارع مقدّس فقط ازهراق روح است ولو با استفاده از ابزار نوین؛ یا ازهراق روح به شیوه یا ابزار منصوص ضرورت دارد).

ب) در صورت موضوعیت داشتن، چنانچه اجرای رجم یا مجازات-

هایی نظیر مجازات لواط با شیوه‌های منصوص در شرائطی خاص به مصلحت اسلام و نظام مقدّس اسلامی نباشد — مثلاً وهن اسلام و مسلمین باشد یا چهره خشنی از اسلام یا نظام اسلامی را نشان دهد — آیا می‌توان ضمن اجرای اصل حکم — قتل — شیوه اجرای آن را تغییر داد؟

◇ جواب:

الف) شیوه و ابزار خاص در اجرای مجازات، موضوعیت دارد.

ب) اگر برای حاکم شرع موهن بودن اجرای رجم و سایر مجازات‌ها محرز شود می‌تواند از روش دیگر استفاده کند.

احکام تعزیر

◆ **سوال:** [۸۶۰] چنانچه از شخصی فیلم، عکس و مجلات مبتذل کشف و برای محکمه ثابت شود که نگهداری و استفاده از آنها منحصراً به منظور رفع ضعف قوه جنسی وی در ارتباط با همسرش بوده و هیچ گونه اشاعه فحشاء و سوء استفاده دیگران را در بر نداشته است، آیا نگهداری و استفاده فوق الذکر، جرم موجب تعزیر است؟

◆ **جواب:** اگر قاضی صلاح بداند می تواند تعزیر کند.

◆ **سوال:** [۸۶۱] چنانچه تعزیر علاوه بر تازیانه مصادیق دیگری داشته باشد؛ (مانند: حبس، جزای نقدی، تراشیدن سر، چرخاندن در شهر، لغو جواز کسب، ابطال گواهینامه رانندگی، محرومیت از مشاغل دولتی، ثبت سوء سابقه و...) بفرمایید:

الف) آیا تعبیر «التعزیر دون الحد» فقط در خصوص تازیانه رعایت می شود یا شامل دیگر موارد مذکور نیز می شود؟

ب) در صورت شمول به موارد دیگر، ملاک دون الحد چه می باشد؟

◇ جواب:

الف) شامل تمام مصادیق تعزیر می شود.

ب) قاضی هر کدام از مصادیق تعزیر را که اختیار می کند باید حداقل را نسبت به اجرای حد رعایت کند.

احکام قصاص

◆ سوال: [۸۶۲] در صورت وقوع قتل در هر یک از موارد ذیل، تکلیف چیست؟

الف) هنگامی که اولیای دم همگی صغیر باشند.

ب) مقتول، مسلمان اما ولی دم وی کافر باشد.

ج) به هنگام دستگیری قاتل، ارتباط با اولیای دم ممکن نیست، ولی در آینده امکان دسترسی به آنان وجود دارد.

◆ جواب:

الف) در صورت قتل عمد، صبر کنند تا صغار کبیر شوند، در غیر این حالت باید دیه را به ولی بدهد.

ب) ولی که اقرب به مقتول است دعوت به اسلام می‌شود، اگر مسلمان شد حق دارد قصاص کند و یا دیه بگیرد و اگر اولیاء مسلمان نشدند، اختیار با ولی امر است که قصاص کند و یا دیه بگیرد، اما حق عفو ندارد.

ج) صبر کند تا اولیاء دم پیدا شوند و تا آن زمان قاتل بازداشت شود و یا با کفالت و ضمانت آزاد شود و اگر اولیاء دم پیدا نشدند اختیارش با حاکم شرع است.

◆ **سوال:** [۸۶۳] در موارد ذیل که جرح و قتل به طور عمد یا غیر عمد توسط یک نفر صورت می‌پذیرد، آیا حسب مورد قصاص طرف در قصاص نفس و دیه عضو در دیه نفس تداخل می‌کند؟

الف) جرح و قتل با ضربه واحد انجام شود.

ب) جرح و قتل با دو ضربه یا بیشتر انجام شود. (در این فرض ممکن است ضربات متعدد در زمان‌های متفرق یا متوالی انجام شود).

◆ **جواب:**

الف) اگر جرح و قتل با ضربه واحد انجام شود تداخل می‌کند.

ب) اگر فاصله عرفی داشته باشد، حکم به عدم تداخل می‌شود.

◆ **سوال:** [۸۶۴] در مواردی که شارع نحوه اجرای اعدام را معین نکرده است آیا برای اجرای اعدام واجب است حکومت نوعی را انتخاب کند که حداقل درد ممکن را برای محکوم در بر داشته باشد؟ یا خیر.

و در مورد مسئله فوق آیا بین حد و قصاص تفاوتی وجود دارد؟

◆ **جواب:** هرچه حاکم شرع صلاح بداند می‌تواند حکم کند و در فرض سوال تفاوتی بین حد و قصاص نیست.

شرایط حکم به قصاص

◆ **سوال:** [۸۶۵] اگر کسی مبتلا به بیماری ایدز باشد و با علم و آگاهی از بیماری خود با فرد دیگری تماس جنسی پیدا کند و این فرد در اثر ویروس ایدز فوت کند آیا مشمول قتل عمد می‌باشد؟

◆ **جواب:** در فرض سوال سبب قتل محسوب نمی‌شود مگر اینکه قصد قتل را داشته باشد؛ اگر چه تماس گرفتن با دیگران که موجب آلودگی دیگران شود جواز ندارد.

◆ **سوال:** [۸۶۶] چنانچه مجنی علیه به دلیل تخصصی بودن استیفای قصاص عفو، قادر به اجرای آن نبوده و متخصصین فن نیز حاضر به انجام آن نباشند:

الف) آیا در این صورت — علی رغم درخواست قصاص از سوی مجنی علیه — می‌توان آن را به دیه تبدیل نمود؟

ب) در فرض منفی بودن پاسخ و عدم رضایت مجنی علیه برای تبدیل به دیه، تکلیف چیست؟

ج) با توجه به لزوم اجرای احکام الهی، آیا از باب مقدمه واجب بر حکومت اسلامی لازم است متخصصینی را برای اجرای این گونه امور تربیت کند؟

◇ جواب:

- الف) اگر قصاص امکان نداشته باشد نوبت به دیه می‌رسد.
- ب) در صورتی که قصاص امکان نداشته باشد مجنی علیه یا راضی به دیه بشود و یا جانی را عفو کند و او را به قیامت بگذارد.
- ج) تربیت چنین افرادی لازم نیست، چون قصاص عوض دارد، که دیه باشد.

◇ سوال: [۸۶۷] با عنایت به این که اگر شخصی دست راست دیگری را قطع نماید، به هنگام قصاص چنانچه جانی فاقد دست راست باشد دست چپ او و در صورت فقدان دست چپ، پای او قطع می‌گردد؛ آیا این حکم در مورد پا و دیگر اعضای زوج بدن نیز قابل اجراء می‌باشد؟ (مثلاً اگر جانی پای راست ندارد و پای راست دیگری را قطع کرده باشد، آیا این جا نیز ابتداء پای چپ وی و در صورت فقدان آن، دست او قطع می‌گردد؟)

◇ جواب: در مورد اعضای زوج اگر فاقد عضو باشد عضو چپ قصاص می‌شود و بالعکس ولی به جای پا دست قصاص نمی‌شود بلکه نوبت به دیه می‌رسد.

◇ سوال: [۸۶۸] در صورتی که شخص محکوم به قصاص، عضو مماثل نداشته باشد؛ بفرمایید:

الف) با توجه به این که عضو ناسالم در برابر عضو سالم قصاص می‌شود، آیا مثلاً چشم کسی که به حسب ظاهر سالم است ولی بینایی ندارد عضو ناسالم محسوب می‌شود؟

ب) اگر جانی، فاقد بینایی چشم راست باشد و چشم راست کسی را کور کرده باشد، آیا چشم چپ او به عنوان قصاص کور می‌شود؟ یا خیر.

ج) اگر سلب بینایی با کندن حدقه باشد و خود جانی حدقه چشمش سالم است ولی بینایی ندارد، هنگام قصاص تکلیف چیست؟

◇ جواب:

الف) عضو ناسالم محسوب می‌شود و چشم سالم در مقابل چشم ناسالم قصاص نمی‌شود.

ب) بله می‌تواند چشم چپ او را به عنوان قصاص کور کند.

ج) در فرض سوال قصاص امکان ندارد، باید دیه اخذ کند و اگر با وسایل امروزی امکان قصاص باشد به طوری که صدمه به جای دیگر چشم وارد نشود، قصاص جایز است.

◇ سوال: [۸۶۹] با عنایت به این که نظارت حاکم در استیفای قصاص ضروری است؛ بفرمایید:

الف) آیا برای قصاص لازم است ولی دم از ولی امر، یا منصوب از طرف او استیذان نماید؟

ب) در صورت لزوم استیذان، بفرمایید:

۱) اگر بدون استیذان قصاص انجام شد؛ آیا صرفاً گناه کرده یا خود قاتل محسوب می‌شود؟

۲) اگر استیذان شد لکن ولی امر اذن نداد و قصاص انجام گرفت چگونه؟

◇ جواب:

الف) بله استیذان از حاکم شرع و یا منصوب از طرف او در اجرای قصاص لازم است.

ب) قصاص بدون استیذان از حاکم شرع هم حرام است و هم مستحق تعزیر، لیکن ولی دم قاتل محسوب نمی‌شود و در صورتی که ولی دم حق قصاص داشته باشد حاکم شرع حق ندارد از اذن دادن خودداری کند.

◇ سوال: [۸۷۰] در مورد قصاص اطراف بفرمایید:

الف) آیا مجنی علیه می‌تواند بخشی از قصاص را اجراء و بخش دیگر را عفو نماید؟ (مثلاً: جانی دست مجنی علیه را از کتف قطع کرده است؛ مجنی علیه خواهان قطع دست جانی از آرنج باشد).

ب) آیا می‌تواند برای قسمتی از جنایت طلب قصاص کرده و برای بخش دیگر دیه بگیرد؟

ج) آیا رضایت و عدم رضایت جانی در سه حالت فوق، تأثیری دارد؟ یا خیر.

◇ جواب:

الف) در فرض سوال با رضایت جانی اجراء قصاص در بعض عضو اشکال ندارد.

ب) با توافق جانی اشکال ندارد.

ج) بله رضایت جانی لازم است.

◇ سوال: [۸۷۱] در مورد قصاص اطراف بفرماید:

الف) آیا ملاک، رعایت مثل هم بودن نسبی است یا عرفیه؟ معیار هر کدام چه می باشد؟

ب) در کدام صورت، قصاص تبدیل به دیه می شود؟

ج) آیا بین طول، عرض و عمق در اجرای قصاص تفاوتی هست؟ (مثلاً: اگر جانی لاغر و مجنی علیه چاق است و نیمی از بازوی مجنی علیه - به عمق سه سانتی متر - بریده شده است. آیا در قصاص باید نیمی از بازوی جانی لاغر را برید که دو سانتی متر است یا باید همان سه سانتی متر بریده شود، اگر چه بیش از نصف بازو باشد؟)

◇ جواب:

الف) ملاک رعایت مثل هم بودن نسبیّت در آن عرضیّت است مثلاً به هراندازه شخص چاق، چاقو در بدن شخص لاغر فرو کرده به

همان اندازه شخص لاغر حق دارد چاقو در بدن شخص چاق فرو کند.

ب) در صوتی که قصاص اطراف منجر به قتل شود و یا مماثلت امکان نداشته باشد.

ج) در قصاص باید مماثلت در طول و عرض و عمق رعایت شود.

◆ سوال: [۸۷۲] در مورد قصاص نفس بفرمایید:

الف) آیا اولیاء دم می‌توانند به جای قصاص نفس، عضوی از اعضای قاتل را قطع کنند؟ (مثلاً به جای کشتن قاتل یکی از پاهای او را قطع نمایند).

ب) آیا اولیاء دم می‌توانند عضوی از بدن قاتل را قطع و نسبت به مابقی طلب دیه نمایند؟

ج) آیا اولیاء دم می‌توانند عضوی از بدن قاتل را قطع و نسبت به مابقی مصالحه نمایند؟

د) آیا رضایت و عدم رضایت قاتل در سه حالت فوق، تأثیری دارد؟ یا خیر.

◆ جواب:

الف) خیر، این کار جواز ندارد.

ب) چنین حقی را ندارد.

ج) چنین کاری جواز ندارد.

د) رضایت و عدم رضایت قاتل در این سه حالت تأثیر ندارد.

◆ سوال: [۸۷۳] هنگامی که قصاص قاتل مشروط به ردّ فاضل دیه از سوی اولیای دم باشد:

الف) فاضل دیه حق چه کسی است؟ (قاتل یا ورثه وی)

ب) در صورتی که حق قاتل باشد آیا می‌تواند از حق خویش گذشت کند؟

ج) آیا انگیزه قاتل در حکم فوق تأثیری دارد؟ (مثل محروم کردن ورثه از دیه یا خروج از بلا تکلیفی و نجات از زندان، یا هنگامی که اولیای دم به دلیل اعسار قادر به پرداخت فاضل دیه نیستند و از طرف دیگر نه حاضر به دریافت دیه هستند و نه قاتل را عفو می‌کنند).

◆ جواب:

الف) فاضل دیه حق قاتل است بعد از قتل دیه به ورثه انتقال پیدا می‌کند.

ب) در بعضی از صورت‌ها حق گذشت دارد.

ج) در دو صورت اول حق عفو دارد ولی در صورت سوم، اولیای دم حق قصاص ندارند بلکه حکم به دیه می‌شود، اگر قدرت بر پرداخت فاضل دیه ندارند باید یا دیه بگیرد یا جانی را عفو کند تا او از بلا تکلیفی خارج شود.

موارد سقوط قصاص

◆ سوال: [۸۷۴] در موارد پرداخت فاضل دیه؛ چنانچه اولیای دم علی رغم اصرار بر قصاص، قدرت پرداخت فاضل دیه را نداشته باشند و از طرفی به طور عادی نیز امیدی به تمکن آنان در آینده نباشد، بفرمایید:

الف) آیا در این گونه موارد قصاص به طور قهری به دیه تبدیل می‌شود؟
ب) چنانچه پاسخ منفی است، در شرایطی که عدم قصاص یا تأخیر آن به مصلحت نباشد و چه بسا عوارض سیاسی و اجتماعی شدیدی در بر داشته باشد، آیا می‌توان فاضل دیه را از بیت المال پرداخت و حکم قصاص را اجرا نمود؟

ج) در فرض مسأله آیا می‌توان بدون رد فاضل دیه قصاص را اجرا نمود و فاضل دیه به عنوان دین، بر ذمه ولی دم باقی بماند؟

د) اگر (آن گونه که برخی از فقها می‌فرمایند) در این گونه موارد وظیفه، صبر کردن تا زمان ایسار ولی دم است، در مواردی که ممکن است انتظار قصاص سال‌ها به طول بکشد و این امر برای قاتل و خانواده وی موجب عسر و حرج گردد، تکلیف چیست؟

◆ جواب:

الف) در قتل عمد حکم اولی قصاص است مگر اینکه قاتل و ورثه

مقتول توافق به دیه کنند و بدون رضایت اولیاء دم قصاص تبدیل به دیه نمی شود.

در موارد که قصاص با دادن فاضل دیه باشد، اگر اولیاء دم قدرت به پرداخت فاضل دیه نداشته باشند، از حق قصاص بگذرند و دیه اخذ کنند، دیگر حق قصاص ندارند.

ب) فاضل دیه از بیت المال پرداخت نمی شود مگر در صورتی که حاکم شرع صلاح بداند.

ج) خیر، نمی توان بدون رد فاضل دیه قصاص را اجرا نمود.

د) هرچه حاکم صلاح بداند آن را اجرا می کند.

◆ سوال: [۸۷۵] با توجه به عدم جواز قصاص مسلمان در برابر کافر، بفرمایید:

الف) آیا اسلام آوردن قاتل پس از ارتکاب قتل کافر، مانع از اجرای قصاص می شود؟

ب) بر فرض مثبت بودن پاسخ، آیا بین اسلام آوردن ظاهری (به انگیزه فرار از قصاص) با اسلام واقعی (قلبی) تفاوتی وجود دارد؟

◆ جواب:

الف) بله، اسلام آوردن قاتل بعد از قتل کافر مانع از قصاص می شود.

ب) اگر واقعاً مسلمان شده باشد، قصاص نمی‌شود و اگر قاضی یقین کند که اسلام آوردنش برای فرار از قصاص است، در این صورت قصاص ساقط نمی‌شود.

◆ سوال: [۸۷۶] درباره قصاص نفس یا طرف، بفرمایید:

الف) آیا ولی امر می‌تواند برخلاف در خواست ولی دم یا مجنی علیه بنا به مصالحی قصاص را به دیه تبدیل نماید؟

ب) چنانچه پاسخ مثبت باشد، با توجه به این که طبق فتوای مشهور، قصاص تنها در صورت رضایت جانی به دیه تبدیل می‌شود، آیا می‌توان علی‌رغم در خواست جانی قصاص را به دیه تبدیل نمود؟

ج) در صورت مثبت بودن پاسخ، مسئول پرداخت دیه کیست؟ جانی یا بیت المال؟

◆ جواب:

الف، ب) بدون رضایت ولی دم و یا مجنی علیه حق تبدیل ندارد مگر اینکه مصالح خیلی مهمی در تبدیل قصاص به دیه باشد و در عدم تبدیل مفسده مترتب باشد.

ج) در صورتی رضایت جانی به دیه باشد دیه را جانی پرداخت کند و اگر جانی رضایت به دیه نداشته دیه از بیت المال پرداخت شود.

جواز تأخیر در قصاص

◆ سوال: [۸۷۷] در خصوص استیفای قصاص عضو یا نفس بفرمایید:

الف) آیا اجرای این حق، فوریت دارد یا می‌توان بدون عذر آن را به تأخیر انداخت؟

ب) با عنایت به فرض فوق، اگر چند نفر با مشارکت مساوی مرتکب جنایت شوند، آیا ولی دم یا مجنی علیه می‌تواند در مورد بعضی فوراً تصمیم به قصاص، عفو یا مصالحه بگیرد اما در مورد بعض دیگر اتخاذ تصمیم را به آینده موکول نماید؟

◆ جواب:

الف) تأخیر آن جواز دارد تا زمانی که برای جانی حرجی نباشد.

ب) ولی دم و مجنی علیه حق عفو و یا مصالحه را دارد و نسبت به بعضی دیگر می‌توانند تصمیم را به آینده موکول نمایند.

احکام دیه

◆ **سوال:** [۸۷۸] اگر هنگام ساختن فیلم‌های نمایشی و هنری؛ مانند سریال‌ها و فیلم‌های مشهوری که در سینماها و از تلویزیون‌ها پخش می‌شود، یکی از بازیگران از اسب، کوه، ماشین و موارد دیگر پرت شد و خسارت جانی ببیند، ضمان آن به عهده کیست؟

◆ **جواب:** در صورتی که کسی دیگر سبب قتل نشده باشد دیه بر عهده خود اوست مگر اینکه شرکت سازنده فیلم خسارت وارده را قبلاً بر عهده گرفته باشد.

◆ **سوال:** [۸۷۹] اگر هنگام تعزیه خوانی هنگام کشتن ابوالفضل فرضی، شمشیر خطاء رود و کسی کشته شود ضمان دیه او به عهده کیست؟

◆ **جواب:** اگر خود قاتل به قتل اعتراف کند دیه به عهده خودش است و اگر به بیینه ثابت شود، دیه بر عهده عاقله قاتل است.

◆ **سوال:** [۸۸۰] اگر کارفرمایی جهت تکمیل ساختمان خود به شرکت داربست مراجعه و درخواست نصب داربست کند و

شرکت مزبور با این که ساختمان در محدوده کابل (کیبل) برق فشار قوی قرار داشته بدون هماهنگی با اداره برق اقدام به نصب داربست کند که در نتیجه کارگری در اثر برق گرفتگی فوت کند، آیا ضمان دیه آن به عهده کارفرما (صاحب ساختمان) است که درخواست نصب داربست کرده یا به عهده مسئول شرکت داربست است که برخلاف مقررات اقدام کرده و یا به عهده مهندس ناظر است که کارشناس و مسئول نظارت بر انجام صحیح عملیات ساختمانی بوده؟

◇ **جواب:** در فرض سوال اگر کارگر از خطر برق گرفتگی اطلاع نداشته و کارگران شرکت در انجام وظیفه شان کوتاهی کرده که با شرکت برق هماهنگی نکرده‌اند، در این صورت دیه بر عهده کارگران شرکت است؛ اگر مهندس ناظر در انجام وظیفه خود کوتاهی کرده مانند کارگران شرکت و کوتاهی هر دو موجب قتل شده باشد، در این صورت هر دو ضامن دیه هستند، مگر اینکه طبق مقررات شرکت خسارت وارده به عهده کارشناس ساختمان باشد، که در این صورت کارشناس ضامن دیه است.

◇ **سوال:** [۸۸۱] اطفالی که از مقررات عبور از خیابان آگاهی ندارند اگر بدون توجه اولیای خود از منزل خارج شده و موجب تصادف و گاهی فوت خود شوند، ضمان دیه آن‌ها به عهده کیست؟

◇ **جواب:** به عهده کسانی است که موجب آن حادثه یا قتل شده‌اند.

◇ **سوال:** [۸۸۲] در مواردی که مسافر زیاد است و اتوبوس‌های مسافربری کفاف نقل و انتقال همه مسافری را نمی‌کند و رسانه‌های جمعی نیز به رانندگان اتومبیل‌های شخصی توصیه جابجایی مسافری را بکنند، اگر راننده‌ای بدون اسقاط ضمان، مسافری را سوار کند و دچار پیشامد شود آیا ضامن است؟

◇ **جواب:** راننده ضامن دیه است و اگر در اثر خطای راننده تلفات جانی پیش آید دیه آن بر عاقله است.

◇ **سوال:** [۸۸۳] اگر در اماکن عمومی غیر دولتی مانند: مساجد، تکایا، حرم امامان و امامزادگان، حوادثی مانند آتش سوزی، فرو ریختن سقف و مواردی از این قبیل پیش آید و تعدادی مصدوم و معدوم شوند، ضمان دیه آن‌ها به عهده کیست؟

◇ **جواب:** خسارت به عهده شخص و یا اشخاص است که موجب بروز خسارت شده و اگر کسی در آن حادثه دخالت نداشته باشد دیه مقتولین از بیت المال پرداخت می‌شود.

◇ **سوال:** [۸۸۴] درباره ماهیت دیه بفرمایید:

الف) آیا جعل دیه از طرف شارع مقدس به عنوان مجازات بوده یا نوعی خسارت تلقی شده است؟

ب) آیا عمد، شبه عمد یا خطای محض بودن جنایت در پاسخ به سؤال فوق تأثیری دارد؟

◇ **جواب:** جنایت چه عمد، شبه عمد و ... باشد، جعل دیه به عنوان جبران خسارت وارده بر مجنی علیه است.

◇ **سوال:** [۸۸۵] چنانچه شخص مقتول از پیروان فرقه ضاله بهائیت باشد؛ بفرمایید:

الف) آیا دیه دارد؟ یا خیر.

ب) در صورت مثبت بودن پاسخ، دیه او چقدر است؟

◇ **جواب:** از آنجایی که از فرقه اهل کتاب نیستند، اظهر عدم دیه است.

◇ **سوال:** [۸۸۶] در خصوص ارش البکاره با دو فرض بلوغ و عدم بلوغ زانیه، بفرمایید:

الف) آیا زانیه در موارد ذیل مستحق ارش البکاره می‌باشد؟

(۱) زنا با رضایت و میل وی انجام شود.

(۲) زنا در اثر اکراه یا عنف واقع شود.

(۳) زنا با فریب وی مبنی بر وعده قطعی ازدواج و... واقع شود.

ب) اگر ازاله بکارت دختر با انگشت یا شیئی صورت گیرد، حکم ارش البکاره چیست؟

آیا رضایت یا عدم رضایت وی در حکم تأثیری دارد؟
ج) در موارد ثبوت ارش البکاره، آیا علاوه بر ارش، پرداخت مهر
المثل نیز لازم است؟

◇ **جواب:** در دختر صغیره ارش البکاره لازم است که همان مهر
المثل می‌باشد؛ اما در دختر کبیره صور مسئله در فرض سوال قرار
ذیل است:

الف، ۱) در این صورت دختر مستحق ارش البکاره نیست.

الف، ۲) مستحق مهر المثل است.

الف، ۳) اگر با رضایت دختر واقع شده ارش ندارد و اگر بدون
رضایت بوده مهر المثل بر زانی واجب است.

ب) در صورت عدم رضایت مهر المثل تعلق می‌گیرد و اگر دختر
راضی باشد مهر المثل ندارد.

ج) تنها مهر المثل واجب است.

◇ **سوال:** [۸۸۷] شخصی چشم راست او سالم و چشم چپ او به
مقدار یک سوم چشم صحیح بینایی دارد، بر اثر ضربه شخص
جانی بینائی چشم چپ بطور کلی از بین می‌رود.

اولا: آیا ضارب ضامن ثلث بینائی چشم چپ است یا اینکه باید
نصف دیه کامله را بدهد؟

ثانیا: اگر خلقتا یا بر اثر بیماری دوره طفولیت دو ثلث بینائی از بین رفته باشد؛ یا نقصان دو ثلث بینائی چشم چپ سابقاً بر اثر جنایت دیگری که موجب دریافت دیه گردیده و دیه آن را نیز گرفته باشد، که در اثر جنایت جدید فقط ثلث باقی مانده آن از بین برود، آیا حکم فرق می‌کند؟ یا خیر.

◇ **جواب:** در فرض سؤال فرقی بین چشم سالم و چشم کم بینایی نیست، بنا بر این همان دیه‌ی چشم سالم را دارد که نصف دیه‌ی کامل است و فرقی بین موارد فوق الذکر نمی‌باشد.

شرایط اثبات قصاص و دیه

◇ **سوال:** [۸۸۸] اگر وقوع قتلی محرز و قاتل نیز معین باشد، لکن اولیای دم مدعی عمدی بودن قتل باشند، ولی قاتل آن را خطایی یا شبه عمد بداند، که دلیلی قاطع برای ادعای هیچ یک وجود نداشته باشد، بفرماید:

الف) آیا مورد از باب لوث است یا تداعی؟

ب) اگر از باب تداعی باشد، چگونه باید فصل خصومت نمود و تکلیف دیه چیست؟

◇ **جواب:** اگر شواهد و امارات ظنی بر صدق مدعی نباشد مقام از باب مدعی و منکر است که اولیاء دم مدعی‌اند و قاتل منکر، لذا

اولیاء حق دارند قاتل را قسم دهند و دیه به عهده قاتل است چون قتل به اقرار ثابت شده نه به بیینه.

◆ **سوال:** [۸۸۹] در موارد لوث اگر مدعی از اجرای قسامه خودداری کند، بفرماید:

الف) آیا در این صورت، اقامه قسامه قهراً به متهم (مدعی علیه) می‌رسد، یا این امر منوط بر مطالبه مدعی است؟

ب) در صورت لزوم مطالبه، اگر مدعی از چنین درخواستی سرباز زند یا به قسامه متهم راضی نباشد، وظیفه دادگاه برای فصل خصومت چیست؟

ج) در فرض فوق تکلیف دیه مقتول چیست؟

د) هرگاه متهم بر براءت خود سوگند یاد کند، حکم دیه چه می‌شود؟

◆ **جواب:**

الف) اگر مدعی مطالبه قسامه نکرد قاضی حق دارد مطالبه قسامه از مدعی علیه کند.

ب) قاضی در این صورت مطالبه قسامه از مدعی علیه می‌کند اگر قسم خوردند تبرئه می‌شود و اگر قسم نخوردند حق ثابت می‌شود.

ج) در صورت اقامه قسامه دیه ثابت نمی‌شود و اگر مدعی علیه اقامه

قسامه نکرد دیه ثابت می‌شود.

(د) در صورت لوث قسم متهم اثر ندارد.

◆ **سوال:** [۸۹۰] زنی سوار وسیله نقلیه‌ای می‌شود تا او را به مقصد برساند، لیکن راننده به قصد تجاوز زن را به خارج شهر یا جای خلوتی می‌برد، زن هنگامی که از نیت راننده مطلع می‌شود، برای حفظ آبرو ناچار خود را از خودرو در حال حرکت به بیرون می‌اندازد و در اثر آن فوت می‌کند یا آسیب و صدمه می‌بیند، مستدعی است بفرمایید آیا علاوه بر تعزیر راننده متخلف، ضمان دیه زن نیز بر عهده‌ی اوست؟ یا خیر.

◆ **جواب:** در فرض سؤال، شخص راننده ضامن است چون این خانم به قصد دفاع از خود، خود را از اتومبیل به بیرون انداخته است.

◆ **سوال:** [۸۹۱] اگر داخل زمینی که دارای دیوار کشی است و جزء معابر عمومی نیست، چاهی حفر کنند و شب یا روز کسی در آن بیفتد و بمیرد، ضمان دیه او به عهده کیست؟ آیا زمین بدون دیواری، که معبر نیست نیز همین حکم را دارد، یا فرق می‌کند؟

◆ **جواب:** در هر دو حالت صاحب زمین ضامن نیست.

◆ **سوال:** [۸۹۲] اگر در پارک بازی، یکی از اولیای اطفال از

مسئول قسمت اسب سواری بخواهد فرزند او را سوار کند، وی نیز با مراقبت کامل اقدام نماید، ولی اسب رم کرده و راکب بر اثر افتادن از اسب فوت نماید، ضمان آن به عهده کیست؟

◇ **جواب:** هر کس باعث رم کردن اسب شده او ضامن دیه است و اگر انسانی باعث رم نشده باشد عوامل دیگری سبب شده کسی ضامن نیست مگر اینکه صاحب پارک خسارت وارده در پارک را به عهده گرفته باشد.

◇ **سوال:** [۸۹۳] اگر زائر خانه خدا هنگام مراسم حج بر اثر فشار جمعیت فوت کند، با توجه به این که سرپرستی حجاج به عهده مدیران کاروان و زیر نظر سازمان حج می‌باشد، ضمان آن به عهده کیست؟

◇ **جواب:** اگر در فوت زائر شخص و یا اشخاص خاص سبب فوت نشده باشند بلکه در اثر فشار جمعیت از دنیا رفته باشد کسی ضامن دیه او نیست دیه او از بیت المال پرداخت شود.

◇ **سوال:** [۸۹۴] اگر فردی در کشور بیگانه مفقود الاثر شود و کسی هم به قتل وی متهم نگردد، اولیای وی هم از آن کشور درخواست غرامت کرده باشند، آیا ضمان آن به عهده کشور بیگانه است یا بر بیت المال؟

◇ **جواب:** در صورت اثبات قتل و شناسایی قاتل دیه بر عهده

اوست و اگر قاتل شناسایی نشود هر چه حاکم شرع صلاح بداند اقدام می‌کند.

◆ **سوال:** [۸۹۵] اگر دیوانه‌ای به کسی حمله کند و او از ترس جان خود برای دفع حمله دیوانه، وی را مضروب کند که احیاناً به مرگ دیوانه منجر شود، آیا ضارب ضامن دیه او است، یا عاقله وی و یا بیت المال؟

◆ **جواب:** اگر به مقدار دفاع از خود مورد ضرب قرار داده باشد ضارب ضامن دیه نیست و اگر در ضرب و جرح افراط کرده ضامن دیه است.

◆ **سوال:** [۸۹۶] پیش آمده است که دو نفر سوار بر موتور سیکل، وقت نزدیک یک زن می‌شوند نفری که پشت سر بوده بخاطر که بهتر وارد بوده می‌خواسته که تصادف نکند و از پشت سر حمله می‌کند و فرمان موتور را می‌گیرد در حالیکه نفر راننده جلوی هم دستش به فرمان بوده، موتور سیکل می‌چرخد عقب موتور به زن می‌خورد پای زن می‌شکند حالا دیه در ذمه کدام است؟ چون نفر راننده می‌گوید اگر از پشت سر حمله نمی‌کرد و مرا به حال خودم رها می‌کرد تصادف نمی‌شد.

◆ **جواب:** در این مسئله با توجه به شواهد و مدارک باید بررسی شود و هر کدام مقصر باشد، دیه در ذمه او تعلق می‌گیرد.

تفاوت دیه زن و مرد

◆ **سوال:** [۸۹۷] اگر مردی دو زن را کشته باشد و اولیاء آنان خواهان قصاص باشند؛ بفرمایید:

الف) آیا اولیاء خواهان قصاص باید چیزی به عنوان فاضل دیه بپردازند؟ یا خیر.

ب) در صورت لزوم پرداخت، آیا باید هر یک از اولیاء خواهان قصاص، مستقلاً و جداگانه نصف دیه یک مرد را بدهند یا این که نصف دیه یک مرد، به نسبت اولیاء خواهان قصاص تقسیم می‌شود؟

◆ **جواب:** در صورت توافق اولیاء در قصاص مباشرتاً یا تسبیحاً فاضل دیه را حق ندارند دریافت کنند و اگر یکی قصاص کند، دیگری دیه بگیرد، در این صورت آن کسی که قصاص می‌کند نصف دیه قاتل را پرداخت کند.

◆ **سوال:** [۸۹۸] با توجه به این که دیه زن در جایی که بیش از ثلث کل دیه باشد، به نصف تقلیل می‌یابد؛ اگر مقدار ارش بیش از ثلث کل دیه باشد، آیا به نصف تقلیل می‌یابد؟ (مثلاً در جایی که کل دیه پنج میلیون تومان است، ارش دو میلیون تومان برآورد شده است)

◇ **جواب:** در صورتی که دیه جرح در زن بیش از ثلث کل دیه باشد، دیه به نصف تقلیل می‌یابد. تقلیل شامل ارش نمی‌شود.

دیه جنین

◇ **سوال:** [۸۹۹] اگر پدر یا مادر و یا هر دو در سقط جنین شرکت داشته باشند، دیه جنین به چه کسانی تعلق می‌گیرند و روش تقسیم آن چگونه است؟ اگر پدر و مادر یا باقی صاحبان دیه رضایت دهند وظیفه ساقط می‌شود؟ یا خیر.

◇ **جواب:** هر کدام در سقط جنین مباشر باشد دیه به عهده آن تعلق می‌گیرد و آن دیگری مستحق دیه است چنانچه هر دو در سقط جنین شرکت داشته باشند دیه به عهده هر دو تا است از دیه ارث نمی‌برند و دیه به سایر ورثه با مراعات الاقرب فالاقرب می‌رسد؛ ولی اگر مباشر زن باشد و شوهر دیه را به همسرش ببخشد، زن برئ الذمه می‌شود و بالعکس.

◇ **سوال:** [۹۰۰] اگر دختری یا زنی مورد تجاوز جنسی قرار گیرد و حامله شود و بخواهد که سقط نماید، آیا او می‌تواند سقط کند؟ یا خیر؛ شرایط زن و دختر در این مسئله فرق می‌کند؟ یا خیر؛ اگر عمداً سقط کند چه حکمی دارد؟

◇ **جواب:** سقط جنین جواز ندارد، اگر چه از زنا منعقد شده باشد؛

مگر اینکه جنین کمتر از چهار ماه باشد و بقا جنین طبق شهادت دکترهای متخصص و مورد اعتماد موجب مرگ مادر شود که در این صورت سقط جایز است، ولی دیه دارد و شرایط دختر و زن فرق نمی‌کند و دیه هم به حاکم شرع داده می‌شود.

روش محاسبه دیه

◆ سوال: [۹۰۱]

- ۱- پنج تا قبرغه (دنده) شکسته دیه‌اش چه مقدار می‌شود؟
- ۲- آرنج دست راست ترک برداشته دیه‌اش چه مقدار است؟
- ۳- باسن (لگن) ضربه خورده به طوری که درست نمی‌تواند راه برود دیه‌اش چقدر است؟

◆ جواب:

- ۱- اگر دنده‌های پهلوی قلب باشد هر دنده بیست و پنج دینار دیه دارد و اگر پهلوی شانه‌ها باشد دیه‌ی هر دنده ده دینار است.
- ۲- دیه ترک خوردگی آرنج دست هشتاد دینار است.
- ۳- اگر در اثر ضربه استخوان نشکند باید با هم مصالحه کنند و یا هر چه حاکم صلاح بداند و حکم کند دیه آن را پرداخت نماید.

◆ سوال: [۹۰۲]

الف) در صدمات بدنی از قبیل ایراد ضرب و جرح در حوادث رانندگی به مجنی علیه دیه تعلق می‌گیرد؟ یا خیر.

ب) در صورتی که به مجنی علیه دیه تعلق بگیرد و ایشان جهت مداوای خود به بیمارستان و یا پزشک مراجعه نموده باشد، هزینه-های درمانی را به غیر از دیه می‌تواند دریافت کند؟ یا خیر.

ج) اگر مجنی علیه بواسطه شکستگی در اندام خود نتواند تا مدتی کار کند می‌تواند از جانی خسارت دریافت کند؟ یا خیر.

◇ جواب:

ج ۱) در فرض سوال زخم و جرح حتی سیاهی و کبودی بدن موجب دیه است.

ج ۲) به غیر از دیه قیمت دارو و مصرف بیمارستان و سایر مصارف مانند مدت بیکاری و غیره را حق ندارد از جانی مطالبه کند.

◇ سوال: [۹۰۳]

۱ - اگر جانی ظماً و عدواناً به قصد قطع انگشت مجنی علیه، بر او ضربه‌ای وارد کند که غالباً منجر به قطع انگشت می‌شود، لیکن اتفاقاً منجر به قطع دست مجنی علیه شود، آیا این قطع دست جنایت عمدی و موجب قصاص است؟ یا فقط به مقدار انگشت جنایت عمدی است؟ در صورتی که فقط به مقدار قطع انگشت جنایت عمد محسوب می‌شود، آیا جانی در انگشت قصاص می‌شود و برای قطع دست دیه پرداخت می‌کند و در محاسبه دیه، آیا باید دیه انگشت مورد قصاص از دیه دست کم شود؟ یا خیر.

۲ - در فرض سؤال بالا، اگر به جای انگشت مورد نظر جانی، ضربه‌ای که ظماً و عدواناً برای قطع انگشت فرود آمده است، اتفاقی به چشم مجنی علیه برخورد کند و لذا به جای قطع شدن انگشت مجنی علیه، چشم او کور شود، آیا جانی قصاص چشم می‌شود یا حکم چیز دیگری است؟

◇ جواب:

ج ۱ - موجب دیه قطع دست می‌شود و قصاص انگشت و دیه آن در اینجا موردی ندارد.

ج ۲ - در فرض سؤال دیه چشم به جانی تعلق می‌گیرد.

◇ سوال: [۹۰۴] زنی بر اثر رابطه نامشروع باردار شده و بچه نامشروع را سقط کرده است، آیا این بچه دیه دارد و اگر دارد، دیه آنها چگونه حساب می‌شود؟

◇ جواب: دیه دارد و دیه‌اش بعد از تمام شدن خلقت و قبل از دمیدن روح هشتاد درهم است و بعد از دمیدن روح اگر پسر باشد هشتصد درهم و اگر دختر باشد چهارصد درهم است و دیه ولدالزنا به حاکم شرع داده شود.

◇ سوال: [۹۰۵] درباره خسارت زائد بر دیه، بفرمایید:

الف) آیا دیه همان خسارت است یا جانی باید علاوه بر دیه،

خسارت‌های وارد آمده به مجنی علیه و کلیه هزینه‌های درمان را
بپردازد؟

ب) جانی که مقدار دیه از خسارت بیشتر، مساوی یا کمتر باشد چه
حکمی دارد؟

ج) اگر در موارد فوق جواب منفی است، آیا حکومت می‌تواند برای
جبران خسارت‌های زائد بر دیه، قانونی وضع کند که جانی را
ملزم به پرداخت آن نماید؟

د) آیا بین انواع خسارت‌ها مثل خسارت هزینه درمان یا از کار
افتادگی (مانند فلج شدن دائمی دست خطاط) تفاوتی وجود
دارد؟ یا خیر.

◇ جواب:

الف) جانی بیش از دیه ضامن خسارت‌های وارده نیست.

ب) فقط به مقدار دیه جانی ضامن است نه بیشتر.

ج) حق وضع چنین قانونی را ندارد.

د) تفاوتی وجود ندارد و جانی ملزم به جبران خسارات غیر از دیه
نیست.

دیه و ماههای حرام

◆ **سوال:** [۹۰۶] درباره تغلیظ دیه در اشهر حرم یا مکه معظمه؛
بفرمایید:

الف) آیا تغلیظ دیه مختص قتل عمد است یا شامل قتل شبه عمد و
خطای محض نیز می‌شود؟

ب) آیا حکم مذکور مختص مسلمین است یا شامل اهل کتاب نیز
می‌گردد؟

ج) آیا جهل قاتل به حکم یا موضوع، در تغلیظ دیه تأثیری دارد؟

◆ **جواب:**

الف) در قتل عمد، اصل حکم دیه و یا تغلیظ دیه نیست، بلکه حکم
اولی در قتل عمد قصاص است؛ تغلیظ مال قتل شبهه عمد و قتل
خطاء است، مگر در صورت عدم امکان قصاص مثل فرار یا موت
قاتل.

ب) تغلیظ دیه شامل اهل کتاب نمی‌شود.

ج) جهل تأثیری در حکم ندارد.

◆ **سوال:** [۹۰۷] چنانچه در اثر ضربه مستوجب دیه چند نقطه از یک
استخوان (مانند استخوان ساق پا) دچار شکستگی شود؛ بفرمایید:

الف) آیا هر شکستگی دیه جداگانه دارد یا پرداخت یک دیه برای

همه آنها کافی است؟

ب) در این فرض، آیا ایجاد چند شکستگی در اثر یک یا چند ضربه با هم تفاوت دارد؟

ج) اگر در اثر ضربه مستوجب دیه، علاوه بر شکستگی استخوان تکه‌ای از همان استخوان نیز جدا شود، آیا برای جدا شدن استخوان، دیه شکستگی استخوان باید پرداخته شود یا حکم دیگری دارد؟

◇ جواب:

الف) هر کدام دیه جداگانه دارد.

ب) در فرض سوال دیه تفاوت ندارد.

ج) جدا شدن آن دیه جداگانه ندارد.

◇ سوال: [۹۰۸]

۱- دیه شرعی قتل عمد در ماه‌های حرام چه مقدار است؟

۲- اگر قتل در سال ۱۳۸۷ صورت گرفت دیه همان سال پرداخت می‌شود یا دیه فعلی؟

◇ جواب:

ج ۱: دیه کامل یکی از شش چیزی است که در رساله^۱ بیان شده و

۱- (مسأله ۳۰۱۷): دیه ای که قاتل باید بدهد در صورتی که مقتول مرد و مسلمان و آزاد باشد

یکی از شش چیز است: "اول" در قتل عمدی صد شتر که داخل سال ششم شده باشند. و

در قتل خطائی محض و شبه عمد سن شترها کمتر از این است. "دوم" دو صد گاو.

اگر قتل در ماه‌های حرام واقع شود یک ثلث دیه اضافه می‌شود.

ج ۲: در قتل شبه عمد و خطا دیه زمان قتل محاسبه می‌شود و در قتل عمد زمان توافق ورثه مقتول با قاتل.

◆ **سوال:** [۹۰۹] مردی زنی را در اشهر حرم به قتل رسانده است، با توجه با این که وقوع قتل در این زمان موجب اضافه شدن ثلث دیه می‌شود؛ اگر اولیاء دم تقاضای قصاص جانی را داشته باشند، باید نصف دیه یک مرد در ماه حرام را به او بپردازند یا نصف دیه یک مرد در غیر ماه حرام؟

◆ **جواب:** نصف دیه یک مرد در غیر ماه حرام را پرداخت کند کافی است.

"سوم" هزار گوسفند. "چهارم" دو صد حله و هر حله دو پارچه است و اولی اینست که از پارچه ای یمن باشد. "پنجم" هزار مثقال شرعی طلا که هر مثقال ۱۸ نخود است. "ششم" ده هزار درهم که هر درهمی ۱۲/۶ نخود نقره سکه دار است. و اگر مقتول، زن و مسلمان و آزاد باشد، دیه او در هر یک از این شش چیز نصف دیه مرد است و اگر مقتول کافر ذمی باشد در صورتی که مرد باشد دیه او هشتصد درهم، و در صورتی که زن باشد دیه او چهارصد درهم است و اگر کافر غیر ذمی باشد دیه ندارد و دیه مقتولی که غلام یا کنیز باشد قیمت او است در صورتی که بیشتر از دیه آزاد نباشد. و در صورتی که قتل عمدی هم باشد، نمی‌شود قاتل آزاد را برای او کشت.

عوامل تخفیف دیه

◆ **سوال:** [۹۱۰] همان گونه که مستحضرید، براساس برخی روایات وارده در باب دیات، خوب شدن بعضی جراحات یا نقص عضوها (نظیر شکستگی استخوان در اعضای که دیه مقدره دارد یا شکافتن لب) میزان دیه را تغییر می‌دهد. با توجه به پیشرفت علم پزشکی تعداد قابل ملاحظه‌ای از جراحات و نقص عضوها قابل درمان می‌باشند؛ بفرمایید:

الف) آیا تأثیر درمان در میزان دیه را به غیر موارد مصرح در فقه نیز می‌توان تعمیم داد؟

ب) پیوند عضو مقطوع در میزان دیه تأثیر دارد؟ یا خیر.

◆ **جواب:**

الف) تعمیم دادن مشکل است.

ب) در میزان دیه تأثیر ندارد.

شرایط پرداخت دیه

◆ **سوال:** [۹۱۱] در مواردی که قاتل معین است اما مقتول (مستحق دیه) بین دو نفر مردد می‌باشد، نحوه پرداخت دیه به اولیای دم چگونه است؟

◇ **جواب:** در صورت ثبوت قاتل، دیه بین ورثه هر دو مقتول به طور مساوی تقسیم می‌شود و اگر مقتول یک مرد و دیگری زن باشد دیه سه حصه می‌شود و دو حصه مال مرد و یک حصه مال زن است.

◇ **سوال:** [۹۱۲] در مواردی نظیر قتل خطای محض که بنا بر قول مشهور، دیه ظرف ۳ سال و هر سال ثلث آن باید پرداخت شود؛ با عنایت به این که براساس فتوای تعداد زیادی از فقهای عظام ملاک محاسبه قیمت یوم الاداء می‌باشد؛ بفرمایید: در محاسبه ثلث در صورت تعدد از اعیان شش گانه، چگونه باید عمل کرد؟ (آیا از ابتداء قیمت کل دیه براساس نرخ روز محاسبه می‌شود و جانی در هر سال ملزم به پرداخت ثلث همان قیمت است؛ یا این که در پرداخت هر ثلث، قیمت یوم الاداء همان ثلث ملاک است، یعنی در هر سال باید با توجه به قیمت سوقیه همان سال، ثلث دیه را محاسبه و پرداخت نماید؟

◇ **جواب:** در پرداخت ثلث قیمت یوم الاداء همان ثلث ملاک است.

◇ **سوال:** [۹۱۳] در مورد جراحی متلاحمه‌ای که به فلج عضو می‌انجامد و با درمان می‌توان از فلج شدن پیشگیری کرد، بفرمایید:

الف) آیا بر شخص مجروح واجب است خود را درمان نماید؟

ب) در صورت درمان، آیا می‌توان هزینه‌های افزون بر مقدار دیه را از جانی گرفت؟

◇ جواب:

الف) دفع ضرر یا تقلیل ضرر بر هر کسی واجب است.

ب) بله در صورت امکان واجب است و بیشتر از مقدار دیه را نمی-
تواند بگیرد.

◇ سوال: [۹۱۴] آیا در صورتی که میزان خسارت وارده بر مجنی
علیه کمتر از دیه باشد مانند هزینه بیمارستان علاوه بر دیه قابل
مطالبه است؟ یاخیر.

◇ جواب: در صورت وارد آمدن خسارت، غیر از دیه مانند هزینه
بیمارستان و امثال آن را حق مطالبه ندارد.

شرایط و احکام شهادت

◆ سوال: [۹۱۵] کسی که ریش خود را می تراشد از عدالت ساقط می شود؟ یا خیر؛ یعنی می شود شهادت کسی را که ریشش را می تراشد، در محکمه شرعی برای اثبات حقی پذیرفت؟

◆ جواب: بنا بر احتیاط واجب تراشیدن ریش حرام است و کسی که ریش خود را می تراشد از عدالت خارج می شود.

◆ سوال: [۹۱۶] آیا فرد فاسق می تواند شهادت دهد و به عنوان شاهد باشد؟ مبنای فاسق بودن یک فرد چیست؟

◆ جواب: شهادت آدم فاسق قبول نیست و به ارتکاب گناه کبیره یا اصرار بر صغیره آدم فاسق می شود؛

◆ سوال: [۹۱۷] در مورد قسامه بفرمایید:

الف) آیا قسامه، در جنایت عمدی بر اطراف، مستلزم قصاص می-شود؟ یا خیر.

ب) با فرض این که جواب مثبت باشد، نصاب قسامه چه میزان است؟

◇ جواب:

الف) در صورتی که امکان قصاص باشد باقسامه ثابت می‌شود.

ب) پنجاه نفر است در جایی که دیه کامله دارد و اگر نصف دیه داشته باشد با بیست و پنج قسامه ثابت می‌شود و به نسبت دیه عضو از دیه کامله قسامه ملاحظه می‌شود.

مدارک مثبت جرم

◇ سوال: [۹۱۸]

- ۱- آیا جرم زنا اعم از حدی یا تعزیری صرفاً با رؤیت فیلم و سی دی آن ثابت می‌شود یا ادله اثباتی دیگر می‌خواهد.
- ۲- آیا می‌توان در مورد جرم زنا اعم از حدی یا تعزیری با رضایت شاکی خصوصی، در حالی که جرم مشهود نیست، متهم نیز اقرار نکرده و شاهد نیز موجود نیست، رسیدگی کرده و حکم داد.

◇ جواب:

ج ۱) با رؤیت فیلم و سی دی ثابت نمی‌شود.

ج ۲) بدون اقامه شهود اجراء حکم و تعزیر جایز نیست.

علم قاضی و بینه

◇ سوال: [۹۱۹] درباره علم قاضی؛ بفرمایید که آیا علم قاضی

ملحق به اقرار است یا بینه و یا طریق سومی است؟ در صورتی که طریق سوم باشد حکم عفو چگونه است؟

◇ **جواب:** علم قاضی در موارد که حجت است، طریق سوم است و در موارد مانند تعزیرات قاضی حق عفو دارد.

◇ **سوال:** [۹۲۰] اگر قاضی تحت تأثیر یکی از رؤسای قوه قضائیه (استر محکمه) یا رؤسای مافوق خود قرار گرفته و حکم غیر عادلانه‌ای علیه متهم صادر کند و متهم را متضرر نماید، آیا ضامن آن به عهده قاضی است یا کسی که وی را مقهور نموده؟

◇ **جواب:** در فرض سوال قاضی ضامن است.

◇ **سوال:** [۹۲۱] نظر اسلام اعتبار اسنادی که توسط دستگاه‌های مدرن تهیه می‌شود مانند فاکس، فیلم، عکس، نوار ضبط، زیراکس، پرینتر، اسکنر کامپیوتر و ... در چه است و کدام یک می‌تواند مستند حکم قاضی قرار گیرد و به عنوان مدرک قابل استناد است؟

◇ **جواب:** موارد مذکوره بدون شهادت شهود اعتبار شرعی ندارد، ولی مؤید برای حکم و علم قاضی می‌شود.

◇ **سوال:** [۹۲۲] اگر قاضی با علم خود حکم به رجم نماید و علم قاضی راه سومی باشد - ملحق به بینه یا اقرار نباشد - در صورت

فرار مجرم از حفره آیا می‌توان او را مجدداً به حفره برگرداند و حکم را اجراء نمود؟ یا خیر.

◇ جواب: حکم به رجم با علم قاضی مشکل است. با علم قاضی حکم به اجرای رجم نمی‌شود.

احکام مصلوب و محدود

◆ **سوال:** [۹۲۳] چنانچه قاضی در مجازات محارب، صورت صلب را انتخاب کرد — با توجه به این که اگر بعد از سه روز زنده بماند حق حیات دارد.

در صورتی که بخواهد قبل از اجرای حکم، از داروها و غذاهای مقاوم کننده بدن استفاده نماید، آیا می‌توان او را منع نمود؟ یا خیر؛ همچنین اگر در مصلوب شدن کسی عصیانا به او آب یا غذا برساند، باید از این کار جلوگیری کرد؟ یا خیر.

◆ **جواب:** منع او لازم نیست، همچنین است حکم رساندن قوت به مصلوب و جلوگیری لازم نیست.

◆ **سوال:** [۹۲۴] کسی که قرار است مورد اجرای حد سرقت قرار گیرد، آیا می‌تواند با هزینه خود از طیب بخواهد که عضو وی را بی حس نماید؟

◆ **جواب:** در فرض سؤال اشکال ندارد.

◆ **سوال:** [۹۲۵] درباره کسی که قرار است کشته شود (تیرباران،

حلق آویز یا...): بفرمایید:

الف) آیا می‌تواند با هزینه خود از پزشک بخواهد که وی را قبل از قتل بی‌حس یا بیهوش نماید تا درد کمتری را متحمل شود؟

ب) آیا بین حد یا قصاص نفس و اطراف فرقی وجود دارد؟

◇ **جواب:** در فرض سوال اشکال نداشته و بین حد و قصاص — اعم از نفس و اطراف — در این جهت فرقی نیست.

◇ **سوال:** [۹۲۶] در صورتی که بعد از اعدام — حلق آویز، رجم یا... — و قبل از دفن در سردخانه یا پزشکی قانونی در مجرم علائم حیاتی دیده شود و با مداوا سلامت خود را باز یابد؛

الف) اجرای مجدد حکم چه صورتی دارد؟

ب) آیا بین حد و قصاص تفاوتی وجود دارد؟

ج) بر فرض لزوم اجرای مجدد حکم، دیه خسارت‌های وارده قبلی بر محکوم در دو حالت فوق به عهده کیست؟

◇ **جواب:** الف: در غیر رجم اجرای حکم لازم است مگر اینکه اولیاء دم عفو کنند در رجم اگر به اقرار ثابت شده باشد دوباره رجم نمی‌شود و اگر به بیینه ثابت شده باشد دوباره رجم می‌شود.

ب: بین این دو در اجرای حکم مجدد فرقی نیست.

ج: در مورد قصاص و رجم خسارت‌های وارده دیه ندارد.

◆ سوال: [۹۲۷]

الف) در مواردی که براساس دستور شارع مقدّس، خوب شدن جراحت یا نقص عضو، میزان دیه را تغییر می‌دهد، مخارج و هزینه‌های درمان به عهده جانی است یا مجنی علیه؟

ب) چنانچه هزینه‌های درمانی به عهده مجنی علیه باشد، در مواردی که هزینه‌های درمان بیش از مقدار دیه مأخوذه است، آیا راهی برای جبران خسارات زائد بر مقدار دیه وجود دارد؟ یا خیر.

ج) در مواردی نظیر شکستگی ستون فقرات که دیه کامله دارد، طبق فتوای فقهاء اگر این شکستگی به گونه‌ای معالجه شود که اثری از جنایت باقی نماند، جانی باید یک صد دینار بپردازد. در این گونه موارد فعلیت درمان و اصلاح ملاک است یا قابلیت آن؟ به این معنی که اگر فعلیت ملاک باشد از ابتداء دیه کامله به عهده جانی قرار می‌گیرد و جانی یا موظف به پرداخت تمام دیه می‌باشد — که پس از اصلاح و خوب شدن، ۹۰۰ دینار به او پس داده می‌شود — و یا منتظر می‌ماند که پس از معالجه، دیه مقرر (۱۰۰ دینار) را بپردازد. (اگر چه ذمه‌اش به کل دیه مشغول است). ولی اگر قابلیت درمان ملاک باشد از همان ابتداء، ذمه جانی به یکصد دینار مشغول می‌شود.

براساس دستور شارع مقدّس، مهلت پرداخت دیه در قتل و

مسائل قضایی / احکام مصلوب و محدود ----- ۵۰۳

جراحات شبه عمد (مانند جراحات یا تلفات ناشی از تصادفات رانندگی) ۲ سال می‌باشد؛ آیا تقاضای اعسار جانی قبل از انقضای مهلت مقرر، مسموع می‌باشد؟ یا خیر.

◇ جواب:

(الف) مخارج به عهده مجنی علیه است.

(ب) بیش از مقدار دیه مجنی علیه حق ندارد، اگر چه احوط جلب رضایت مجنی علیه است.

(ج) فعلیت درمان ملاک است. تقاضای اعسار قبل از انقضای مهلت مقرر مسموع نیست.

احکام تبعید

◆ سوال: [۹۲۸] در خصوص نفی بلد بفرمایید:

الف) منظور از نفی بلد چیست؟ (از بین بردن، تبعید، آواره نمودن دائمی یا...؟)

ب) اگر نفی به معنای تبعید باشد آیا مراد تحت نظر قرار دادن در محل تبعید است یا زندانی کردن وی در آن محل؟

ج) اگر منظور تحت نظر قرار دادن باشد، در موارد خاصی که تبعید به مفاسد دیگری منجر می‌شود — مانند زنان، قاچاقچیان و افراد شرور — آیا می‌توان مدت تبعید را به حبس تبدیل نمود؟

د) اگر محارب از محل تبعید فرار کند، آیا حاکم شرع می‌تواند پس از دستگیری وی، تبعید را به یکی دیگر از مجازات‌های چهارگانه، جزای نقدی، حبس یا تعزیر تبدیل نماید؟

ه) آیا حکم عدم جواز نفی بلد زن در باب زنا را می‌توان به تبعید زن در باب محاربه تسری داد؟

◇ جواب:

الف، ب) مراد از نفی بلد، تبعید به شهرهای دیگر است به طوری که زیر نظر باشد.

ج، د) چنانچه حاکم شرع صلاح بداند تبعید به مجازات دیگر تبدیل می شود.

ه) در باب محاربه نفی بلد نیست.

ولایت و سرپرستی

◆ **سوال:** [۹۲۹] شخصی در اثر تصادف فوت نموده و وصیت نامه نداشته، ورثه‌ی ایشان مادر، دو دختر، یک پسر و همسرش هستند، که یکی از دختران سیزده ساله، دیگری یازده ساله و پسرش هفت سال دارد، سرپرستی بچه‌ها به عهده مادرشان است ولی مادر آن مرحوم جدا زندگی می‌کند. آیا لازم است که اموال و سهم هر کدام را تقسیم کنیم؟ اگر تقسیم نشود آن‌ها که با هم زندگی می‌کنند باعث تضييع حق پسر (که صغیر است) نمی‌شوند؛ اگر بستگان به خانه مشترک رفت و آمد کنند چه حکمی دارد؟ آیا برای جمع آوری حساب و کتاب آن مرحوم لازم است کسی وکیلش (قیم صغار یا وصی) شود.

◆ **جواب:** اگر حاکم شرع مادر را قیم بر صغار تعیین کرده باشد مادر می‌تواند در مال صغیر به نفع صغیر تصرف کند و کسانی که کبیر هستند خودشان صاحب اختیار هستند؛ در صورت که قیم صغار رفت و آمد بستگان را به صلاح صغار بداند اشکال ندارد و در غیر این صورت جواز ندارد.

◆ **سوال:** [۹۳۰] اگر در هریک از کشورهای اسلامی کسی را به عنوان سرپرست صغیر یا مجنون و یا محجور تعیین کنند و او برای شرعی بودن تصرفات خود به فقیه جامع الشرایط مراجعه نکند، آیا تصرفات او در اموال آنان ضمان آور است یا نه؟

◆ **جواب:** اگر توسط حاکم شرع و یا مأذون از طرف حاکم شرع قیم بر صغیر و یا صغار منصوب نشده باشد، حق تصرف در اموال صغیر را ندارد و ضمان بر عهده سرپرست است.

◆ **سوال:** [۹۳۱] چنانچه مقتول، ورثه صغیر داشته باشد؛ بفرماید:

الف) آیا همواره اخذ دیه از سوی اولیاء صغار، اصلح به حال صغار است یا این که حسب مورد می‌توان قاتل را عفو و یا از وی مطالبه قصاص نمود؟

ب) آیا محدوده اختیارات ولیّ با قیم در این خصوص تفاوتی دارد؟

◆ **جواب:**

الف) معمولاً اخذ دیه به نفع صغار است.

ب) هر دو (ولیّ و قیم) مصلحت صغار را در دیه و قصاص لحاظ کنند.

◆ **سوال:** [۹۳۲] کسی که وصیت نامه نداشته فوت نموده و یک فرزند صغیر دارد آیا مادرش قیم بر او است؟ همچنین متوفی یک

دختر ده ساله و یک دختر سیزده ساله دارد آیا این‌ها کبیر هستند؟
یا خیر؛ اگر کبیر نباشند سرپرستی این‌ها به عهده کیست؟

◇ **جواب:** اگر دختر به سن ده سالگی رسیده باشد، بنا بر احتیاط کبیره است، بنا بر این در فرض سؤال هر دو دختر (ده ساله و سیزده ساله) کبیره شده‌اند. اما نسبت به فرزند صغیر اگر حاکم شرع مادر را قیّم تعیین کند، مادر می‌تواند در اموال صغیر به عنوان قیّم تصرف کند.

◇ **سوال:** [۹۳۳] زنی که مادر سه تا دختر می‌باشد مدت یک سال است که شوهرش مرحوم شده. وارثین شوهر چهار برادر و یک مادر است، میت وصی خط و وصی نداشته، زن بعد از یک سال از خانواده شوهر مرحومش جدا می‌گردد، تکلیف دخترانش از نظر شرعی چگونه است؟ در حالی که دو تا از دخترانش به سن بلوغ رسیده است (یکی یازده ساله و دیگری سیزده ساله می‌باشد) فقط دختر سومش هفت ساله است، سرنوشت دختر هفت ساله از نظر شرعی چگونه است؟ آیا تا سن تکلیف با مادرش می‌تواند زندگی کند یا اجازه ندارد که با مادر زندگی کند؟

◇ **جواب:** در فرض سؤال، دختران که به سن بلوغ رسیده، اختیار دارند با هر که می‌خواهند زندگی کنند و یا با هر شخص که می‌خواهند ازدواج نمایند، اما دختری که هفت سال دارد، باید یک شخص امین از طرف حاکم شرع به عنوان قیّم منصوب گردد

(مادرش و یا شخص دیگری را که دو نفر عادل در نزد حاکم شرع معرفی کنند به عنوان قیم منصوب می‌شود) و در فرض سوال سرپرستی دختر صغیره به عهده مادرش است، جده و عموها حق حضانت و سرپرستی بدون اجازه مادر را ندارند و مادر مقدم بر آنهاست.

◆ سوال: [۹۳۴] در مورد صغار و مجانین که مورد ضرب و جرح یا توهین قرار گرفته‌اند؛ بفرمایید:

الف) آیا اولیاء آنان با رعایت غبطه مولی علیه حق گذشت دارند؟ یا خیر.

ب) ملاک در رعایت غبطه مولی علیه چیست؟

◆ جواب:

الف) در صورتی که عفو به مصلحت مولی علیه باشد حق گذشت دارند.

ب) ملاک باید نفع صغار و مجانین باشد.

رشوه

◆ **سوال:** [۹۳۵] پول دادن از سوی مراجعه کننده به کارمندان با تجربه و کاردان شرکت و یا سازمانی برای پیگیری و زودتر انجام دادن کارها در مجاری قانونی چه حکمی دارد؟ آیا رشوه دادن محسوب می‌گردد؟

◆ **جواب:** رشوه فقط در مورد حکم قاضی است و نه در موارد دیگر؛ در فرض سوال اگر در مجاری قانونی باشد اشکال ندارد و رشوه حساب نمی‌شود.

◆ **سوال:** [۹۳۶] در دواير دولتي افغانستان بدون رشوه کار قانونی اجرا نمی‌شود یعنی به صورت علنی بنام شیرینی رشوه می‌گرند اگر رشوه ندهی کارت اجرا نمی‌شود و هیچ راه دیگر هم وجود ندارد، حال از جناب عالی تقاضا دارم بفرمایید که: در چنین شرایط رشوه دادن بنام شیرینی چه حکم دارد در صورتیکه اگر شیرینی ندهی کارت انجام نمی‌شود؟

◆ **جواب:** در فرض سؤال اگر گرفتن حق متوقف به دادن شیرینی و رشوه شود، اشکال ندارد.

◆ **سوال:** [۹۳۷] حکم هدیه و پاداشی اگر باعث شود که حقی را باطل یا باطلی را حق کند چیست؟ اگر کسی مجبور باشد برای گرفتن حق خود چیزی پردازد، دادن و گرفتن چنین هدیه‌ای برای اعطا کننده و گیرنده چیست؟

◆ **جواب:** پرداخت هدیه به عنوان فوق جواز ندارد، اگر گرفتن حق متوقف به پرداخت هدیه و رشوه شود اشکال ندارد.

احکام غضب

◆ **سوال:** [۹۳۸] شخصی زمین سبزیجات از قبیل رشقه کار و چمن زار شخص دیگری را غضب و به ناحق متصرف می‌شود و حاصلاتش را مصرف می‌کند. صاحب زمین، زمین خود را از نزد غاصب گرفته و ادعای حاصلات سال‌های قبل را می‌کند و می‌گوید شما در زمین من نه شخم زده‌اید و نه کشت کرده‌اید، محصول برای من می‌باشد، لطفاً بفرومائید محصول مال کدامیک می‌باشد؟

◆ **جواب:** در فرض سؤال صاحب زمین حق دارد اجرت المثل زمین خود را از شخص غاصب بگیرد؛ اما حاصلاتی را که غاصب کشت کرده، مال غاصب است، باید اجاره‌ی چند ساله‌ی زمین (اجرت المثل) را که مال صاحب زمین است به مالک بپردازد.

◆ **سوال:** [۹۳۹] قطعه زمینی متعلق به شخصی است که سند دارد، ولی زمین مذکور را شخص دیگری بدون سند و مدرک در

تصرف خودگرفته از نظر شرعی این زمین متعلق به چه کسی
است؟

◇ **جواب:** اگر آن زمین را غصب کرده باشد، غاصب ضامن است و
باید اصل زمین را همراه اجرت المثل آن به مالک برگرداند.

مسائل اعتقادی

◆ **سوال:** [۹۴۰] مگر در قرآن گفته نشده که مرد مؤمن با زن مؤمن و مرد ناپاک با زن ناپاک، ازدواج کنند پس چگونه همسر حضرت لوط یا همسر آسیه در جبهه مخالف همسران خود که پیامبر بودند قرار داشته است؟

◆ **جواب:** آنچه قرآن در این مورد فرموده حکم الزامی نیست و در ثانی ممکن است مصلحت‌ها و حکمت‌های در آن گونه ازدواج‌ها باشد و نیز ممکن است زن و شوهر از اول مؤمن و خوب باشند بعداً آدمهای بد و گمراه گردند.

◆ **سوال:** [۹۴۱] هل يجوز الترضی علی أعداء أهل البيت (ع) ومغتصبی الخلافة والخارجین علی أميرالمؤمنین (ع)؟

◆ **جواب:** لايجوز إلا أن يكون عن تقية.

◆ **سوال:** [۹۴۲] آیا تغییر مذهب از شیعه به سنی جایز است؟ مرتد بودن در این مورد صدق می‌کند؟ یا خیر.

◇ **جواب:** در فرض سؤال تغییر مذهب جواز ندارد و انکار ضروریات دین موجب ارتداد می‌شود.

◇ **سوال:** [۹۴۳] هل تختلف عصمة النبي (ص) عن عصمة باقي أصحاب (ع)؟ أم أنها هي هي؟

◇ **جواب:** لا فرق بين عصمة النبي (ص) و الأئمة (ع).

◇ **سوال:** [۹۴۴] جزای کسی که از دین اسلام برگردد چیست؟ دیگر اینکه آیا کسی که از دین اسلام برگردد و به یک دین دیگر بگردد، جزا دادن آن مخالف آزادی عقیده نیست که قرآن می‌گوید لا إكراه في الدين؟

◇ **جواب:** کسی که پدر و مادرش و یا یکی از آنها مسلمان است، اگر مرتد شود حکمش اعدام است، زنش از او جدا می‌شود و اموالش بین ورثه تقسیم می‌گردد.

آیه شریفه راجع به انتخاب دین اسلام است که اجباری نیست بعد از اینکه اسلام را قبول کرد باید به دستورات اسلام عمل کند و در صورت تخلف جزا داده می‌شود.

◇ **سوال:** [۹۴۵] هل صحيح أن كربلاء المقدسة أفضل من الكعبة المشرفة؟ وما هو الدليل؟

◇ **جواب:** نعم ورد في بعض الروايات أن أرض الكربلا أفضل من الكعبة.

◆ **سوال:** [۹۴۶] می‌خواستم بدانم آیا این که می‌گویند خداوند هرکس را یکبار امتحان می‌کند و ایمان را در دلش قرار می‌دهد درست است؟ و اگر آن یکبار قبول نشد دیگه هیچ راهی برایش نیست؟ همچنین نظر شما در مورد عرفان سیروسلوک چیست آیا می‌توان خود انسان سیر نمود یا اینکه حتماً باید استاد داشت؟

◆ **جواب:** این حرف حقیقت ندارد و همیشه انسان در معرض امتحان الهی است و قرآن کریم صراحتاً می‌فرماید: که ما انسان را به خوف و گرسنگی و نقص در اموال و انفس و... امتحان می‌کنیم. تا حدّ خود انسان می‌تواند سیر و سلوک کند و به دستورات خداوند و پیامبر اسلام و ائمه (ع) عمل کند و در حد کامل باید زیر نظر عرفاء واقعی آموزش ببیند.

◆ **سوال:** [۹۴۷] لطفاً بفرمائید اگر فردی شیعه سنی شود چه حکمی دارد؟

◆ **جواب:** سنی شدن شیعه شرعاً جایز نیست و بر این کار عقاب می‌شود.

◆ **سوال:** [۹۴۸] اعتبار و سند عریضه نویسی برای امام زمان (عج) تا چه اندازه است آیا این نوع اعمال خرافات نیست؟ آیا راه دیگر برای جایگزینی این امر وجود دارد؟

◇ **جواب:** نوشتن عریضه یا تلفن زدن برای ضریح ائمه (ع) و امام زادگان اعتبار شرعی ندارد. انبیا و اولیا به اذن خداوند، توسل بندگان خدا را می‌دانند و در صورت وجود شرایط شفاعت می‌کنند.

◇ **سوال:** [۹۴۹] در قرآن همسران پیامبر با نام امّ المؤمنین آمده است، آیا عایشه که بعد از حضرت رسول از خانه ایشان خارج شد و در جنگ جمل مقابل حضرت امام علی (ع) قرار گرفت، از لقب امّ المؤمنین خارج شده؟ یا خیر.

◇ **جواب:** اگرچه از آن عنوان خارج نشده است، ولی آن احترام و عظمتی را که زوجات پیامبر اکرم (ص) دارند عایشه از آن برخوردار نیست. کسانی که به دستورات آن حضرت (امام زمان خود) عمل نکردند از آن احترام برخوردار نمی‌باشند بلکه جنگ با علی (ع)، جنگ با پیغمبر اکرم (ص) است.

◇ **سوال:** [۹۵۰] آیا مسلمان ساختن یک کافر از نگاه اسلام ثوابی در پی دارد؟ یا خیر.

◇ **جواب:** بله، مسلمان کردن یک غیر مسلمان مانند زنده کردن تمام انسانها است و ثواب بسیار دارد.

◇ **سوال:** [۹۵۱] اگر کسی از نزدیکان انسان (مانند برادر، باجناب یا پسر برادر) سر و کارش با ماهواره باشد، روزه و نمازش را انجام

ندهد، اعتقاد به قیامت و روز جزا نیز نداشته باشد، آیا معاشرت با چنین شخصی جایز است؟ یا خیر؛ با توجه به این که اگر قطع رابطه کنیم ممکن است، اختلاف قومی و خانوادگی ایجاد شود.

◇ **جواب:** اگر عالماً و عامداً انکار ضروریات دین (مانند روزه، نماز، قیامت و ...) کند، آن شخص مرتد است و معاشرت کردن با آن جایز نیست و از نظر نجاست در حکم کافر است و احکام مرتد بر آن مترتب است.

احکام عزاداری

◆ **سوال:** [۹۵۲] آیا عزاداری (سینه زدن، گریه کردن، لطم کردن، زنجیر زدن، قمه زدن، شبیه در آوردن و هر چیزی که مصداق عزاداری دارد) برای امام حسین (ع) جایز است؟ یا خیر.

◆ **جواب:** به نظر اینجانب عزاداری‌های معمولی از قبیل روضه خوانی و سینه زنی و زنجیر زنی‌ها که زنجیرها بدون تیغ باشد اشکال ندارد؛ بشرطی که ضررهای معتابه به سینه زنان وارد نکند؛ اما شبیه در آوردن به شرط که باعث وهن مذهب و هتک حرمت شهداء کربلا نباشد، بلامانع است.

ولی قمه زنی و لطماتی که باعث زخم و جرح می‌شوند اگر اضرار بر نفس هم نباشد، چون موجب سوء استفاده دشمنان و باعث وهن مذهب حقه‌ی جعفری محسوب می‌شود، مخصوصاً در کشورهای غیر اسلامی که دنبال نقاط ضعف و بهانه جویی علیه مذهب است و همه چیز را با عقل خود می‌سنجند جائز نیست.

◆ **سوال:** [۹۵۳] لطفاً بفرمایید حکم قمه زنی، لطمه زنی، برهنه شدن و سینه زدن و هروله کردن در عزاداری ائمه معصومین(ع) بویژه سرور و سالار شهیدان حسین بن علی(ع) چیست؟

◆ **جواب:** احتیاطاً از قمه زنی اجتناب شود موارد دیگر موانع عارضی نداشته باشند، اشکال ندارد.

◆ **سوال:** [۹۵۴] آیا برهنه سینه زدن در عزای سیدالشهدا(ع) حرام و موجب وهن مذهب است؟

◆ **جواب:** حرام نیست، ولی بهتر است برهنه در مقابل زنان نامحرم سینه نزنند.

◆ **سوال:** [۹۵۵] آیا کسی که مشروب می خورد اشکال دارد به مجالس عزای امام حسین(ع) بیاید و عزاداری کند؟

◆ **جواب:** شرکت در عزای امام حسین(ع) اشکال ندارد، بلکه سزاوار است که در عزای امام حسین(ع) شرکت کند، تا شاید توبه کند و اصلاح شود و با هدف امام(ع) از نهضت کربلا که امر به معروف و نهی از منکر است آشنایی پیدا کند.

◆ **سوال:** [۹۵۶] ما حکم ضرب الرؤوس بالسیوف حتی تسيل الدماء حزناً وجزعاً علی الإمام الحسین علیه السلام، مع أمن من الضرر؟

◇ **جواب:** الأحتیاط الوجوبی الإجتناب عنه.

◇ **سوال:** [۹۵۷] با توجه به اینکه عزاداری خامس آل عبا (ع) از مهمترین شعائر دینی، که رمز بقاء تشیع است و باید هر چه باشکوه تر برگزار گردد، آیا آسیب رساندن به بدن یا اعمالی که موجب وهن مذهب می گردد (مانند قمه زنی و...)؛ جواز شرعی پیدا می کند؟

◇ **جواب:** در شرایط فعلی قمه زدن و کارهایی که بهانه به دست دشمن می دهد نباید صورت گیرد.

◇ **سوال:** [۹۵۸] هل التطییر و الضرب الزناجیر و التی تدمی الشخص مباح فی رأی سماحتکم؟ آی هل يقع إشکال شرعی علی ذلک؟

هل التطییر والضرب الزناجیر یعتبر من الشعائر الحسینیة؟ خصوصاً مجتمعاً یمارسها من سنین

◇ **جواب:** لا اشکال فی نفس هذه الأمور، إن لم یکن فیها وهناً للمذهب وموجباً للإستهزاء وسوء التبلیغ من قبل الأعداء و الأجانب.

◇ **سوال:** [۹۵۹] نظر حضرتعالی درباره قمه زنی چیست؟ اگر حرام است پس چرا بعضی از علمای بزرگ و همچنین بیشتر عرفا این کار را (قمه زنی) جایز و بلکه مستحب می دانستند؟

◇ **جواب:** دلیلی بر جواز قمه زنی وجود ندارد. مخصوصاً در شرایط امروزی که موجب وهن مذهب است.

◇ **سوال:** [۹۶۰] آیا پا برهنه شدن در روز عاشورا اشکال دارد؟ آیا گل مالیدن بر سر در روز عاشورا جایز است؟ یا خیر.

◇ **جواب:** پا برهنه شدن در روز عاشورا و ایام شهادت معصومین (ع) برای نشان دادن حزن و اندوه اشکال ندارد و همچنین مالیدن گل بر پیشانی به نشانه عزاداری است تا حدی که توهین به عزاداری و وهن مذهب تلقی نشود، بلامانع است.

◇ **سوال:** [۹۶۱] در ایران در ایام عزاداری امام حسین (ع)، به همراه دسته‌های سینه زنی و زنجیر زنی، از طبل و آلات استفاده می‌شود، این چه حکمی دارد؟ امروزه نیز در افغانستان، جوانانی که در ایران ساکن بوده و بعد از مدتی به وطن بازگشته‌اند، از همین ابزار و آلات مخصوصاً طبل، در ایام عزاداری استفاده می‌کنند که تا حدودی برای منظم کردن دسته‌های سینه زنی مؤثر بوده و جوانان بسیاری را مجذوب این مجالس عزاداری می‌کنند، اینجانب طلبه هستم که در ایام محرم تقریباً همه ساله برای تبلیغ به افغانستان می‌روم، امسال بنده با یکی از طلاب در کنار هم در دو منطقه منبر داشتیم و منبر بنده در دسته سینه زنی از طبل استفاده کردند که موجب اعتراض آن طلبه همجوار شد (ایشان

می‌گفتند استفاده از طبل جایز نیست بلکه موجب وهن مجلس عزاداری شده و حرام می‌باشد)، هرچند بنده فتوای شما را در این مورد نداشتم و فتوای تعدادی دیگر از مراجع بر جواز صراحت داشت، حال تکلیف برای مقلدین شما چگونه است؟

◇ **جواب:** در فرض سؤال، استفاده از آلاتی که فعلاً در عزاداری‌ها مرسوم است اشکالی ندارد، چه در اینجا (ایران) و چه در افغانستان، چون از قدیم سیره بر این گونه عزاداری‌ها جاری بوده است، منتهی چون جمعیت تماشاگران زن و مرد در این دسته‌ها جمع می‌شوند زن‌ها را از بدحجابی و نشان دادن سر و صورت به مردان نامحرم منع و نهی از منکر نمایند تا این امر موجبات آلوده شدن افرادی به گناه و معصیت نگردد.

◇ **سوال:** [۹۶۲] من شنیده‌ام که در روز عاشورا کار حرام است یعنی درآمد آن روز باید مصرف خود کارگر نشود و اگر کار کرد هم آن را باید نذر کند من در دفتری کار می‌کنم که روز عاشورا سر کار نمی‌روم اما چون معاشم را ماهانه می‌دهند در آخر ماه معاش روز عاشورا را هم می‌گیرم باید حتماً آن را نذر کنم؟ یا خیر.

◇ **جواب:** کار کردن در روز عاشورا حرام نیست، ولی کراهت دارد؛ اما اگر کار کرد لازم نیست که حتماً آن را نذر کند.

◆ **سوال:** [۹۶۳] آن گونه که نیک می‌دانید، در مناطق شیعه نشین افغانستان، عده‌ای کثیری از روحانیون در دهه اول محرم الحرام، فقط در بدل دریافت مبلغ هنگفتی از پول، حاضر به سخنرانی، موعظه و روضه خوانی در حسینیه‌ها و تکایا می‌شوند و در غیر آن شاید دروازه‌های منبرها، حسینیه و تکایا بسته باقی بماند و عزاداری و سوگواری امام حسین (ع) انجام نپذیرد، بناءً تقاضامندم تا حکم شرعی این عمل را بیان فرموده ممنون سازید.

◆ **جواب:** توصیه این جانب به مبلغین محترم و مؤمنین این است که هم روحانیون برای تبلیغ شان قبلا اجرت تعیین نکنند و هم مؤمنین برای مبلغین حق الزحمة در نظر بگیرند.

سحر، جادو و هیپنوتیزم

- ◆ **سوال:** [۹۶۴] طالع بینی چه حکمی دارد؟ آیا طالع بینی حکم معامله را دارد و می‌توان برای آن پول پرداخت کرد؟
- ◆ **جواب:** طالع بینی مشروعیت ندارد، پول دادن و پول گرفتن در مقابلش جائز نیست؛ چون ترویج خرافات و کلاهبرداری است.
- ◆ **سوال:** [۹۶۵] آیا سحر و جادو حقیقت دارد؟ آیا همه آنچه از اوهام و خیالات را که مردم سحر و جادو می‌نامند درست است؟
- ◆ **جواب:** سحر و جادو حقیقت دارد و مؤثر است اما شرعاً آموختن و به کار بردن آن حرام است؛ مگر اینکه برای ابطال سحر از خود و دیگران باشد، که در این صورت یاد گرفتن آن به قدر ضرورت اشکال ندارد.
- ◆ **سوال:** [۹۶۶] استفاده از هیپنوتیزم برای مقاصد طبی و مانند آن، یا برای کشف امور پنهانی، مانند خبر از گذشته و آینده و حال چه حکمی دارد؟

◇ **جواب:** این امور اعتبار شرعی ندارد.

◇ **سوال:** [۹۶۷] نظر حضرت عالی در مورد کاربرد «هیپنوتیزم» در علوم پزشکی و درمان بیماری‌های قابل علاج به این روش چیست؟

◇ **جواب:** اگر پزشکان متخصص تجویز کنند و ضرر روحی و جسمی نداشته باشد، جایز است.

◇ **سوال:** [۹۶۸] آیا سحر و جادو وجود دارد و آن کسانی که سحر و جادو می‌کنند، می‌شود به آن اعتقاد کرد، چون این مساله برایم مهم است، من که خودم اعتقاد ندارم، ولی خانمم معتقد است که هر چی مشکلات تو زندگی ما است، به خاطر این است که ما جادو شدیم، که این برای من قابل باور نیست؟

◇ **جواب:** بله سحر حقیقت دارد و دارای اثر است و شرعاً فعل حرام است؛ مگر اینکه برای ابطال سحر، کسی سحر یاد بگیرد، که فقط در این صورت تعلم سحر اشکال ندارد.

مسائل اخلاقی

◆ **سوال:** [۹۶۹] آیا می‌توان در ساعت اداری که وقت خالی و بیهوده و اضافی داریم مطالعه کنیم؟

◆ **جواب:** اگر آن وقت خالی جزء ساعت کاری شما است در صورتیکه مزاحم امور کاری نباشد می‌توانید کارهای مباح دیگری انجام بدهید.

◆ **سوال:** [۹۷۰] اگر مسئولین ادارات که به علل هوا پرستی و تمایلات نفسانی، بر برخی کارمندان زیر دست حساسیت پیدا کرده و در مورد آنان کارشکنی می‌کنند که یا ناچار به استعفا شده و یا پس از عدم پذیرفتن استعفا از طریق غیبت کردن اخراج می‌شوند و از این بابت متحمل خسارات مالی زیادی شوند، آیا ضمان این گونه خسارت به عهده مسئولین ذی ربط است یا نه؟

◆ **جواب:** اگر مسئولین ادارات موجب خسارت مالی شوند ضامن هستند.

◆ **سوال:** [۹۷۱] شنیدن و یا دیدن مطالبی که پشت سر دیگران چه با طنز و چه جدی در روزنامه‌ها و تلویزیون مطرح می‌شوند برای بیننده یا شنونده چه حکمی دارد؟

◇ **جواب:** گوش دادن به غیبت دیگران جایز نیست، اما خواندن مطالب طنز در روزنامه‌ها اشکال ندارد هر چند بهتر است از این کار احتراز و دوری شود.

◇ **سوال:** [۹۷۲] آیا در بین ملت‌ها و مردمان که قبل از اسلام زندگی می‌کردند ولی مطابق اسناد تاریخی کدام پیامبری الهی در بین شان نیامده است که دینی را از سوی خداوند برای آنها بیاورند، ولی خود آنها دینی را برای خودشان اختراع کرده‌اند مانند زردشتی، بودایی و... اعمال آنها در دستگاه خداوند چگونه است و چرا پیامبری الهی فرستاده نشده است اگر فرستاده شده، چرا در تاریخ نیامده است؟

◇ **جواب:**

الف) در فرض سوال اگر واقعاً دین کسی اختراعی و ساختگی باشد و خودش هم بداند که دین او ساختگی و اختراعی است معلوم است که اعمال آنها باطل است.

ب) قبل از بعثت پیامبر اکرم (ص) نبوت حضرت عیسی (ع) بوده است که باید مردم از آن حضرت پیروی می‌کردند. این که چرا در فلان تاریخ پیغمبری فرستاده نشده بر می‌گردد به مصلحت و مشیت خداوند متعال البته هیچ گاه زمین خالی از حجت الهی نبوده است.

◆ **سوال:** [۹۷۳] آیا می‌توانم به جهت اینکه گناه نکنم وارد جامعه نشده و ازدواجی نکنم و شغلی نیز اختیار نکنم؟!

◆ **جواب:** این کار، کار درستی نیست؛ باید کار و کوشش کنی و برای خود تشکیل خانواده بدهی و با رعایت دستورات الهی می‌توانید تقوا و پرهیزگاری پیشه کنید نه با گوشه‌گیری از اجتماع.

◆ **سوال:** [۹۷۴] آیا خوابیدن کنار خواهر زاده و برادرزاده بخاطر محبت جایز است؟ یا خیر.

◆ **جواب:** اگر در معرض فساد نباشد اشکال ندارد.

◆ **سوال:** [۹۷۵] من همیشه با فامیلم اخلاق خوب ندارم، چطور می‌توانم اخلاق خودم را خوب کنم؟

◆ **جواب:** رفتار خوب با خانواده و دیگران در اختیار خود انسان است می‌توانید رفتار خود را عوض کنید و رفتار حسنه داشته باشد، که هم قرآن و هم روایات اهل بیت (ع) به آن سفارش کرده و سعادت دنیا و آخرت در اخلاق حسنه است؛ هرگاه احساس غضب و سوء خلق کردید، به پاداش و اجر حسن خلق و خوشرویی با بندگان خدا را به خود تلقین کنید، انشاء الله بر نفس غالب خواهید شد.

◆ **سوال:** [۹۷۶] آیا کوتاه کردن ریش در حد تراشیدن جایز است؟

◆ **جواب:** تراشیدن ریش جایز نیست همچنین کوتاه کردن در حدی که به آن تراش صدق کند، حرام است.

◆ **سوال:** [۹۷۷] سلام و قول دادن به کفار چه حکمی دارد؟

◆ **جواب:** سلام به کفار جواز ندارد، ولی دست دادن مرد به مردان و زن به زنان آنها اشکال ندارد.

◆ **سوال:** [۹۷۸] لطفاً در مورد دروغ گفتن و غیبت. حد و حدودش را بطور جامع بیان بفرماید. گپ زدن در غیاب چه کسی مجاز و چه کسی حرام است و به طور کلی دروغ در چه حد مجاز می‌باشد.

◆ **جواب:** غیبت شخص مسلمان جائز نیست، مگر اینکه علناً گناهی انجام بدهد که فقط در مورد همان معصیت، غیبت او اشکال ندارد، البته آن هم به امید اینکه شاید از گناه خودش دست بردارد.

دروغ برای تقیه و اصلاح بین دو مؤمن و بعض موارد دیگر مثل تظلم مظلوم و ... که در باب غیبت وارد شده اشکال ندارد، در بقیه جاها جایز نیست، حتی اگر به شوخی و مزاح باشد.

◆ **سوال:** [۹۷۹] با توجه به فرهنگ مبتذل و غیر اسلامی حاکم و موجود در برخی کشورها مثل کانادا و استرالیا و آمریکا، اگر بنده یکی از نزدیکانم را که دارای فرزندان خردسال و نوجوان است با

وجود اینکه نگرانی و بیم تضعیف و یا از دست رفتن عقیده‌شان می‌رود، آیا می‌توانم برای اقامت دائمی دعوت شان کنم؟ اگر بنده آنها را دعوت کنم و آنان هم بپذیرند، آیا بنده به عنوان دعوت کننده و آنها به عنوان پذیرنده (با اطلاع از شرایط و اوضاع گفته شده) مرتکب حرام شده‌ایم؟

◇ **جواب:** در فرض سؤال در صورتی که این نگرانی برای شما وجود داشته باشد، دعوت آنها جایز نیست، در صورت ارتکاب هر دو طرف معصیت کارند.

◇ **سوال:** [۹۸۰] واقعاً «دروغ» چیست؟ دروغ گفتن جهت تهیه خبری که به سود جامعه باشد چه حکمی دارد؟ آیا مصداق دروغ حرام است؟ یا خیر.

◇ **جواب:** «دروغ» هر سخن خلاف حقیقت است، یعنی به هر سخنی که خلاف حقیقت باشد و هر مطلبی که با واقعیت مطابقت نداشته باشد دروغ اطلاق می‌شود. «دروغ» در شریعت اسلام، زشت‌ترین و قبیح‌ترین گناه و پلیدترین عیب به شمار آمده است، در فرض سؤال دروغ گفتن جایز نیست، مواردی که در شرع دروغ گفتن جایز شمرده شده است عبارتند از:

۱- هرگاه ضرر مالی یا جانی یا آبرویی، متوجه خودش یا مسلمانی دیگری بشود و با دروغ گفتن دفع گردد.

۲- دروغ جهت «اصلاح»، یعنی هرگاه بین دو نفر مسلمان مخاصمه و نزاع باشد، که راهی برای اصلاح بین آنها جز دروغ نباشد.

۳- برخی از روایات دروغ گفتن در جنگ را، اگر غلبه بر دشمن شود، جایز شمرده‌اند.

◆ سوال: [۹۸۱] آیا دروغ گفتن، فریب کاری با کفار اشکال دارد؟

◆ جواب: دروغ گفتن و فریبکاری جایز نیست.

◆ سوال: [۹۸۲] آیا تنبیه بدنی و زدن دانش آموزان جایز است؟

اگر این کار برای تربیت آنها و به اذن ولی او در حد که موجب جراحات و کبودی هم نشود چه حکمی دارد؟

◆ جواب: در صورت اجازه ولی دانش آموزان تنبیه بدنی جایز

است، بشرط که موجب جراحات و کبودی نشود و الا حرام است و موجب دیه می‌شود.

◆ سوال: [۹۸۳] فردی که بصورت مستمر و متعدد مرتکب گناه کبیره‌ای

می‌شده اگر از سر صدق توبه کند عقوبت الهی شامل او می‌گردد؟ یا خیر؛ چگونه عمل کند تا آثار آن گناه از زندگی او محو گردد؟

◆ جواب: آنچه از آیات شریفه و روایات وارده استفاده می‌شود

همه گناهان قابل توبه است به شرط که تمام شرایط توبه را رعایت کند؛ چنانچه از عمل گذشته پشیمان باشد و تصمیم بگیرد که آن عمل را دیگر تکرار نکند و از خداوند طلب مغفرت و

آمزش کند خداوند توبه پذیر است، انشاءالله مورد عفو و بخشش الهی قرار خواهد گرفت.

درمان وسواس

- ◆ **سوال:** [۹۸۴] بهترین راه برای درمان وسواس را چه می‌دانید؟ و توصیه حضرتعالی به افرادی که گرفتار مرض وسواس هستند چیست؟
- ◆ **جواب:** گفتار و سیره اهل بیت(ع) و توکل بر خداوند و بی‌اعتنایی به احتمالات و توهمات، راه خلاصی از وسواس است.

راه‌های کنترل غریزه جنسی

- ◆ **سوال:** [۹۸۵] بنده جوانی هستم بیست ساله دارای شهوتی بسیار بالا، که در محیط بسیار آلوده‌ای زندگی می‌کنم، که امکان ازدواج یا تغییر محیط زندگی برایم امکان پذیر نیست، خیلی می‌ترسم ایمانم را از دست بدهم واقعاً اذیت می‌شوم دکتر هم رفتم اما فایده‌ای نداشت لطفاً راهنمایی فرمایید.
- ◆ **جواب:** اگر برای شما امکان دارد ازدواج کنید و الاً تغییر محیط دهید، اگر هر دو تا امکان ندارد، با غریزه جنسی و نفس اماره مبارزه کنید و از خداوند استمداد بجویید روزه گرفتن و ورزش به شما کمک می‌کند تا بهتر بتوانید غریزه جنسی را کنترل کنید و مرتکب حرام نشوید.

گناه کبیره‌ی استمناء

◆ **سوال:** [۹۸۶] در مورد استمناء نظر شما چیست؟ هم در مورد پسرها و هم دخترها، بعضی‌ها می‌گویند برای رهایی از فشار شهوت می‌توانید ماه یک بار این کار را کرد، آیا درست است؟

◆ **جواب:** استمناء حرام و از گناهان کبیره است که برای هیچ کس و در هیچ حالی ارتکاب آن جائز نیست.

◆ **سوال:** [۹۸۷] آیا استمناء حکم زنا و قتل نفس را دارد؟

اگر حکم زنا و قتل نفس را دارد علاوه بر توبه به درگاهی خداوند رحمان آیا خود را بدست علمای بسپارد تا که شلاق بزند، چنانچه شلاق بزند می‌باید در بدل هر استمناء یا زنا صد بار شلاق بزند یا که یکبار کافی است؟

◆ **جواب:** استمناء یکی از گناهان کبیره و مستحق آتش جهنم است، مگر اینکه توبه کند، اما حکم قتل نفس و حکم زنا را ندارد، ولی نباید این معصیت را افشا کند باید بین خود و خدای خود توبه کند.

موسیقی و احکام آن

◆ **سوال:** [۹۸۸] خواندن شعر و موسیقی با سبک رپ که غربی است و در جامعه رواج پیدا کرده، با مضمون‌های اخلاقی مانند: شهدا، امام حسین(ع) و ... چه حکمی دارد؟ آیا می‌توان به آنها گوش داد؟

◆ **جواب:** اگر غنا صدق کند گوش دادن و خواندن هر دو حرام است.

◆ **سوال:** [۹۸۹] گوش دادن به موسیقی در ماه مبارک رمضان چه حکمی دارد؟ آیا روزه را باطل می‌کند؟

◆ **جواب:** گوش دادن به موسیقی مطرب که متناسب با مجالس لهُو و لعب است حرام است چه در ماه رمضان باشد و یا در غیر آن و اگر متناسب با مجالس لهُو و لعب نباشد اشکال ندارد.

◆ **سوال:** [۹۹۰] نواختن سه تار چه حکمی دارد؟

◆ **جواب:** نواختن سه تار و نظایر آن چون آلات لهُو و لعب است حرامند.

◆ **سوال:** [۹۹۱] ملاک قابل درک در حرام بودن موسیقی چیست؟
اینکه می‌فرمایند مطرب باشد یا نباشد را چه کسی تعیین می‌کند؟
زیرا حال افراد در زمینه بسیار متفاوت است.

◆ **جواب:** هر موسیقی که مناسب مجالس لهو و لعب باشد حرام است و تشخیص آن به دست عرف است.

◆ **سوال:** [۹۹۲] به تازگی در کشور ورزشی به عنوان ایروبیک به خصوص در بین بانوان رایج شده است که همراه با پخش موسیقی به شکل مطرب و انجام حرکات موزون و رقص گونه است نظر مراجع عظام در مورد برگزار کنندگان و شرکت کنندگان در آن چیست؟

◆ **جواب:** استماع موسیقی مطرب که متناسب با مجالس لهو و لعب است جواز ندارد و همچنین رقص زنان برای زنان نیز اشکال دارد.

مسائل حقوقی

◆ **سوال:** [۹۹۳] اگر بر روی دیوار دانشگاهی یا در کتاب امانت کتابخانه، خطی کشیده شود؛ جبران خسارت چیست؟ در حالی که سهواً این اتفاق رخ داده است، آیا نیازی به جبران دارد؟

◆ **جواب:** اگر با خط کشیدن روی دیوار یا کتاب یا ماشین کسی عرفاً وارد آمدن خسارت حساب شود — به قسمی که تنزل قیمت پیش بیاید — باید رضایت صاحب آن را جلب کند.

◆ **سوال:** [۹۹۴] در مواردی که مثلاً تعدادی از دانش آموزان یا دانشجویان علیه دیگری متحد شده و وی را به باد مسخره و استهزاء می‌گیرند تا این که او از رفتن به کلاس دلسرد شده و موجبات ترک تحصیل وی فراهم می‌شود، در این میان خساراتی به او و به جامعه وارد می‌شود، آیا ضمانتی به عهده آنان خواهد بود یا نه؟

◆ **جواب:** اگرچه مسخره و استهزاء مسلمان جواز ندارد، ولی موجب ضمان نمی‌شود.

حق تألیف و تکثیر

◆ **سوال:** [۹۹۵] پخش و تکثیر سخنرانی‌ها و مداحی‌هایی که در لوح‌های فشرده، از بازار خریداری می‌شود و در سی‌دی آن حرام بودن تکثیر آن ذکر می‌شود، برای خریدار (نه به صورت شغل، بلکه برای دوستان) چه حکمی دارد؟

◆ **جواب:** اگر شرط عدم تکثیر در موقع خرید سی‌دی نشده باشد تکثیر اشکال ندارد و اگر در خود سی‌دی نوشته که تکثیر و پخش حرام است و مشتری با این شرط خریده باشد نمی‌تواند تکثیر کند.

◆ **سوال:** [۹۹۶] آیا کپی و تکثیر نمودن کتاب‌هایی که در جلد آن‌ها نوشته‌اند «کلیه حقوق چاپ و نشر محفوظ و متعلق به ناشر می‌باشد» اشکال شرعی دارد؟ و اگر شرایط به گونه‌ای باشد که:

یک: این کتاب با قیمت بالایی به فروش برسد، در حالی که کپی گرفتن از صفحات آن سبب کاهش قیمت آن شود؟

دو: کتاب مورد نظر در بازار کتاب موجود نباشد و تنها یک نسخه آن در دسترس باشد و تکثیر آن بین دانشجویان نیاز مبرم باشد؟

سه: تنها نیاز به کپی گرفتن از یک بخش خاص از کتاب باشد حکم شرعی آن چه خواهد بود؟ (مثلاً بیست صفحه از یک کتاب صد صفحه‌ای)

◇ **جواب:** اگر در موقع فروش، فروشنده با مشتری شرط نکرده باشد، که حق کپی و تکثیر و چاپ نداری، در این صورت کپی و تکثیر و چاپ آن اشکال ندارد. همچنین اگر نیاز به حد اضطرار برسد و راه دیگری از قبیل تغییر مواد درسی و مانند آن وجود نداشته باشد تکثیر از آن به مقدار رفع ضرورت اشکال ندارد.

◇ **سوال:** [۹۹۷] آیا کپی از سی‌دی‌هایی که تهیه کننده و کارگردان آنها کپی برداری از آن را منع کرده‌اند. و به صراحت گفتند که راضی نیستند از فیلم‌های آنان کپی شوند، جائز است؟

◇ **جواب:** اگر با همان شرط خریده باشد، آن شرط واجب الوفاء است. و کپی جایز نیست.

◇ **سوال:** [۹۹۸] من دانشجوی رشته کامپیوتر هستم، کار و درآمد رشته کامپیوتر وابسته به نرم افزارهای مختلف است.

با توجه به عدم رعایت قانون کپی رایت در کشور و استفاده غیر قانونی از نرم افزارها تکلیف کسب درآمد با این گونه نرم افزارها چیست؟

◇ **جواب:** اگر می‌دانید که کپی و استفاده از نرم افزارها، شرعاً جواز ندارد مثل موارد که صاحب اثر شرط کرده که تکثیر نشود و مانند آن، کار کردن و کسب درآمد از آن طریق جایز نیست.

ولیکن اگر خلاف شرع بودن آن را نمی‌دانید مثلاً اگر فروشنده

سی‌دی و کتاب با مشتری شرط نکرده باشد که تو حق کپی تکثیر نداری، در این صورت کپی و بهره برداری از آن اشکال ندارد.

◆ **سوال:** [۹۹۹] من چندی پیش یک برنامه نرم افزاری برای شرکتی نوشتم و پول آن را نیز دریافت کرده‌ام حال شرکت دیگری خواهان همان نرم افزار است فروش آن به شرکت دوم چه حکمی دارد؟

◆ **جواب:** اگر با شما قرار نکرده باشد که به جای دیگر بفروشید، می‌توانید با ایجاد تغییر و انجام فعالیتی روی آن با رعایت انصاف بفروشید ولی اگر از شما تعهد مبنی بر عدم انتفاع از آن، گرفته باشد حق فروش ندارید.

◆ **سوال:** [۱۰۰۰] استفاده از مطالب سایت یا وبلاگ دیگران در سایت یا وبلاگ‌های شخصی با ذکر منبع آن چه حکمی دارد

◆ **جواب:** اگر اضرار به صاحب سایت و اثر نباشد اشکال ندارد.

◆ **سوال:** [۱۰۰۱]

الف) سرقت اطلاعات سرّی کدگذاری شده و رمزدار از شبکه‌های کامپیوتری یا کامپیوترهای شخصی و کشف رمز آن‌ها چه حکمی دارد؟

ب) سرقت و فروش غیر مجاز شماره‌های موبایل توسط آشنایان و متخصصین الکترونیکی مرکز آن چه حکمی دارد؟

ج) آیا با وجود سایر شرائط، امکان اجرای حد سرقت وجود دارد؟

◇ جواب:

الف) اگر موجب خسارت مالی یا حیثیتی برای کسی شود این موارد و مانند آن جواز ندارد.

ب) جایز نیست.

ج) اجرای حکم سرقت، مشکل است؛ ولی سارق ضامن خسارت وارده است و توسط قاضی تعزیر می‌شود.

◇ سوال: [۱۰۰۲] اگر کتاب یا نوشته جات کسی را غصب کنند و مدتی نزد خود نگه دارند تا ارزش خود را از دست بدهد و یا مطالبی را از نوشته جات او منتشر کنند، که موجب خسارت مالی به مؤلف شود، آیا ضامن هر گونه خسارت به عهده غاصب است؟ یا خیر.

◇ جواب: اگر موجب خسارت مالی شود ضامن است.

جبران خطای قاضی و مأموران

◇ سوال: [۱۰۰۳] اگر قاضی به مجرد این که نگهداری اشیاء عتیقه خلاف قانون است، بدون توجه به این که دارنده آن چیز، از راه مشروع؛ مثل ارث و خرید مالک شده یا از راه غیر مشروع، قصد خارج کردن از کشور را داشته یا نه، بدون آن که دستور پرداخت بهای آن را به مالک بدهد، حکم به مصادره آن دهد، آیا قاضی ضامن است یا نه؟

◇ **جواب:** در فرض سوال قاضی ضامن است و اگر قاضی جامع الشرائط در صدور حکم اشتباه کرده باشد از بیت المال جبران می‌شود.

◇ **سوال:** [۱۰۰۴] اگر بر اثر آزمایش‌هایی که ارتش در مورد کاربرد جنگ افزارهای خود در اراضی موات و غیره انجام می‌دهد خسارت‌هایی از قبیل ریزش و مسدود شدن قنوات و یا ایجاد ارتعاشاتی که موجب زلزله و تخریب منازل و تلف شدن اموال و نفوس می‌شود پیش آید، ضمان آن به عهده کیست؟

◇ **جواب:** در صورتی که بر طبق مقررات ارتش عملیات انجام شود خسارت از بیت المال پرداخت می‌شود.

◇ **سوال:** [۱۰۰۵] افرادی که در کشورهای بیگانه بدون در نظر گرفتن ضوابط و مقررات آن کشور، اقدام به برگزاری میتینگ (نشست و جلسه) نمایند و مورد تهاجم پلیس آن کشور واقع شوند، ضمان خسارت‌های وارده به عهده کیست؟

◇ **جواب:** خسارت وارده به عهده خودشان می‌باشد مگر اینکه پلیس زیاده روی کند و مقصر باشد.

◇ **سوال:** [۱۰۰۶] پزشکی قانونی که برای تشخیص بیماری‌های ناشی از تجاوزات مانند ضرب و جرح و تصادفات و نوع بیماری و درصد صدمات وارده، برای دادگاه‌ها تأسیس شده، اگر در

تشخیص خود کوتاهی و یا اشتباه کند و از این بابت ضرر مالی متوجه مصدوم شود، ضمان آن به عهده کیست؟

◇ **جواب:** در صورت کوتاهی در انجام وظیفه خسارت مالی را ضامن هستند.

◇ **سوال:** [۱۰۰۷] در کلیه مواردی که بر اثر خطا، سهل انگاری، بی توجهی و یا عمد مأمورین پست، ضرر و زیان قابل توجهی به گیرنده یا فرستنده وارد شود و شخص خطاکار شناخته نشود، آیا اداره پست که یک شخصیت حقوقی است ضامن است یا دولت؟

◇ **جواب:** در فرض سوال اداره پست ضامن هستند.

جبران خسارت در مال مشترک

◇ **سوال:** [۱۰۰۸] اگر توسط یکی از شرکاء به شرکتی که بیمه شده خسارتی وارد شود و مبلغی که اداره بیمه در جهت جبران خسارت پرداخت می کند همه خسارت را جبران نکند، آیا ضمان بقیه خسارت به عهده شریک مقصر است یا نه؟

◇ **جواب:** اگر آن شریک عمداً خسارت وارد کند خسارت بر عهده او می باشد، نه بر عهده بیمه؛ بلکه جبران تمام خسارت به عهده شخص مقصر است.

جبران خسارات غیر عمدی

◆ **سوال:** [۱۰۰۹] کسانی که اجناس مغازه خود را برای جلب توجه مشتریان بیرون مغازه گذاشته و سدّ معبر می‌کنند، اگر عابر هنگام عبور، ناخودآگاه به آنها برخورد کند و بر اثر ریختن یا شکستن، خسارتی بر صاحب مغازه وارد شود، آیا عابر ضامن است؟

◆ **جواب:** اگر عابر مقصر نباشد و در فرض سوال عمد در کار نباشد، ضامن نیست.

◆ **سوال:** [۱۰۱۰] اغذیه فروشان و آبمیوه و بستنی و فالوده فروشانی که اجناس آماده مصرف در اختیار مشتریان خود قرار می‌دهند، اگر جنس آنان مسموم شده و مشتری را مسموم نماید به نحوی که خسارت‌های مالی یا جانی بیار آورد، ضمان آن به عهده فروشنده است یا تهیه کننده؟

◆ **جواب:** هر کدام از فروشنده و تهیه کننده علم به مسموم بودن اغذیه داشته ضامن است و اگر هر دو علم داشته هر دو تا ضامن است و اگر هیچ کدام علم نداشته کسی ضامن نیست و فروشنده باید نسبت به پولی که از مشتری گرفته‌اند رضایت او را جلب کنند اگر چه به طور مصالحه باشد.

◆ **سوال:** [۱۰۱۱] گاو یا شتری که در معابر عمومی برای پیدا کردن علوفه و خوار پرسه می‌زند، به فردی حمله نموده و او را کشته است، اگر اولیای مقتول حیوان را کشته باشند، ضمانی به عهده صاحب حیوان یا اولیای مقتول مستقر شده یا نه؟

◆ **جواب:** اگر صاحب حیوان در نگهداری حیوان کوتاهی کرده باشد دیه مقتول به عهده صاحب حیوان است و قیمت حیوان را اولیاء مقتول ضامن می‌باشند.

◆ **سوال:** [۱۰۱۲] اگر باز شکاری شخصی، کبوتر تعلیم دیده شخص دیگری را شکار کند، آیا صاحب باز ضامن کبوتر است یا نه، اگر ضامن است آیا ضامن بهای نفس کبوتر است یا ضامن بهای کبوتر تعلیم دیده؟

◆ **جواب:** صاحب باز شکاری ضامن کبوتر تعلیم دیده است و اگر عرفاً قیمت کبوتر تعلیم دیده از معمولی بیشتر باشد، بهای کبوتر تعلیم دیده را ضامن است.

◆ **سوال:** [۱۰۱۳] اگر راننده‌ای پس از تصادف مدعی شود صاحب اتومبیل او را از نواقص اتومبیل مطلع نکرده، حال با توجه به این که هر راننده‌ای باید هنگام استفاده از هر اتومبیلی به نواقص اولیه آن که موجب تصادف می‌شود پی ببرد، آیا ادعای او مسموع است یا ضامن خسارات وارده می‌باشد؟

◇ **جواب:** بدون شهادت عدول قول راننده مسموع نیست و او ضامن خسارت وارده است، مگر اینکه صاحب ماشین تصریح کرده باشد به عدم عیب ماشین، که در این صورت صاحب ماشین ضامن است.

◇ **سوال:** [۱۰۱۴] اگر در پارک‌های بازی متعلق به شهرداری یا بخش خصوصی حادثه‌ای چون فرو ریختن سقف، فرو رفتن زمین‌های اطراف، چاه‌های فاضلاب و... رخ دهد و خسارت‌های جانی و مالی متوجه مردم شود، ضمان خسارت آن به عهده کیست؟

◇ **جواب:** در صورتی که شهرداری، بخش خصوصی و... مقصر باشند ضامن خسارت هستند و الا کسی ضامن نیست.

◇ **سوال:** [۱۰۱۵] کسانی که در غیر کشور خود بر اثر زلزله می‌میرند و کشور متبوع آنان ادعای فرسودگی یا غیر استاندارد بودن ساختمان مورد اجاره را نموده و از این بابت مدعی دیه متوفی شوند، آیا ضمانی از این بابت به عهده صاحب هتل می‌باشد یا نه؟

◇ **جواب:** بر طبق مقررات کشورها عمل شود و از نظر شرعی اگر در مرگ او صاحب هتل دخالت نداشته دیه به عهده صاحب هتل نیست.

◆ **سوال:** [۱۰۱۶] اگر اداره بیمه هنگام عقد قرارداد حاضر به پرداخت کلیه خسارت طبق نظر کارشناسی شود، ولی نظریه کارشناسی با واقعیت و نرخ بازار تفاوت فاحش داشته باشد، ضمان ما به التفاوت، به عهده کدام یک از اداره بیمه، کارشناس و یا فردی که موجب خسارت شده می باشد؟

◆ **جواب:** اگر کارشناس به وظیفه خود عمل کرده و با رعایت عدالت حکم کرده باشد، ما به التفاوت به عهده وارد کننده خسارت است.

جبران خسارات عمدی

◆ **سوال:** [۱۰۱۷] آیا استفاده از سکه‌های تقلبی در تلفن‌های عمومی و استفاده از کارت‌های بهادار تقلبی که مخصوص دستگاه‌های مخابراتی همگانی تهیه شده، ضمان آور است یا نه؟ اگر ضمان آور است، آیا به طور کلی در حق بیت المال یا در حق شرکت مخابرات؟

◆ **جواب:** اگر دستگاه متعلق به شرکت خصوصی باشد ضامن در حق شرکت است و اگر دولتی باشد برای بیت المال ضامن است.

◆ **سوال:** [۱۰۱۸] اگر با پاشیدن گندم مسموم موجب هلاکت کبوترهای کبوتر پرانی که برای همسایگان ایجاد مزاحمت می کند

و از نصیحت دیگران نیز پند نمی‌گیرد شوند، آیا ضمان بهای کبوترهای او خواهد بود؟

◇ **جواب:** در صورتی که در خارج ملک خود گندم مسموم پاشیده باشد ضامن قیمت کبوترهاست. در غیر این صورت ضمان محل اشکال است.

◇ **سوال:** [۱۰۱۹] در میدانی که دو خروس را به جنگ هم انداخته‌اند فردی از باب دلسوزی خروسی را که در معرض هلاک بوده، گرفته و فراری داده، آیا ضمانی از این بابت متوجه او است؟

◇ **جواب:** بله ضامن قیمت خروس است.

◇ **سوال:** [۱۰۲۰] اگر کسی چند قطعه اسکناس را به نحوی ناقص کند که از استفاده و اعتبار ساقط شود و در عین حال آن را در دسته‌های بزرگ اسکناس قرار دهد و خرج کند و این کار مستلزم ایراد خسارت به دیگران شود، آیا ضمان آن به عهده او است؟

◇ **جواب:** ضمان به عهده کسانی است که اسکناس‌های ناقص را در بین پول‌های رایج قرار می‌دهند.

◇ **سوال:** [۱۰۲۱] کسی که به هر دلیل اقدام به آدم ربایی نموده و کار او باعث شود پدر، مادر، زن یا یکی از فرزندان او به بیماری

جسمی یا روحی که موجب ديه یا ارش است دچار شود، آیا رباینده ضامن ديهی خسارتی است که پیش آمده؟

◇ **جواب:** اگر شرعاً اثبات شود که تنها آدم ربایی موجب خسارت جسمی و روحی شده بعید نیست رباینده ضامن خسارت وارده باشد.

◇ **سوال:** [۱۰۲۲] اگر کسی با هر قصد و انگیزه‌ای دیگری را با تهدید یا حيله بر باید و هیچ خسارت جانی به وی نرساند مگر این که در مدت اسارت، او را از درآمدهای روزانه و کسب حلال جلوگیری کند، آیا ضامن درآمدهای روزانه او است؟

◇ **جواب:** ضامن درآمد روزانه او نیست.

◇ **سوال:** [۱۰۲۳] چون ممکن است وجود یک کبوتر در محدوده فرودگاه فاجعه جبران ناپذیری به بار آورد، از این رو قانوناً کبوتر پرانی در شعاع چهل کیلومتری فرودگاه ممنوع اعلام شده، حال اگر یکی از مأمورین حفاظت فرودگاه با دیدن کبوتری اقدام به نابودی آن کند، آیا نسبت به قیمت آن ضامن خواهد بود؟

◇ **جواب:** در فرض سوال ضامن قیمت کبوتر نمی‌باشد.

مسائل سیاسی و اجتماعی

◆ **سوال:** [۱۰۲۴] بنده درمحل کارم با افراد همکارم که آنها شیعه اسماعیلیه‌اند توجه کردم که اجرای واجبات شرعی‌شان درهم و برهم است حتی نماز خواندنشان اصلاً به نماز خواندن ما و اهل تسنن شباهت ندارد، نشست و برخاست، غذا خوردن با آنها چه حکمی دارد؟

◆ **جواب:** اشکال ندارد، آنها هم در ظاهر محکوم به مسلمان بودن است.

◆ **سوال:** [۱۰۲۵] آیا در افغانستان اطاعت از دستورات دولت واجب است؟ یا خیر.

◆ **جواب:** اگر اطاعت نکردن موجب اختلال نظم عمومی شود باید دستورات و مقررات دولت رعایت شود.

◆ **سوال:** [۱۰۲۶] آیا برای افراد مسلمانی که در کشورهای غیر اسلامی زندگی می‌کنند، رعایت کردن قوانین و مقررات کشورهای غیر اسلامی واجب است؟ اگر رعایت این مقررات موجب تقویت نظام کفر شود چه طور؟

◇ **جواب:** رعایت قوانین و مقررات آن کشورها در حد که موجب بهم خوردن نظام اجتماعی نشود لازم است (موجب هرج و مرج نشود) و اگر رعایت مقررات موجب تقویت نظام کفر شود جواز ندارد.

◇ **سوال:** [۱۰۲۷] آقای الله یاری کیست؟ می‌خواستم بدانم شنیدن حرف‌های ایشان جایز است یا نه چون ایشان خیلی خیلی جدی و بی‌حوصله صحبت می‌کند و خیلی‌ها را ضد همدیگر قرارداد و هر چی از دهن‌شان بیاید می‌گوید؟

◇ **جواب:** گوش دادن به حرف‌های ایشان فی‌نفسه اشکال ندارد، ولی حمایت و کمک مالی به چنین شبکه‌هایی که آتش فتنه را دامن می‌زنند جایز نیست.

اختیارات حاکم اسلامی

◇ **سوال:** [۱۰۲۸] آیا فقیه اختیار و حق تشکیل حکومت در زمان غیبت معصوم (ع) را دارد؟ یا خیر؛ در صورت مثبت بودن پاسخ آیا این کار بر وی واجب است؟

◇ **جواب:** فقیه جامع‌الشرایط و مبسوط‌الید حق تشکیل حکومت اسلامی را دارد، در فرض مذکور اقدام به این امر واجب بوده و بر مردم اطاعت و همکاری لازم است.

◆ **سوال:** [۱۰۲۹] اگر فردی از پرندگان حلال گوشت وحشی که صید

آن‌ها خلاف مقررات بین‌المللی است صید کند، ضمان آور است؟

◆ **جواب:** ضمان در اینجا صحیح نیست. دولت اسلامی طبق

مقررات با خاطی برخورد می‌کند.

◆ **سوال:** [۱۰۳۰] اگر دولت اسلامی استفاده و شکار حیوانات و

پرندگان وحشی از قبیل آهو، بز کوهی، کبک و غیره را پس از

دریافت و پروانه شکار در فصول مخصوصی از سال مجاز کرده

باشد، افرادی بدون توجه به ضوابط با پروانه یا بدون پروانه اقدام

به شکار کنند، ضامن بهای چیزی که شکار کرده‌اند در حق بیت

المال هستند یا نه؟

◆ **جواب:** بر طبق مقررات دولت اسلامی رفتار می‌شود.

◆ **سوال:** [۱۰۳۱] در موارد قتل که نوبت به ولایت حاکم

می‌رسد، آیا ولی امر همانند اولیای دم علاوه بر درخواست

قصاص یا اخذ دیه، حق عفو نیز دارد؟

◆ **جواب:** ولی امر حق عفو ندارد.

◆ **سوال:** [۱۰۳۲] آیا دولت اسلامی می‌تواند به علت مصالحی مهم،

صحّت بعضی عقود یا ایقاعات (مثل ازدواج یا طلاق) را منوط به ثبت در

دفتر رسمی کشور و یا به گذراندن مراحل خاص کند؟

◇ **جواب:** صحت عقود و ایقاعات را نمی‌تواند منوط به ثبت در دفتر کند، ولی زمان وقوع عقود و ایقاعات را در شرایط خاص حاکم شرع می‌تواند به تأخیر اندازد و برای متخلف مجازاتی تعیین کند.

انتخابات و مسائل پیرامون آن

◇ **سوال:** [۱۰۳۳] عده‌ای از کاندیدا در قبال دریافت رأی ویزای بعضی کشورها از جمله ایران را وعده می‌دهند، رأی دادن به اینها چگونه است و اگر صلاحیت نداشته باشند زیارت رفتن با آن ویزا چه حکمی دارد؟

◇ **جواب:** اگر آن افراد صلاحیت کاندید شدن را نداشته باشند، رأی دادن به آن افراد جواز ندارد، چه در قبال رأی دادن چیزی را وعده شود یا نه.

◇ **سوال:** [۱۰۳۴] کسی که خود را لایق وکالت مجلس نمی‌داند ولی به دلیل عنوان و حقوق آن اقدام می‌کند، اگر به مجلس راه یابد آیا ضامن حقوقی است که می‌گیرد یا کار او ضمان آور نیست؟

◇ **جواب:** اگر خود را لایق وکالت نداند و در مجلس هم کاری برای ملت انجام ندهد مستحق حقوق نمی‌باشد.

◇ **سوال:** [۱۰۳۵] کسانی که پوسترهای تبلیغاتی انتخاباتی را به

هر دلیل پاره می‌کنند، خواه قصد اهانت داشته باشند یا نه، آیا ضامنند؟ یا خیر.

◇ **جواب:** بله ضامن هستند.

◇ **سوال:** [۱۰۳۶] افرادی که به عنوان ستاد تبلیغاتی کاندیدای معینی فعالیت می‌کنند، اگر روی پوستر دیگر کاندیدها، پوستر کاندیدای مورد نظر خود را بچسبانند، ضامن هستند یا گناهکار؟

◇ **جواب:** اگر موجب از بین رفتن پوسترها شوند هم ضامن مالی است و هم گناهکارند.

◇ **سوال:** [۱۰۳۷] افراد باسوادی که هنگام اخذ آراء برای اشخاص بی سواد رأی می‌نویسند، اگر از بی سواد بی سواد سوء استفاده کنند و برخلاف میل قلبی رأی دهنده، ورقه را به نام کاندیدای مورد علاقه خود پر کنند، عملشان ضمان آور است یا صرفاً گناهکارند؟

◇ **جواب:** گناهکارند و اگر خسارتی بر فعل او مترتب شود ضامن است.

◇ **سوال:** [۱۰۳۸] اگر نماینده‌ای پس از انتخاب و راه یافتن به مجلس، بدون دلیل شرعی مبادرت به استعفا کند و از این طریق موجب خسارات مالی زیادی برای دولت و ملت شود، آیا ضمان آن به عهده او است؟

◇ **جواب:** اگر استعفا او موجب ضرر مالی شده باشد ضمان آن به عهده نماینده است.

◇ **سوال:** [۱۰۳۹] آیا رأی دادن به زنان زیر شصت سال که نامزد نمایندگی از مردماند چه حکمی دارد؟

◇ **جواب:** اشکال ندارد؛ ولی بر آن خانم حفظ حجاب و شئونات اسلامی واجب است.

◇ **سوال:** [۱۰۴۰] تعداد زیادی از مردم کارت رأی دهی ندارند، از نظر مذهبی اخذ کارت رأی دهی چه حکمی دارد؟ و تغافل و بی مبالاتی در این باره چه حکمی دارد؟

◇ **جواب:** در فرض سؤال، بی تفاوتی مردم در رابطه به رأی دادن به افراد لایق و متدین و وظیفه شناس جائز نیست، باید مردم شرکت کنند و به کاندیدای صالح رأی بدهند و با انتخاب افراد شایسته از حضور افراد نالایق و فرصت طلب جلوگیری نمایند.

◇ **سوال:** [۱۰۴۱] چنان که حضرت عالی مستحضرید، مردم مسلمان و متدین افغانستان در ۲۷ سنبله سال جاری پای صندوق‌های رأی می‌روند، با توجه به اهمیت و جایگاه مجلس قانون‌گذاری، روشن است که مشارکت مردم در انتخابات از اهمیت بالایی برخوردار است، اما با وجود این، تعدادی از کاندیدای محترم در مناطق مختلف (به طوری که احتمال شکست

همه وجود دارد) نگرانی شدیدی را به وجود آورده است. که برخی از کاندیدا به مسائل حزبی و طایفه‌ای دامن زده و تعهداتی را در این راستا از مردم گرفته‌اند. اکنون این دو پرسش مطرح است:

۱ - آیا چنین تعهداتی مشروعیت داشته و عمل به آن‌ها لازم است؟

۲ - تکلیف شرعی مردم نسبت به حضورشان در پای صندوق‌های رأی چیست؟

◇ **جواب:** ج ۱) کسانی که صلاحیت نمایندگی و فعالیت اجتماعی را در مجلس قانون گذاری ندارند نباید کاندید شوند و تعهدات شان اعتبار شرعی ندارد.

ج ۲) حضور مردم برای تعیین سرنوشت شان لازم و ضروری است و باید افراد مؤمن و متعهد و ورزیده و شجاع را انتخاب کنند، که از حقوق ملت دفاع کنند و برای ترقی کشور و ملت تلاش نمایند.

◇ **سوال:** [۱۰۴۲] کسی که کاندید در شورای ملی است برای مردم و علمای منطقه خودش مقداری زمین را می‌دهد تا یک باب مدرسه اعمار نمایند و زمین وقف می‌شود این مورد شرعاً چه حکمی دارد؟

◇ **جواب:** اگر وقف نموده است، اشکال ندارد؛ ولی رأی دادن

مشروط به چنین اعمالی نباید باشد باید براساس ملاکهای شرعی و عرفی به کاندیدای اصلح رأی داده شود.

احکام کفار و اهل کتاب

◆ سوال: [۱۰۴۳]

- ۱- چرا از مشرکان جزیه گرفته نمی‌شود در حالیکه از اهل کتاب جزیه گرفته می‌شود؟
- ۲- دیگر اینکه هر کسی که به کشور مسلمان، به فرد مسلمان یا قبیله مسلمان تجاوز کند، اگر متجاوز مسلمان هم باشد حکم جهاد بر علیه او صادر می‌شود؟

◆ جواب:

ج ۱) کفار کتابی که در ذمه اسلام زندگی می‌کنند از آنها جزیه گرفته می‌شود ولی مشرکین حکم کفار ذمی را ندارد، که مال و جان شان محترم باشد. جزیه که از کفار کتابی گرفته می‌شود، در بدل اعطای احترام به جان و مال آنها است؛ در حالیکه مشرکین چنین احترامی ندارند.

ج ۲) چون دفاع از جان و مال و ناموس واجب است فرق نمی‌کند متجاوز چه کسی باشد، اما توجه داشته باشید که در فرض سوال دفاع است نه جهاد چون جهاد غیر از دفاع است و حق صدور حکم جهاد ابتدایی با کفار را فقط امام معصوم (ع) دارد.

معاشرت با اهل ضلالت

سوال: [۱۰۴۴]

- ۱- اطفال مسلمان که در مراکز علمی - آموزشی - تفریحی - هنری با اطفال بالغ - نابالغ بهائی در ارتباط اند و لاجرم با آنها در فعالیت‌های علمی - آموزشی - تفریحی - هنری مشارکت می‌نمایند چه حکمی دارد؟
- آیا در ارتباط اطفال مسلمان با اطفال بهائی رعایت احکام اسلامی از قبیل طهارت و نجاست الزامی است؟
- ۲- آیا مراودات تجاری و یا معاشرت اجتماعی (مانند مراجعه به طبیب و یا وکیل دادگستری) با آنان جایز است؟ یا خیر.
- ۳- در صورتی که فرد بهائی به بیان اعتقادات خود در مواجهه با شخص مسلمان پردازد، آیا اقدام آنها حرکت علیه نظام اسلامی و یا تبلیغ علیه اسلام محسوب می‌گردد؟
- ۴- در دین اسلام احترام به سادات سفارش شده است، آیا احترام به مسلمان سید یا بهائی که می‌گوید سید است یکسان است؟
- ۵- افرادی از بین بهائیان هستند که به رتق و فتق امور و احوال شخصیه بهائیان می‌پردازند و تقویت آنان را بر عهده دارند، بر اساس گفته‌های برخی مراکز جامعه شناختی این گروه در سر

زمین‌های فلسطین قرار دارد و بهائیان با آنها در ارتباط هستند، آیا این افراد از دیدگاه اسلامی جاسوس و یا محارب تلقی می‌گردند؟ یا خیر.

۶- آیا در خصوص افراد فوق‌الذکر (مسئولین جامعه بهائی) اجرای حکم حد محاربه و یا افساد فی الارض را جایز می‌دانید؟ یا خیر.

◇ جواب:

۱- ارتباط بچه‌های مسلمان با بچه‌های بهائی، اگر روی اعتقادات بچه‌های مسلمان اثر منفی نگذارد اشکالی ندارد؛ ولی در صورت امکان نباید ارتباط پیدا کنند.

۲- اطفال بهائیان محکوم به نجاست هستند، اگر با رطوبت مسریه بدن و لباس بچه‌های مسلمان با آنها ملاقات کند، باعث نجاست لباس و بدن بچه‌های مسلمان می‌شوند.

۳- مراودات تجاری و غیره اگر موجب تقویت و حمایت از آنها نباشد، اشکال ندارد.

۴- مجرد بیان اعتقادات از طرف آنها اقدام علیه نظام اسلامی تلقی نمی‌گردد.

۵- احترام سادات مثل احترام سائرمسلمین در صورت تدین آنها لازم است، چنانچه شخص بهایی بگوید سید هستم، چون مسلمان نیست اصلاً احترامی ندارد.

۶- جاسوس بودن یا نبودن آنها و همچنین محارب یا غیر محارب بودن آنها را باید قوای امنیتی و اطلاعاتی مسلمانان بررسی و تحقیق نمایند؛ مقصود از محارب بودن تنها جنگ مسلحانه علیه اسلام نمی‌باشد بلکه توطئه و افساد و تبلیغ علیه اسلام نیز حکم محارب را دارد؛ ولی تحقیق و بررسی موضوع بر عهده مقامات استخباراتی و قضایی است.

◆ **سوال:** [۱۰۴۵] آیا فرقه نا اهل بهائیت نجس هستند؟ یا خیر. اگر پیش یک بهایی کارگر باشیم غذایی که می‌دهد نجس است؟ یا خیر.

◆ **جواب:** بلی نجس هستند و اگر غذا با رطوبت بدن بهائی ملاقات کند نجس می‌شود و خوردن آن جایز نیست، چنانچه دست بهایی با رطوبت به ظرف ملاقات کند آن ظرف نجس می‌شود و غذا خوردن در آنها جایز نیست.

◆ **سوال:** [۱۰۴۶] نظر جناب عالی در مورد اسماعیلیان افغانستان چیست؟ آیا این‌ها غالی هستند یا معتقد به اصول دین، آیا مراوده با آنها جایز است؟

◆ **جواب:** باید موردی تحقیق شود؛ اگر آنها معتقد به الوهیت حضرت علی(ع) باشند و یا یکی از ضروریات دین را انکار کنند، محکوم به نجاست هستند و الا پاک می‌باشند.

◆ **سوال:** [۱۰۴۷] اسماعیلیان آغاخانی نماز نمی‌خوانند و بجای آن مراسم خاص در محلی به نام جماعت خانه بجای می‌آورند که یکی از جملات آن سجده لک یا شاه کریم الحسینی می‌باشد. روزه نمی‌گیرند و حج بجای نمی‌آورند. با این وصف حکم آنان از نظر طهارت و نجاست چیست؟

◆ **جواب:** در فرض سوال که سجده برای غیر خدا انجام می‌دهند محکوم به کفر و نجاست هستند.

◆ **سوال:** [۱۰۴۸] مراوده و رفتن به مجالس درویشی، که در آن نماز می‌خوانند و ضروریات دین را قبول دارند علی(ع) را خدا نمی‌دانند و کارهایی مثل آتش خوردن و سیخ زدن ندارند و حتی بعضی‌ها به مستحبات هم عمل می‌نمایند چیست؟ من مدتی است با یکی از اینها آشنا شده و ارتباط نزدیک دارم.

اینها نماز می‌خوانند، روزه مستحبی می‌گیرند، به کربلا و مکه مشرف می‌شوند و... آیا می‌شود در فروع دین و احکام از یکی از آقایان مراجع تقلید، پیروی کنم و در مسائل باطنی و تهذیب نفس از بزرگ آنان تأسی بجویم؟

◆ **جواب:** در فرض سؤال، شما در تهذیب نفس و سیر و سلوک الی الله از مکتب اهل بیت(علیهم السلام) متابعت نمایید، چون مدعیان دروغین عرفان هم زیاد هستند. پیروی از بزرگ آنان در آینده

معلوم نیست چه سرنوشتی را برای شما رقم خواهد زد، سزاوار است از این کار پرهیز شود.

◆ **سوال:** [۱۰۴۹] من با پسری به مدت سه سال است که دوست می‌باشم و دین او علی الهی می‌باشد و حضرت علی(ع) را خدا می‌داند و به بقیه چیزها مانند نماز و روزه نیز پایبند است، ما علاقه بسیاری بهم داریم، آیا ازدواج ما صحیح است؟

◆ **جواب:** اگر حضرت علی(ع) را خدا بداند آن شخص مشرک است و ازدواج مسلمان با کافر جایز نیست.

حریم و محیط پیرامون آن

◆ **سوال:** [۱۰۵۰] بعضی اشخاص، از مردم پول می‌گیرند و از حدود که متعلق خودش می‌باشد برای صاحب پول واگذار می‌کند، از علف و چرائی آن که برای مواشی خود استفاده کند، آیا شرعاً پول گرفتن آن فرد جایز است؟ یا خیر.

◆ **جواب:** پول گرفتن در مقابل حریم قریه جواز ندارد، مگر این که اول علف‌ها را درو و جمع آوری کند بعد از آن می‌تواند بفروشد، قبل از آن فروش و معامله روی آن جواز ندارد.

◆ **سوال:** [۱۰۵۱] در منطقه‌ای نزدیک به دو صد سال می‌شود قبرستانی است و اهل قریه مرده‌هایشان را در آنجا دفن می‌نمایند،

حالا دو طرف قبرستانی زمین کشاورزی درست شده است و صاحب زمین‌های کشاورزی دیگر به ادامه زمین قبرستانی نمی‌گذارد که اهل قریه مرده‌های خود را دفن نمایند چونکه صاحب زمین کشاورزی ادعا دارد که این قبرستانی تعلق به پشته و آبریزه زمین کشاورزی ایشان است، آیا صاحب زمین کشاورزی حق ممانعت را دارد؟ یا خیر؛ آیا برای اهل قبور دیگر جایز است که در این قبرستانی از این پس امواتشان را دفن نماید؟ یا خیر.

◇ **جواب:** اگر زمین موات است به اندازه حریم قبرستان کسی حق تصرف ندارد؛ اما بیشتر از حریم را هر کس احیاء کند مال احیاء کننده است و با پشته بودن و آبریزه کسی نمی‌تواند مالک شود.

◇ **سوال:** [۱۰۵۲] آیا جوی عام و راه عام قطع کننده حریم است؟ یا خیر.

◇ **جواب:** جوی عام و راه عام ضرری به حریم بودن نمی‌زنند و قاطع حریم نمی‌باشند.

◇ **سوال:** [۱۰۵۳] دو نفر زمین زراعتی دارند، که زمین‌های زراعتی شان در کنار هم قرار گرفته‌اند. یکی از این دو نفر در زمین خود درخت غرس کرده است، ریشه‌های درختان صاحب زمین به زمین همسایه رسیده و نهال‌هایی از آن‌ها برخاسته‌اند. حال سؤال این است که این نهال‌ها متعلق به صاحب درخت است یا متعلق به صاحب زمینی که این نهال‌ها در آن قرار دارند؟

◇ **جواب:** در فرض سؤال، نهال‌ها متعلق به صاحب درخت است، ولی صاحب زمین حق گرفتن اجرت المثل را دارد، در آینده نیز اگر صاحب درخت بخواهد درختانش در زمین همسایه باقی بماند، باید اجرت المثل زمین همسایه را بدهد.

◇ **سوال:** [۱۰۵۴] دو نفر در همسایگی هم زمین زراعتی دارند، از وسط این زمین‌ها جوی آبی به طرف زمین‌های کشاورزی دیگران جاری است، یکی از این دو کشاورز در زمین خود، در کنار جوی آب درختکاری نموده است که سایه‌ی آن‌ها در فصل بهار روی زمین زراعتی طرف مقابل را می‌پوشاند، چون کشت این کشاورز جو و گندم است این سایه به محصولاتش ضرر می‌رساند و نمی‌گذارد که آفتاب کافی به محصولات برسند تا رشد کنند، آیا صاحب این زمین می‌تواند خسارت و ضرری که به محصولاتش رسیده (از ناحیه‌ی سایه‌ی درختان زمین زراعتی همجوار) از صاحب درختان بگیرد و یا از او بخواهد که درختانش را قطع کند؟

◇ **جواب:** در فرض سؤال، اگر شاخه‌های درخت در فضای زمین همسایه تعدی کرده باشد، همسایه حق منع دارد، اگر طرف شاخه‌ها را قطع نکرد، شما حق قطع شاخه‌های درخت را دارید و اگر شاخه‌ها در فضای همسایه تعدی نکرده باشد حق منع ندارد، اگر چه سایه‌ی درخت‌ها روی زمین همسایه قرار بگیرد.

◆ **سوال:** [۱۰۵۵] زمینی است که قبلاً حریم روستا بوده و چراگاه حیوانات، مالک حقیقی هم نداشته تا آن را به روال شرعی وقف کرده باشد؛ با این وضع عده‌ای از مردم در این زمین اقدام به دفن اموات کرده‌اند. حال اهالی قریه به دلیل دفن اموات، این زمین را متعلق به خودشان می‌دانند؛ حال آیا این زمین با وصف مذکور، موقوفه است یا برای عموم مردم؟

◆ **جواب:** حریم قریه، ملک اهالی قریه نیست تا وقف کنند، اگر تمام اهالی قریه راضی شوند به دفن اموات، در این صورت دفن اموات اشکالی ندارد.

مسائل پزشکی

◆ **سوال:** [۱۰۵۶] آیا مقررات نظام پزشکی با توجه به ضررها و ضعف هایی که عملاً دارا هستند، در عقلایی بودن و عرفیت معالجه کافی است؟

◆ **جواب:** در صورتی که مقررات نظام پزشکی، ضعف و قصور داشته باشد، در عقلایی بودن و عرفیت کفایت نمی کند.

◆ **سوال:** [۱۰۵۷] تشخیص ضرر اهمّ در امور پزشکی چیست و بر عهده چه کسی است؟

◆ **جواب:** پزشکان متخصص و مورد اعتماد.

◆ **سوال:** [۱۰۵۸] آیا تجویز داروی اعتیاد آور خوراکی به جای داروی غیر اعتیاد آور برای پیشگیری از بروز بیماری های واگیردار جایز است؟ آیا توزیع سرنگ بین معتادان برای پیشگیری از بروز بیماری های واگیردار جایز است؟

◆ **جواب:** اگر پزشکان متخصص مورد اعتماد تجویز کند، اشکال ندارد.

◆ **سوال:** [۱۰۵۹] آیا پزشک می‌تواند به اصرار بیمار، اقدام به

تجویز داروی خاص که برخلاف نظام پزشکی است، بنماید؟

◆ **جواب:** اگر نظام پزشکی بر اساس مصالح تدوین شده باشد،

پزشک نمی‌تواند برخلاف مقررات تجویز کند.

◆ **سوال:** [۱۰۶۰] شخصی بیماری روانی دارد و احتمال دارد

دست به آدم‌کشی بزند، در صورتی که بیماری دیگری هم پیدا

کند، معالجه کدام بیماری او اولویت دارد؟

◆ **جواب:** هر کدام اهمیت و اولویت دارد، اول معالجه شود.

◆ **سوال:** [۱۰۶۱] شیمی‌درمانی بر روی بیماران مرد، موجب

عقیمی دائمی می‌شود، آیا این کار جایز است؟

◆ **جواب:** در چنین مورد اولویتها لحاظ شود، هر کدام مهم است،

در معالجه تقدم دارد.

◆ **سوال:** [۱۰۶۲] در فرمول بعضی از شربت‌های تقویتی و

شربت‌های سینه‌ی بزرگسالان و حتی کودکان، الکل طبی (مست

کننده) بکار رفته است، تجویز آنها به وسیله پزشک و فروش آن-

ها در داروخانه‌ها چه حکمی دارد؟

◆ **جواب:** این دارو نجس است زیرا الکل مست‌کننده با آن مخلوط

شده است.

◆ **سوال:** [۱۰۶۳] آیا برای افزایش طول عمر بیماری که بزودی می‌میرد، استفاده از شیوه‌های پرخطری مانند شیمی درمانی که عوارض آن بیشتر از بیماری اولیه است، جایز است؟

◆ **جواب:** در فرض سوال استفاده از شیمی درمانی برای افزایش طول عمر اشکال ندارد مگر اینکه توان معالجه را نداشته باشد یا قابل تحمل نباشد.

◆ **سوال:** [۱۰۶۴] زنهایی که بیماری پارگی شکم یا بیماری قلب و کلیه مبتلا هستند، بارداری آنها باعث تشدید بیماری یاد شده می‌گردد، آیا می‌توان با بستن لوله‌های رحم از بارداری جلوگیری کرد؟

◆ **جواب:** اگر از راه دیگر امکان جلوگیری از بارداری نباشد، بستن لوله‌های رحم اشکال ندارد.

◆ **سوال:** [۱۰۶۵] اگر دو مصدوم را برای معالجه به نزد پزشکی بیاورند که هر دوی آنها در خطر مرگ قرار دارند، در صورتی که یکی از آن دو مصدوم عضو خانواده‌ای باشد که پزشک، طیب خانواده‌گی آنان است، وظیفه پزشک چیست؟

◆ **جواب:** در فرض سوال هر کدام اولویت دارند از نظر فضل و کمال آن تقدم دارد، مثلاً یکی عالم است و یکی غیر عالم، یکی متقی است و دیگری غیر متقی و... عالم و متقی تقدم دارد و اگر هر دو یکسان باشد دکتر مخیر است در معالجه.

◆ **سوال:** [۱۰۶۶] آیا پرونده‌ای که اسرار بیمار در آن بایگانی می‌شود، می‌توان در اختیار پزشکان دیگر غیر از پزشک معالج یا بستگان بیمار قرار داد؟

◆ **جواب:** اگر حفظ آن اسرار لازم باشد، در غیر ضرورت جواز ندارد در اختیار دیگران قرار گیرد.

◆ **سوال:** [۱۰۶۷] با توجه به مشکلات فردی و اجتماعی بیماری ایدز، آیا آموزش پیشگیری از بیماری ایدز به همه گروه‌های سنی را جایز می‌دانید؟

◆ **جواب:** بله جایز است، بلکه در بعض موارد واجب است که به مردم آگاهی دهند که از این مرض در امان بمانند.

◆ **سوال:** [۱۰۶۸] آیا استفاده از دفترچه بیمه دیگران جایز است؟

◆ **جواب:** اگر بر خلاف مقررات باشد جایز نیست.

◆ **سوال:** [۱۰۶۹] کسی که زمینه فراگیری علوم دینی و علوم پزشکی برای او فراهم است، چه وظیفه‌ای دارد؟

◆ **جواب:** خوب است آن علوم را فرا گیرند و در صورت نبود افراد در آن زمینه فراگیری آن علوم واجب است.

◆ **سوال:** [۱۰۷۰] آیا مصرف غذایی که در بیمارستان برای

بیماران تهیه می‌شود، برای پرسنل یا همراه بیمار جایز است؟

◆ **جواب:** تابع مقررات بیمارستان است.

◆ **سوال:** [۱۰۷۱] بیمارستان‌ها و دیگر مراکز درمانی، هزینه‌ای را به عنوان دستمزد برای پزشکان جراح پرداخت می‌کند، آیا پزشکان جراح یا دیگر پرسنل می‌توانند پولی از بیمار یا بستگان او بگیرند؟

◆ **جواب:** بدون رضایت بیماران حق گرفتن چنین پولی را ندارند.

◆ **سوال:** [۱۰۷۲] مصرف داروهای که از کشورهای غیر مسلمان وارد می‌شود، چه حکمی دارد؟

◆ **جواب:** مصرف داروهای خارجی اشکال ندارد مگر در صورتی که بدانند نجس است.

◆ **سوال:** [۱۰۷۳] از چه آمپول‌هایی می‌توان در ماه رمضان استفاده کرد تا روزه باطل نشود؟

◆ **جواب:** مطلق آمپول روزه را باطل نمی‌کند، ولی بهتر است آمپولهای تقویتی در شب تزریق شود.

◆ **سوال:** [۱۰۷۴] نظر حضرت عالی در خصوص مصرف خودسرانه دارو بدون نظر پزشک چیست؟

◆ **جواب:** اگر احتمال عقلایی ضرر بدهد مصرف داروی خودسرانه جواز ندارد و اگر مطمئن باشد که ضرر ندارد، مصرف دارو اشکال ندارد.

◆ **سوال:** [۱۰۷۵] آزمایش هایی که برای پیشرفت علم پزشکی بر روی حیوانات انجام می شود و باعث مرگ آنها می شود، صرف نظر از ضمان، آیا چنین کاری برای پیشرفت علم پزشکی جایز است؟

◆ **جواب:** بله جایز است (در فرض سوال)، سعی شود که رضایت صاحب حیوان را جلب کند.

احکام تشریح

◆ **سوال:** [۱۰۷۶] اگر در بدن میت شیء گرانبهائی باشد، آیا از نظر فقهی جایز است که بدن را شکافته و آن شیء را بیرون بیاوریم؟ آیا این کار هتک حرمت بدن مسلمان نخواهد شد؟

◆ **جواب:** تشریح بدن میت مسلمان حرام است، مگر برای کشف جرم که در جای خودش بیان شده است.

بلی اگر آن شیء غصبی باشد و صاحب آن مال به هیچ وجه راضی نباشد که آن مال در بدن میت بماند، در این صورت می توانند بدن را بشکافند، ولی باید دیه قطع بدن میت را برای خود میت مصرف کنند، ورثه حق ندارند دیه را بگیرند و اگر خود میت مال را غصب کرده باشد دیه ندارد.

احکام تلقیح

◆ **سوال:** [۱۰۷۷] روش اهدا جنین که جنینی را در رحم زنی که شوهرش مشکل دارد، گذاشته می‌شود چه حکمی دارد، آیا جایز است و محرمیت فرزند چگونه می‌شود؟ همچنین اگر تخمک همسر (مردی که نطفه‌اش مشکل دارد) با نطفه‌ای که در بانک ویژه نگهداری می‌شود [صاحب نطفه جهت این کار رضایت دارد]، اگر لقاح داده شود جایز است و محرمیت فرزند به مادر و همسر وی چگونه می‌شود؟

◆ **جواب:** در فرض سوال صاحب جنین اگر معلوم باشد، یعنی از شوهر باشد، گذاشتن آن در رحم زن بدون پیش آمد مقدمات حرام مثل این که توسط شوهر آن زن باشد، اشکال ندارد؛ اما اگر توسط زن و مرد اجنبی باشد چون مستلزم لمس و نگاه حرام به آلت تناسلی زن است جایز نیست.

اما تخمک اگر به صورت نطفه باشد، گذاشتن آن در رحم زن اجنبیه جایز نیست، اگر چنین کاری کردند در هر دو فرض فرزند مال صاحب جنین و صاحب تخمک است و آن زن (صاحب رحم) هم مادر است، ولی از همدیگر ارث نمی‌برند.

◆ **سوال:** [۱۰۷۸]

۱. حکم تلقیح نطفه بیگانه چیست و فرزند حاصل از این عمل چه حکمی دارد؟

۲. اگر نطفه زن و شوهری را گرفته و در خارج رحم ترکیب، سپس به رحم زنی دیگر (مادر جانشین) تلقیح گردد و طفل متولد شود، فرزند متعلق به کیست (صاحبان نطفه یا مادر جانشین) و با مادر جانشین و شوهر و محارم او محرم می شود؟ یا خیر.

◇ جواب:

ج ۱. جواز ندارد و بچه هم مال صاحب نطفه است.

ج ۲. این عمل شرعا جواز ندارد؛ اگر این کار را کرد بچه مال صاحبان نطفه هست و راجع به مادر جانشین هم احتیاط شود.

◆ سوال: [۱۰۷۹] وارد کردن اسپرم مرد اجنبی در رحم زن، در صورتی که شوهر عقیم باشد، چگونه است؟

◇ جواب: جواز ندارد.

◆ سوال: [۱۰۸۰] وارد نمودن نطفه لقاح یافته پدر و مادر مجهول الهویه، در رحم زن مسلمان با رضایت شوهر، چه حکمی دارد؟

◇ جواب: جواز ندارد.

◆ سوال: [۱۰۸۱] در صورتی که نازایی زن به جهت رحم او باشد و پزشکان تصمیم به برداشتن رحم او بگیرند و رحم او را تعویض کنند، چنانچه زن باردار و بچه دار شوند، حکم فرزند او چیست؟

◇ **جواب:** در صورت ضرورت اگر از راه حلال رحم تبدیل شود، بچه‌ی آن زن و شوهر حلال محسوب می‌شود و اشکال شرعی ندارد.

◇ **سوال:** [۱۰۸۲] بارور کردن زن با اسپرم منجمد شده شوهرش که فوت کرده است، چه حکمی دارد؟

◇ **جواب:** اگر مستلزم مقدمات حرام نباشد و عدّه‌ی وفات شوهرش تمام نشده باشد، اشکال ندارد.

◇ **سوال:** [۱۰۸۳] اسپرم زوج با رضایت او به طریق اصول پزشکی گرفته شده تا به زوجه او تلقیح شود، اما قبل از این کار از دنیا رفته است، پس از فوت شوهر تلقیح صورت گرفته و فرزند به دنیا آمده است، آیا این عمل جایز است؟ آیا حکم مساله در صور زیر تفاوت می‌کند؟

۱. بعد از وفات شوهر و قبل از انقضای عده باشد؟

۲. بعد از وفات شوهر و بعد از انقضای عده.

۳. بعد از وفات شوهر و بعد از ازدواج صاحب تخمک با مرد دیگری و استفاده از اسپرم شوهر متوفای خود.

◇ **جواب:**

ج ۱) اگر مقدماتش حرام نباشد اشکال ندارد، یعنی توسط خود خانم تلقیح صورت گیرد؛ ج ۲) علی الاحوط جواز ندارد؛ ج ۳) جواز ندارد.

◆ **سوال:** [۱۰۸۴] در موارد ضرورت اگر نطفه زن و شوهری را در خارج از رحم با هم ترکیب کنند، که در رحم شخص ثالث (مادر جانشین) قرار دهند، چه حکمی دارد؟

◆ **جواب:** این کار شرعاً جواز ندارد.

◆ **سوال:** [۱۰۸۵] استفاده از بانک اسپرم که قطعاً با استمناء، منی تهیه می‌شود و اجنبی غیر مسلمان هم هستند در باردار کردن زن شیعه که شوهرش اسپرم اصلاً ندارد و بقای زندگیشان منوط به بچه دار شدن است چه صورت دارد؟

◆ **جواب:** بچه دار کردن زن از چنین راهی قطعاً نامشروع است و جایز نیست؛ اگر چنین فرزندی به دنیا بیاید غیر مشروع و حرام زاده است.

◆ **سوال:** [۱۰۸۶] با توجه به این که از نظر علمی هرگاه مردی فوت نماید، تا مدت محدودی می‌توان نطفه او را به رحم زن منتقل کرد و همسر وی را باردار نمود؛ لطفاً بفرمائید:

الف) انتقال نطفه زوج پس از مرگ مرد به رحم زوجه‌اش چه حکمی دارد؟

ب) احکام مربوط به ولد از نظر طهارت، ارث و... در فرزند چگونه است؟

ج) انتقال این نطفه به رحم اجنبی چه حکمی دارد؟

◆ **جواب:**

الف) اگر قبل از انقضای عدّه وفات و توسط خود زن نطفه شوهر

فوت شده در رحمش منتقل شود و مستلزم مقدمات حرام نباشد اشکال ندارد، ولی برای کسی دیگر جایز نیست چون این کار مستلزم لمس و نظر حرام است.

ب) بچه متعلق به پدر و مادر است، ولی بهتر است در مسئله ارث، با سایر ورثه میت مصالحه شود.

ج) این کار حرام است و شرعاً جواز ندارد.

احکام پیوند عضو

◆ **سوال:** [۱۰۸۷] آیا تولید و پیوند اندام و بافت حیوانی به انسان، جایز است؟

◆ **جواب:** اشکال ندارد.

◆ **سوال:** [۱۰۸۸] شخصی در زمان حیات خود با پیوند اعضایش مخالف بوده است، آیا پس از مرگ او می‌توان با اجازه‌ی ولی او چنین کاری را انجام داد؟

◆ **جواب:** اگر حفظ جان مسلمان به آن توقف داشته باشد، اشکال ندارد.

◆ **سوال:** [۱۰۸۹] بیشتر موهای جلوی سرفردی سوخته است، برای ترمیم و استفاده از موی مصنوعی به پزشک مراجعه کرده است، با توجه به اینکه موهای مصنوعی از کشورهای غیر اسلامی وارد می‌شود، آیا این موها پاک هستند؟

◇ **جواب:** غیر از موی کفار و سگ و خوک محکوم به طهارت است.

◇ **سوال:** [۱۰۹۰] آیا می‌توان عضوی از بدن انسان را به حیوان پیوند زد؟ حکم کلی آن چیست؟

◇ **جواب:** اگر برای انسان ضرر نداشته باشد، پیوند عضو انسان به حیوان اشکال ندارد.

◇ **سوال:** [۱۰۹۱] نظر معظم له در مورد اهدای عضو بیمار مرگ مغزی که مرگش قطعی شده چیست؟ آیا این کار جایز است؟

◇ **جواب:** قبل از فوت کامل اگر بواسطه بریدن و بر داشتن آن عضو این شخص فوت کند قتل نفس است، که جائز نیست.

اما بعد از فوت اگر وصیت کرده باشد اشکال ندارد و اگر وصیت نکرده باشد در صورتی که جان مسلمان متوقف بر آن عضو باشد، استفاده از عضویت مسلمان جایز است؛ ولی دیه آن را باید برای میت مصرف کند.

◇ **سوال:** [۱۰۹۲] تحقیقی پیرامون اهداء عضو و پیوند اعضاء داشتم، خواهشمند است نظرات خویش را مشروحاً مبذول فرمایید.

◇ **جواب:** اهداء عضو انسان در صورتیکه ضرر قابل توجه برایش نداشته باشد، جایز است و الا جواز ندارد و اگر عضو میت

منظورتان است در صورتیکه حیات مسلمان متوقف به آن عضو باشد و عضو غیر مسلمان امکان نداشته باشد، جایز است ولی دیه دارد و دیه آن عضو برای خود میت در امور خیریه مصرف شود.

◆ **سوال:** [۱۰۹۳] در صورت امکان اگر سر انسانی را انسان دیگر پیوند بزنند، آیا جایز است؟ در صورت جایز بودن، احکام صاحب سر بر او جاری می‌شود یا احکام صاحب بدن یا شخص جدیدی؟

◆ **جواب:** در صورت امکان حکم صاحب بدن جاری می‌شود، چون جزء بدن او محسوب می‌شود.

◆ **سوال:** [۱۰۹۴]

الف) آیا فروش یا اهدای اعضای بدن برای جراحی و پیوند به دیگران جایز است؟

ب) آیا فروش و اهدای این اعضا به دیگران بعد از مرگ شخص جایز است؟

ج) آیا شخصی که قرار است اعدام شود می‌تواند به نحو الف یا ب اقدام به فروش یا اهدای عضو نماید؟

د) با توجه به این که فروش و پیوند، موجب تأخیر اجرای حکم می‌شود آیا بین حد یا قصاص تفاوتی وجود دارد؟

◇ جواب:

الف) اگر فروش یا اهدای عضو ضرر کلی به انسان بزند این کار جایز نیست و الا اشکال ندارد.

ب) اگر جان (حیات) مسلمانی به آن بستگی و توقف داشته باشد، اشکال ندارد.

ج - د) اهدای عضو اشکال ندارد، مگر این که موجب تأخیر حکم شود، اگر فروش و اهدای عضو موجب تأخیر حکم شود، این کار جایز نیست.

شبیه سازی انسان و حیوانات

◇ سوال: [۱۰۹۵] آیا شبیه سازی انسان با توجه به آثار منفی اجتماعی و حقوقی که ممکن است داشته باشد از نظر شرع چیست؟

◇ جواب: اگر آثار منفی داشته باشد خلاف شرع بوده و جائز نیست.

◇ سوال: [۱۰۹۶] آیا کلونینگ (شبیه سازی) حیوانات جایز است؟

◇ جواب: شبیه سازی حیوانات اشکال ندارد، ولی شبیه سازی انسان جایز نیست.

◆ **سوال:** [۱۰۹۷] در مورد شبیه سازی انسان نظر حضرتعالی چیست؟ آیا در فرض امکان، این کار مجاز است؟ و آیا تحقیقات در این زمینه مجاز است؟ یا خیر.

◆ **جواب:** از شبیه سازی به خاطر محذورات و مفاسد که دارد، خود داری شود، همچنین تحقیقات مرتبط با آن.

تغییر جنسیت

◆ **سوال:** [۱۰۹۸] اگر زنی ازدواج کرده، پس از ازدواج تغییر جنسیت دهد و به مرد تبدیل شود، حکم ازدواج و مهریه او چگونه است؟

◆ **جواب:** تغییر جنسیت در مورد انسان جایز نیست، مگر در مورد خنثی غیر مشکله که علایم مردی و یا زنی در او وجود داشته باشد.

استفاده از خون غیر مسلمان

◆ **سوال:** [۱۰۹۹] آیا یک مسلمان در حالت اضطرار و یا بنا بر گفته متخصصان می تواند از خون مسیحی، یهودی، نصاری و کافر در بدن خود استفاده کند؟

◆ **جواب:** در صورت ضرورت اشکال ندارد.

آزمایش دارو بر روی انسان

◆ **سوال:** [۱۱۰۰] محققان علم پزشکی برای کشف داروها و روش‌های جدید درمان و یا کاهش هزینه درمان بیماری‌های مختلف، اقدام به انجام آزمایش‌هایی بر روی بیماران به دو روش می‌نمایند:

(۱) دارو درمانی، (۲) روش دارو نما (در این روش مریض تصور می‌کند موارد مصرفی که پزشک به او می‌دهد موجب بهبودی او می‌شود و حال آن که در واقع دارویی در کار نبوده و صرفاً جهت بررسی تأثیر تلقین به کار گرفته می‌شود).

این آزمایش‌ها که بیشتر در مورد بیماری‌های مهلک و صعب‌العلاج مانند سرطان، ایدز و... انجام می‌شود، در برخی موارد موجب آسیب دیدن یا تأخیر در بهبودی بیماران مورد آزمایش می‌گردد. با عنایت به مطلب مذکور بفرمایید: انجام چنین آزمایش‌هایی که برای پیشرفت علم پزشکی انجام می‌گیرد از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

◆ **جواب:** در صورت رضایت مریض، اگر این گونه دارو درمانی و دارو نما در بهبودی یا تسکین بیماری و یا در ادامه حیات او مؤثر باشد، اشکال ندارد؛ اما اگر فریبی در کار باشد و داروها را بخواهند بر روی آن مریض آزمایش کنند جایز نیست، مگر با رضایت خود بیمار.

جبران خطای پزشکی

◆ **سوال:** [۱۱۰۱] پزشکی بر اثر سوابق طولانی که در طب داشته به خود مغرور شده و با یک نگاه سطحی چرک لوزه را به دیفتری اشتباه گرفته که در نتیجه موجب ایجاد روماتیسم قلبی و عمل و خسارات عمده‌ای شده است، آیا ضامن همه آن مخارج به عهده او است؟

◆ **جواب:** در صورتی که دکتر کوتاهی کرده و به وظیفه اش درست عمل نکرده باشد ضامن همه خسارت‌هاست.

◆ **سوال:** [۱۱۰۲] صدور گواهی نادرست از سوی پزشک سهواً یا عمداً چه حکمی دارد؟

◆ **جواب:** صدور گواهی نادرست عمداً حرام است و در صورت سهو معذور است در صورتی که تسامح و تساهلی در کار نبوده باشد.

◆ **سوال:** [۱۱۰۳] اگر در اثر تزریق آمپول، بیمار فوت کند، آیا پزشک ضامن است یا کسی که آمپول را تزریق کرده است؟

◆ **جواب:** هر کدام مقصر است، همان ضامن است، اگر دکتر در تجویز آمپول مقصر است، دیه را باید دکتر بدهد و اگر باعث مرگ آمپول زن شده، دیه بر عهده اوست.

◆ **سوال:** [۱۱۰۴] اگر پزشک جراح پس از عمل جراحی بعضی از لوازم خود را در شکم مریض جا گذاشته و در اثر سهل انگاری ضایعات و خساراتی از قبیل عمل مجدد متوجه بیمار شود، آیا پزشک ضامن آن خواهد بود؟

◆ **جواب:** بله پزشک ضامن می‌باشد.

◆ **سوال:** [۱۱۰۵] بیماری که برای معالجه درد شکم یک بار به عنوان «آپاندیس» و بار دیگر به عنوان «اثنا عشر» و بار سوم به عنوان «سرطان روده» تحت عمل قرار گرفته و معلوم شده بیماری وی «سرطان روده» بوده، آیا دو پزشک قبلی که بر اثر اشتباه در تشخیص مخارج مهمی را متوجه بیمار کرده‌اند، ضامن همه مخارج هستند؟

◆ **جواب:** اگر در تشخیص‌شان دچار اشتباه شدند ضامن خسارت وارده نمی‌باشند و اگر پزشک نبودند و یا در تشخیص کوتاهی کردند ضامن خسارت وارده می‌باشند.

◆ **سوال:** [۱۱۰۶] اگر مأمورین دامپزشکی حیواناتی را واکسینه کنند و مسائل قابل توجه پس از واکسینه را به صاحبان دام نگویند و بر اثر عدم رعایت آن، همه حیوانات واکسینه شده بمیرند، ضمان آن به عهده کیست؟

◆ **جواب:** اگر خسارت وارده عرفاً متوجه مأمورین دامپزشکی باشد آنها ضامنند.

مال مواد مخدر

◆ **سوال:** [۱۱۰۷] نظر مبارک در مورد استعمال مخدرهای مانند نوار، با توجه به ضررهای مالی و جسمی که دارد و بسیار از کارشناسان طبی و... ضرر آنها را تأیید کرده‌اند، چیست؟

◆ **جواب:** اگر کسی علم یا اطمینان به ضرر عقلایی آن می‌دهد استعمال دخانیات و نوار بر او حرام است؛ اما اگر ضرر جزئی و غیر معتابه باشد اشکال ندارد.

◆ **سوال:** [۱۱۰۸] آیا کشیدن تریاک اشکال شرعی دارد یعنی حرام است؟ یا خیر.

◆ **جواب:** اگر استعمال آن موجب اعتیاد شود حرام است.

مسائل متفرقة

رساله

◆ **سوال:** [۱۱۰۹] من از دوستان شنیده‌ام که شما گفته‌اید: نگاه کردن به برنامه شبکه الله یاری حرام است، آیا این واقعیت دارد؟ یا خیر.

◆ **جواب:** در فرض سؤال اینجانب نگفته‌ام که نگاه به آن شبکه حرام است؛ بلکه منظورم این است که در اوایل، اجازه‌ی دادن بخشی از سهم مبارک امام(ع) را برای آن شبکه داده بودم، به این شرط که مسائل تفرقه انگیز را نشر نکند؛ چون به نفع ملت ما نیست؛ از آنجایی که کارکنان این شبکه به آن شرط عمل نکردند و به تدریج و تفرقه افکنی پرداختند، لذا طی بیانیه‌ای از تاریخ ۱۳۸۹/۶/۲۲ استفاده‌ای این شبکه از سهم مبارک امام(ع) را منع کرده و اجازه مصرف سهم امام(ع) را برای این شبکه نمی‌دهم.

◆ **سوال:** [۱۱۱۰] اگر برخلاف قوانین و مقررات کشوری در روزنامه‌ای علیه فرد یا افراد، مقاله توهین آمیز درج کنند و به او اجازه جواب گویی ندهند و از این طریق مردم را به فحاشی و

ناسزاگویی علیه وی برانگیزند، ضمانی به عهده آن روزنامه نگار خواهد آمد یا صرفاً گناهکار است؟

◇ **جواب:** صرفاً گناهکارند.

◇ **سوال:** [۱۱۱۱] در مواردی که روزنامه نگاران بر اثر درج مقالات توهین آمیز علیه اشخاص موجب تحریک مردم شوند، که از این راه خسارات جانی یا مالی متوجه آن شخص شود، آیا ضمان آن به عهده روزنامه نگاران است؟

◇ **جواب:** روزنامه نگاران گناهکارند ولی ضامن خسارات وارد شده توسط خسارت وارد کننده‌ها نیستند، خسارات زنده‌ها خود ضامن خسارات وارد شده هستند..

◇ **سوال:** [۱۱۱۲] اگر بر اثر جو سازی، فردی را دستگیر و بازداشت کنند و روزنامه نگاران پیش از ثبوت جرم، دست به نشر اتهامات واهی بزنند و از این طریق وی را مفتضح کنند، آیا ضمان خسارات مادی و معنوی به عهده آنهاست؟

◇ **جواب:** خسارت مالی به عهده مباشرین است و شرعاً هم کار خلاف شرع انجام داده‌اند و روزنامه نگاران گناهکارند.

◇ **سوال:** [۱۱۱۳] با توجه به این که غالب برنامه‌های ماهواره فاسد است، که اثرات منفی در پی دارد، به طوری که در هر

خانه‌ای وارد شود غالباً از آن سوء استفاده خواهد شد، (هرچند امروزه برنامه‌های مفید و علمی نیز در آن زیاد شده است) نظر شما در مورد استفاده از این وسیله سمعی بصری چیست؟

◇ **جواب:** اگر از برنامه‌های مفید و علمی و حلال آن استفاده کنند اشکال ندارد؛ ولی اگر نتوانند جلو فرزندان را از برنامه‌های فاسد آن بگیرند، خریدن و نگهداری آن جواز ندارد.

◇ **سوال:** [۱۱۱۴] با توجه به اینکه اینترنت قابل استفاده صحیح و ناصحیح است و مطالب خوب و بد دارد، به تعبیری جزء ابزار مشترک هست؛ چنانچه از آن استفاده‌های مشروع کنند، چه حکم دارد و خرید و فروش ابزار آن چه صورت دارد؟

◇ **جواب:** در فرض سؤال بیع و شراء آن جایز است و نیز استفاده مشروع از آن بلا اشکال است.

◇ **سوال:** [۱۱۱۵] نگاه به زنان نامحرم در تلویزیون چنانچه موجب فساد و انحراف نشود و نیز نگاه کردن به عکس‌ها برهنه یا نیمه عریان، چه حکمی دارد؟

◇ **جواب:** اگر از روی التذاذ نباشد و موجب فساد نگردد، اشکال ندارد؛ در صورت دوم مقتضای احتیاط اجتناب از نگاه کردن است.

◆ **سوال:** [۱۱۱۶] با توجه به این که مدارهای ماهواره‌ای در سازمانی معین به کشورها اختصاص می‌یابد که بعد از این اختصاص، آن کشور می‌تواند ماهواره‌های خود - اعم از خود ساخته، خریده یا استیجاری - را در آن مدارهای محلی قرار دهد، لطفاً بفرمایید که آیا حق استفاده یک کشور از این مدارها به نحو مالکیت است یا حق انتفاع؟

و آیا اجاره یا وقف آن مدارها توسط این کشورها جایز است؟ یا خیر.

◆ **جواب:** در فرض سوال به نحو مالکیت است و حق انتفاع هم اختصاص به کشور سازنده دارد. وقف عین ماهواره‌ها در منافع محله اشکال ندارد.

اگر شرط عدم واگذاری لحاظ نشده باشد، اجاره و هر نوع بهره برداری از آن که به منافع دیگران آسیب نرساند جایز است.

آداب و رسومات

◆ **سوال:** [۱۱۱۷] بستن کروات (نکتایی) چه حکمی دارد؟

◆ **جواب:** اگر ترویج فرهنگ غیر مسلمین به حساب آید، جایز نیست.

◆ **سوال:** [۱۱۱۸] آیا کراحت بریدن نان با چاقو و نیز کراحت قرار دادن نان زیر ظرف غذا از باب تسامح در ادله سنن است، یا مبنی بر روایت معتبری است؟

◆ **جواب:** در صورت صدق بی احترامی عرفی نسبت به نعمت الهی در فرض سوال کراحت دارد و الا کراحت شرعی ندارد.

◆ **سوال:** [۱۱۱۹] با توجه به اینکه دریافت شهریه رتبه سه را برخی از آیات عظام منوط به معمم بودن دائمی نموده‌اند برخی از طلاب فقط روز دریافت شهریه معمم می‌شوند.

سوال این است که این شهریه رتبه سه برای این گونه افراد چه حکمی دارد؟ چون که این افراد فقط برای دریافت شهریه معمم

می‌شوند و بعد از دریافت شهریه‌ها از حالت تعمم خارج می‌شوند.

◇ **جواب:** در فرض سؤال اگر شهریه را منوط به معمم بودن کرده‌اند منظور شان این است که طلبه همیشه معمم باشد؛ اگر این افراد به غیر از روزهای اخذ شهریه معمم نباشند گرفتن شهریه‌ی این آقایان از مراجع برایشان حرام است و نباید از دفاتر آنها شهریه رتبه سه را بگیرند و یا باید به شرط عمل کرده و همیشه معمم باشند.

◇ **سوال:** [۱۱۲۰] نظر شما درباره نوروز چیست؟ آیا می‌توان آن را عید تلقی کرد؟ آیا شرکت، برگزاری و بزرگ نمودن چهارشنبه سوری و هفت سین و سیزده بدر از نظر شرع درست است؟ یا خیر.

◇ **جواب:** عید شرعی بودن نوروز ثابت نشده، چهارشنبه سوری و هفت سین و سیزده بدر شرعیت ندارند، همه روزها روز خدا است، عقیده به چهارشنبه سوری و سیزده بدر مذموم است.

◇ **سوال:** [۱۱۲۱] آیا حرکاتی مانند رکوع و سجده که در بعضی از رشته‌های ورزشی وجود دارد و جزو قوانین به حساب می‌آید انجام دادنش اشکالی دارد؟

◇ **جواب:** اگر به قصد ورزش حالت رکوع و سجده را انجام دهد، اشکال ندارد.

◆ **سوال:** [۱۱۲۲] با توجه به این که در حال حاضر در کشور ما (افغانستان)، بستن کروات (نیکتای) به عنوان شعار بیگانگان و همبستگی با آنها نیست و جزء لباس محسوب می‌شود؟ چه حکمی دارد؟

◆ **جواب:** بنا بر احتیاط از بستن کروات خود داری شود.

◆ **سوال:** [۱۱۲۳]

- ۱- تراشیدن ریش تا حدی که فقط قسمت چانه باقی بماند، که گاه به آن ریش پروفیسوری گفته می‌شود، از نظر شرع چه حکمی دارد؟
- ۲- آیا نوجوانان که محاسن آنها به صورت نامنظم روئیده می‌توانند صورت را بتراشند تا ریش به صورت کامل درآید؟

◆ **جواب:**

ج ۱) همان اندازه که صدق ریش گذاشتن کند کافی است.

ج ۲) تراشیدن ریش حرام است ولو ابتدایی باشد.

◆ **سوال:** [۱۱۲۴] حکم پوشیدن لباس آستین کوتاه در صورتی که تنگ و چسبان باشد و آستین‌های آن نیز خیلی کوتاه باشد چیست؟ اگر در شهری چنین لباسی رایج شده باشد وظیفه ما چیست؟

◆ **جواب:** استفاده از چنین لباس‌هایی نسبت به مردان اشکال ندارد،

اگر چه احوط است از پوشیدن لباس های آستین کوتاه و تنگ خود داری شود.

◆ **سوال:** [۱۱۲۵] در برخی مناطق عرفها و الزامات و سنتهای عرفی ای راجع به ازدواج وجود دارد (از جمله ازدواج بدلی (دختر در بدل دختر) یا ازدواج شغار یا استخوان بدل) فتوای شخص شما راجع به این مسئله چیست؟

◆ **جواب:** در فرض سؤال، این گونه ازدواجها البته ازدواج شغار نیست چون دختر را مهر برای دختر دیگر قرار نمی دهند تا نکاح شغار صدق کند اما قرار تجربه این گونه ازدواجها خوب نیست، ولو فی نفسه عقدهای طرفین صحیح است، ولی اگر در یک طرف، میانه‌ی زن و شوهر بهم بخورد غالباً در طرف دیگر هم اثر بد می گذارد و چه بسا که هر دو طرف کارشان به جدایی و طلاق کشیده شود.

◆ **سوال:** [۱۱۲۶] در برخی مناطق «ازدواج خانه جفا یا داماد سرخانه»، رایج است فتوای شخص شما راجع به این مسئله چیست؟

◆ **جواب:** اگر منظور شما از این اصطلاح همان خانه داماد باشد، یعنی دختر را در خانه‌ی پدرش عروس کند و داماد همراه پدر زن خود زندگی کند اشکال ندارد. یعنی داماد با رضایت خویش در

خانه پدر زن زندگی کند از نظر شرعی مانعی ندارد..

◆ **سوال:** [۱۱۲۷] در برخی عرف‌های جامعه «به نام کردن دختر و پسر در هنگام تولد» (نامزدی در طفولیت یا حتی قبل از تولد)، وجود دارد و تا حدی هم رایج است، نظر شخص معظم له در این مورد چیست؟

◆ **جواب:** در فرض سؤال، این گونه رسومات و رواج‌ها درست نیست، صرف نامزدی الزام آور نیست؛ اما اگر طفل نابالغی را عقد کند و آن عقد به مصلحت صغیر باشد و با اذن ولی طفل عقد اجرا شده باشد عقد صحیح است، چنانچه آن عقد مفسده‌ی عقلانی داشته باشد این طفل بعد از بلوغ می‌تواند آن عقد را بهم بزند.

◆ **سوال:** [۱۱۲۸] در برخی از مناطق افغانستان «ازدواج خون بها یا خون بس، که دختر برای حل منازعه به طرف خانواده مقتول داده می‌شود» وجود دارد، فتوای جناب عالی در این رابطه چیست؟

◆ **جواب:** این مسئله با فقه امامیه مطابقت ندارد و علتش این است که دختر یک انسان آزاد است و در ازدواج رضایت دختر شرط است، که با هر کس صلاح بداند با اجازه پدر و یا جد پدری می‌تواند ازدواج کند. لذا در مقابل خون بها دختر داده نمی‌شود،

برای این که دادن دختر در مقابل خون بها یک نوع معامله است و هیچ مذهبی قائل به جواز معامله انسان آزاده نیستند.

◆ سوال: [۱۱۲۹]

- ۱- بستن کروات و حکم نماز خواندن با آن چیست؟
- ۲- آویختن صلیب در گردن چه حکمی دارد؟ آیا نماز خواندن با آن جایز است؟ یا خیر.
- ۳- اگر کسی مشروبات الکلی بخورد، نمازش تا چه مدت قبول نیست؟ و در این مدت وظیفه اش چیست؟

◆ جواب:

ج ۱) کروات زدن از مظاهر غربی‌ها و کشورهای غیر اسلامی است، بهتر است در کشورهای اسلامی از آن اجتناب شود اما نماز خواندن با آن اشکال ندارد.

ج ۲) صلیب کردن حرام است اگرچه مبطل نماز نیست و شخص مسلمان نباید مروج دین مسیحیت باشد.

ج ۳) با خوردن شراب، شارب خمر، مستحق آتش جهنم می‌شود؛ مگر این که از این عمل زشت توبه کند.

اما راجع به اینکه نمازش تا چند مدت قبول نیست، باید بدانید که قبولیت و عدم قبولیت آن در اختیار خداوند است.

◆ سوال: [۱۱۳۰] حکم و مدرک دست دادن پس از نماز جماعت

چيست؟ در صورتیكه به قصد مطلوبیت مطلق انجام شود نه يك عمل عبادی، آیا ترك آن، همچنین ممانعت از دست دادن اشكال دارد؟

◇ **جواب:** مدرک ندارد و استحباب این کار ثابت نشده است اگر به قصد رجا دست بدهد اشكال ندارد برای اطلاع بیشتر می توانید به کتاب سفینه البحار ماده «صفح» و «عنق» مراجعه کنید.

اسامی مسرکه

◆ **سوال:** [۱۱۳۱] کاغذهایی را که اسامی مقدس دارند به کارخانجات خمیر کاغذ بفروشیم در صورتی که احتمال دارد با کاغذهای نجس یکجا خمیر شوند، چه حکمی دارد؟

◆ **جواب:** اگر موجب هتک نباشد اشکال ندارد.

◆ **سوال:** [۱۱۳۲] برای محو کردن اسامی مقدسه چه روشی بهتر است، آیا باید دفن گردد یا در رودخانه و مانند آن ریخته شود آیا محو کردن آن با ماژیک و مانند آن کفایت می‌کند؟ یا خیر.

◆ **جواب:** انداختن در رودخانه اگر از جهات دیگر مانند آسیب رساندن به محیط زیست و ... مانع نداشته باشد، بهتر است اگرچه دفن آن هم در جای که هتک محسوب نشود جایز است.

◆ **سوال:** [۱۱۳۳] استفاده از گردنبندها که اسامی مقدسه دارد چگونه است؟ آیا محض اینکه دست یا بدن بدون وضو به طور مستقیم با آن تماس نگیرد، باعث حلال شدن استفاده آن می‌شود؟ یا خیر.

◆ **جواب:** اگر دست و بدن بدون طهارت با آن تماس بگیرد جایز

نیست و الا مانع ندارد.

◆ **سوال:** [۱۱۳۴] اگر نام خداوند همراه اسمی یا کلمه‌ی باشد

مانند «ماشاء الله»، «ولی الله»، «عبدالله» لمس کردن آن چه حکمی

دارد؟

◆ **جواب:** بدون طهارت لمس آن جواز ندارد.

اعتبار ارقام و علامت

◆ سوال: [۱۱۳۵] بنده محقق مجموعه کتب ادله اثبات دعوی هستم، که یکی از مباحث مجلد نخستین آن راجع به ادله اثبات دعوی در آیین یهود است، بناء بر این ضرورت، با کمک یکی از روحانیون، من با یک کلیمی متدین ضدصهیونیزم آشنا شدم و چندی پیش با ایشان برای صرف غذا به یکی از رستوران‌های شهر رفتیم، هنگامی که غذا سفارش دادم آن مرد کلیمی به شدت از صاحب رستوران انتقاد کرد چرا که او معتقد بود که خرید نوشابه‌های پپسی و کوکاکولا در جهت کمک به دولت اسرائیل است، که آرم فارسی کوکاکولا را اگر روبروی آینه بنگریم روی آن نوشته: «لا محمد لا مکه» و همچنین پپسی علامت اختصاری جمله Pay each penny save Israel به معنی یک پنی پرداز برای بقای اسرائیل است؛ و توهین به اسلام تلقی می‌گردد، که از نقطه نظر این فرد کلیمی توهین به اسلام توهین به ادیان دیگر هست، نظر معظم له بر فرض ثبوت این ادعا راجع به تحریم کالاهایی که شاید ۹۰ درصد مصرف داخلی را در دست دارد و

همچنین خرید و فروش این نوع کالاها چیست؟

◇ **جواب:** در فرض سوال چون برداشت و ادعای مفروض مسلم و تأیید شده نیست، لذا در خرید این نوشابه فی نفسه اشکال به نظر نمی‌رسد؛ در صورتی که ادعای مذکور ثابت شود، چون ترویج باطل و ترویج کفر است، خرید و فروش نوشابه‌های مذکور و مانند آن، حرام است.

اصطلاحات و تعامیر

◆ **سوال:** [۱۱۳۶] تقلید ابتدایی و تقلید غیر ابتدایی را توضیح

دهید؟

◆ **جواب:** هر کس در سن تکلیف شرعی برسد باید از مرجع واجد

شرایط تقلید کند؛ این تقلیدی ابتدایی است.

اگر کسی مرجع تقلیدش فوت کند و از مرجع دیگر تقلید کند یا

با اجازه مجتهد زنده به تقلیدش باقی بماند این تقلید غیر ابتدایی

(بقاء بر تقلید از میت) است.

◆ **سوال:** [۱۱۳۷] جاهل قاصر و مقصر چیست؟

◆ **جواب:** جاهل قاصر جهل مرکب دارد، خیال می‌کند که می‌دانم

در حالیکه واقعاً نمی‌داند و یا دسترسی به عالم ندارد که سوال

کند؛ اما جاهل مقصر کسی است که نمی‌داند ولی دسترسی به

عالم دارد و سوال نمی‌کند لذا از نظر شرعی در احکام معذور

نیست.

◆ **سوال:** [۱۱۳۸] لطفاً معنی دقیق رد مظالم و جاهای واجب شدن

آن و نیز موارد مصرف آن را شرح دهید؟

◆ **جواب:** ردّ مظالم آن مالی است که کسی آن مال را از مردم

غصب کرده یا پیدا کرده است، یا اینکه کسی را زده و جرحی بر او وارد کرده است که اکنون صاحب آن دیه و آن مال را نمی‌داند یا دسترسی به طرف ندارد؛ باید با اجازه حاکم شرع برای فقراء بدهد؛ اما اگر صاحب مال را می‌شناسد باید مال را به صاحبش برگرداند.

◆ **سوال:** [۱۱۳۹] در بعضی از پاسخ سوالات بنده، شما فرمودید

که «این مسله جواز ندارد» هدف این اصطلاحی دینی را نمی‌فهمیم که چیست آیا این کار را انجام بدهیم یا ندهیم؟

◆ **جواب:** در فرض سوال معنای این کلمه «جواز ندارد» یعنی حرام

است و جایز نیست یعنی نباید انجام بدهید.

ورزشی و تفریح

◆ **سوال:** [۱۱۴۰] زن یا مرد مسلمان می‌تواند با مسیحی، یهودی،

نصرانی، کافر و ... در یک کلب ورزش کند؟

◆ **جواب:** با رعایت شئون اسلامی اشکال ندارد.

◆ **سوال:** [۱۱۴۱] اگر دو گُشتی‌گیر که در ابتدای گُشتی، احتمال

کشته شدن یا خسارت دیدن نمی‌داده‌اند و در عین حال پای یکی

به دیگری بیچد و به همین علت به زمین افتاده خسارتی را

متحمل شود، ضمان آن به عهده کیست؟

◆ **جواب:** اگر حریف مقصر باشد دیه به عهده اوست؛ مگر اینکه از

ابتدا ضمان خسارت را برداشته باشند.

◆ **سوال:** [۱۱۴۲] در کلیه مسابقاتی که از طرف دولت تدارک

می‌شود، آیا ضمان خسارت‌های وارده به عهده یکی از طرفین

است یا به عهده دولت؟

◆ **جواب:** به عهده کسی است که خسارت وارد کرده، مگر این که

دولت قبلاً خسارت را به عهده گرفته باشد.

◆ **سوال:** [۱۱۴۳] دوچرخه، موتور و اسب سواری بانوان در محیط‌های مخصوص بانوان در صورت که سبب ضرر و زیانی نگردد چه حکمی دارد؟

◆ **جواب:** در فرض سوال اگر مفسده نداشته باشد اشکال ندارد.

و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین